

# بخشی از تفسیری کهن

بایادداشتی از

استاد محبتی میونی

بامقدمه و تصحیح

محمدرؤشن



باجمه کوشانی که در سالهای اخیر برای تحقیق و جمع در آثار ادبیات هزار ساله فارسی انجام گرفته و صد کتاب در ساله پراش از دانشندان و نویسندگان و شاعران این سرزمین انتشار یافته است هنوز کارنا کرده بسیار است. درباره نکات و دقائق زبان فارسی هزاران نکته هست که باید باروش علمی مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد و هزاران کتاب خطی در کتابخانه های داخل و خارج کشور موجود است که هنوز منتشر نشده و دسترس دانش پژوهان قرار گرفته است. بسیاری از متون و یقیناً ادبیات ایران نیز اگر چه مکرر صورت طبع یافته باید با دقت بیشتری تصحیح و تنقیح شود.

یکی از وظایف بنیاد فرهنگ ایران که به فرمان مبارک اعلیحضرت هایون شاهنشاهی ایران برای خدمت به زبان و ادبیات فارسی تأسیس یافته تحقیق و جمع و کوشش در این زمینه است. در سلسله در زبان و ادبیات فارسی، تا آنجا که میسر باشد متون ادبی منتشر نشده کهن با دقتی که در خواست طبع می شود و حاصل مطالعه و تحقیق درباره نکات و مسائل مربوط به زبان و ادبیات ایران به صورت کتابها و رسائل انتشار می یابد و از قنهای منتشر شده نیز مواردی که ضرورت داشته باشد متون اعتادی دقیق فراهم می شود تا بتوان در انواع تحقیقات ادبی و زبان شناسی از آنها به عنوان مأخذ و اسناد مورد اعتماد استفاده کرد.

دیرعلی و دیگر عال بنیاد فرهنگ ایران  
مکرر پوز خانمیری

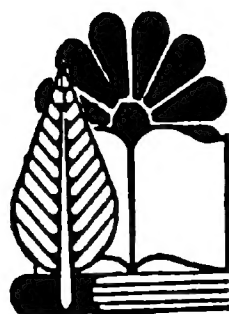


# بخشی از تفسیری کهن

بایادداشتی از  
استاد محبتی مینوی

بامقدمه و تصحیح

محمد روشن



انتشارات بنیاد فرهنگ ایران

۱۳۸۰

از این کتاب

۱۲۰۰ نسخه در تابستان ۱۳۵۱ در چاپخانه داورپناه

چاپ شد

یہ نام و یاد گیلان و عزیزان

## فهرست مندرجات

یادداشتی از استاد مجتبی مینوی	نه — ده
مقدمه مصحح	یازده — چهل
عکس هشت برگ از نسخه	چهل و یک — چهل و هشت
بخشی از تفسیری کهن	۱ — ۱۲۸
بخشی از ترجمه‌ای کهن از آیه‌های قرآنی	۱۲۹ — ۱۶۶
فهرست لغات و ترکیبات فارسی متن	۱۶۷ — ۱۹۵
د لغات و ترکیبات عربی به فارسی متن	۱۹۶ — ۲۰۲
د لغات و ترکیبات فارسی بخش دوم	۲۰۳ — ۲۱۶
د لغات و ترکیبات عربی به فارسی بخش دوم	۲۱۷ — ۲۲۲
د نامهای کسان و فرق و قبایل	۲۲۵ — ۲۳۰
د نامهای جایها	۲۳۱ — ۲۳۲
د نامهای کتابها	۲۳۳
صوابنامه	۲۳۵

در کتبخانه خسرو پاشا از جمله نسخه‌های وقف بر مزار  
ابوایوب انصاری در استانبول کتاب شماره ۵ نسخه‌ایست  
از تفسیر قرآن که فقط شصت ورقه‌ای از آن بجا مانده است .  
همه این اوراق مربوط است به تفسیر سوره بقره، ولی بعضی  
ورقها از میان افتاده است . از اول که بنده دیدمش گمان  
بردم نسخه‌ای متعلق به قبل از چهارصد هجری است. آیات  
قرآنی شیوه خط ایرانی مستخرج از معقلی کتابت شده  
است و عبارات فارسی نیز بهمان شیوه منتهی قدری ساده‌تر  
و مدورتر. از کاغذ و مرکب و شیوه خط تردیدی نمی‌توان  
داشت که بهر حال دیرتر از چهارصد کتابت نشده .

بدین دلایل که عرض شد عکس نسخه را گرفتم و میل  
داشتم که آن را بصورت عکسی به انضمام نشی از متن  
به حروف چاپ کنم. کثرت کارهای مختلف من مانع از این

اقدام گردید و اکنون دوست عزیزم آقای محمد روشن آن  
نیت مرا به احسن وجوه جامه عمل پوشانیده‌اند ( کاش  
چاپ عکسی آن را هم بدست می‌دادند).

قطع اصل نسخه ۲۱ X ۳۰ سانتیمتر است و مسطره  
هر صفحه عاده هفده سطر است . حرکات اصلی بسبک قدیم  
به قرمزی و سبزی بوده است که هنوز هم هست ؛ منتهی  
زبر وزیر و پیش و شده و سکون بسبک جدید را هم بر آن  
( شاید بعدها ) علاوه کرده‌اند .

از ابتدا بنظر بنده چنین آمد که سبک انشای این تفسیر  
بآن تفسیر قرآن مجید (نسخه کیمبریج) که مرحوم ' براون  
معرفی کرده بود شباهنی دارد، ولی هنوز نتوانسته‌ام این دو  
را با هم چنانکه باید بسنجم . مع هذا هنوز به این عقیده  
معتقدم که بهر صورت انشاء آن قبل از چهار صد هجری شده  
است . افسوس که موازین و معاییری برای سنجش سبکها  
در دست جوانها افتاده است که آنها را ملاک قطعی حل و  
فصل این قبیل امور قرار می‌دهند و زحمت تحقیق و تتبع  
را بر خود هموار نمی‌کنند. امیدواریم روزی بیاید که جوانان  
حوصله کار جدی داشته باشند .

مجتبی مینوی



## به نام خدا

نیازی نیست از پایگاه بلند تفسیرها و ترجمه‌هایی که از قرآن کریم به جای مانده است، سخنی به میان آورم. پیداست نوشته‌هایی از این دست، تا چه پایه به رسا گردانیدن زبان فارسی مدد رسانیده است.

متنی که اینک در پیش روی خواننده گرامی است، مشتمل بر دو پاره از این گونه نوشته‌هاست که یاد کردم. پاره نخستین بخشی است از تفسیری ناتمام بر سوره بقره - از آیه ۷۸ تا آیه ۲۷۴\* - و پاره دوم نیز ترجمه‌ای است از همان آیه‌ها از آن سوره.

راست آن است که در نسخه اصلی، که برگه‌هایی اندک از آن به جای مانده، وضع بدین سان نبوده است. چنان که در نمونه عکسهای نسخه دیده می‌شود، نخست آیه قرآن آمده است و سپس ترجمه و

---

\* شمار آیه‌های تفسیر شده، ۱۹۶ نیست، زیرا از این مبانه ۶ آیه کامل و قسمتهایی از ۶ آیه دیگر، و ترجمه و تفسیر آن افتاده است. شماره آن آیه‌ها را که افتاده است یاد می‌کنم:

قسمتی از آیه ۲۳۲ و تمام آیه ۲۳۳ و قسمتی از آیه ۲۳۴؛ و قسمتی از آیه ۲۵۷ و تمام آیه ۲۵۸ و قسمتی از آیه ۲۵۹؛ و قسمتی از آیه ۲۶۷ و تمام آیه ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱.

تفسیر آن؛ اما در زیر آیه‌ها به خطی تازه‌تر و نزدیک‌تر به زمان ما ترجمه‌ای باز نویس شده است. این دو ترجمه همانند یکدیگر نیست. خط و شیوه کتابت آن نیز همزمان نیست. پیداست که سالها - چه بسا يك دوسده - بعد، کسی آیه‌ها را بدان گونه که خود خواسته ترجمه کرده است، و یا از ترجمه‌ای کهن، به احتمال بسیار ترجمه تفسیر طبری، نقل نموده است. از این روی درهم آمیختن این دو بخش را، که بسی گمان همزمان نیست، روا ندانستم.

در باب اصل نسخه، استاد مجتبی مینوی، آنچه گفتنی بود، بیان فرمودند \* . چیزی بر آن نمی‌توان افزود.

آشنایی من با این نسخه و دسترسی به عکس آن، به عنایات لطف آمیز و بیدریغ استاد علامه، که همه گاه از آن برخوردار داشته‌ام، بوده است.

چون به آماده ساختن متن پرداختم، بهتر دانستم که آن را با تفسیرهایی کهن چون: ترجمه تفسیر طبری، تفسیر قرآن پاک، ترجمه و قصه‌های قرآن و قرآن مترجم شماره ۴ بسنجم. حاصل این سنجشها را در زیر می‌آورم.

فهرستهایی نیز از لغات و ترکیبات فارسی و برابرهای تازی و فارسی متن و زیر نویس - که در این چاپ بخش دوم نام یافته است - تدوین کردم که در پایان کتاب آمده است.

در راه شناختن دوسه تن، که نام آنان چندبار در متن کتاب آمده است و گمان می‌رفت که به شناخت تحقیقی زمان نگارش اثر مدد

---

\* - نیز، رك: فهرست میکروفیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

رساند، از کوشش و جستجو در کتابهای رجال و طبقات مفسران باز نایستادم ولی دریغاً به نتایجی که امید داشتم، نرسیدم. نام این سه تن: ابوسهل انصاری، خواجه با منصور، و ابوجعفر است. در باب يك دونن از اینان حدسهایی می توان زد و به مثل خواجه با منصور را همان محمد بن محمد بن محمود، ابومنصور المائری می توان دانست \* . من به این حدسها دل نبستم ولی دور نمی بینم که دانشمندان درین باب، با تحقیقاتی که خواهند کرد، به نتایجی دلپذیر برسند. در آن صورت، بی گمان سپاسگزار آنان خواهم بود .

ضروری بود که درباره اختصاصات کتابتی متن و نکات دستوری آن نیز، یادداشتهایی فراهم شود. اینک مختصری از این گونه یادداشتها را عرضه می دارم .

**اختصاصات کتابتی :**

\* قاعده نوشتن دال و ذال را رعایت می کند ؛ و در زیر دو حرف دال و ز برای پرهیز از اشتباه نقطه می گذارد.

\* پ و چ را به يك نقطه می نویسد و کلمات آنکه ، آنچه ، چنانکه ... را آنك ، آنچه و چنانك ...

\* که را گاه جدا به صورت دیرینه کی و گاه به صورت امروزین که ؛ و در بیشتر اوقات پیوسته به کلمه بعد می نویسد : کهمی (= که همی) ، کفران (= که فران) ، کتبه (= که تبه) ، کفر دلهای ما (= که فر دلهای ما) ، کمتر ترا که محمدی (= که مر ترا که محمدی) ، کنام او (= که نام

---

\* - به اعلام الزرکلی. الجزء السابع. ص ۲۲۲، و مراجعی که وی یاد

کرده است؛ و ریحانة الادب. مدرّس تبریزی. چاپ دوم. ج ۵. ص ۱۲۲ نگاه کنید.

او). کما را (= که ما را) ، گرفتنی تکنیده (= که زفتنی تکنید) ، کست کاری کرده باشید (= که ست کاری کرده باشید) ، کبک (= که یک) ...

\* گاه حرف اضافه بدو حرف عطف نفی نه به کلمه بعد می پیوندند و گاه جدا نوشته می شود: بیگانگی (= به یگانگی) ، نفاذ دارنده ای (= نه نفاذ دارنده ای) ...

\* دو کلمه چون و تو به صورت : چن و ته دیده می شود.

\* دان، جمع عموماً به صورت دآن، است.

\* گاه از آوردن ه بیان حرکت پرهیز می کند : ماد(ه)خر،

ماد(ه) گاو

\* در کلماتی که به (هائ) بیان حرکت پایان می یابد، ی ضمیر و تنکیر و نسبت را به صورت ی می نویسد : خواستی (= خواسته ای) ، آموزنده ی (= آموزنده ای)

\* در کلمات مختوم به (ا) نیز به هنگام پیوستن یاء تنکیر و ضمیر و مصدری و نسبت، به نوشتن بک (یاء) اختصار می شود : گهای (= گهایی) ، علامتهای (علامتهایی) ، ترسای (= ترسایی) ، شکبای (= شکبایی)

\* عموماً همزه داست را در پیوند به کلمات مختوم به (هائ) بیان حرکت و حتی ماضی نقلی حذف می کند: کعبت ، اندرست ، یادگردست ، نازداشتست .

\* در اضافه کلمات مختوم به (هائ) بیان حرکت، علامت اضافه به صورت دی، است :

خاندی کعبه ، قبله ی ما ، پذیرنده ی آن

\* - در متن به غلط «گرفتنی مکنید» چاپ شده است.

## نکات دستوری :

\* تبدیل ب به ف درین متن - بخش نخستین - چندان است که  
کوبی صورتی جز آن نمی شناخته :

فاز خرید / ۵ ، فیداد / ۶ ، فازگشت / ۶ ، فردلها / ۸ ، فی فرمان / ۱۱ ، فاز  
بین / ۱۱ ، فیدادگران / ۱۲ ، ۴۸ ، فی عیبی / ۱۶ ، فرساز داشت / ۱۷ ، فی  
گمانان / ۲۶ ، فی تقصیر / ۲۸ ، فروفر / ۳۳ ، فی آمیز / ۳۵ ، فیگانگان / ۴۰  
فیزار / ۴۸ ، ۷۶ ، فی خردان / ۵۰ ، فی راهان / ۵۰ ، فام / ۱۰۶ ، فرین گردون  
فریستند / ۱۰۹ ... و پاره ای تبدیل های دیگر :  
نبشتن ندانند / ۳ ، دوزخ / ۷ ، ۷۵ ، اسپس (= از پس) / ۲۰ ، ۸۱ ،  
واجباعتی / ۲۰ ، بام گرفتن / ۱۰۶

\* تخفیف و ادغام نیز درین متن دیده می شود :

نوکام / ۲۵ ، ۷۹ ، هیچیز / ۲۲ ، ۹۰ ، سخر / ۶ ، ۶۵ ، ببران / ۱۲  
ماموز / ۱۶

\* همه جا همی آمده ولی گاه مقدم بر فعل و گاه مؤخر از آن،  
و گاه میان آن و فعل فاصله می افتد :

همی نبینند / ۳ ، همی بلفنجند / ۴ ، همی آموختند / ۱۶ ...  
به سرمقر آیند همی / ۳ ، ازسرایها بیرون کنید همی / ۶ ، خواهند همی  
/ ۷۲ ، آزمایش کرد خواهد همی تان / ۱۱۰ ، همی کار نبندید / ۶ ، همی به بدی  
فرماید / ۴۹ ، همی امام خلق خواهم کرد / ۲۹ ، همی پنهان کنند / ۴۵

\* صفت با موصوف گاه مطابقه می کند:

بداداران شیرخوردمان / ۳ ، یتیمان فی پدران / ۴ ، بندمان روزه داران  
/ ۵۹ ، زنان دست فازداشتگان / ۹۰ ، پیغامبران گذشتگان / ۱۱۲

\* گاه به جای حرف ربط «و» ، «او» دیده می شود :

چون بیاید به سوی ایشان آن پیغامبر که شناخته بودندش به نیت اوصفت  
او منکر شدند او را / ۸. آن جماعتی بودند که رفتند ابراهیم او فرزندان او  
۳۶/ . صَبَك تَکَنَد رُوْزِی و سَاعَتِی اَز اِیْشان لَعْنَت اَوْعْذَاب / ۳۶

\* حرف نفی گاه از فعل جدا نوشته شده :

نه این دعا کنند / ۱۲ . نه فازدارند / ۲۸ . نه فازدارنده باشد مرایشان  
را / ۲ ....

\* به کلمات عربی دی، مصدری می افزاید:

حریصی / ۱۲ . قادری / ۱۹ . مؤمنی / ۳۰ . امامی / ۸۸

\* آوردن صفت تفصیلی مرکب :

گردن برده تر / ۳۳ . منفعت ناکثر / ۱۹ . نیکوتر نام نهنده تر / ۳۵ .  
خصومت گزتر / ۸۵ . دوست دارنده تر / ۳۷ . حقومند تر / ۹۶ . علامت کننده تر  
۳۵/ ....

\* بر سر فعل نفی ونهی بای زینت یا تاکید می آورد :

نرسد / ۸۲ ...

\* به کار بردن ضمایر متصل به جای ضمایر منفصل :

چون حربی بیوفتادی شان... / ۸ . بگوئید که یارب مان بهران / ۱۲ .  
بیاموزند همی جادوان از جادوی که زیان داردشان اندران جهان و سود  
نداردشان اندرین جهان / ۱۲ . مهلت ده مان / ۱۸ . بشنوید کتاب خدای را و آنچه  
فرمایدگان پیغامبر خدای / ۱۸ . زاد اسپری شده باشدشان / ۸۳ . نگیرد تان  
خدای... / ۹۴ . جز که تان خدای بدان سوگندانی گیرد و عقوبت کند که عقد دل  
فران بسته باشید / ۹۴ . پند همی دهد تان بدو / ۹۹ . درازی عمر نر هاند مغ را و  
جهود را از دوزخ اگرشان بزیانند هزار سال / ۱۳ ...

\* آوردن «را» پس از «از بهر» ، «به سبب» :



از بهره‌چله علت را جهودان حریص تر آمدند فرزندان از مغان / ۱۳. به  
سبب آن را کان موضع بتان بودی / ۴۴، اندرگشتی هاهمی روند اندر دریاها  
فرروی آب از بهر سودآدمیان را / ۴۷، فریضه کردند فرشما کارزار فادشمنان از  
بهر دین خدای را / ۸۳ ...

\* به کار بردن پسوند اومند :

خردومندان / ۷۰، ۴۷، حقومند تر / ۹۶، حقومند / ۱۰۸.

\* وجه مصدری گاه مرخم و گاه کامل دیده می‌شود :

فریاد رسید نتوانند / ۲۷، که شد نتوانید / ۶۷، فایدی شدن / ۱۲۴

\* در به کار بردن افعال شیوه‌ای گهنه دارد :

اگر شما مومن بودیدی گوساله نپرستیدیدی / ۱۱، پیش از خویشتن

فرستاد ستند / ۱۲، پیغامبر چنان گمان بردی کان حقتی / ۱۱۷، نخواهندی

کافران از جهودان... که فرو فرستندی فرشما / ۱۸، شما که جهودانید حاضر بودید

نزد یعقوب بدان وقتی کاو را هر گز آمد تا بدانستیدی که به دین جهودی

وصیت کرد / ۳۳، جدا نکنیم میان هیچ کس از پیغامبران که به بهری بگرویی

و به بهری نگرویی / ۳۳. ای جبریل خواستی که خدای عزوجل مرا فاز قبلای

کعبه فاز گرداندی / ۳۸، پیغامبر... سوی آسمان همی نگرستی و دعا همی کردی

اومید آن را که وحی آیدی / ۳۸، منکر و نکیر گویند مرو را، مدانی،

همچنین بوده بودی اندر سرای دنیا / ۴۵، زمان ندهند مرا ایشان را که بیاسایندی

یا فاز این جهان آیندی و توبه کنندی / ۴۶، نخواهند که بشنوند حق را ... یا

بینند حق را یا خرد را کار بندندی / ۵۱، هر که او قربان نیابد یا بهای قربان که

بکندی ... / ۶۹، مایه ندارند که بازرگانی کنندی و بروندی اندر زمین / ۱۲۶

\* ضمایر مشترك را به تکرار و تاکید به کار می‌برد :

نگردد از ملت ابراهیم مگر آن کسی که خویشتن خویش را نشناسد / ۳۱،

هر که او از خودی خویش نیکی کند ... خدای پذیرنده‌ی آنت / ۴۵،

اگر به خودی خویش بیرون شوند... / ۱۰۳ ...

سنجش متن تفسیر - بخش یکم - و زیر نویس آن

- بخش دوم - با ترجمه تفسیر طبری \*

\*\*\*

آیه ۷۸ :

و ز جمله‌ی جهودان نادانان اند نبشتن ندانند مگر ... حق و باطل، و ایشان نیستند... مگر به گمان .

متن. ص ۴

و زیشانند ایمانند که نه دانند کتاب مگر گمها (ن.ل: سو گندها و باطلها) که ایشان مگر می گمان کنند.

طبری. ص ۸۵

و از ایشان نا نویسد گانند ندانند کتاب مگر سو گندها و باطلها و نیستند ایشان مگر به گمانان .

زیر نویس. ص ۱۴۱

\*\*\*

آیه ۷۹ :

وای فر آن کسایی... که همی نیستند توریت رابه دستهاشان پس... گیرند این از خدای آمدست، تا بدان بدل گیرند سود زیان

---

\* ترجمه تفسیر طبری. بتصحیح و اهتمام حبیب یغمائی.

انتشارات دانشگاه تهران. ۷ مجلد

اندکی ... وای فراشان (متن: فریشتگان) فر آنچه بنیستند همی به  
دستهایشان... وای فراشان بدانچه همی بلفنجند.

متن، ص ۲

وای آن کما را که نیستند کتاب را به دستهای ایشان، باز  
گویند: اینست از نزد يك خدای، تا بخرند ازان به بهای اندك.  
وای ایشانرا [از] آنچه نبست دستهای ایشان، وای ایشانرا بدانچه  
کسب کنند.

طبری، ص ۸۵

وای باد آن کسانی را که همی نویسند کتاب را به دستهایشان  
پس گویند این از نزد يك خدای است تا بخرند بدان بهای اندك.  
وایل باد ایشان را از آنچه بنوشت دستهای ایشان، وویل باد ایشان  
را از آنچه سازند کسب.

زیر نویس، ص ۱۳۱



آ ۸۳ :

چوما پیمان گرفتیم فر فرزندان یعقوب... که نپرستید و بندگی  
نکنید مگر (متن: مر) بار خدای را ... و به جای مادران و پدران  
نیکوی کنید... و بنیمان فی پدران را وفی مادران... و نیز درویشان  
را ... جهانیان را نیکو گوید.

متن، ص ۴

که گرفتیم پیمان فرزندان یعقوب که : مه پرستید مگر خدای  
را، و به مادر و پدر نیکوی کنید [ن. ل : کردن] ، و به خداوندان  
خویشی و بنیمان و درویشان ، و بگوید مردمان را نیکوی...

طبری، ص ۸۵

و چون بگرفتیم عهد فرزندان یعقوب که نپرستید مگر خدای  
را، و به مادر و پدر نیکوی کردن، و با خداوند خویشی و با بنیمان و  
با درویشان ، و گوید با مردمان نیکو...

زیر نویس، ص ۱۳۱

\* \* \*

آیه ۸۴ :

چون فر شما حجت گرفتیم که خون یکدیگر مریزید ، و  
يك مر دیگر را از شهرها نان بیرون مکنید، پس شما مفر آمدید...

متن. ص ۵

که گرفتیم پیمان شما : مه ریزید خونهای شما ، و مه بیرون  
کنید تنهای شما را از سرایهای شما ، پس اقرار کردید و شما دید  
حاضران .

طبری. ص ۸۶

و چون بگرفتیم پیمان شما که نه ریزید خون یکدیگر و نه  
بیرون کنید یکدیگر را از سرایهای شما پس مفر شدید، و شما بودید  
حاضران .

زیر نویس. ص ۱۳۲

\* \* \*

آیه ۹۹ :

وما فرو فرستادیم زی نه ... آبنهای پیدا کرده ... و جاحد  
نشوند ... مگر شکنندگان عهد .

متن. ص ۱۴

که بفرستادیم سوی تو آبنهای پیدا، و نه کافر شوند بدان مگر  
تباه کاران .

طبری. ص ۹۴

و به درستی که فرو فرستادیم سوی تو حجتهای پیدا، و نشود  
کافر بدان مگر فاسقان.

زیر نویس. ص ۱۳۳

\* \* \*

آیه ۱۰۱ :

و چو پیامد سوی ایشان پیغامبری ... از نزد خدای... استوار  
دارنده مران ... را که نزد ایشان بود ... بهری از ایشان سپس پشت  
افگندند کتاب خدای را ... چنانکه ایشان نشناسندی .

متن. ص ۱۵

و چون آمدشان پیغامبری از نزد يك خدای ، راست دارنده

آنها که با ایشان است، بپنداخت گروهی از آن کسها که بدادندشان  
 کتاب ، کتاب خدای از پس پشت ایشان ، چنانکه ایشان نه‌دانند.  
 طبری، ص ۹۵  
 و چون پیامدشان پیغامبر از نزد خدای راست دارند بدانچه  
 به ایشان است ، بپنداخت گروهی از آن کسان [که] بدادندشان  
 نامه، نامه خدای را از پس پشتشان ، چنانکه ایشان ندانند.  
 زیر نویس، ص ۱۲۴

\*\*\*

آیه ۱۲۱:

آن کسها که مرا ایشان را ما علم تسوریت دادیم ... همی  
 خوانند به سزای خواندن او ، ایشانند که بگروند به توریت ... و  
 هر که مرورا راست گوی ندارد ... ایشانند زیان کاران .

متن، ص ۲۷

آنکسها که بدادیم شان کتاب می‌خوانند آنرا سزای  
 خواندن [ن] آن . ایشانند که بگروند بدان ، و هر که کافر شود بدان  
 ایشانند ایشان زیان کاران.

طبری، ص ۱۰۱

آن کسانی که فرستادیم ایشان را نامه ، همی‌خوانند او را  
 سزای خواندن آن . ایشانند که می‌گروند بدان ، و هر که نگرود  
 بدان، ایشان باشند که ایشان از زیان کارانند.

زیر نویس، ص ۱۲۸

\*\*\*

آیه ۲۰۸:

با آن کسها که بگرویدید ... کار کنید به شرایع مسلمانی  
 همه، و متابع فرمان دیو باشید ... که دیو مرشما را دشمن است  
 پیدای .

متن، ص ۷۷

ای آنکسها که بگرویدید اندر شوید اندر مسلمانی همه ،  
 و مه پسر وی کنید پیهای دیورا ، که اوست شما را دشمن هویدا.

طبری، ص ۱۲۳



ای آنانکه ایمان آورده‌اید، در آید در آشتی همه، و مکنید  
پس روی گامهای دیورا، که او [است] شما را دشمن هویدا.  
زیر نویس. ص ۱۵۳

\* \* \*

آیه ۲۱۵ :

ترا همی پرسند... چه مقدار صدقه دهند؟... بگوی مرایشان  
را آن ... نفقه‌ای که بکنید فرمادر و پدر کنید و فرخویشان نزدیک  
تر، پس فرقی پدران و درویشان... و فرغریان از مسافران - که زاداسپری  
شده باشندشان - و هر هزینه‌ای که بکنید... خدای... بدان... داناست.  
متن . ص ۸۳  
می پرسند ترا چه هزینه کنند؟ بگو: آنچه هزینه کنید از نیکی  
مادر و پدر راست و خویشانرا و یتیمانرا و درویشانرا و راه گزندیان  
را، و آنچه کنید از نیکی که خدای بدان داناست.

طبری. ص ۱۳۴  
می پرسند ترا که چه نفقه می کنند؟ بگو: آنچه هزینه کردید  
از نیکی، مادر و پدر [ راست ] و خویشاوندان و بی پدران را و  
درویشان را و ره گزندیان را . و آنچه می کنید از نیکی به درستی  
خدای به آن داناست.

زیر نویس. ص ۱۵۴

\* \* \*

آیه ۲۴۳ :

عجب ناید ترا... از آن کسها کایشان برون آمدند از مسکن  
هاشان ، و ایشان هزاران بودند... از بیم مرگ گریخته بودند .  
خدای‌شان بمیرانید، پس ... شان زنده کرد ، خدای ... خداوند  
منت است فرندگان خویش... و جز بیشتر از خلق شکر نکنند .

متن . ص ۱۰۵

نه بینی سوی آن کسها که بیرون شدند از سرایهاشان و  
ایشان [ بودند ] هزاران ، از بیم مرگ ، گفت ایشانرا خدای :  
بمیرید، پس زنده کردشان که خدای خداوند فضل است بر مردمان،  
ولکن بیشتر مردمان نه شکر کنند.

طبری. ص ۱۴۶

آیا نه دیدی آنان را که بیرون شدند ازسراهاشان ، وایشان  
هزاران بودند، پرهیز ازمرگ، پس گفت ایشان را خدای: بمیرید.  
پس زنده کردشان ، به درستی که خدای ، خداوند فضل است بر  
مردمان، ولیکن بیشترمردمان شکر نمی کنند.

زیر نویس، ص ۱۶۰



آیا ۲۵۱:

بشکستندشان به فضل وخواست خدای ، وبکشت داود ...  
جالوت ... را، وخدای... داود را پادشایی داد... وپاموخت مرو  
را ازان علمی که خدای خواست ... و گرفتارداشت خدای نبینی  
مر بهری را ... به بهری... خراب کردندی ... جز که خدای ...  
خداوند منت است و سپاس فرمؤمان.

متن، ص ۱۱۱

هزیمت کردندایشان را به فرمان خدای وبکشت داودجالوت  
را، و بداد اورا خدای پادشاهی وحکمة، واندرآموخت اورا آنچه  
خواست . و اگر نه باز داشت خدای استی مردمان را برخی از  
ایشان به برخی تباه شدی زمین ، ولیکن خدای خداوند فضل است  
برجهانیان.

طبری، ص ۱۴۹

بشکستند ایشان را به دستوری خدای، وبکشت داودپیغامبر  
جالوت را، وبداد اورا خدای پادشاهی و نبوت، و درآموخت او  
را ازآنچه خواست. و اگر نه بازداشتن خدای بودی مردمان را ،  
برخی ایشان به برخی ، تباه شدی زمین. ولیکن خدای، خداوند  
فضل است برجهانیان .

زیر نویس، ص ۱۶۲



سنجش متن تفسیر - بخش یکم - و زیر نویس

- بخش دوم - آن

با

تفسیر قرآن پاك ، قرآن خطی مترجم شماره ۴

و ترجمه و قصه های قرآن

\*\*\*

آیه ۷۹ :

وای فرآن کسهائی ... که همی نبیسنند نوریت را به دست  
هاشان ... پس ... گویند این از خدای آمدست ، تا بدان بدل  
گیرند سود زبان اندکی ... وای فرایشان [ متن: فریشنگان ] فر  
آنچه نبیسنند همی به دستهاشان ، وای فر ایشان بدانچه همی  
بلفنجند .

متن . ص ۲

وای باد آن کسانی را که همی نویسنند کتاب را به دست  
هاشان ، پس گویند این از نزدیک خدای است ، تا بخرند بدان

---

\* - تفسیر قرآن پاك، به اهتمام علی روافی .

- متن پارسى از قرن چهارم هجرى معرفى قرآن خطى  
مترجم شماره ۴، از دکتر رجائی .

- ترجمه و قصه های قرآن، مبتنى بر تفسیر ابو بكر عتیق  
نیشابورى. به سعى و اهتمام دکتر یحیی مهدوى - دکتر مهدى یانى

بهای اندك . وبل باد ایشان را از آنچه بنوشت دستهای ایشان ، و  
وبل باد ایشان را از آنچه سازند کسب .

زیر نویس. ص ۱۳۱

وای بریشان ... که به خودی کتابها نبشتند ... پس ...  
گفتند که این از نزد خدای ... آمده است ... تا بدان سبب خود  
را چیزی ... حاصل کنند ... وای وبل بریشان ... وای بریشان بدین  
کسبها که می کنند.

تفسیر قرآن پاک ص ۲۵

وای آن کسها را که نیسند نامه را به دستهای خویش پس  
گویند این از خدای است تا بخرند به وی بهای اندك وای مر  
ایشان را از آنچه نبشت دستهای ایشان و وای مرایشان را از آنچه  
کسب کنند.

قرآن مترجم شماره ۴، ص ۸۵

وای وسخترین عذاب آنها را که می نویسند نبشته به دست  
های خویش، پس می گویند این از نزدیک خدای است، تا بخرند  
بدان بهای اندك . وای بریشان از آنچه نبشته بود دستهای ایشان  
پس وای بریشان از آنچه می کنند.

ترجمه و قصه های قرآن. ص ۱۴

\*\*\*

آیه ۸۳ :

جو ما پیمان گرفتیم فرزندان یعقوب ... که نپرسید ...  
مگر (متن: مر) بار خدای را ... و به جای مادران و پدران نیکوی  
گنبد ... و خویشها را پیوندید، و یتیمان و فی پدران و فی مادران  
نیکو دارید ... و نیز درویشان را ...

متن. ص ۴

و چون بگرفتیم عهد فرزندان یعقوب که نپرسید مگر خدای  
را، و به مادر و پدر نیکویی کردن، و با خداوند خویشی و با  
یتیمان و با درویشان ...

زیر نویس. ص ۱۳۱

ما پیمان بستیم ... مر فرزندان یعقوب را ... تا نپرسند جز

مربك خدای را... و بفرمودیم تا به جای مادران و پدران نیکوی...  
کنند... و به راستای خویش و پیوندان نیکوییها کنند... و به جای  
درویشان و بیچارگان...

تفسیر قرآن پاک. ص ۲۸

و چون گرفتیم پیمان پسران یعقوب که نپرسید مگر خدای را  
و با مادر و پدر نیکوی کردن، و با خویشاوندان و بی پدران و  
درویشان...

قرآن مترجم شماره ۴ ص ۱۵۲

و چون برگرفتیم ماعهد استوار بر فرزندان یعقوب که نپرسید  
مگر خدای را، و به جای مادر و پدر نیکوی کردنی، و به جای خویشان  
و بی پدران و درویشان...

ترجمه و قصه های قرآن. ص ۱۴

\*\*\*

آیه ۸۴ :

چون فرما حجت گرفتیم که خون يك ديگر مرزید، و  
يك مردیگر را... از شهرها تان بیرون مکنید، پس شما مقرر آمدید...

متن. ص ۵

و چون بگرفتیم پیمان شما که نه ریزید خون یکدیگر، و نه  
بیرون کنید یکدیگر را از سرای های شما، پس مقرر شدید...

زیر نویس. ص ۱۴۲

گفتیم شما را [و عهد بستیم] که مرزید خون اهل دین خویش  
و مربك دیگری را از خانها و شهر ها بیرون مکنید، شما خستون  
شدید...

تفسیر قرآن پاک. ص ۳۰

و چون بگرفتیم پیمان شما که مرزید خونهای شما و بیرون  
مکنید تنهای خویش را از سراهای خویش بازخستو شدید...

قرآن مترجم شماره ۴. ص ۸۶

آنگاه که فراستدیم پیمان شما که نه ریزید خونهای يك  
دیگر و بیرون نکنید يك دیگری را از خانه های شما، پس خستو  
آمدید...

ترجمه و قصه های قرآن. ص ۱۴



آیه ۸۷:

موسی را نوریت دادیم ما، و سپس مرگ موسی، پیغامبران پیوسته کردیم ... و مرعسی را، پسر مریم را، کرامت کردیم به عجایبها و نشانیها ... یاری دادیم مرعسی را به جبریل پاك ... و هر باری که پیغامبری ... به شما آورد چیزی و حکمی که مراد شما اندران نبود، گروهی را دروغ‌زن کردید ... و گروهی را بکشید. متن، ص ۷

و به درستی که بدادیم موسی را کتاب، و بیاوردیم از پس او پیغامبران، و بدادیم عیسی پسر مریم [را] حجتها، و نیرومند کردیم او را به جبرایل پاك، ای هران وقت که یاید به شما پیغامبری بدانچه ندارد دوست تنهای شما، بزرگی جستید شما، گروهی را به دروغ گرفتید، و گروهی را بکشید.

زیر نویس، ص ۱۴۲

به راستی و درستی که دادیم ما موسی را نامه‌ای ... از پس مرگ موسی بك از پس دیگر پیغامبران فرستادیم ... بدادیم مرعسی را پسر مریم را ... نشانیهایی ... یاری دادیم ما مرعسی را به جبریل پاکیزه ... هر باری که به شما آید ... رسولی بدانچه که ... بر مراد شما نباشد، بزرگ منشی کردید ... بك گروه را دروغ‌زن کردید، و گروهی را بکشید.

تفسیر قرآن پاك، ص ۴۴

و درست بدادیم موسی را کتاب یعنی نوریت و بر اثر وی فرستادیم از پس وی پیغامبران و بدادیم عیسی را پسر مریم را حجتها، و نیرومند کردیمش به جبریل پاکیزه تا هر گاه که یامد به شما پیغامبری بدانچه آرزو نکند تنهای شما بزرگ منشی کردید و گروهی را به دروغ‌زن دارید، و گروهی را بکشید.

قرآن مترجم شماره ۴، ص ۸۶

و بدرستی که ما بدادیم موسی را نبشته و فراداشتم از پی او رسولان را، و بدادیم عیسی پسر مریم را هویدانیها و نیرومند کردیم بجان پاك، یا هر گاه که به شما آمد رسولی بدانچه خوش



نپامد شما را بزرگ منشی کردید ؟ گروهی را بدروغ می داشتید ،  
و گروهی را می کشید .

ترجمه و قصه های قرآن. ص ۱۵

\*\*\*

آیه ۹۹ :

وما فرو فرستادیم زی نه ... آبنهای پیدا کرده ... و جاحد  
نشوند مرین آبنها ... را ... مگر شکنندگان عهد.

متن. ص ۱۴

و به درستی که فرو فرستادیم سوی نوحجنهای پیدا، و نشود  
کافر بدان مگر فاسقان.

زیر نویس. ص ۱۴۴

به راستی که ما به سوی تو فرو فرستاده ایم آبنهای ... بدید  
کرده ... منکر نشوند مگر فاسقان بی فرمانان.

تفسیر قرآن پاک. ص ۲۸

وما فرو فرستادیم سوی تو نشانهای پیدا، و کافر نگردند بدان  
مگر بی فرمانان .

قرآن مترجم شماره ۴. ص ۱۴۵

بدرستی که فرو فرستادیم بنو نشانها پیدا و هویدا ، وی  
سنود نشود بدان مگر بدمردان و بیرون شوندگان از فرمان او.

ترجمه و قصه های قرآن ص ۱۷

آیه ۱۴۱ :

آن جماعتی بودند که رفتند ... مرایشان را ثواب آنچه  
ایشان کردند ، و مرشما را مکافات آنچه شما کنید . و شما را از کار  
ایشان نپرسند .

متن. ص ۴۶

این است گروهی که به درستی بگذشت ، او راست آنچه  
کسب کرد ، و شما راست آنچه کسب کردید ، و نی پرسند شما را  
از آنچه بودند عمل کردند .

زیر نویس. ص ۱۴۱

قومی بودند که رفتند و گذشتند ، مرایشان راست پاداش هر

چه کردند ... و مر شما راست نیز پاداش هر چه کنید ... نگیرند به  
کردهای ایشان .

تفسیر قرآن پاک. ص ۱۳۹

آن گروهی بودند که گفتند ایشان را است آنچه کردند و  
شما را است آنچه کردید و پرسند از آنچه ایشان همی کردند.

قرآن مترجم شماره ۴. ص ۱۲۳

آن گروهی اند که گذشته، ایشان راست آنچه کردند و شما  
راست آنچه کنید ، و شما را پرسند از آنچه ایشان می کردند.

ترجمه وقصه‌های قرآن. ص ۲۴

قرآن مترجم شماره ۴	پاك	طبرى	زير نويس	متن
-	ما بگرويديم به خداى	بگرويديم به خداى	-	آمنابالله : گرويديم ما به خداى
جستن	-	جستن	جستن	ابتغا : جستار
ره گنديان	-	راه گنديان	ره گنديان	ابن السبيل : مسافران، غريبان
بزه	بزمينى	بزه	بزه ، گناه	انهم : بزه، خطا، جور
دستورى	خواست	فرمان	دستورى	اذن : فرمان، خواست، دستورى
-	ناسازوارى (كردند)	اختلاف (كردند)	اختلاف كردند	اختلفوا : دو گروهى كردند
زمى	زمين	زمين	زمين	ارض : زمى
(اسلمتم) كردن نهاديد	خالص كردان	مخلص باش	(اسلم) كردن نه	اسلمت : كردن دادم
-	دوؤخيان	خداوندان آتش	ياران دوزخ	اصحاب الجحيم : اهل دوزخ
-	دردناك	دردناك	دردناك	اليم : دردناك
نانيستند گان	كم دانان	ايمان (كه نندانند كتاب) ، نانيستند گان	نادانان	اميون : نانو بستندگان
-	-	بادسخت	باد	اعصار : بادسوزان
بادگرم به نبرو	-	گروه	گروه	امة : جماعت
(امم) گروهان	-	خداوندان خردها	خداوندان عقل	اولى الاقياب : خردمندان
خداوند خردها	-	ايمان	گرويدگان	ايمان : گروهش
گروش	-	سختى	درويشى و بيمارى	باسا : درويشها
سختى	-			

## جدول مقایسه و اژه های چهار تفسیر

قرآن متر چهارم	پاک	طبری	زیر نویس	معن
—	بدجایگاهها مبدع ، نو سازنده	بدست آن جایگاه آفریدگار، نو کار	بدجای باز شدن —	بش المصیر : بدجای فاز گشتا بدیع السموات : نو کننده...
—	ینا از پس به راستی	ینا پس از به راستی	— از پس به راستی، به سزا	بصیر : دانا بعد : اسبب بالحق : به راستی
سبس	به راستی بهر	به راستی برخی ، پاره ای	بهره — برخی ، بهره	بشیر : مرزده دهنده بعضی : بهری
—	مژدگان دهنده	مژده دهنده	سبکی بگذاشتن	تخفیف : آسانی
سبك گر دانیدن	—	دست باز داشتن	پذیر (از ما)	كرك : دست فاز داشتن
دست باز داشتن	پذیر از ما	پذیر از ما	نو بستن داری	تقبل هما : پذیر از ما
خو بستن داری و نهفتگی	—	پاکیزگی و نهفتگی	—	كفف : نهفتگی
بها	راه یابید پذیرنده تو به میوه ها	راه یابید تو به دهنده میوه ها	بر راه باشید — میوه ها	قهموا : ره یابید العو لب : تجاوز کننده الاعمرات : میوه ها ، برها
باداشن	سزا	باداشن	باداشن	گمن : بها جوا : باداشن ، باداشن

جدول مقایسه و اژه های چهار تفسیر

قرآن مترجم شماره ۴	پاک	طبری	زیر نویس	متن
بوستان	بهشت	بهشت	بوستان	جنة : بوستان
کشت	کشت	کشت	کشت	حرث : کشتزار
-	زبان دگان، شکر و فان	زبان کاران	-	الغاسرون: زبان کاران
آگاه	-	دانا	آگاه	خبیر: -
رسوایی	رسوایی	خواری	خواری	خزى: خواری و رسوایی
-	ترس	بیم، بیم جاودانگی	-	خوف : بیم
سرای بازپسین	بهشت جاودان	سرای آن جهان	سرای بازپسین	دارالآخره: سرای بازپسین
بازداشت	-	بازداشت	بازداشتن	دفع : بازداشت
سرای ها	خانه ها	سرای ها	سرای ها	دیار : سرای ها
-	فرزندان من	فرزندان من	فرزندان من	فریتی : فرزندان من
خویشاوندان	خویش و پیوندان	خداوندان خویشی	خویشاوندان نزدیک	ذی القربی : خداوند خویشی
فراخی	-	فراخی	فراخ دستی	سعة : توانگری
آرامش	-	آرامش	آرامش	سکینه : -
-	شنونده	شنوا	شنوا	السمیع : شنوای
غنودن	-	غنودن	آسایش، خواب	سنة : غنودن
-	سوی	سوی	-	شطر : سوی
گوایان	-	گواهان	گواهان	شهدا : -

جدول مقایسه و اژه‌های چهار تفسیر

شماره	قرآن مترجم	پاک	طبری	زیر نویس	معنی
دیو	دیو	دیو	دیو	دیو	شیطان : دیو
شکیبایان	—	—	صابران، صبر کنندگان	شکیبایان	صابرین : شکیبایی کنندگان
تنگی	—	—	گزند	بیماری	ضرا : بیماری
گم شد	—	—	گم شد	گم شد	ضل : گم کرد
گمراهی	—	—	بی راهی	گمراهی	ضلالت : گم بودگی
یدادگران	یدادگران	یدادگران	ستم کاران	ستمکاران	ظالمان : فیدادگران
—	پرستندگان	پرستندگان	پرستندگان	پرستندگان	عابدون : —
—	مستکف نشسته	نشستگان، باشندگان	نشستگان	—	عاکفین : مقیمان
پیامورزنبدهش	داننده	اندرا، آموخت او را	دانا	درا، آموخت او را	علمه : پیامورخست او را
—	—	دانا	دانا	دانا	علیم : دانا
آمرزگاره، آمرزنده	—	آمرزگار	آمرزگار	آمرزگار	غفور : آمرزگار
افروزی	—	فضل	افروزی، فضل	افروزی، فضل	فضل : نیکوکاری، فروزی
زبر	—	زبر	زبر	بر، بالا	فوق : فراز، زبر
کارزار کنید	—	کارزار کنید	کارزار کنید	کارزار کنید	قاتلوا : کارزار کنید
فام	—	اوام	اوام	وام	قرض : فام، وام
گفتار	—	گفتار	گفتار	سخن	قول : گفتار
راستخیز	راستخیز	راستخیز	راستخیز	راستخیز	قیامت : راستخیز



جدول مقایسه و اژه‌های چهار تفسیر

قرآن مترجم شمار ۴۶	پاك	طبری	زیر نویس	متن
ستاده	—	پاینده ، ایستاده به کار	پاینده	القیوم : —
اندوختن	الفنجین، کسب کردن	کسب کردن	کسب کردن	کسب : الفنجین، گرد آوردن
بیاش	بیاش	بیاش	بیاش	کن : بیاش
برنرسند	—	نه اندر یابند، نه برنرسند	نه رسند	لا یحیطون : ندانند
خواسته	—	خواسته	خواسته	العال : خواسته
برخورداداری	—	برخورداداری	برخورداداری	متاع : —
—	یوبه گاه	جایگاه	—	مناة : جایگاه
یکنا گردانیدگان	پك روی	مخلصان	پرستندگان	مخلصین : فی آمیز
پیغامبران	—	پیغامبران	پیغامبران	المرسلین : —
مزگت	—	مسجد ، مزگت	مزگت	مسجد : مزگت، مزگد
—	آن سو که آفتاب برآید	مشرق	—	المشرق : جایگاه آفتاب فر آمدن
—	آن سو که آفتاب فرو شود	مغرب	—	المغرب : (جایگاه) آفتاب فرو شدن
آموزش	—	آموزش	آموزش	المفخرة : آموزش
دین	کیش	کیش، (شریعت، دین)	دین	ملة : هر راهی که بسپرنند، طریقی
—	گرویدگان	آن که بگروند	—	من آمن : آن کسها که بگروند
پیمان	پیمان	پیمان	پیمان	میثاق : عهد، پیمان
—	گمان (مندان)	گمان مندان	گمان مندان	معتزین : —

جدول مقایسه و ازمهای چهار تفسیر

## چند نکته :

\* در باب «تجیت مغان» که در صفحه ۱۲ متن آمده است \* و منشاء افسانه‌ای «هزار سال بزی» ، ابوریحان در «الآثار الباقیه» چنین می‌نویسد :

« همه ایرانیان بر این قول همدل و همدانند که یوراسپ هزار سال زندگی کرد، و اگرچه برخی می‌گویند بیشتر از هزار سال زندگی نمود ، و این هزار سال مدت پادشاهی و غلبه او بود، و گفته‌اند اینکه ایرانیان یکدیگر اینطور دعا می‌کنند که «هزار سال بزی» از آن روز رسم شده، زیرا چون دیدند که ضحاک توانست هزار سال عمر کند و این کار در حد امکان است ، هزار سال زندگی را تجویز نمودند.»

ترجمه الآثار الباقیه . به قلم اکبر داناسرشت. ص ۱۲۵



\* بودمین (ص ۲۵ س ۱۰) :

این واژه و به قیاس آن «رستمی» ، «رستمین» و «خندمین» در متون فارسی دیده شده است :

اسدی در «گرشاسب‌نامه» می‌گوید:

---

\* — توجه من به این نکته بر اثر اشاره علامه فقید محمد قزوینی بوده است . رک : یادداشتهای قزوینی . به کوشش ایرج افشار. ج ۷. ص ۲۹۷

زهر جانور پاك وز رستمی<sup>۵</sup> همه هر چه پیدا شود بر زمی  
گر شاسب نامه. به اهتمام حبیب یغمائی. ص ۱۳۹

و نیز در جای دیگر:

ولیکن چو افتاده شد در زمی  
نگون باشد آنجا به خاك اندرون  
نخستین بسود پایه رستمی  
که در رستمین<sup>۵۵</sup> میرد سرنگون  
(ایضاً. ص ۱۲۲)

مولانا جلال الدین محمد مولوی در دیوان کبیر می گوید:  
راح نما روح مرا نا که روح  
خلد و گوید سخن خندمین  
کلیات شمس یا دیوان کبیر. به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. ج ۲  
ص ۲۹۷، ب ۲۲۳۴۲ و ج ۷، ص ۵۵۲۷۷

مولانا در مثنوی هم «خندمین» را آورده است:  
گفت لاغی خندمینی آن دغا  
که فتاد از قهقهه او برقفا . . .  
گفت لاغی خندمین ترزان دوبار  
کرد او این ترك را کلی شکار  
مثنوی معنوی. سعی و اهتمام و تصحیح رینولدالین نیکلسن. ص. ۳۷.  
بیت ۱۶۹۹ و ۱۷۰۲. (به نقل از فرهنگ لغات و تعییرات مثنوی. گرد آورده  
دکتر گوهر بن. ج ۲)

\*\*\*

در متن ما، آیة های ۲۱۹ و ۲۲۰ به هم پیوسته است. در ترجمه  
وقصه های قرآن، نیز چنین بوده است و مصححان گرامی آن در حاشیه  
اشاره کرده اند که: «در همه فرآینهای متداول اینجا آیة ای ختم می-  
می شود و آیة بعد آغاز می گردد.»

رك، ترجمه وقصه های قرآن. مبنی بر تفسیر ابوبکر عتیقی نیشابوری.  
سعی و اهتمام یحیی مهدوی- مهدی بیانی. نیمه اول.

\* مصحح در حاشیه آورده است: متن: رستی «تصحیح قیاسی»  
\*\* مصحح در متن چایی: «که هر رستی» آورده و در حاشیه «در رستمین»  
\*\*\* - برگرفته از یادداشت های دوست دانشمند آقای علی روائی.

در «ترجمة تفسیر طبری» چاپ آقای حبیب یغمائی ترجمه آیه‌های ۲۱۹ و ۲۲۰ از هم جداست ، و دانسته نیست که در اصل چنین بوده است یا مصحح خود آن دو را از هم جدا کرده است.

در «کشف الاسرار و عدة الابرار» نیز می‌نماید که این دو آیه پیوسته بوده است.

کشف الاسرار و عدة الابرار . سعی و اهتمام علی اصغر حکمت . ج ۱ .

ص ۵۸۴



در باره «سکینه» - ص ۱۰۸ - جفری مقاله‌ای اساسی در «ژورنال آزیاتیک 1829. 177. P.P.» نوشته است که هن بدان دسترسی نیافته‌ام



☆ ص ۱۶ س ۱۸ در عبارت :

«و گفتند نیز بلبتیم مر آدمیان را آن را که این پیامور از ما، نه کامور زنده‌ای کافر مشو به خدای»

«بلبتیم» از مبهمات متن بود.

استاد محمد پروین گنابادی حدس می‌زند که اصل کلمه «بلبتیم» [= بلیت ایتم] است به معنی «آزمایش و امتحان» و مرادف «فتنه» در آیه «نحن فتنه فلانکفر» .

در تفسیر قرآن پاک چنین آمده است :

«ما بدین مبتلایم ...»

ص ۶۱ س ۶

در تفسیر ابوالفتوح رازی ، ترجمه آیه چنین است :

«میگویند که ما آزمایشیم ، کافر مشو ...» ج ۱ ص ۱۶۷

و در تفسیر آن نیز آمده است :

« و اعلام نکردند تا نگفتند که ما فتنه‌ایم یعنی امتحان و آزمایش نگر تا کافر نشوی.»

ایضاً . ص ۱۷۰

در کشف الاسرار و عدة الابرار ، در ترجمه آیه چنین می‌آید :  
« ما فتنه خلقیم و آزمودن ایشان ، بخدای عزوجل کافر مشو...»

ج ۱ . ص ۲۹۸

شواهد یاد شده از این تفسیرها مؤید حدس استاد است .



شایسته است مرانب سپاسگزاری عمیق خود را از استاد گرانمایه جناب آقای دکتر ناتل خانلری دبیر کل بنیاد فرهنگ ایران که همه گاه از عنایتهای مهرآمیزشان برخوردار داشتم، و از استاد علامه مجتبی مینوی ، که با وجود تمایل به چاپ این اثر، نشر آن را به بنده وا گذاشتند، و گذشته از آن از راهنماییهای مشفقانه دریغ نورزیدند ، عرضه بدارم .

از استاد بزرگوار و ارستهام محمد پروین تنابادی و سرور دانشمند دکتر علی فاضل که با راهنماییها و تشویقات خود همواره دلگرم داشتند امتنان فراوان دارم .  
ناسپاسی خواهد بود از سهم شایسته‌ای که همسرم در حصول این دفتر داشته است یاد نکنم .

محمد روشن

ارداد - ۱۳۵۱

و مدال گرفتند آن پنج تن و هر یک بداد از شکر و طهارت  
آری به مقام علیه السلام و بداد آن فایده را می گویند که بسیار از ایشان

این خبر از مدال بداد کرده و به مقام رسیدند و به مقام رسیدند و به مقام رسیدند

**لَا تَسْبُوهُمْ وَلَا تَسْأَلُوا لَهُمُ الْمَالَ**

و هر یک بداد آن پنج تن و هر یک بداد آن پنج تن و هر یک بداد آن پنج تن

**وَمَا لَهُمْ بِهِمْ**

**وَمَا لَهُمْ بِهِمْ**

و هر یک بداد آن پنج تن و هر یک بداد آن پنج تن و هر یک بداد آن پنج تن

**وَمَا لَهُمْ بِهِمْ**

**وَمَا لَهُمْ بِهِمْ**

و هر یک بداد آن پنج تن و هر یک بداد آن پنج تن و هر یک بداد آن پنج تن

**وَمَا لَهُمْ بِهِمْ**

و هر یک بداد آن پنج تن و هر یک بداد آن پنج تن و هر یک بداد آن پنج تن

**وَمَا لَهُمْ بِهِمْ**

و هر یک بداد آن پنج تن و هر یک بداد آن پنج تن و هر یک بداد آن پنج تن

**وَمَا لَهُمْ بِهِمْ**

کند **لَوْ شَاءَ اللَّهُ قَاتِلُ أَضْعَافٍ مِمَّا نَفَعْتُمْ** ازین رو کنید یکی از

معانی کثیر است چنانچه در حدیث آمده است که هر سال هزار سال نیکوتر از آنست که پیش از این نیکوتر  
بودی و اندر همان ایشان هزار سال بدی و هزار سال نود و در محراب او مهر کانی با هزار نیک  
در آخر سیه و فلک اندر کثیر و شب سیر و شدن میدهد و اندر آمدن ثلث و بر تپ باد

و بدست شاد بانه **وَمَا تَنْفَعُكُمْ ثَمَنُكُمْ إِلَّا فِي طَعْنٍ** و ازین رو که در حدیث آمده است که هر سال  
و ازین رو که در حدیث آمده است که هر سال نیکوتر از آنست که پیش از این نیکوتر

**وَمَا تَنْفَعُكُمْ ثَمَنُكُمْ إِلَّا فِي طَعْنٍ** و ازین رو که در حدیث آمده است که هر سال  
نیکوتر از آنست که پیش از این نیکوتر و ازین رو که در حدیث آمده است که هر سال

معانی هر یک کانی از حقان در حقش نشد از هر کانی که گنایند اندرین جهان  
و ایشان خود را نیکتر شدند بر عفت با و تو با و اندر از حقان و حقان از

ازین رو که در حدیث آمده است که هر سال نیکوتر از آنست که پیش از این نیکوتر  
و ازین رو که در حدیث آمده است که هر سال نیکوتر از آنست که پیش از این نیکوتر

**عَمَّا قَالَتْ** و ازین رو که در حدیث آمده است که هر سال نیکوتر از آنست که پیش از این نیکوتر  
و ازین رو که در حدیث آمده است که هر سال نیکوتر از آنست که پیش از این نیکوتر

کوچک و بزرگ و هر یک از حقان و ازین رو که در حدیث آمده است که هر سال نیکوتر از آنست که پیش از این نیکوتر  
و ازین رو که در حدیث آمده است که هر سال نیکوتر از آنست که پیش از این نیکوتر







بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

وَأَنْتُمْ وَالْحَرَامُ وَالْعَمْرُوتُ

از آن احد و كسل خيزد اگر چه با سندن فاسق و از كشتن نامي حج  
آن بود گاندر را و حج زان كنند و به سامرند هيد و معصيت نكنند و قايان را

حرفش نشنيدند و كشتند گاندر را حج كرده دي نشايه اندرون مر خداي را

عبارت كند. فسد و حج اي نوساز را بفرمود و حج كند و كشتند و كشتند

و نوبت يي تقارافا سركه ما ميزيد **فَلَا تَكُنْ مِنَ الْفَاسِقِينَ**

و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند

با علي كشتند و نوبت يي تقارافا سركه ما ميزيد و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند

و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند

و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند

و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند

و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند

و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند

و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند

و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند

و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند

و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند

و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند و كشتند

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ



[illegible]

کندی و برونیدی اندر در هر یک از اینها  
 که گفته شد بر ایشان را بگویند اگر نه از میان  
 که گفته شد بر ایشان را بگویند اگر نه از میان  
 از هر دو مانده که با الحاح  
 از هر دو مانده که با الحاح

[illegible][illegible]

## بخشی از تفسیری کهن





... مقاتل گفت: بداند آنچه به سر مفر آیند همی پیش  
 بدادران شیر خوردگان شان از نعت پیغامبر علیه السلام، و بداند آنچه  
 به آشکار که همی گویند مرایشان را مهتران ایشان از ملامت پیدا کردن  
 نعت پیغامبر علیه السلام.

آیه ۷۸      وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي . وَزَجَلْهُ ي ۵  
 جهودان نادانان اند، نبشتن ندانند، مگر آنچه مرایشان خبر دهند  
 دانا آن شان از حق و با باطل . وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ . و ایشان نیستند  
 اندر نعت پیغامبر مگر به گمان .

آیه ۷۹      فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَتَتَّبِعُونَ الْكِتَابَ بَايْدِيهِمْ . وای فر آن کسهایی  
 ۱۰ از مهتران جهودان که همی نبیستند توریت را به دستهایشان، و همی  
 پنهان کنند صفت پیغامبر را از وی بگردانند . ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ  
 عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ كُفْمًا قَلِيلًا . پس آن صفت گردانیده را گویند  
 این از خدای آمدست، تا بدان بدل گیرند سود زیان اندکی ازین  
 جهان از کهتران شان . فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ . وای

فرایشان<sup>۱</sup> فر آنچه بنیستند همی به دستهاشان. وَ ذَلَّ لَهُمْ مِمَّا يَنْجِبُونَ.  
وای فرایشان بدانچه همی بلفنجند به سبب پنهان کردن نعت پیغامبر  
علیه السلام.

از پیغامبر علیه السلام خبر آمد که ویل وادی است اندر دوزخ،  
فرو شود کافر بدو نگوسار چهل سال پیش از آنکه برسد به پایان او. ۵  
۸۰ آیه ۸۰ وَقَالُوا لَنْ نَقْنَسَ النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً. و گفتند جهودان :  
که ما را [۱] .....<sup>۲</sup>  
مطیعان اهل بهشت باشند جاودان .

۸۲ آیه ۸۲ وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ. و یاد کنید شما که جهودانید  
چو ما پیمان گرفتیم فر فرزندان یعقوب جدان شما اندر توریت . لا ۱۰  
تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ. که نپرستید و بندگی نکنید مگر<sup>۳</sup> با خدای را عزوجل.  
و جِئُوا بِالْدينِ إِحْسَانًا. و به جای مادران و پدران نیکوی کنید، مرایشان  
را بنوازید و فرایشان مهربان باشید و حق ایشان بشناسید. وَ ذِي الْقُرْبَى  
وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ. و حق ایشان بشناسید و خویشیها را پیوندید  
و یتیمان فی پدران را و فی مادران نیکو دارید و گوید نیز ۱۵  
درویشان را نیکو دارید. وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا.  
ضحاک گفت و عطا : اندرین آیت همه نیکان و بدان اندر آمدند،

۱- در متن : فریشتگان ۲- بر کی افتاده است و پاره ای از ترجمه  
آیه ۸۰ و آیه های ۸۱ و ۸۲ نیامده است : ... قُلْ أَخَذْتُ مِنْكُمْ عَهْدًا قُلْنَ  
بِخَلْفِ اللَّهِ عَهْدَهُ ام تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا نَعْلَمُونَ (۸۰) بلی من کسب سبئه و  
احاطت به خطبته فاولئك اصحاب النار هم فيها خالدون (۸۱) والذين آمنوا و  
عملوا الصالحات اولئك اصحاب الجنة هم فيها خالدون (۸۲) ... ۳- متن : مر

و علی بن الحسین گفت زین العابدین: کاین آیت جهود و ترسا اندر آید  
 و مع، پس بلاك (؟) مسلمان، ای همه جهانیان را نیکو گوید. و سلمان  
 الفارسی گفت: ای سلام کنید فر نزدیک و دور. و حسن بصری گفت:  
 امر معروف فرماید وز منکر فاز دارید، و همه خوی نیکوی که خدای  
 پسندد کار بندید. و کلبی و مقاتل گفتند: شما که مهتران جهودانید،  
 صفت پیغامبر به راستی مر کهتران را بیان کنید و پنهان نکنید. و أَهَيُّمُوا  
 الصَّلَاةَ. و نمازهای فریضه را به شرایطهای او بگزارید. و آتُوا  
 الزَّكَاةَ. و زکات خواسته‌ها تان به درویشان دهید. ثُمَّ قَوْلُهُمْ إِلَّا  
 قَلِيلًا مِّنْكُمْ. پس شما که جهودانید ازین عهدهایی که خدای گرفته  
 بود فر شما، روی بگردانید، و پیغامبر را و قرآن را منکر شدید،  
 مگر اندکی از شما که فران عهد [۲] پای داشتید؛ عبدالله بن سلام  
 و باران او. وَ أَنْتُمْ مُعْرِضُونَ. و شما جاحدید مرین میثاق را که یاد  
 کردیم مر شما را.

وَ إِذْ أَخْلَخْنَا مِيثَاقَهُمْ لَاقِفَعُونَ دِمَاءَ نَحْمَ. و یسار کنید چون  
 فر شما حجت گرفتیم که خون يك ديگر مریزید. وَ لَا تَخْرُجُونَ اَنْفُسَكُمْ  
 مِنْ دِيَارِكُمْ. و يك مردیگر را به عصبیت از شهرها تان بیرون نکنید،  
 و اگر از شما اسیر او فتد، آن اسیر را فاز خرید و فدی دهید.

ثُمَّ اَقْرَرْتُمْ وَاَنْتُمْ تَشْهِنُونَ. پس شما مقر آمدید کاین عهد فر شما  
 گرفتند؛ و شما همی دانید کاین عهد فر شما پیشینیان شما گرفتست خدای  
 عزوجل. ثُمَّ اَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ اَنْفُسَكُمْ. پس شما که جماعت بنی قریظه

وَنَضِيرُ<sup>۱</sup> اید مر بدادران خویش را همی بکشید. وَتُخْرِجُونَا فَرِيقًا مِنْكُمْ  
 مِنْ دِیَارِهِمْ. وَبِكَ طایفه از شما مرطایفه‌ای را از سرایها بیرون کنید  
 همی. فَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ. یاری دهید همی بهری را  
 فر بهری به بزه و فیداد. وَإِنْ يَأْتِكُمْ أَسَارَى فَفَادُوهُمْ. و اگر سوی شما  
 آیند اسیران اندر بند، مرایشان را فدی دهید و فاز خرید. از همه  
 حکمهای من این یکی را همی کار نه بندید. پس فا این همه مرایشان  
 را از خانمان همی بیرون کنید. وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ. و برون  
 کردن ایشان از خانمان حرام است فر شما. أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ  
 تَعْفَرُونَ بِبَعْضٍ. و همی کار بندید مر بهری را از آنچه عهد گرفتست  
 خدای فر شما، و آن فدا دادن است و آزاد کردن از اسیری. [۳] و همی  
 حلال دارید مر بهری را از آنچه فر شما حرام است از کشتن يك دیگر و  
 بیرون کردن از خانمان. لَمَّا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي  
 الْحَيَاةِ الدُّنْيَا. نیست عقوبت آن کسها کاز شما همی چنین کنند مگر  
 رسوایی اندرین جهان.

ابن عباس گفت: رسوایی ایشان آن بود که بنی قریظه<sup>۲</sup> را  
 بکشت پیغامبر علیه السلام، و بنی نضیر<sup>۳</sup> را برون کرد از مدینه شان. و  
 گفتند که خزی ایشان اندرین جهان سرگزید بود که فر نهاد پیغامبر  
 علیه السلام فرایشان. وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ. و روز  
 راستخیز فاز گشت ایشان فاز آتش باشد سختتر از عذاب این جهان  
 وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ. پس بترسانیدشان و گفت: و پوشیده  
 ۲.

۱- متن: نظیر      ۲- متن: بنی قریظه      ۳- متن: بنی نظیر

نیست فرخدای عز وجل چیزی از زشت کاریهاتان .

۸۶ آ۲ اُولَٰئِكَ الَّذِیْنَ اشْتَرَوْا الْحَیْوةَ الدُّنْیَا بِالْآخِرَةِ . اِنَّ كَسَٰهَیْهِمْ اِزِیْن  
 جهودان که بگزیدند زندگانی این جهان فربهشت اندران جهان . فَلَا  
 یُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَا هُمْ یَنْصَرُونَ . آسان نکنند فرایشان از عذاب  
 دوزخ ساعتی ، و نه فاز دارنده باشد مرایشان را کسی از عذاب  
 ۵ خدای آسمان .

۸۷ آ۲ وَلَقَدْ اٰتٰیْنَا مُوسٰی الْكِتٰبَ . مُوسٰی رَا تُوْرِیْتُ دَاوِیْمَ مَا . وَ قَفَّیْنَا  
 مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ . و سپس مرگ موسی پیغامبران پیوسته کردیم سوی  
 اسراییلیان ، داود و سلیمان و ایوب و جز ازیشان . وَ اٰتٰیْنَا عِیْسٰی ابْنَ  
 مَرْیَمَ الْبَیِّنٰتِ . و مر عیسی را ، پسر مریم را ، کرامت [۴] کردیم به  
 ۱۰ عجایبها و نشانیها ، از مرده زنده کردن و مرنا بینا آن را بینا کردن ،  
 و مر پیس را بهتر کردن . وَ اٰیْدٰنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ .

ابن عباس گفت: یاری دادیم مر عیسی را به جبریل پاک ؛ و مجاهد  
 گفت : روح جبریل بود ، و قدس نام خدای است . یاری جبریل مرو را  
 آن بود که جهودان خواستند کاو را بکشند ؛ جبریل مرو را از راه  
 ۱۵ روزن خانه ، که عیسی را اندرو کرده بودند ، به آسمان برد . خدای  
 مانیدگی عیسی فران بار ایشان افگند ، تا او را بکشتند و پنداشتند که  
 عیسی را کشتند . اَفَعَلَمَّا جَاءَكُمْ رَسُوْلٌ بِمَا لَا تَهْوٰی اَنْفُسُكُمْ اَسْتَكْبَرْتُمْ  
 فَفَرِقْتُمْ بَیْنَكُمْ وَ فَرِیْقًا قَتَلْتُمْ . و هر باری که پیغامبری از پیغامبران  
 ۲۰ من خدای عز وجل به شما آورد چیزی و حکمی که مراد شما اندران  
 نبود ، گروهی را دروغ زن کردید ، عیسی را و محمد را ؛ و گروهی

را بکشید ، یحیی را و زکریا را .

- ۸۸ آ ۴ وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ . وچو پیغامبر علیه السلام فرخواند فرایشان این آیتها ، خامش شدند و دانستند کاین وحی خدای است ، بهانه کردند و گفتند که : فردلهای ما پوشش است ، وفهمهای ما کند است ، ما همی اندر نیابیم مر گفتارهای ترا . بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ . خدای عزوجل رد کرد فرایشان و گفت : نه چنان است کایشان گویند ، بل که خدای مرایشان را برانداست و هدی را ازیشان فاز داشتست ، مکافات آن که منکر شدند ایشان مرنبوت پیغامبر را علیه السلام . فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ . مومنان ازیشان اندکی باشند . وگفتند نیز به اندکی از نعت پیغامبر علیه السلام مفر آیند و بیشتر را منکر شوند ، تا فرنادانان شان پوشیده کنند . وگفتند ۱۰ نیز نه به اندکی گروند و نه به بسیار از نعت پیغامبر علیه السلام .

- ۸۹ آ ۴ وَ لَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ [۵] مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ . و چون بیامد به ایشان کتابی از نزد خدای عزوجل فر پیغامبر علیه السلام موافق فرقان فا آن کتاب که نزد ایشان است از تورات ، به توحید و بعضی از شرایع . وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا . و ایشان بودند پیش آمدن پیغامبر و قرآن ، کفر جویندگان فر کافران مکه به بیرون آمدن پیغامبر علیه السلام ، چون حربی بیوفتادی شان دعا کردند و گفتندی : یارب ما را ظفر ده فرایشان به حرمت این پیغامبر که بخواهی فرستادن اندرین آخر الزمان ، که نام او بود محمد علیه السلام . فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ . چون بیامد به سوی ایشان آن پیغامبر که شناخته بودندش به نعت او صفت او منکر شدند او را . فَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى

التَّافِرِينَ. عذاب عقوبت خدای فران کسها از جهودان که منکر شدند  
پیغامبر را علیه السلام.

- آیه ۴۶. ۹۰  
بِئْسَ مَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ. بد اختیار  
که مرتنهای خویش را کردند آن که منکر شدند مرنبی را که فرو  
فرستادیم و محمد را علیه السلام. بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ  
يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ. حسد آن را که خدای فرو فرستاد از نبوت و قرآن  
فر آن که او خواست از بندگان خویش، و آن محمد بود علیه السلام.  
فَبِمَا بَغَضَ عَلَيَّ غَضَبِي. مستوجب شدند مرخشی را از خشمهای خدای  
عزوجل به حسد کردن پیغامبر علیه السلام، سپس ازان که مستوجب  
بودند مرخشی را از خدای به منکر شدن مر عیسی را. وَلِلتَّافِرِينَ  
عَذَابٌ مُهِينٌ. [۶] و مر کافران را از جهودان اندر آن جهان عذاب  
دوڑخ که خوار باشند اندرو.

- آیه ۴۷. ۹۱  
وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ. چو مر جهودان را گفتند  
استوار دارید مر قرآن را که خدای فرو فرستاد فر محمد علیه السلام.  
قَالُوا نَحْنُ الْمُؤْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا. گفتند ما استوار داریم مر توریت را که  
۱۵ فرود آمده بود فر پدران مان بس. وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ. و خدای گفت  
عزوجل: ایشان کافر همی شوند مر انجیل را و قرآن را که پس از  
توریت آمد. وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَهُمْ. و قرآن راست است و موافق  
است مران کتاب را که نزد ایشان است. قُلْ فَلِمَ قَتَلْتُمُ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ  
مِنْ قَبْلُ. بگویی مر جهودان را ای محمد، چرا کشتید پیغامبران را  
۲۰ پیش از محمد علیه السلام. إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. اگر شما مصدق ابد مران

کتابی را که فرود آمد فر شما به حقیقت. اندرین آیت دلیل است که هر که بپسندد معصیت را از کسی، چنان باشد کان معصیت او کرده باشد، ازیراک خدای عزوجل مر جهودان مدینه را کشتندگان پیغامبران خواند؛ و پیغامبران را جدان ایشان کشته بودند<sup>۱</sup>. ولکن چون ایشان مران را حق دیدند، چنان بود کایشان کشتند.

۵

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا . این آیت، والله اعلم، جواب آیه ۹۲

آن است که جهودان پیغامبر را گفتند، علیه السلام، نشانی بیار و برهانی مرنبوت خویش را، چنانکه موسی آورده بود. خدای گفت عزوجل:

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا . موسی آورده بود سوی پسران تان

نشانیها و برهانهای نبوت، چو عصا و چو دست، و جز آن. ۱۰

كَمْ أَتَيْنَاكُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ . پس جدان تان، از پس ازان که غایب

شد موسی [۷] ازیشان، پرستیدند گوساله را بدل آنکه خدای

را پرستیدند همی. وَ أَنتُمْ ظَالِمُونَ. و شما ستمگاران تنهای خود بودید

بدان که گوساله پرستیدید، ای خدای تان. اگر محمد علیه السلام این

نشانی که بخواهید همی بیارد، مخالف شوید مرو را، چنانکه مخالف ۱۵

شدند جدان تان مر موسی را علیه السلام.

وَ إِذْ أَخَلْنَا مِثْقَالَ نُجْمَةٍ . و یاد کنید چو فر شما یعنی فر جدان تان پیمان آیه ۹۲

گرفتیم. وَ رَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ<sup>۲</sup>. و کوهی را از کوههای فلسطین

از بن بکندید و زیر سرها تان فاز داشتیم اندر هوا به وقت موسی

۱- در متن از «پیغامبران را...» مکرر آمده است. ۲- در متن:

و رفعا فوقکم الطور» مکرر آمده است.



عليه السلام . خَلُّوا مَا أَتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ . و بگفتیم مرجدانان را بگیرید آنچه اندر توریت است بنیرو ، و بدو کار کنید و فرو دایم باشید . وَاَسْمَعُوا . و فرمان بردار باشید ما را . قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا . جواب کردند جدانان مرموسی را علیه السلام . سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا .

- مفسران اختلاف کردند اندر معنی این آیت . بهری گفتند : ۵  
شنودیم گفتار ترا ای موسی و عاصی شدیم فرمان ترا . و مقابل گفت :  
شنودیم گفتار ترا ای موسی که ما را بترسانیدی بدو از کوه ، و فی فرمان شدیم گفتار ترا . ما نپذیریم مر آن را که بیاوردی زی ما . و خواجه بوسهل انماری گفت : مطیعیم گفتار ترا اکنون ، و فی فرمان بودیم مر ترا از پیشتر ؛ و اگر سبب کوه نبودی ، ما مطیع نبودیم ترا . وَاَسْرَبُوا ۱۰  
فَبِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ . و اندر خورده شد اندر دلهاشان دوستی گوساله پرستیدن . قُلْ بَشِّرْنَا بِأَمْرِكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ .  
مقابل گفت : اگر دوستی گوساله پرستیدن اندر دلهاتان برابر دوستی آفریدگارتان است بد گروشاکه بنده را به کفر فرماید [۸] ای اگر شما مومن بودیدی ، گوساله نپرستیدیدی . ۱۵

- قُلْ إِن كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِن دُونِ النَّاسِ . ۹۳ ۶۱  
این آیت جواب آن آیت است که جهودان گفتند : ما دوستان خدای ایم ، و ما پیغامبر زادگانیم ، و بهشت خالص ما را باشد فی مومنان . خدای گفت عزوجل : بگوی یا محمد مرایشان را اگر شما را بود آن سرای فازپسین ، ای بهشت جاودانه فی مومنان . فَتَمَنُّوا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ ۲۰

صَادِقِينَ . مرگ را آرزو کنید تا به دوست و سرای دوست برسید ،  
و بگویید که : یارب مان بمران ، اگر شما اندرین دعوی که بکردید  
راست گوید .

۴۲ هـ وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَسَمْتَ أَيْدِيهِمْ . پس خدای عز وجل  
پیغامبر را گفت: و هرگز ایشان مرگ آرزو نکنند، و نه این دعا کنند که  
۵ یارب مان بمران ؛ از بیم آن گناهایی که پیش از خویشتن فرستادستند  
بدان جهان ، دانند که عقوبت کند خدای شان بدان . پیغامبر علیه السلام  
بخواندشان و بگفت : بگویید یارب مان بمران . نیارستند گفتن ، و  
عفو خواستند از پیغامبر علیه السلام . وَاللَّهُ عَلَيْهِم بِالْظَالِمِينَ . خدای  
دانا است به فیدادگران از جهودان و به عقوبت ایشان .  
۱۰

۴۲ هـ وَ لَتَجِدَنَّاهُمْ أَهْرَاسَ النَّاسِ عَلَى حَيَوَةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا . و  
هر آینه نه که محمدی ، حریص تر مردمان یابی مر جهودان را فر  
زندگانی این جهان ، و نیز حریص تر از مغان ، به قول کلبی .  
و مقاتل گفت: و حریص تر از کافران مکه اند جهودان . پس یاد  
کر [د] 'حریصی مغان که بی جایگاه است ، تا بدانند مردمان حریصی  
۱۵ جهودان فر زندگانی این جهان بیش از آن مغان است . [۹] گفت :  
بُوذُ أَحَدُهُمْ لَوْ يَغْمُرُ أَلْفَ سَنَةٍ . آرزو کند یکی از مغان کش زندگانی  
دهند اندرین جهان هزار سال .

مفسران گفتند : این تحبیت مغان بودی اندر میان ایشان : هزار  
سال بزی و هزار سال نوروز بخور او مهرگان ، تا ناز سبز و زاغ  
۲۰

سباه و فلک اندر گشتن ، و شب به بیرون شدن و روز به اندر آمدن ،  
 تنت درست باد و دلت شاد باد .  
 وَمَا هُوَ بِمَزْ حَزْرِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعْمَرَ . و درازی عمر نرماند  
 مغ را و جهود را از دوزخ ، اگرشان بزیانند هزار سال . وَاللَّهُ بِصَبْرِ  
 بِمَا يَعْمَلُونَ . و خدای عز وجل داناست به کفرمغان و جهودان و به  
 ۵ مکافات ایشان .

پس اگر کسی سؤال کند و گوید : از بهر چه علت را جهودان  
 حریص تر آمدند فرزندگان از مغان ؟ گوییم مر او را از ایراک مغان  
 فرزندگان این جهان حریصی کنند از بهر کامی که بیابند اندرین  
 ۱۰ جهان . و ایشان خود منکر باشند مرعقاب را و ثواب را اندران جهان و  
 جهودان مفر باشند به ثواب و عقاب آن جهان . و پنهان کردند نعت  
 پیغامبر را علیه السلام از توریت ، و بدو نگرویدند از بهر دوستی  
 ریاست را . دانستند چو بمرند ، عذاب باشدشان اندران جهان ، از بیم  
 عذاب را دوست داشتند زندگانی این جهان ، ایشان حریص تر آمدند  
 از مغان فرزندگان این جهان .

۱۵

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ . قتاده گفت : سبب نزول این آیت آن  
 ۹۷۱ بود که جهودان پیرسیده بودند عمر را رضی الله عنه ، کدام فرشته آید  
 سوی محمد علیه السلام که وحی آورد ؟ عمر گفت : جبریل وحی آورد .  
 جهودان گفتند عمر را : آن دشمن ماست از فرشتگان او همی قحط و  
 بلا آورد فر ما . اگر بدل او میکایل بودی که وحی آوردی به محمد [۱۰]  
 ۲۰ علیه السلام ، ما به محمد بگرویدیمی ؛ که میکایل وحی آوردی سوی

- موسی علیه السلام. او فریشته‌ی رحمت است. عمر خشم گرفت فر ایشان و گفت: یا دشمنان خدای، شما جبریل را و میکایل را بشناسید و محمد را منکر شوید؟ فرخاست از بن ایشان، و سوی پیغامبر آمد علیه السلام.
- این آیت بیاورد جبریل فسر پیغامبر علیهما السلام. قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ. بگویی مرجهودان را، هران کسهایی کایشان دشمن داران اند ۵ جبریل را علیه السلام. فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ هُنَالِكَ قُلُوبِكُمْ. که جبریل آورد قرآن از خدای آسمان، و بخواند فرته، تا یاد گرفتی اندر دل به رغم جهودان. بِإِذْنِ اللَّهِ. به فرمان خدای عز وجل آورد. مَصَدَّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ. موافق مران کتابهایی را که فرود آمده بود فر موسی و عیسی پیش از قرآن. وَ هُدًى وَ بَشْرَىٰ لِمَنْ مَّوْمَنَ بِهِنَ. وره نمای است ۱۰ قرآن و مژده دهند مرمومنان را به وعده‌ی خدای عز وجل.
- آیه ۹۸ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ. و هران کسی که دشمنانند مر خدای را عز وجل و فریشتگان او را و پیغامبران او را و جبریل را و میکایل را، خدای دشمن دار ایشان است. و کافران اندرین آیت جهودان اند که کافر ۱۵ شدند به نعت پیغامبر علیه السلام.
- آیه ۹۹ وَلَقَدْ أَنزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ. و ما فرو فرستادیم زی نه که محمدی آینه‌ای پیدا کرده اندرو امرها و نهیها و وعده‌ها و وعیدها. وَمَا تَكْفُرُ بِهِ إِلَّا الْأُنَافِقُونَ. و جاحد نشوند<sup>۱</sup> مرین آینه‌ای قرآن را کاین آینه‌ها نه از خدای آمدست [۱۱] مگر شکندگان عهد از جهودان. ۲۰

- آیه ۱۰۰: **أَوْكَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ . و هر باری که پیمان گرفتند جهودان ، پیمانی چنانکه موسی گرفت فرایشان به بیان کردن نعت پیغامبر علیه السلام ، و هر که اندر یابد ازیشان پیغامبر را به آخر زمان ، بگروند بدو علیه السلام و بیان کنند نعت او بران کسهایی را که پیرسندشان از نعت او . پس چو خدای عزوجل پیغامبر را بفرستاد نه ۵ از نژاد ایشان بل از نژاد اسمعیل علیه السلام ، حسد کردند مرو را و نگرویدند بدو . بیشتر ازیشان تبه کردند مران عهد را . بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ . بیشتر ازیشان نگرویدند به محمد و قرآن، کعب بن الاشرف و مالک بن الضیف و حیی بن اخطب و جدانشان .**
- آیه ۱۰۱: **وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ . و چو بیامد سوی ایشان پیغامبری ، ۱۰ ای محمد علیه السلام ، از نزد خدای عزوجل . مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ . استوار دارنده مران کتابی را که نزد ایشان بود از توریت . نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ . بهری ازیشان سپس پشت افکندند کتاب خدای را عز و جل از توریت ، ای بدو کار نکردند و نعت پیغامبر را ازو پنهان کردند . كَذَّبَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ . چنانکه ۱۵ ایشان شناسندی نعت ترا و صفت ترا اندر توریت .**
- آیه ۱۰۲: **وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سَلِيمٍ . و فرمان برداری کردند مران را که بخوانده بودند و بنبشته بودند دیوان ، و پنهان کرده بودند از جادویها و نیرنجها اندر خانه خزینه سلیمان علیه السلام ، و ۲۰ زیر تخت سلیمان اندر [۱۲] آن چهل روز که بشده بود ملک از سلیمان . پس آن را برون آورده بودند به فرمان ایشان جادوان ، و دعوی کرده**

بودند که سلیمان مملکت خویش را اندرین جادوی داشتی و دروغ گفته بودند فرسلیمن پیغامبر علیه السلام .

خدای عزوجل پاکی سلیمن وفی عیبی او یاد کرد بدین جایگاه اندر قرآن مرپیغامبر را علیه السلام ، تافر خواند فرجهودان ، تا بیان گشت مرایشان را راستی نبوت پیغامبر علیه السلام . گفت : وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَعَنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحْرَ . و پنهان نکرد آن جادویها سلیمن جز که دیوان فرمودند . به پنهان کردن آن جادویها زیر کرسی سلیمن ، و گفتند نیز . و کافر نشد پیغامبر خدای سلیمن علیه السلام به جادوی کار بستن فر مسلمانان ، جز که دیوان بودند کافران که همی آموختند و آموزند مر جادوان را جادوی . وَمَا أَنْزَلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ . و همی آموزند نیز آن دیوان مر جادوان را به آنچه مبتلا کردند مران دوفرشته را از کار بستن بندها و نیرنجها ، و ایشان فاز داشته اند به ناحیت بابل به کوهی از کوهها به نزدیک کوفه ، اندر عذاب خدای عزوجل ؛ نام یکی است هاروت و دیگر ماروت . وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا فَتَنَّاهُ فَتَنَّهُ فَلَا تَتَّخِذْهُمَا جَادُوا زِي إِيَّاهُ شُورَى كَمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ ذَرْهُمْ وَمَا يَفْعَلُونَ . و خواهد که بیاموزد از ایشان ، ایشان صفت نکنند مر کسی را تا نخست پند ندهند شان و نگویندشان که ما مبتلا ایم به کار بستن این بندها و نیرنجها ، و گفتند نیز بلبتیم مر آدمیان را آن را که این بیاموزد از ما ، ته کاموزندهای کافر مشو به خدای ، و ماموز این از ما ، و کارمبند این را فر کسی از خلق خدای عزوجل ، فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ [۱۳] بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ . بگیرند

- از ایشان به کار بستن ایشان آنچه جدا فکند بدو میان مرد و زن از دشمنادگی ، فر فاز داشت مرد از زن . وَمَا هُمْ بِضَارِبِينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ . و جادوان و بهری گفتند دیوان ، بدان جادوی که بیاموزند و کار بندند ، زیان نکنند کس را جز به علم سابق خدای . و بهری گفتند : جز به قضا و مشیت خدای . عزوجل . وَفَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ . ۵ و بیاموزند همی جادوان از جادوی که زیان دارد شان اندران جهان ، و سود ندارد شان اندرین جهان جز آنکه تقدیر کرده باشد خدای شان عزوجل . وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ . و دانند دیوان و جادوان که هر که اختیار کند جادوی را فرایمان ، نصیب نباشد او را اندر بهشت جاودان . وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ . و بد اختیار . ۱۰ کایشان کردند مر تنهای خویش را . لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ .
- ۱۰۳۴۱ و لَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ . اگر خرد بسودی شان ، و گفتند : اگر کار بستندی علم را ایشان .
- ۱۰۴۱۶ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا . کلبی گوید و مقاتل : سبب ۱۵ آمدن این آیت آن بود که مؤمنان پیغامبر را گفتندی : راعنا یا رسول الله ، گوش دار سخن ما را یا پیغامبر خدای . جهودان چو بشنیدند این از مؤمنان ، بكَ فَا دِیْگَر گفتند : پیش ازین ما دشنام دادیمی محمد را به پنهان ، اکنون دشنام دهیم او را برابر او . و راعنا به لغت ایشان دشنام بودی . سوی پیغامبر آمدندی علیه السلام و گفتندی : راعنا یا محمد ، ۲۰ تا پیغامبر چنان گمان بردی کان حقستی . تا یاری از یاران ، نام او سعد بن

معاذ الانصاری بود ، بدانستی به لغت ایشان ، [۱۴] گفت : یا دشمنان  
 خدای ، هر که از شما پیغامبر را این سخن بگوید ، گردنش بزنم. ایشان  
 گفتند مر سعد را ، اینک شما مؤمنان همی گوید این سخن مر محمد  
 را علیه السلام ، اگر ما بگوییم چه زیان دارد ؟ خدای عزوجل این آیت  
 بفرستاد و مر مؤمنان را نهی کرد و گفت : يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا . یا  
 ۵ گرویدگان از موحدان ، لَاتَقُولُوا رَاعِنَا . و مگویید 'مر محمدا علیه السلام  
 راعنا ، تا بهانه نیابند جهودان به گفتن این سخنان . وَقُولُوا انظُرْنَا .  
 و بگویید بدل آنکه گفتیدی راعنا ، انظُرْنَا . ای مهلت دهان ، و گوش  
 دار مر سخنان ما را . وَاسْمَعُوا . ضحاک گفت : بشنوید کتاب  
 خدای را و آنچه بفرمایدتان پیغامبر خدای ، فرمان بردار باشید .  
 ۱۰ وَلَيُعَذِّبَنَّ عَذَابٌ أَلِيمٌ . و کافران را از جهودان اندران جهان عذاب  
 دردناک است .

۱۰۵۴۶ مَا يَوْذُلُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْجَنَابِ . نخواهندی کافران از  
 جهودان . وَلَا الْمُشْرِكِينَ . و نه از مشرکان مکه کسی . أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ  
 مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ . که فرو فرستندی فر شما خبری از خدای شما ، از  
 ۱۵ نبوت و ز اسلام . وَاللَّهُ يَخْتَرُ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ .

کلبی و مقاتل گویند : خدای عزوجل بگزیند مر دین مسلمانی  
 را از بندگان خویش آن را کاو خواهد . و عبدالله بن ابی نجیح گوید :  
 و بگزیند خدای مر پیغامبری خویش را مران را که خواهد ، محمد را  
 علیه السلام . و ابن جریج گفت : بگزیند مر قرآن را مران را که اهل باشد .  
 ۲۰



وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ . و خدای عزوجل ، خداوند منتی بزرگ است؛  
منت نهاد فر محمد و فر امت او .

- ۱۰۶ آیه  
مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا . هر آینه  
که منسوخ کنیم ما [۱۵] مرور را یا دست فاز داریم آینه را ناسخ که  
منسوخ نکنیم ، آینه بفرستیم بدل آن آینه که منسوخ کرده باشیم  
به از آن ، ای منفعت ناکتر از آن و آسان تر ، یا به آسانی همچنان ناسخ  
آن آینه باشد که بدو کار کنند ، و منسوخ آن آینه باشد که بدو کار  
نشاید کردن ، یا اگر نکنی روا باشد . أَلَمْ نَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .  
خطاب این آیت گویند مر پیغامبر راست علیه السلام ، او مراد از آن مران  
کسهایی را که به شك بودند اندر منسوخات قرآن . گفت : ای آن کس  
به شکی ، ندانی که خدای فر همه چیزی که خواست و بخواهد از  
ناسخ و منسوخ قرآن تواناست .

- ۱۰۷ آیه  
أَلَمْ نَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ . اهل تفسیر گفتند : و  
ندانی که خدای تبارک و تعالی ، مر او راست خزاین آسمانها  
وزمبها ؟

- ۱۵  
کلبی گفت : خزاین آسمان روزی است و باران ، و خزاین زمی  
نبات است ؛ و زجاج گفت : و ندانی که مر خدای راست عزوجل تمامی  
قادری فر همه چیزی که خواست و خواهد . و خدای داند صلاح اهل  
آسمان و زمین بدانچه بفرمود بندگان را بدو از کار کردن به ناسخ  
و ایمان آوردن به منسوخ . وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ .  
و نیست مر شما را بجز از خدای کسی که قیام کند مر کارهای شما را

به دین و دنیا ، و نه مانعی که مر شما را فاز دارد از بلاها .

- ۱۰۸۴۲ **أَمْ كَرِهْتُمُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سَأَلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ .** ابن عباس گفت : رئیسی بود از رئیسان<sup>۱</sup> مکه ، نامش عبدالله بن ابی امیه المخزومی بود . سوی پیغامبر آمد علیه السلام و جماعتی از قریش ، و مرورا گفت : یا محمد ، به خدای که نگروم که ته رسول اوپی تا اندر مکه چشمه های آب روان نکنی ، یا ترا بوستانی نباشد از خرماستان [۱۶] و انگورستان اندر میان آن جویهای روان ، یا نردبانی بنهی و فرشوی به آسمان . و ما استوار نداریم فرشدن ته به آسمان ، تا نامه ای ناری و نخوانی فر ما ، تا خدای را او فریشتگان را ناری گوا فر آنچه همی گویی که ابن حق است . این آیت بیامد : **أَمْ كَرِهْتُمُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سَأَلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ .** شما که مکیان اید همی خواهید کاز پیغامبر شما آن طلب کنید که قوم موسی طلب کردند از موسی ، دیدار خدای و سخن گفتار خدای عزوجل . **وَمَنْ يَتَّبِدْ الْغَفَرَ بِالْإِيمَانِ .** و هر آن کسی کاو اختیار کند جهودی را فر مسلمانی و کافری را فر مومنی . **فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ .** گم کرد راه صواب و دین مسلمانی را .

- ۱۰۹۴۲ **وَذَكَّيْرٌ مِنْ أَهْلِ الْخَيْبِ .** آرزو کردند و خواستند بسیاری از جهودان مدینه . **لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا .** که مر شما را به شك افگندی اندر دین شما ، تا مرتد شوید اسپس گروش . **حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا قَبِلْتُمْ لَهُمُ الْعَقُ .** حسد کنندگان مر شما را و بد خواهان از خودی خویش فی آنکه بفرموده بودندشان به حسد

اسپس از آن که پیدا آمد مرایشان را راست راه مسلمانی، و نعت محمد علیه السلام اندر توریت. فاعفوا واصفحوا حتی یاقب الله بامرہ. شما که مومنان اید آذا منماید مر جهودان را، و دست فاز دارید از ایشان تا حکم کند خدای میان ایشان به حکم خویش حکم کرد اندر بنی قریظه به کشتن و اندر بنی نضیر<sup>۱</sup> از خان مان بیرون کردن. پس آیت شمشیر ۵ مرین را منسوخ گردانید قول خدای تبارک و تعالی: فاقبلوا الذین لا یؤمنون بالله ولا بالیوم الآخر. تا به پایان آیت. إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. و خدای تبارک و تعالی فر هر چه خواست [۱۷] و خواهد تواناست.

۱۱۰۴۱ وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ. و نماز را بگزارید به ۱۰ تمامی شما که مومنانید، و زکوة بدهید. وَ مَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ فَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ. و هر چه پیش فرستید مرتنهاتان را از نیکی از صدقه ای با طاعتی، ثوابش بیاید زی خدای تبارک و تعالی. إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. که خدای به کردار هاتان داناست.

۱۱۱۴۱ وَ قَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى. ابن عباس ۱۵ گفت: جهودان گفتند ترسا آن فر هیچیزی نیستند از دین خدای، ای فر دین باطل اند، و به بهشت نشود مگر آن کسی کاو جهود بسود؛ و منکر شدند مر انجیل را و عیسی را. و ترسا آن گفتند: دین جهودی باطل است، و به بهشت نشود مگر آنکه او ترسا بود؛ و منکر شدند توریت را و موسی را. قَبْلَكَ آمَنَّا بِهِمْ. کلبی گفت: آن آرزوهای بود ۲۰

کارزو کردند و مریشان را ازان نصیب نی . فرا گفت : آن باطلهایی بود کایشان گفتند . قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ . بگوی مریشان را حجتها تان بیارید از توریت و ز انجیل بدان آرزو که کردید . اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ . اگر شما راست گوید بدانچه گفتید .

- ۱۱۲ ۴۲ بَنِي مَنْ اسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ . مقاتل گفت : نه چنان است ۵  
که شما گفتید، که جهودان او ترسا آن اید، به بهشت شود جز شما آن کسی کاو خالص کند دین خویش مرخدای را ، و به محمد بگردد او نیکوکار باشد . فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ . مر او را ثواب ایمان او ، طاعت او بود نزد آفریدگار او . وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ . و فر ایشان بیم نی و نه اندوه خورند ایشان [۱۸] .

- ۱۰ ۱۱۳ ۴۲ وَ قَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ . جهودان گفتند که :  
ترسا آن فر باطل اند، و دین نیست مگردین جهودی . وَ قَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ . و ترسا آن گفتند : جهودان فر باطل اند، و دین نیست مگر دین ترسایی . وَ هُمْ يَقْتُلُونَ الْبَنَاتِ . و ایشان هر دو گروه تسوریت و انجیل همی خوانند ، و بدو کار نکنند . كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ بَيْنَ قَوْلِهِمْ . همچو جهودان و ترسا آن ، گفتند کافران عرب که : جهودی و ترسایی و مسلمانی هیچ چیز نیست . فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ . خدای گفت عزوجل : من خدای داور باشم و حاکم میان جهودان و ترسا آن و مشرکان عرب روز راستخیز ، بدان دو گروهی کایشان کردند اندر دین خدای عزوجل . ۲۰

و زجاج گفت رحمه الله : معنی این آیت آن بود که بنماید مر  
ایشان را اندر قیامت که کی به بهشت شود و که به دوزخ شود  
معاینه .

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي  
خَرَابِهَا . ابن عباس گفت: پادشایی از روم، اورا ططوس بن اسبسیانوس ۱۱۴۶  
گفتندی ، بیت المقدس را ویران کرد ، و مردارها اندرو بیفگند ، و  
مبارزان شان را بکشت ، و زنان او فرزندان شان را اسیر کرد، و همیشه  
خراب بود تا مسلمانان آبادان کردند به گاه عمر .

حسن البصری و قتاده گفتند : به شان بخت نصر آمدست و یاران  
او . ترسا آن مربخت نصر را فر ویران کردن بیت المقدس باری داده ۱۰  
بودند . خدای گفت عزوجل : کیست ستمگارتر و گردن برده تر و به  
خدای کافرتر از ان کسها [۱۹] که فاز داشتند مومنان را از یاد کردن  
خدای به یگانگی اندر مزکت بیت المقدس، و جهد کردند ویران  
کردن او . اُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ . آن کسها  
کاین صفت ایشان است از ترسا آن نبود مر ایشان را که اندر مزکت ۱۵  
بیت المقدس شوند سپس نبوت محمد علیه السلام مگر به پنهان از بیم  
کشتن ، پس مکافات ایشان یاد کرد اندرین جهان و آن جهان فر فعل  
بد شان. گفت : لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ. مر ایشان را اندرین جهان خواری  
و رسوائی .

کلبی گفت: خواری شان اندر این جهان آن بود که گشاده شود ۲۰  
اندر مسلمانی سه شارستان بزرگ از شارستانهای ایشان ، قسطنطنیه و

رومیه و عموریه، و بکشند مبارزان ایشان را . وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ . و مرایشان را [است] اندران جهان عذاب بزرگتر از عذاب این جهان ، آتش جاودانه .

- ۱۱۵۴ آ وَ لِلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَهُنَّ وَجْهَاتُ اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ . کلبی و مقاتل گفتند: مردانی از یاران پیغامبر علیه السلام به سفر بودند ، بدان وقت که نماز سوی بیت المقدس کردند . و روزی ابرناک بود و میخ گرفته بود ؛ و وقت نماز فراز آمد . نحری کردند قبله را . بهر [ی] سوی مشرق نماز کردند ، و بهری سوی مغرب . چو آفتاب پیدا آمد ، بدانستند که نماز نه سوی قبله کردند . به مدینه آمدند و پیغامبر را بیاگاهانیدند . این آیت فرود آمد . وَ لِلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ . ۱۰ گفت مرخدای راست جایگاه آفتاب فر آمدن و آفتاب فرو شدن . از شرق تا غرب همه خدای راست ، از هر سوی که روی گردانید اندر نماز ، خدای آنجاست .

- مجاهد گفت و ضحاک : آن قبله خدای است ، ای آن نماز شما رواست ، سپس ازان که نحری کرده باشید . إِنَّ اللّٰهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ . [۲۰] ۱۵ خدای عزوجل فراخ کرد فر مومنان اندر کار قبله ، و تنگ نگرفت فر ایشان . و داناست به نیتهای دلهایشان .

- ۱۱۶ آ وَ قَالُوا اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ . مقاتل گفت : به شأن ترسا آن نجران آمد ، به مدینه آمده بودند و گفتند : عیسی پسر خداست ، لعنهم الله . خدای عزوجل حکایت کرد اندر قرآن دروغهای ایشان ، و رد کرد فر ایشان ، و خود را بستود و گفت : پاکی مرخدای راست از

آنچه گفتند این ناسزا گویان . بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ . نه چنان است کایشان گفتند ، بل که مرخدای راست اهل آسمانها و زمینها از فریشتگان و ز اهل زمی ، عیسی و همه آدمیان . كُلُّ لَهُ فَاعْبُدُون . همه مقررند مرخدای را به خدایی .

- بوصالح ابن عباس گفت : این آیت خاص است مراهل طاعت ۵  
 را از مومنان . و ضحاک گفت : این آیت عام است . کس است که مر  
 خدای را طاعت دارد به کام ، و کس است که طاعت دارد به نوکام .  
 ۱۱۷ آیه  
 بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا . نوکنندهی آسمانها و  
 زمینهاست . وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا . وچو خواهد خدای عزوجل بودن چیزی  
 و آفریدن مخلوقی ، فَإِذَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ . مران چیز بودمین را  
 ۱۰  
 کاندراهم او بود که بخواهد بودن ، گوید : بیاش . بیاشد ، چنانکه او  
 خواهد .

- ۱۱۸ آیه  
 وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُعَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَنْذِرُنَا آيَةً . و  
 گفتند آن کسها که نشناختند مرخدای را به بانگی از کافران مکه چرا  
 خدای فاما سخن نگوید ، ای چرا ما را نگوید که محمد صلی الله علیه  
 ۱۵  
 پیغامبر من است ، بلو بگروید . یا چرا نشانی [۲۱] نیاری تا که بدانیمی که  
 ته پیغامبر خدایی ، چنان نشانی کاورده بود موسی . كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ  
 قَبْلِهِمْ بِمِثْلِ قَوْلِهِمْ . همچنین گفتند کافران گذشتگان مرپیغامبران شان  
 را ، چنان کاین کافران همی خواهند از نو که محمدی علیه السلام .  
 ۲۰  
 فَشَابِهَتْ قَوْلَهُمْ . مانده گشت دلهای این کافران بدان کافران  
 گذشتگان .

قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ . پیدا کردیم نشانیهای نبوت ته که محمدی اندر قرآن مر فی گمانان را از مومنان .

۱۱۹۴:۲ إِنْ أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا . ما بفرستادیم ترا یا محمد علیه السلام به توحید مژده دهنده مر مومنان را به بهشت ، و ترساننده مر کافران را از دوزخ . وَلَا تَسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَنَّةِ . و نگه دار آنچه ۵ ترا بفرمودیم بدو ، او خلق را بدو خوان که ترا خدای بگیرد به گناه آن کسهایی که متابع نباشند مر ترا .

۱۲۰:۴۶ وَ لَنْ قَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ . و خشنود نباشند از ته جهودان و ترسا آن . حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ . تا کار نبندی به شریعت ایشان را و نماز نکنی ته قبله ایشان . قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هَوَاءَهُنَّ . و بگوی مر ۱۰ ایشان را که دین خدای دین مسلمانی است ، و قبله خدای کعبه است . وَ لَمَّا أَتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ . و اگر ته که محمدی فرمان بردار ایشان باشی و به قبله ایشان نماز کنی سپس ازان کاگاهانیدیم [۲۲] ترا که دین دین مسلمانی است ، و قبله کعبه است . ۱۵ مَا لَكَ مِنْ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ . نبود مر ترا جز از خدای عزوجل یاری دهی ، کت به رحمت خدای نزدیک کند ، و نه فاز دارندهای کت از عذاب خدای برهاند .

مفسران گویند: خطاب این مر پیغامبر راست علیه السلام ، و مراد ازو مر جمله ی مومنان راست .

۱۲۱:۱۶ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْعِتَابَ يَتْلُوهُ هُ حَقًّا قِيلَ أَوَلَمْ يَكُنْ مِنْهُمْ نَبِيٌّ . پس بستود ۲۰



مؤمنان اهل توریت را ، عبدالله بن سلام را او یاران او را ، و گفت:  
 آن کسها که مرا ایشان را ما علم توریت دادیم ، مرتوریت را همی  
 خوانند به سزای خواندن او ، ای بدو بگروند و حلال او را حلال  
 دارند و حرامش را حرام دارند ، و نعت پیغامبر را علیه السلام ازو  
 بیان کنند . **أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ** . ایشانند که بگروند به توریت .  
 ۵ و بهری گویند : ایشانند که بگروند به محمد علیه السلام ، و مرو را  
 مصدق دارند . **وَمَنْ يَتَفَرَّبْهِ فَاُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ** . و هر که مرو را  
 راست گوی ندارد از جهودان و جز از ایشان ، ایشانند زبان کاران  
 بدین جهان و بدان جهان .

۱۲۳۴۱ **يَا بَنِي إِسْرَءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ** . یا فرزندان  
 یعقوب ، از جهودان مدینه یاد کنید . کردارهای مرا که به جای شما  
 کردم . **وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ** . و نیز شما را فر همه اهل آن  
 زمانه ، کاندرو بود موسی ، فزونی دادم به کرامتهایی .

۱۲۳۴۲ **وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا** . بترسید از عذاب  
 آن روزی که هیچ کس مر هیچ کس را فریاد [۲۳] رسیدن نتواند از  
 عذاب خدای عزوجل . **وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ** . و ز هیچ نبی اندر آنروز  
 فدی نپذیرند . **وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ** . و شفاعت شفیع منفعت نکند مران  
 تن را جز به دستوری خدای عزوجل . **وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ** . و نه ناز دارند  
 مرایشان را عذاب خدای عزوجل .

۱۲۳۴۳ **وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ** . و آزمایش کرد خدای  
 ۲۰ عزوجل مرا ابراهیم را به سخنانی ، ای بفرمودش خدای به فرمانهایی .

فَلَمَّهِنَّ . ابراهیم تمام کرد مران سخنان را ، ای کار کرد فران فرمانها  
فی تفصیر .

مفسران را اختلاف است اندر تفسیر این آیت . ابن عباس گفت:  
خدایش بفرمود به ده خصلت ، پنج ازوی به سر اندرون ، و پنج به تن  
اندرون . یکی از آنچه به سر اندرون است ، موی استردن ، و دیگر  
سبلت پیراستن ، و سدبگر مسواک کردن ، و چهارم به وقت مسح  
مضمضه کردن ، و پنجم آب به بینی فر کشیدن . و اما از آنچه به تن  
اندرست ، موی زیر کش پاک کردن ، و موی زهار استردن ، و ختنه  
کردن ، و به آب طهور کردن ، و ناخن چدن .

- ۱۰ و حسن بصری گفت : و مبتلا کرد خدای عزوجل به بلویهایی  
ابراهیم را ، صبر کرد فر آن بلویها . یکی از آن ، آن بود که به آتش  
افگندش نمرد ، و دیگر ختنه کرد خود را از پس هشتاد سالگی ، و مبتلا  
کردش خدای عزوجل به ذبح فرزند ، راضی بود مرقضای خدای را .  
و مقاتل گفت : بفرمودش خدای عزوجل به کردن دعاهایی که  
یاد کردست خدای عزوجل اندر قرآن . ابراهیم نخواند مر خدای را  
۱۵ بدان دعاها ، چنانکه گفت : رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ<sup>۱</sup> . رَبَّنَا  
قَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ<sup>۲</sup> . رَبَّنَا إِنِّي أَتَّكْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي  
بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ [۲۴] عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ<sup>۳</sup> . رَبَّنَا وَقَبَّلْ دُعَاءِ<sup>۴</sup> . رَبَّنَا  
اغْفِرْ لِي وَلِإِوَالِدِيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ<sup>۵</sup> . قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ

۲- آیه ۱۲۷ سوره بقره

۴- آیه ۲۰ سوره بقره

۱- آیه ۱۲۹ سوره بقره

۳- آیه ۳۷ سوره بقره

۵- آیه ۴۱ سوره بقره

لِبَنَاتِ إِمَامَا. چو فرمان بردار یافتش خدای عزوجل ، وحی کرد بدو  
 که من ترا همی امام خلق خواهم کرد ، تا مومنان همه به تو اقتدی  
 کنند و سخنهای ترا کار بندند . قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي . ابراهیم از  
 سلامت دلوز شفقت کاو را بود فرخلق ، گفت: یارب ، وز فرزندان  
 من نیز ایشان را امامان گردان مر خلق را . قَالَ لَا يَنْتَالُ عَهْدِي  
 ۵ الظَّالِمِينَ . گفت : یا ابراهیم از فرزندان ته جهودان باشند ، و من  
 مرجهودان را امامان خلق نگردانم . کرامت من مر فیداد گران را اندر  
 نیابد .

وَاِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّبَنَاتِ اِمَامِنَا . و ما بیا فریدیم مرین ۱۲۵۴۱  
 خانه‌ی کعبه را جایگاه فاز گشت بندگان بدوی هر سالی به حج ، و  
 ۱۰ جایگاه ایمنی گردانیدیمش ، که هر که از برون مکه جنایتی بکند که  
 فرو قصاص واجب شود، اندر مکه شود، آن حکم فرو نرانند تا از وی  
 بیرون نیابد ، حرمت آن خانه را . وَاتَّخِلُوا مِنْ مَّقَامِ اِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى .  
 و بگیریید شما که امتان محمداید جایگاه نماز از مقام ابراهیم ، از آن  
 جایگاهی که اثر قدم ابراهیم است اندران سنگ . وَعَهِدْنَا اِلَى اِبْرَاهِيمَ  
 ۱۵ وَاسْمَاعِيلَ اَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ . و  
 پیمان کردیم فا ابرهیم خلیل و فا اسمعیل ذبیح از پس از آنکه بنا  
 کردند خانه را که پاک دارید خانه‌ی مرا ، و دست فاز دارید کاندرو  
 بتان نهند یاد کرد او از بهر طواف کنندگان را به گرد او ، و مقیمان  
 را اندرو ، و مر رکوع کنندگان را ، او سجود کنندگان را [۲۵] از  
 ۲۰ نماز کنندگان .

۱۳۶ ب۱ وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهِيْمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا اٰمِنًا . و دعا کرد ابراهيم عليه السلام از پس از آنکه بنا کرده بود خانه را، بارخدایا ، مرین خانه را جایگاه ایمنی بندگان کن . و اَرْزُقْ اَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ . و روزی ده مر آن کسها را که مقیم باشند به مکه از میوه ها و زبرها مران کسهایی را که بگروند به ته خدای و به روز ۵ راستخیز . قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَاُنتَعَهُ قَلِيْلًا . وحی کرد بدو خدای که روزی دهم نیز مران کسهایی را که کافر شوند به من خدای ، خلقی بیافرینم و روزی فاز گیرم<sup>۱</sup> ازیشان ، هر که کافر شود روزی دهمش اندکی ازین جهان . ثُمَّ اضْطَرُّهُ اِلٰى عَذَابِ النَّارِ وَبَشِّرِ الْمُصْبِرِ . پس برسانمش به آتش دوزخ ناچار . و بد جای فازگشتا که کافر را بود ۱۰ دوزخ .

۱۳۷ ب۱ وَاِذْ يَرْفَعُ اِبْرٰهِيْمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ . و یاد کن چو ابراهيم همی فر آورد بن یاد خانه ی کعبه را . وَ اِسْمٰعِيْلُ . و یاری همی داد مر او را فرزند وی اسمعیل . رَبَّنَا قَبِّلْ مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ . ابراهيم چو بنای خانه را تمام کرد ، دعا کرد که : بارخدایا ، بپذیر ۱۵ این از ما که ته شنوایی مر دعای بندگان را و دانایی به مراد دلهای ایشان و روا کردن حاجتهای ایشان .

۱۳۸ ب۱ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِيْنَ لَكَ . بارخدایا ، ما را هردو مخلص دار مر ترا ، و فرمان بردار دار مرا مر ترا . وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا اُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ . و ز فرزندان ما نیز [۲۶] جماعتی<sup>۲</sup> فرمان بردار دار مر ترا . ۲۰

۱- در متن: مکرر است ۲- متن: + و

وَأَرْفَأَ مَنْاسِكَتَنَا . و پیاموز مر ما را جایگاههای عبادتهای حج . وَتُبَّ عَلَيْنَا إِذْكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ . و تجاوز کن از زلتها و خطاهای ما ، که ته پذیرنده‌ی توبه‌ی بندگان و بخشاینده .

۱۲۹ ۴۲

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ . ای بار خدای ما ، بفرست اندر میان مکیان پیغامبری ازیشان . يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ . تا بخواند ۵ فر ایشان سخنان ته . وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ . و پیاموزد مر ایشان را نبی ، و حلال و حرام آنچه یاد کنی اندر نبی .

و بهری گفتند : حکمت ستهای پیغامبر بود علیه‌السلام که پیاموخت یاران را . وَ يَزَكِّيهِمْ . و تا پاک‌گرداند مر ایشان را به توحید از کافری ، و گفتند : تا پاک‌گرداند مر ایشان را به ستن زکات ۱۰ ازیشان . و بهری گفتند تا تزکیت کند مر ایشان را روز قیامت چن گواهی دهند مر پیغامبران را . إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ . که ته خدای قادری فر آنچه خواهی ، و قوی اندر پادشایی و حکیمی ، حکم کردی کاین پیغامبر بفرستی .

۱۳۰ ۴۲

وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ فَنَفْسَهُ . و که گردد از ۱۵

طریق ابراهیم علیه‌السلام مگر آن کسی کاو خویشتن سفیه کند ؟

و کلبی گفت و مقاتل : ای کافر نشود به دین ابراهیم و شریعت او مگر آن کسی کاو تن خویش را زیان کند . و زجاج گفت : نگرود از ملت ابراهیم مگر آن کسی که خویشتن خویش را شناسد ؛ که هر کسی که خویشتن خویش را بشناسد<sup>۱</sup> خدای را بشناسد . و ملت‌نامی است ۲۰

۱- متن : از «هر که ...» مکرر است .

۱۶۴

مر هر راهی را که بپسوند [۲۷] و اثر او پیدا بود . پس ثنا کرد  
 ابراهیم علیه السلام و گفت : وَ تَقَدَّ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الْاٰخِرٰتِ . ما مرو  
 بگزیدیم اندرین جهان ، ای به دوستی گرفتیمش . وَ اِنَّهُ فِي الْاٰخِرٰتِ  
 لَمِّنَ الصّٰلِحِيْنَ . و ابراهیم اندران جهان از رستگاران باشد از عذار  
 وز ظفر یافتگان باشد به بهشت . و گویند ابراهیم فای پدران نبی  
 باشد از پیغامبران اندر بهشت . زجاج گفت : صالح آن  
 باشد که فریضه های خدای را بگزارد ، و امانتهای مسلمانان<sup>۱</sup> فزوده  
 اِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ اَسْلِمْ . بگزیدش خدای آن وقتی که گفتش آه  
 ابن عباس گفت : خویشتن خالص مرا کن . و فرا گفت : دایم باش  
 آنچه هستی فرو . قَالَ اَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِيْنَ . ابراهیم گفت : گ  
 دادم مر آفریدگار خلایق را .

۱۳۱۶۴

۲۶۴

و وَضٰى بَيْنَ اِبْرٰهِيْمَ وَبَنِيْهِ . اندرز کرد به کلمت اخلاص  
 ۱۳۲۶۴ ملت اسلام ابراهیم فرزندان را ، اسمعیل واسحق را . وَ يَعْقُوْبُ  
 نیز یعقوب وصیت کرد به کلمت اخلاص مر دوازده پسر خود را  
 مَرَّكَ . يَا بَنِيَّ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰى لَكُمْ الدِّيْنَ فَلَا تَمُوْكُنْ اِلَّا وَ اَنْتُمْ مُسْلِمُوْنَ  
 گفت : یا فرزندان بگزید خدای مر شما را از همه دینها ، دین مسد  
 مرگ مبادا مر شما را مگر فر مسلمانی .

۱۳۲۶۴

۲۸۶۴

اَمْ كُنْتُمْ شُهَدَآءَ اِذْ خَضَرَ يَعْقُوْبُ الْمَوْتُ . این جواب جا  
 ۱۳۳۶۴ است . ایشان گفتند مر پیغامبر را : یا محمد ، یعقوب آن رو  
 بمرد ، فرزندان را به دین جهودی وصیت کرد . خدای گفت م

۱۳۳۶۴

- و شما که جهودان اید، حاضر بودید نزد یعقوب بدان وقتی کاو را مرگ آمد، تا بدانستیدی که به دین جهودی وصیت کرد، ای شما حاضر نبودید [۲۸] آن وقت، پس چرا فرو فربه باطل همی گواهی دهید؟ پس بگفت که یعقوب مر فرزندان را به چه وصیت کرد.
- ۵ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي . چو فرزندان را گفت :
- فرزندان من، مر چه چیز را پرستید از پس مرگ من؟ آزمایش کردشان، تا چه جواب کنند او را . قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَٰهًا وَاحِدًا . گفتند : پرستیم ای پدر مر خدای ترا و خدای پدران ترا، ابراهیم خلیل را و اسمعیل صادق را و اسحق ذبیح . وَفَعَن لَّهُ مَشْجُونٌ . و ما مر خدای را
- ۱۰ خاضعیم و ذلیل، و بشناسیم به یکی.
- قِيلَ لَكَ آيَةُ قَدْ خَلَتْ . ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب جماعتی بودند که رفتند . لَهَا مَا كُتِبَتْ وَ لَكُمْ مَا كُتِبْتُمْ . مر ایشان را پاداش آن طاعتها که کردند، او مر شما را که جهودانید عقوبت آن معصیتها که کردید و کنید، و مر ایشان را ثواب آن توحید
- ۱۵ کاوردند، و مر شما را که جهودانید عقوبت آن گنه که نعت پیغامبر را منکر شدید و گواهی پنهان کردید . وَ لَا تُسْتَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ . و شما را که جهودان اید نه پرسند اندران جهان ازان کاری کایشان کردند، شما را از کارهاتان پرسند و فردروغتان که گفتید عقوبت کنند .
- ۲۰

۱۳۵۴۲ **وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تَهْتَدُوا .** و گفتند جهودان :  
 جهودان باشید تا ره یابید . و ترسا آن گفتند : ترسا آن باشید ، تا  
 فر دین راست باشید . **قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا .** بگوی مر جهودان  
 را و ترسا آن را ، ما فر ملت ابراهیم مخلص باشیم . **وَمَا كَانَ مِنَ  
 الْمُشْرِكِينَ .** [۲۹] و ابراهیم از مشرکان نبود ، وز جهودان و ترسا آن  
 نبود .

۱۳۶۴۲ **قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ .** بگویید شما که مومنان ابد مر جهودان  
 و ترسا آن را که گرویدیم ما به یگانگی خدای . **وَمَا أَنزَلْنَا  
 وَمَا أَنزَلْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَاسْمَعِيلَ وَاسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَالْإِسْبَاطَ .** و  
 گرویدیم بدان کتابی که فرود آمد فر پیغامبر ما از نبی ، و گرویدیم  
 بدان کتابی که بفرستاد سوی ابراهیم از صحف ، که بدو کار کردی  
 اسمعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان یعقوب . **وَمَا أَوْقَىٰ مُوسَىٰ وَ  
 عِيسَى .** و گرویدیم بدان توریتی که بدادند مر موسی ، و بدان  
 انجیل که بدادند مر عیسی را . **وَمَا أَوْقَىٰ النَّبِيُّونَ مِنْ رَّبِّهِمْ .** و  
 گرویدیم به همه کتابهایی که بیامده بود از خدای سوی پیغامبران .  
**لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ .** جدا نکنیم میان هیچ کس از پیغامبران ،  
 که به بهری بگرویم و به بهری نگرویم ، ای به همه بگرویم .  
**وَنُحَنِّ لَهُ مُسْلِمُونَ .** و ما مر خدای را عزوجل فرمان برداریم .

۱۳۷۴۲ **فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا .** اگر جهودان و  
 ترسا آن بگروند چنان که شما گرویدید ، ره یافتند چنان که شما  
 یافتید . **وَإِنْ قَوْلُوا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ .** و اگر نگروند بدانید



کایشان مخالفند مر شما را و دشمن دار . فَسَيَغْفِرُكُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . خدای کفایت کند مر ترا بدی ایشان و فر دارد از ته مؤنت ایشان . و خدای شنواست مر دعای ترا ، و داناست به عقوبت ایشان . [۳۰] .

۱۳۸۴T صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً . نگه دارید ای مومنان مر ۵  
دین خدای را عزوجل ، به قول ابن عباس .

و قتاده گفت : جهودان فرزندان را نام کردند نام جهودی ، و فر ایشان نهادندی علامت جهودان . و ترسا آن نام نهادندی فرزندان را نام ترسایی و علامت ترسا آن . خدای گفت عزوجل : نگه دارید شما که مومنان اید مر این نام را که شما را نهادم ، چنانکه گفت : ۱۰  
هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ ، وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً . و کیست نیکوتر نام نهنده تر و علامت کننده تر از خدای عزوجل ؟ وَ نَحْنُ لَهُ غَابِطُونَ . بگویید شما که مومنان اید ، که ما مرخدای را به بگانگی شناسیم ، و مرو را بندگی کنیم .

۱۳۹T قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ . و بگوی مر جهودان ۱۵  
را و ترسا آن را ، و همی خصومت کنید فا ما اندر دین خدای عزوجل ، و مخالف شوید همی ما را ؛ و الله خدای ماست و خدای شما . وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ . و ما را دین ما ، دین مسلمانی ، و شما را دین شما ، دین جهودی و ترسایی ؛ به قول کلبی و مقاتل . وَ نَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ . و ما مر خدای را ایم بندگان فی آمیز ، ای جز ۲۰

مر او را نپرسنیم .

- ۱۳۰ ۴۱ **أَمْ قَوْلُكَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ**  
**كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى .** وهمی گویند که ابراهیم و فرزندان او اسمعیل  
و اسحق و نسل او ، او یعقوب و نژاد یعقوب ، جهود بودند یا ترسا .  
**قُلْ أَنتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ .** و بگوی مر ایشان را که شما داناترید به دین ۵  
ابراهیم و فرزندان او یا خدای عز و جل ؟ و خدای خبر داد مرا که  
ابراهیم [۳۱] نه جهود بسود و نه ترسا . **وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةَ**  
**عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ .** و کیست ستم گار [تر] فر خویشتن و دروغ زن تر از ان  
کسی که پنهان کرد گواهی را که نزد او بود اندر توریت و انجیل از  
خدای عز و جل ؟ **وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ .** و خدای غافل نیست ۱۰  
و فرو پوشیده نیست از آنچه شما کنید همی . ای مکافات آن برساند  
به شما که جهودان اید و ترسا آن اید .

- ۱۴۱ ۴۲ **قِيلَ ائِمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ .** آن جماعتی بودند که  
رفتند ابراهیم او فرزندان او . **وَقَتَّمْ مَا كَسَبْتُمْ .** مر ایشان را ثواب  
آنچه ایشان کردند ، و مر شما را مکافات آنچه شما کنید . **وَلَا** ۱۵  
**تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ .** و شما را از کار ایشان نپرسند ، و ز  
کار شما پرسند .

- ۱۴۲ ۴۲ **سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّيْتَهُمْ عَنِ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا**  
**عَلَيْهَا .**

- ۲۰ **حسن البصری گفت و مقاتل :** پیغامبر علیه السلام به قبله بیت  
المقدس نماز کرد هفده ماه ، دشوار آمد فر مشرکان مکه ، چون قبله

سوی کعبه گشت ، کافران مکه گفتند : محمد آرزومند گشت به شهر خویش ، همچنان که فاز قبله‌ی ما فاز آمد ، فاز دین ما فاز آید . این آیت بیامد به شأن ایشان .

- و سعید بن جبیر گوید و مجاهد : ابن سفیهان اندرین آیت مهتران جهودان اند ، کعب الاشراف و یاران او . چون پیغامبر علیه السلام از بیت مقدس روی به کعبه کرد ، گفتند : مَا وَ لِيهِمْ عَنْ قِبَلَتِهِمُ الَّذِي كَانُوا عَلَيْهَا . چی گردانید مر ایشان را از ان قبله‌ای که تا اکنون سوی او نماز کردند . قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ .
- کلبی گفت : بگوی مر خدای راست عزوجل قبله بیت المقدس و مغرب ، قبله‌ی کعبه مر خدای راست . [۳۲] يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . ره نماید به قبله‌ی راست و به دین راست مران کسها را که او خواهد .

- و كَذٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ اُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ . ۱۳۳ ب۱  
همچنان که ره نمودیم مر شما را که مومنان اید به راه راست ، هم چنان مر شما را جماعتی کردیم گزیده ، تا گواایی دهید مر پیغامبران را روز راستخیز به گزارد پیغامبری . وَ يَكُوْنُ الرَّسُوْلُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا . و پیغامبر صلی الله بباشد مر شما را مزکی که تزکیت کند پیش خدای عزوجل ؛ این قول ابن عباس است .

- و قتاده گفت: تا پیغامبر گواایی دهد که گزارد رسالت به امت؛ و مجاهد گفت : لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ . تا گواایی دهید مر محمد را فر جهودان و ترساآن و مغان به گزارد پیغامبری . وَمَا

جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا الْأَيْمَنَ مَنِ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبْ  
 عَلَى عَقْبَيْهِ . و ما نفرمودیم مر ترا به نماز کردن سوی بیت المقدس  
 وفاز فرمان ندادیم به نماز کردن سوی کعبه مگر از بهر آن را تا  
 بدانیم و ببینیم که که باشد فرمان بردار مر ترا از جملهی آن کسها  
 که مرتد شوند ، فازگردند فاز کافری . وَإِنْ كَانَتْ لَتَجْبِرَهُ إِلَّا عَلَى ۵  
 الذِّينَ هَدَى اللَّهُ . و گردانیدن قبله سوی کعبه دشوار بود فر جهودان و  
 فر منافقان مگر فر آن کسها که توفیق دادشان خدای از مخلصان مر  
 متابعت پیغامبر را علیه السلام . وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ إِيْمَانَكُمْ . خدای  
 عزوجل ضایع نکند گشوش شما را [۳۳] که مومنان ابد ؛ ای باطل  
 نکند مر نمازها تا آن را که کرده بودید سوی بیت المقدس به فرمان ۱۰  
 پیغامبر علیه السلام . إِنَّ اللَّهَ بِأَنفُسِكُمْ لَرْؤُوفٌ رَحِيمٌ . که خدای به مومنان  
 مهربانست و بخشاینده .

قَدْ تَرَى قَلْبِي وَجْهَكَ فِي السَّمَاءِ . آیت ۱۴۴

سبب نزول این آیت آن بود که پیغامبر علیه السلام سوی بیت  
 المقدس نماز کرد به قبله‌ی جهودان ، امید آن را که جهودان بگردند ۱۵  
 بدو ؛ از ایراک جهودان نعت پیغامبر علیه السلام چنان یافته بودند کاو  
 به دو قبله نماز کند . چو جهودان بدو نگر ویدند ، دشمن گرفت قبله‌ی  
 ایشان را . جبریل را گفت : ای جبریل ، خواستی که خدای عزوجل  
 مرا فاز قبله‌ی کعبه فاز گسرداندی . جبریل گفت : بخواه از خدای  
 عزوجل تا حاجت روا کند . پیغامبر علیه السلام سوی آسمان همی ۲۰  
 نگرستی و دعا همی کردی او مید آن را که وحی آبدی . این آیت

- بیامد: هَذَا نَرَى قَلْبًا وَجْهَكَ فِي السَّمَاءِ<sup>۲</sup>. گفت: ما دیدیم یا محمد دایم  
نگرستن ته سوی آسمان. فَلَنَوَلِّينَكَ قِبْلَتَهُ قَرَضِيهَا. مر ترا سوی  
قبله‌ای گردانیم که مراد ته بدوست، و خشنودی ته اندروست. قَوْلُ  
وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ. روی را سوی مز کد مکه کن اندر نماز.
- ۵ براء ابن عازب گفت: یار [ان] پیغامبر علیه‌السلام قبله را سوی  
کعبه گردانیدند و ما دو رکعت نماز کرده بودیم سوی بیت المقدس،  
و ما اندر رکوع بودیم، روی سوی کعبه گردانیدیم و هم قرآن نماز  
بنا کردیم. پس مومنان را گفت: وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ  
شَطْرَهُ. و به هر مکان که باشید روی را اندر نماز سوی کعبه [۳۴]  
کنید. وَ إِنَّ الَّذِينَ أَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ. و  
آن کسها کایشان را از علم توریت نصیب دادند از مهتران جهودان،  
بدانند کاین قبله سوی کعبه حق است از خدای‌شان. پس وعیدهاشان  
کرد و گفت: وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ. و خدای عز و جل  
فرامشت کار نیست و غافل نیست از کارهای جهودان، ای از پنهان  
کردن ایشان صفت پیغامبر را، و قبله‌ی کعبه را از توریت.
- ۱۵ وَ لَبِئْسَ أَقْبَتَ الَّذِينَ أَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ بِمَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ.  
و اگر بیاری سوی آن کسها که دانا آن اهل کتابند، کعب بن الاشرف  
و جز او، همه نشانها که طلب کردند از ته، چنان که موسی آورده  
بود سوی قوم خویش، ایشان نماز نکنند به قبله‌ی ته. وَ مَا أَنتَ بِتَابِعٍ  
قِبْلَتِهِمْ. و ته نیز نماز نکنی به قبله‌ی بیت المقدس. وَ مَا بَعْضُهُمْ  
۲۰

۱۴۵ ب۱

بِتَابِعِ قِبْلَتَهُ بَعْضٍ . و بهری از جهودان و ترسا آن نماز نکنند به  
 قبله یك دیگر . وَ لَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَ هُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ .  
 و اگر نه که محمدی اسپس آن که ترا سوی قبله ی کعبه گردانیدیم نیز  
 به قبله ی جهودان نماز کنی به مراد ایشان از پس ازان که آگاهانیدیم  
 مر ترا که قبله ، خانه ی کعبه است . إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ . ته ۵  
 نون آن هنگام از فیداد گران باشی فر خویشان .

۱۴۶ ۴۲ آذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاهُمْ . آن  
 کسها که مر ایشان را علم توریت [۳۵] و انجیل دادیم از مهران  
 جهودان و ترسا آن ، بشناسند مر محمد را علیه السلام به نعت و صفت  
 او ، چو بینندش اندر میان فیگانگان ، چنانکه بشناسند مر فرزندان را ۱۰  
 چو بینندشان اندر میان کسودکان فیگانگان . وَ إِنْ فَرِيقًا مِنْهُمْ  
 لَيَتَتَمُونَ الْحَقَّ . و بهری از جهودان همی پنهان کنند صفت پیغامبر را  
 و قبله ی کعبه را از توریت . وَ هُمْ يَعْلَمُونَ . و ایشان همی دانند که  
 محمد پیغامبر خدای است ، و کعبه قبله ی خدای است عزوجل .

۱۴۷ ۴۲ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ . اینچه یاد کردیم مر ۱۵  
 ترا راست است از خدای ته ، به شك مباش اندر کار قبله .

زجاج گفت رحمه الله : این خطاب مر پیغامبر راست و امان  
 او ، همه اندرین خطاب فا او یکی اند ، والله اعلم .

۱۴۸ ۴۲ وَ لَعَلَّ وَجْهَهُ هُوَ مُوَلِّیْهَا . و مر هر اهل شریعی را و اهل ۱۳۸ ۴۲  
 دینی را قبله ای است کایشان روی بدان قبله کنند به نماز . فَاسْتَبِقُوا  
 الْخَيْرَاتِ . پیش دستی کنبد شما که مومنان اید به گزارد پنج نماز ؛ و

گفتند پیش دست باشید شما که مومنان اید فر همه امتان به کردن  
نیکبها .

زجاج گفت : پیش دستی کنید به پذیرفت این طاعتها از خدای  
عزوجل . اَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا . که به هر مکانی که  
بمرید فرا نگیرندتان جمله خدای عزوجل . إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . ۵  
که خدای عز و جل فر همه چیزی که خواست و خواهد [۳۶] از  
فر انگیختن روز قیامت و شمار کردن و پاداش دادن تواناست .

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ . وَ ز هر ۱۴۹  
مکانی که بیرون آیی یا باشی روی را سوی کعبه گردان به نماز .  
وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ . و امر قبله راست است و داد است از خدای ۱۰  
ته . وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ . و خدای غافل نیست از آنچه  
جهودان همی کنند .

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ . وَ ز هر ۱۵۰  
مکانی که بیرون آیی رویت را سوی کعبه گردان به نماز . وَ حَيْثُ  
مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ . و هر کجا باشید شما که مومنانید  
رویهاتان را سوی کعبه گردانید به نماز . لِيُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ ۱۵  
حُجَّتُهُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ . تا جهودان را فر شما حجت نباشد و  
فا شما خصومت نکنند که مومنان اید ، چون به دو قبله نماز کرده  
باشید مگر فیداد گران ازیشان بی حجت فا شما خصومت کنند . فَلَا  
تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي . ازیشان مترسید که روبها را از بیت المقدس به ۲۰  
کعبه گردانیدید به نماز کایشان شما را چیز کردن نتوانند ؛ و ز من

ترسید که اگر امر من دست‌فاز دارید عقوبت مرا مستوجب شوید. وَلَکُمْ نِعْمَتِي عَلَيَّكُمْ. و ره نمودم تان به قبله‌ی ابراهیم تا تمام کنم کردار خویش فر شما. [۳۷] وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَفُونَ. و تاره یافتگان باشید به قبله‌ی راست.

- ۱۵۱۴۲ کَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ. مرا یاد کنید و فرامشت مکنید ۵  
چنان که من شما را یاد کردم به رحمت، و بفرستادم اندر میان شما پیغامبری از نژاد شما که فاز یابید. يَتْلُوا عَلَیْكُمْ آيَاتِنَا. تا بخواند فر شما فر کتاب ما، و بیان کند مر شما را امر و نهی ما. وَ يَزَكِّيْكُمْ. کلبی گفت: تا به صلاح آرد مر شما را به سندن زکات از شما؛  
و مقاتل گفت: تا پاکیزه کند مر شما را به مسلمانی از پلیدی کفر. ۱۰  
وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِکْمَةَ. و بیاموزد مر شما را قرآن و مواعظ قرآن و حلال و حرام قرآن، به قول کلبی؛ و حسن بصری گفت:  
تا بیاموزد مر شما را قرآن و سنتهای خویش علیه‌السلام. وَ يُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا قَبْلَئِذٍ. و تا بیاموزد مر شما را شرایع دین شما و هر چیزی که اندرو صلاح شماست. ۱۵

- ۱۵۲۴۲ فَاذْكُرُونِيْ اَذْكُرْكُمْ. مقاتل گفت: مرا یاد دارید! به طاعت من ۱۵۲۴۲  
تا من یاد دارم تان به خیرها. و سعید بن جبیر گفت: مرا یاد دارید به طاعت داشت من تا من یاد کنم شما را به آمرزش من. و ابن عباس گفت: مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و یاد کرد من مر شما را  
بزرگ‌تر از یاد کرد شما مر مرا. وَ اشْكُرُوا لِيْ وَلَا تَتَفَرَّوْا. سپاس‌دار ۲۰



باشید مر کردارهای مرا و نوسپاس مشوید اندر من خدای عزوجل .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ . يَا ۱۵۳ ۴۱

گرویدگان به یگانگی [۳۸] خدای عزوجل و به نبوت محمد علیه

السلام ، یاری خواهید فر گزارد فریضه‌های خدای ، و به یافت ثواب

خدای ، و به کفارت گناهان شما به شکیبایی کردن فر مصیبتها ، و به ۵

نماز کردن . إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ . که خدای یاری ده شکیبایی

کنندگانست .

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ . ابن عباس گفت : ۱۵۴ ۴۱

یاران پیغامبر علیه‌السلام مرا ن کسها را که کشته شده بودند به حرب

بدر واحد مردگان خواندندی و گفتندی : بمرد فلان و بمرد فلان . ۱۰

این آیت بفرستاد خدای و گفت : مگویید مرا ن کسها را که شهادت

یافتند اندر طاعت خدای ، کایشان مسردگانند . بَلْ أَحْيَاءُ وَلَكِنْ لَا

تَشْعُرُونَ . نه کایشان زندگانند اندر بهشت جز شما که مومنان اید

بدانید حقیقت زندگانی ایشان از پس جدا شدن جانهاشان از تنهاشان.

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ ۱۵ ۱۵۵ ۴۱

وَالْأَنْفُسِ وَالْثَمَرَاتِ . و آزمایش کنیم تان ای مومنان به بهری از

بیم دشمنان ، و به قحط و سندن خواسته‌ها تان و به بیماریهاتان و به

سندن برها و میوه‌ها تان از شما . وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ . و مژده ده مرا ن

کسها را که شکیبایی کنند فر مصیبتها ، پس صفت ایشان بکرد و

گفت :

۲۰

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ . آن کسهایی که برسد به ایشان ۱۵۶ ۴۱

ازین محنتها که یاد کردیم محنتی . [۳۹] قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ . خرسند باشید به قضای من خدای ، و بگویید که ما مر خدای راییم به زندگانی ، و فاز گشت مسافاز خدای باشد اندران جهان ، اگر خرسند باشیم به قضای خدای ، مستوجب شویم مر ثواب او را اندران جهان . پس ثواب شان یاد کرد و گفت :

۵

اُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ . ایشان آن کسه‌اند که مر ایشان راست از خدای ایشان آمرزش و بخشایش ، و اُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ . و ایشان آن کسه‌اند که توفیق یافتستند به گفتار : إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ .

۱۵۲ ب۲

۱۰ إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ . سعی کردن میان کوه صفا و کوه مروه فر در مزکت مکه از سنتهای حج است و از علامتهای خدای است که بفرمودست مر خلق را بدو . فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ . و هر که به خانه‌ی کعبه حج کند یا عمره کند . فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا . فر ان کس بزه‌ای نیست که سعی کند میان کوه صفا و مروه .

۱۵۸ ب۲

۱۵

و این جواب آن است که به جاهلیت اندر بتی را فر کوه صفا نهادندی نام آن بت اساف بودی ؛ و بتی را فر کوه مروه نهادندی نام آن بت نایله بودی ؛ و چون بدین بت یا آن بت برسیدندی ، مرو را سجود کردند . چو مسلمانی آمد بهری از یاران گفتند که ما را بزه بود دویدن میان صفا و مروه به وقت حج کردن ، به سبب آن را ۲۰ کان موضع بتان بودی [۴۰] این آیت بیامد : فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ

أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ. و هر که او از خودی خویش نیکی کند، ای گرد خانه طواف کند بیرون ایام حج و عمره، خدای پذیرنده‌ی آنست و داناست به نیت‌های بندگان.

- آیه ۱۵۹ ۵ **إِنَّ الَّذِينَ يَتَعْتَمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ. این آیت**  
 به شأن مهتران جهودان آمدست. گفت آن کسها که همی پنهان کنند  
 مران را که ما فرو فرستادیم اندر توریت از صفت پیغامبر، و آیت  
 رجم و تحویل قبله سوی کعبه و ز حلال و از حرام. **مَنْ بَعْدَ مَا بَيَّنَّاهُ**  
**لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ. سپس ازان که ما پدید کرده بودیم اندر توریت.**  
**أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ. ایشان آن کسها اند که لعنت**  
 خدای فر ایشان است و لعنت مومنان.

- ابن عباس گفت: هیچ دو مسلمانی نباشد که يك مردیگر را  
 لعنت کنند که نه آن لعنت فاز جهودان گردد. و مجاهد گفت آن لعنت  
 کنندگان که یاد کرد خدای اندر قرآن، همه فریشتگان اند و  
 همه جانوران جز آدمیان و پریان، و ابن عباس گفت: از طریق ۱۵  
 دیگر که کافر را چو به گور کنند پیرسندش که خدای نه کیست و  
 دین نه چیست؟ گوید، ندانم. منکر و نکیر گویند مرو را: مدانیا،  
 همچنین بوده بودی اندر سرای دنیا. پس يك زخمش بزنند<sup>۱</sup> بدان  
 عمودی که دارند. بخروشد، خروش او را [۲۱] هیچ جانوری نشنود  
 که نه لعنتش کند جز آدمیان و پریان. ۲۰

- ۱۶۰ ب۲ **إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَاصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا** . مگر آن کسهای کازیشان توبه کنند از جهودان و بیان کنند نعت پیغامبر را علیه السلام لعنت ازان فرخیزد . **فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ** . ایشان آن کسهاند که من تجاوز کنم ازیشان گناهان شان . **وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ** . و من تجاوز کننده ام از تابیان ، و بخشاینده ام مران کسها را که فر توبه بمیرند . ۵
- ۱۶۱ ب۲ **إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ** . آن کسها کایشان منکر شدند نعت پیغامبر را علیه السلام و هم فران کافری بمردند . **وَأُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ** . ایشان آن کسهاند که فر ایشان باشد لعنت خدای عز وجل و لعنت فریشتگان و مومنان؛ و لعنت خدای راندن بود مر بنده را ، و نو مید کردن از رحمت . ۱۰
- ۱۶۲ ب۲ **خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ** . جاودانه اندر لعنت باشند و عذاب ، سبک نکنند روزی و ساعتی ازیشان لعنت او عذاب . **وَلَهُمْ يُنْظَرُونَ** . و زمان ندهند مر ایشان را که بیاسایندی یا فاز این جهان آیندی و توبه کنند .
- ۱۶۳ ب۲ **وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ** . آفریدگار شما یکی است ، جز او خدای دیگر نیست ، بخشاینده و مهربان است [۴۲] . ۱۵
- ۱۶۴ ب۲ **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ** . چو این بیامد : **وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ** . کافران گفتند مر پیغامبر را علیه السلام : حجتی و بیانی بیار فران کافریدگار یکی است . فرود آمد این آیت : **إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ** . ۲۰
- گفت : اندر آفرینش آسمانها اندر هوا و زمیها فرروی آب و

اندر آمد شد روز و شب. وَ الْفُلْكَ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ  
النَّاسَ. و آن دو کشتی‌ها همی روند اندر دریاها فر روی آب از بهر  
سود آدمیان را. وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَبَ بِهِ الْأَرْضَ  
بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ. و اندر باران که بفرستد خدای  
از آسمان، و زنده کند بدو زمین خشک را به گیاهها<sup>۱</sup> او کشتمنها. ۵  
وَقَصْرٍ فِي الرِّيَاحِ. و اندر فاز گردانیدن بادها اندر هوا فر راست او  
چپ و پیش و سپس. وَ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِينَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ. و اندر  
ابرها سخره کرده اندر هوا میان آسمان و زمین مر سبب باران را.  
لَا يَأْتِي الْقَوْمَ بِعَفْوٍ. اندرین همه نشانیهاست فر یگانگی خدای  
عز و جل مر خرد و مندان را. ۱۰

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ. ۱۶۵ ۴۱

[۴۳]

زبیدی گفت: از مردمان کسهانند که فرود خدای عز و جل  
مخلوقانی را همتا گیرند فا خدای، فرمان ایشان کنند به معصیت  
خدای. و مفسران دیگر گفتند: از کافران کسهانند که بجز از خدای ۱۵  
انبازان گیرند فا خدای از بتان. و عیسی و عزیر را دوست دارند  
ایشان، چنانکه مومنان دوست دارند خدای را. و گفتند به دوستی  
برابر دارند مر بتان را فا خدای عز و جل. وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا  
لِلَّهِ. و مومنان دوست دارنده‌تراند مر خدای را از کافران مر بتان را،  
زیرا که مومنان مر خدای را به حال فراخی و تنگی بخوانند و بپرستند ۲۰

و دوست دارند، و کافران مرتبان را به حال فراخی پرستند. و چو اندر کشتی نشینند و موج دریا بخیزد، آن هنگام بتان را دست فاز دارند و به اخلاص مر خدای را خوانند، چنانکه خدای گفت عز وجل: **فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِّ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، فَلَمَّا فَجَّيَهُمُ إِلَى أَسْرٍ إِذَا هُمْ يَشْرِكُونَ**. او نیز کافران مرتبان را تا نبینند پرستند، و مومنان مر خدای را عز وجل فا دیده پرستند. مومنان مر خدای را دوست تر دارند. **وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرْوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ**. و اگر به تی خوانی، خطاب این پیغامبر را بود؛ معنیش چنان بود، و اگر نه که محمدی علیه السلام به قیامت اندر بینی مر فیداد گران را از کافران، چو معاينه شود مر ایشان را عذاب خدای آسمان بینی به چه جایگاه بود فاز گشت ایشان از دوزخ جاودان؛ و چو به پی خوانی، چنان بود، و اگر بدانندی فیداد گران [۴۴] از کافران چو معاينه شود شان عذاب اندران جهان، که قوت به جملگی مر خدای راست و عذاب خدای سخت است مر کافران را، بگرویدندی اندرین جهان به جملگی.

۱۶۶ آیه **إِذْ قَبِرُوا الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ**. چو فیزار شوند بتان از کافران اندران جهان و مهتران از کهتران که فرمان ایشان کرده بودند به معصیت خدای اندرین جهان، و ببینند مهتران و کهتران به جملگی عذاب خدای اندران جهان. **وَقَطَّعْتُ بِهِمُ الْأَسْبَابَ**. اهل لغت گویند برینه گردد میان ایشان آن هنگام

پیوستگیهایی که بوده باشد میان ایشان اندر این جهان ؛ و مقاتل بن حیان گوید ، و ابو جعفر الرازی : جدا افکنند میان ایشان منازلهاشان اندر دوزخ ؛ و ابن عباس گفت : بریده گشت آن هنگام دوستیهاشان و پیمانهاشان .

- ۵ آیه ۱۶۷ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّأُوا مِنَّا . چنین گویند : آن هنگام اسپس روان شان و کهتران شان چو معاینه شود عذاب شان اگر ما را به نیز فاز گشتن بود فاز دنیا ، فیزار شویم ازیشان ، همچنان کایشان فیزار گشتند امروز از ما . كَذَلِكَ يَرْبِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَاءَهُمْ حَرَاتٍ عَلَيْهِمْ . چنین نماید خدای عز و جل عقوبت کفرهاشان عذاب اندران جهان ، و دریغها و پشیمانیها بماند فر دلهاشان . وَمَأْوَهُم بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ . و نباشند ایشان بیرون آیندگان هرگز از دوزخ جاودان .

- ۱۵ آیه ۱۶۸ يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا . یا مکیان ، بخورید از آنچه خدای بیافرید اندر زمین ، [۴۵] از کشت مندها و از چهارپایان ، از آنچه مباح کرد خدای شما را خوردن او حلال و خوش مر شما را . وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ . متابعت مباحید مر دیو را به معصیت خدای عز و جل به حرام داشتن بحیره و سائبه و وصله و حام . إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ . که دیو مر شما را دشمن است پیدای .

- ۲۰ آیه ۱۶۹ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالْأَسْوَاءِ وَالْفَحْشَاءِ . سدی گفت : دیو مر شما را بفرماید به معصیت و زنا ؛ و گفتند : دیو مر شما را همی به بدی فرماید و زشتیها ، ای به حلال داشتن آنچه خدای حرام کردست ، و حرام

داشتن آنچه خدای حلال کردست. وَ أَنْ قُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ. و بفرماید مر شما را به دروغ گفتن فر خدای عز و جل که خدای این چیزها را حلال کردست و آن حرام کردست فی دانشی که مر شما راست اندران .

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ . چون گفتند مر ایشان را ۱۷۰ ۴۶

مومنان که فرمان بردار کتاب خدای باشید ؛ و آن کنید که خدای فرماید عز و جل اندر قرآن ؛ او حلال دارید حلال خدای را ؛ و حرام دارید حرام خدای را. قَالُوا بَلْ فَتَبِعْ مَا آلفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا. گفتند: نی که ما فرمان بردار مران را باشیم که پدران را فران یافتیم از حلال داشتن بحیره و سایه و بت پرستی. أَوْ لَوْ كَانَ آبَاءُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ. و نه پدران شان فی خردان بودند و فی راهان، واجب نکند فرمان برداری کردن مر فی راهان را و فی خردان را و گم بودگان را. [۴۶]

وَ مِثْلُ اللَّجَيْنِ كَفَرُوا كَمَثَلِ الْبَرِّ يَنْفَعُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَ ۱۷۱ ۴۶

نِدَاءً . و مانند کافران مکه فا پیغامبر علیه السلام چو دعوت کردشان به ایمان و بخواند نبی فر ایشان، گوش نکردند ایشان و خرد کار نبستند؛ چن مانند شبان بود فا گوسپندان ، بانگ فر زند فر ایشان که نشنوند ایشان مراد شبان، مگر خواندن ایشان و بانگ فر زدن شان؛ ای اگر شان پند دهدشان : ای گوسپندان ، ازان گبا مخورید کان زهر گباست، ایشان ندانند ازان مراد شبان ؛ همچنین اندر نیافتند کافران نصیحت پیغامبر علیه السلام. صُمِّيْتُمْ عَمَىٰ فَبِمَا لَا يَعْقِلُونَ . کرانند و گنگانند و نابینایانند و فی خردانند؛ ای نخواهند که بشنوند حق را و مقر آیند به حق ، یا ببینند



حق را با خورد را کار بندندی .

۱۷۳۴۶ بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ . يَا آن  
کسهای که بگرویدید به یگانگی خدای ، بخورید حلال شما را  
از آن خوشبها ، و حلالهایی که روزی کردیم مر شما را از کشت مندها  
و چهار پابان . وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ . او سپاس داری کنید خدای را فر نعمتها ، ۵  
و مطیع باشید مر او را به امرها و نهیها . إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ . اگر  
شما او را پرستید همی .

۱۷۳۴۶ إِنْما حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخَنزِيرِ . و حرام کرد  
فر شما مردار و خون روان [۴۷] و گوشت خوک . وَ مَا أَهْلُ بِهِ لِغَيْرِ  
الله . و آنچه نام برده باشند فرو جز نام خدای و بسمل کرده باشند ۱۰  
به نام بتان . فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ . هر که فیچاره شود به وقت  
گرسنگی به خوردن چیزی ازین جز اینها . غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ . اوباغی  
و عادی نباشد .

زجاج گفت : باغی آن بود که بیش از آن که گرسنگی را  
بنشانند ، بخورد ؛ یا بدان مقدار نخورد کش قوت باشد ؛ و حسن و ۱۵  
سدی گفتند : فی آنکه اندر خوردن مردار ستمگار باشند یا به سیری  
بخورند ، و فی آنکه عادی باشند مردار خورند ، و ایشان را بدو  
حاجت نباشد . و قتیبی گفت : فی آنکه فر مسلمانان به شمشیر برون  
آمده باشند ، یا فا سلطان عادل خارجی گشته باشند . فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ .  
۲۰ فرو بزه نی به خوردن مردار به وقت اضطرار به مقدار . إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ

رَحِيمٌ. که خدای عزوجل آمرزگارست بندگان را و بخدا  
ایشان که رخصت دهد همی مر ایشان را به خوردن مردار  
اضطرار .

۱۷۴ ب۱ إِنَّ الَّذِينَ يَتَّخِفُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ . آن کسهایی  
کردند مران که خدای فرو فرستاد اندر توریت از صفت  
علیه السلام . وَ يَشْتَرُونَ بِهِ كَمَثَلًا . و بگزینند همی به پنهان  
صفت پیغامبر علیه السلام سود زیان اند کسی . أُولَئِكَ مَا يَأْكُ  
بَطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ . ایشان آن کسها اند که نخورند همی [۲۸]  
آتش ، ای آنچه همی بخورند اندرین جهان ، آتش گردد اندر  
شان اندران جهان . وَلَا يَجْلِسُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . و خدای  
سخن نگوید به رحمت اندران جهان . وَلَا يُزَكِّيهِمْ . و عفو نک  
و نهد از یشان گناهانشان . وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ . و مر ایشان را  
عذاب درد ناک اندران جهان .

۱۷۵ ب۱ أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهَدَى وَالْعَذَابِ بِآلِهِ  
ایشان آن کسها اند که بدل گرفتند کافری را فر ایمان و عذ  
فر آمرزش . فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ .

مجاهد گفت و سعید بن جبیر و قتاده : چون دلیرند فر  
وعکرمه گفت : چون دلیرند فر کافری که نزدیک شان کند به  
۱۷۶ ب۱ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ . آن عذاب مر ابد  
اندران جهان بدان که فرو فرستاد خدای کتابها را از بهر بیان کرا  
را ، و ایشان کافر شدند بدو . وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ .

کسها کایشان دو گروهی کردند از جهودان و ترسا آن اندر توریت و انجیل . لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ . اندر خلافت و دشمن داری دور از راه راست .

لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ . [۴۹] و

آن آن بود که جهودان گفتند : طاعت نماز است سوی بیت المقدس ؛ ۵  
و ترسا آن گفتند : نه که طاعت نمازست سوی آفتاب فر آمدن ؛ این  
آیت بیامد ، گفت : پرهیزگاری نه اندر نمازست سوی بیت المقدس و  
سوی مشرق .

و مقال گفت : تقوی و طاعت نه همه آنست که نماز کنند و

- ۱۰ جز ازو نکنند . وَلَئِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ . وَلَكِنْ تَقْوَى وَطَاعَتِ مَرَّآن  
کسها راست که بگروند به خدای . وَالْيَوْمِ الْآخِرِ . و به روز فازپسین .  
وَالْمَلَنَّتْهُ وَالْجَنَابِ وَالنَّبِيِّينَ . و بگروند به فریشتگان و به همه  
کتابها او به پیغامبران . وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى  
وَالْيَتَامَى . و بدهند خواسته فادوست داشت ایشان مرو را مر خویشان  
۱۵ را و فی پدران را . وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ . و مر درویشان را و مر  
غریبان را . وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ . و مر خواهندگان را و مر  
مکاتبان را . وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ . و نماز را بگزارند و  
زکوة را بدهند . وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا . و تمام کنند مر  
پیمانها را که گرفته باشند فادای عزوجل . وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ  
وَالْفُرْءَاءِ . و شکیا باشند فر درویشها و بیمارها . وَحِينَ الثَّنَاءِ . و  
۲۰ شکیبایی کنند به وقت کارزار فادشمنان خدای عزوجل . [۵۰]

أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا . ایشان آن کسها اند اهل این صفت کاند  
ایمان خویش مصدق بودند نه منافق بودند . وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ .  
و ایشانند فرمان برداران و پرهیزگاران .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى . يَا ۱۷۸۴  
گرویدگان ، فریضه کرد خدای فر شما قصاص فر آن کسی که بکشد از  
شما کسی را به عمدا . أَلْحَرُ بِالْعَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى  
بِالْأُنْثَى . آزاد بدل آزاد ، و بنده بدل بنده ، و زن بدل زن .

ابن عباس گفت : این آیت به سبب دو بنگاه آملست از  
بنگاههای<sup>۱</sup> عرب . يك گروه را فر يك گروه فضل بود ، ازین گروه که  
کهنر بودند ، بکشتی مرزنی را از آنها که مهتران بودند ؛ ایشان  
مردی را بدل آن قصاص کردند ؛ و اگر بنده ای را کشته بودند ،  
آزادی را بدل او قصاص کردند . چو مسلمانی بپذرفتند و مسلمان  
شدند ، آن قصه را به پیغامبر فر داشتند و خواستند که هم فران حکم  
بروند . این آیت بیامد ، پس گفت : فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ نَسِيَ . و  
هران کسی از کشتندگان که فرو بله کردند اولیای کشته چیزی از حق  
بدادارش ، ای عفو کردند او را از قصاص ، و به دیت صلح  
کردند یا کمتر از دیت . فَاتَّبَاعُ بِالْمَعْرُوفِ . واجب بود فر اولیای  
کشته که طلب کنند مردیت را به علم به سه ساله ، هر سالی سیکی سه  
هزار درم و سیصد درم و سی و سه درم و دو دانگ . وَ أَدَاؤُا إِلَيْهِ  
بِأَحْسَنِ . و فران کازو طلب کنند دیت گزاردن آنچه واجب نبود فرو

به میراث خواران کشته به نیکوی فی تقاضا . ذَلِكْ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ  
وَرَحْمَةٌ . [۵۱] آنچه یاد کرد خدای از قصاص و از صلح کردن به  
دیت و عفو کردن آسانی بود از خدای فر شما ، و بخشایشی که  
ببخشودتان بدو .

و کلبی گوید : فر اهل نوریت قصاص بسود و دیت نبود ، و  
فر اهل انجیل عفو بود و قصاص نبود و دیت بود ، و مر این امت را  
مباح کرد خدای عزوجل ، خواهند قصاص کنند و خواهند صلح کنند  
به دیت یا به کمتر از دیت و خواهند عفو کنند . فَمَنْ اعْتَدَى بِعَدْوِ ذَلِكْ  
فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ . و هر که ستم کند و ز حد بگذرد از خویشان کشته  
فر کشنده مرو را بکشد سپس از آنکه مرو را عفو کرده باشد و به  
دیت بسندیده باشد ، مرو را [است] عذاب دردناک اندران جهان .

و لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ . و مر شما را که مومنان اید اندر  
قصاص که بفرمودم نان زندگانی است ، و آن آن بود که کشنده از  
کشتن فاز ایستد ، از بیم آن را کاو را قصاص کنند اندران بقاء او  
بود و بقاء جز او . يَا أُولِي الْأَلْبَابِ . یا خردمندان از آدمیان . لَعَلَّكُمْ  
تَتَّقُونَ . تا پرهیزید از ریختن خون از بیم قصاص .

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا . فریضه  
کرد خدای فر شما ، چو نزدیک آید یکی را از شما مرگ اگر مال  
دست فاز دارد . الْوَصِيَّةُ لِلْوَائِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ . وصیت کردن مر  
مادر را و پدر را و خویشان . بِالْمَعْرُوفِ . به مقدار فسی اسراف .  
حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ . واجب است وصیت فر مومنان که وصیت کنند

چنانکه بفرمودشان خدای عزوجل . [۵۲]

مفسران گفتند : وصیت مادر و پدر منسوخ شد بابت میراث .  
پیغامبر گفت علیه السلام : وصیت روا نیست مر میراث خواره را . و  
همه مفسران گفتند که خیر اندرین آیت خواستست .

۵ قناده گفت : اگر هزار درم دست فاز دارد ، وصیت کند . و  
ابن عباس گفت : هر که شست دینار دست فاز ندارد ، وصیت نبود  
فرو واجب .

۱۸۱۴۲ فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ . و هر آن کسی از وصیان که  
بگرداند اندرز مرده راسپس از آنکه شنوده باشد از وی . فَبَدَّلْنَا إِثْمَهُ  
۱۰ عَلَى الَّذِينَ بَدَّلُوهُ ، بزه آن فر آن کسها کش بگردانند . إِنَّ اللَّهَ  
سَمِيعٌ عَلِيمٌ . خدای شنواست مر اندرز مرده را ، و داناست به عدل  
و جور مرده .

۱۸۲۴۲ فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا . و هر آن کسی کاز وصیان  
بداند که وصیت کننده میل کردست اندر وصیت یا جور کردست .  
۱۵ کلبی گفت و مقاتل : جنف جور بود و اثم خطا بود . و مجاهد  
گفت و سدی : جنف خطا بود و اثم عمد بود . فَاصْلَحَ بَيْنَهُمْ . میان  
میراث خواران از پس مرگ او صلح کند ، و آن را که از سبک  
زیادت کردست فاز سبک فاز آرد . فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ . و فروصی بزه  
نی اندر آنچه کند . إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ . ابن عباس گفت و سعید بن  
۲۰ جبیر : آمرز گارست مروصی را بدانکه صلح کرد میان<sup>۱</sup> میراث خواران ،

و مهربانست فرو که رخصت داد مرو را بدان .

۱۸۳۶۲ بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ . يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ . يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ .  
 بگرویدید به خدای، فریضه کرد فر شما خدای [۵۳] روزه‌ی ماه رمضان.  
 كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ . چنانکه فریضه کرده بود فر اهل  
 انجیل، قوم عیسی . لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ . تا پرهیزید از طعام و شراب  
 ۵ و مباحضعت .

۱۸۳۶۲ أَيَّامًا مَعْنُودَاتٍ . رُوزِ گَارَهَايِ شَمْرَدَه ، سِی رُوزِ بَه قَوْلِ مَقَاتِلِ .  
 و بوسهل انماری گفت : فریضه کرد خدای عز و جل فر شما  
 چنانکه فریضه کرد فر آنکه پیش از شما بودند به معنی فریضگی نه به  
 عدد ایام . فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا . او هر که از شما بیمار بود . أَوْ عَلَى  
 ۱۰ سَفَرٍ . یا به سفر بود ، روزه بگشاید به ماه رمضان . فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ .  
 فرو واجب بود به عدد آن روزگار که بگشاده باشد روزه ، روزه  
 بدارد . وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ . و فران کسهای که مر ایشان را  
 توانایی روزه داشتن بود به ماه رمضان ، بیمار و مسافر نبوند و روزه  
 بگشایند . فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ . فر ایشان صدقه دادن مسکین مر هر  
 ۱۵ روزی را که بگشاده باشند ، طعام دهند مر مسکینی را نیم صاع گندم .  
 دُومِنْ بَه قَوْلِ كُوفِيَان . فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا . و هر که زیادت کند فر  
 دومن و بیشتر دهد . فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ . آن مرو را به از آن بود که یکی  
 مسکینی را دهد دومن ، به قول کلبی و مقاتل .

۲۰ و خواجه بومنصور گفت : فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ . آن ثوابی بود مرو  
 را که پیش فرستد . وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ . و اگر روزه بدارید چو

- درست باشید و به سفر نباشید به مر شما را از آن که بگشاید و  
 و مر درویش را طعام دهید. [۵۴] إِنْ كُنْتُمْ قَعْلَمُونَ . اگر بدانید که چه  
 ثواب است مر روزه داران را . ابن عباس گفت و قتاده و مقاتل : این  
 آیت منسوخ شد ، بدان گفت : فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ .  
 ۵ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ . ماه رمضان آن ماهی است  
 کاندرو فرو فرستادند قرآن از لوح المحفوظ به آسمان نخستین  
 بیست شب اندر بیست سال ، و جبریل بیاورد سوی پیغامبر علیه السلام  
 بیست سال . هُدًى لِلنَّاسِ . ره نمای است قرآن مران را که بدو بگردد و  
 کار کند بدانچه اندروست . وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ . و اندرو  
 آیتهایی است پدید کرده از حلال و حرام او مخرج است اندر دین  
 ۱۰ بدو از شبهتها و گم بودگیها . فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ . و هران  
 کسی کاز شما حاضر باشد به ماه رمضان و درست باشد به تن و به  
 خرد ، و نه حایض باشد و نه زجه ، روزه بدارد ماه رمضان . وَمَنْ كَانَ  
 مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ . و هر که از شما بیمار باشد و روزه داشت نتواند  
 ۱۵ یا به سفر باشد ، روزه بگشاید . فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ . فرو به عدد آن  
 روزگار که بگشاده بود روزگار دیگر بدارد . يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ .  
 خدای عزوجل بدان رخصتی که بداد شما را از گشادن روزه به حال  
 سفر و بیماری ، آسانی خواست فر شما . وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ . و  
 نخواست دشواری فر شما . وَ لِتَعْمَلُوا الْعِدَّةَ . تا تمام کنید عدد  
 ۲۰ روزگار ماه . وَ لِتَعْبَرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَيْكُمْ . و تا بزرگ دارید مرورا  
 بدان که شناسا کرد مر شما را به دین خویش و سنتهای پیغامبر



خویش . [۵۵] وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ . تا بگزارید شکر این نعمت خدای  
را عزوجل و فی فرمانی نکنید مرو را .

وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ . ۱۸۶۴۷

- ابن عباس گوید : چو آن آیت بیامد : وَ هَالِ رَبُّكُمْ ادْعُوْنِي  
اَسْتَجِبْ لَكُمْ . یاران گفتند یا پیغامبر خدای ، بفرمودمان خدای به دعا ، و  
۵ وعده کردمان به اجابت ، خبر ده ما را از خدای که نزدیک است او  
تا ما او راز گوئیم ، یا دورست تا به آواز بلندش بخوانیم . این آیت  
بیامد : وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ . چو پرسند ترا که  
محمدی بندگان من از من ، بگوی که من نزدیکم به بندگان . اَجِيبُ  
دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ . پاسخ کنم خواندن خواننده را چو بخواند مرا .  
۱۰ و کلبی گفت : جهودان گفتند چگونه شنود خدای دعا های ما و  
نه که محمدی ، چنین گویی همی که میان ما و آن آسمان نخستین  
پانصد ساله راهست ؟ این آیت بیامد .

- مقاتل گوید : این به شأن عمر آمد ، و آن آن بود که عمر فا  
زن شبی از شبهای ماه رمضان گرد آمده بود بدان وقتی که حرام بود  
۱۵ گرد آمدن فا زن به شب . پس پشیمان شد فران . سوی پیغامبر آمد علیه  
السلام ، گریان ، و گفت : هَلَكَ شِدْمٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ ، و هَلَكَ كَرْدَمٌ كَسِ  
دیگر را . گفت : چه کردی یا عمر ؟ قصه بکرد فا پیغامبر . این آیت  
بیامد : وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ اَجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا  
دَعَانِ . چو پرسند ترا بندگان روزه داران من از پاسخ من و عفو من  
۲۰

- بدان جنابینی که بکردند فر تنهای خویش ، بگوی که من نزدیکم به پاسخ کردن و به گنه عفو کردن . فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي . پاسخ کنید شما که بندگانید مرا بدانچه بخواندم شما را بدو از دین من و طاعت . وَ لِيُؤْمِنُوا بِي . و استوار دارید مرا بدان که وعده کردم به اجابت مران را که بخواند مرا به اخلاص . گفتند : مقرر باشید بدان که من ۵ قادرم به پاسخ خوانندگان . [۵۶] لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ . تا راه یابند ایشان بدان چیزی که صلاح ایشان بود اندران بدین جهان و بدان جهان .
- اجَلْ لَكُمْ لَيْلَةُ الصَّيَامِ الرَّفَثُ اِلَى نِسَائِكُمْ . به شأن عمر آمد ۱۸۲۴۲
- این آیت و به شأن صرمه بن انس ، کنینش بود بوقیس . به اول مسلمانی چو روزه بگشادی مرد ، حلال بودی مرو را طعام و شراب و جماع ۱۰ تا نماز خفتن نکردی ، یا پیش از نماز خفتن نخفتی ، آن هنگام فرو حرام شدی طعام خوردن و مجامعت کردن تا دیگر شب . شبانگاهی ابن بوقیس پیامد سوی پیغامبر علیه السلام ضعیف گشته ، پیامبر پرسید مرو را : یا باقیس ، چه بودست که شبانگاه چنین ضعیفی ؟ گفت یا رسول الله ، دی همه روز اندر خرماسنان دولاب کشیدم . شبانگاه به ۱۵ خانه آمدم . زنم خواست که مرا طعامی گرم بدهد . تا او طعام آورد ، مرا خواب برده بود ، و طعام و شراب فر من حرام گشته بود . و عمر را نیز بیوفتاد فازن آنچه گفتیم . و کسهایی نیز مقرر آمدند پیش پیغامبر علیه السلام بدانچه رفته بود از ایشان فرایشان . این آیت پیامد :
- اجَلْ لَكُمْ لَيْلَةُ الصَّيَامِ الرَّفَثُ اِلَى نِسَائِكُمْ . حلال گردید مر شما را ۲۰ ای مومنان گرد آمدن فازنان تا شبانگاهان ماه رمضان پیش از خواب

و سپس از خواب. هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ.

ابن عباس گفت و مجاهد و سعید بن جبیر : زنان آرام شما اند ،  
و شما آرام ایشان . پس بگفت عمر را و یاران او را . عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ  
كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ . بدانست خدای که شما فر تنهای خویش ستم  
کنید بدانکه به نهی خدای فراز نشوید . فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ . ۵  
توبه داد شما را و عفو کرد گناهان تان را . فَأَلَا نَبَشِّرُوهُنَّ . [۵۷]  
اکنون که مباح کرد مر شما را خدای عزوجل گرد آید فازنان .  
وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ . و بجوید آنچه قضا کردست خدای عزوجل  
مر شما را از فرزندان .

و بوسهل گفت : ای نیت کنید به وقت مجامعت فازنان ، اگر ۱۰  
قضا کند مرا خدای فرزندی ، تا او را یاد کند و بستاید . و به شأن  
بوقیس بیامد . وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ  
الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ كُمْ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ . مباح کرد مر  
شما را طعام و شراب بخورید تا پیدا نیاید مر شما را اسپیده دم  
فازپسین از اسپیده دم نخستین . وَلَا تَبَشِّرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ . ۱۵  
کلبی گفت : جماعتی از یاران معتکف نشستند اندر مزکت ،  
چو یکی را از ایشان حاجت او فتادی به زنان ، بیرون آمدی از مزکت  
و گرد آمدی فاعبال . پس سر بشتی و فاز مزکت فاز آمدی . این  
آیت بیامد : و فازنان گرد میاید نه به شب و نه به روز . همیشه که  
معتکف باشید اندر مزکتها . تِلْكَ حُنُودُ اللَّهِ . ۲۰

سدی گفت : آن شرطهای خدای است . وَضَحَّاكَ وَمَقَاتِلَ

گفتند و کلبی : آن معصیهای خدای است مجامعت فا زنان به حال اعتکاف . فَلَا تَقْرَبُوهَا . فراز مشوید . كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ . چنین پیدا کند خدای عزوجل مردمان را نشانیهای خویش .

کلبی گفت : ای نهی کردن از مجامعت اندر اعتکاف . نَعَلَيْكُمْ

يَتَّقُونَ . تا پرهیزد ازو .

۵

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ . ابن عباس گفت و ۱۸۸ ۴۲

سعيد بن جبیر : این آیت به شأن [۵۸] امرؤ القیس بن عابس الکندی آمدست و عبدان بن اشوع الحضرمی . خصومت کردند پیش پیغامبر علیه السلام اندر زمینی که بود میان ایشان ؛ و عبدان دعوی

کرد فر امرؤ القیس ، و گوا نداشت . امرؤ القیس خواست که سوگند ۱۰

خورد ، این آیت بیامد : وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ . و

بهری از شما خواسته‌ی بدادر مسلمان مخورید . وَقَدْ لُؤِا بِهَا إِلَى

الْحُكَمِ . و خواسته های مسلمانان به حاکمان مفکنید تا شما را حکم

کنند به باطل ، و شما دانید که ستمگارید ، به قول حسن بهری و

قتاده . لَتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ . تا بخورید بهری ۱۵

از خواسته مردمان به جور . وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ . و شما دانید که فر

ناحق اید .

يَسْتَلُونَكُمْ عَنِ الْإِهْلَةِ . ابن عباس گفت : به شأن معاذ بن جبل

۱۸۹ ۴۲

آمد و ثعلبة بن عنمه ، و هر دو انصاری بودند . گفتند : یا پیغامبر

خدای ، چه سبب است مر ماه را پیدا آید باریک چو رشته‌ای ، پس ۲۰

فاز زیادت همی شود تا گردد بیستند ، پس فاز به نقصان افتد تا فاز گردد

هم فر آن حال که به ابتدا بودست ؟ این آیت بیامد : يَسْتَلُوْكَ عَنِ  
 الْاَهْلِ . الْاَبِه . ترا همی پرسند یا محمد علیه السلم از باریکی ماه وز  
 پرنی اوی ، و هلالش از بهر آن خوانند چو مردمان مرو را به وقت  
 نو شدن ببینند بگویند : لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰه . هَلْ هِيَ مَوَاقِيتُ الْبَنَاسِ . بگوی  
 مر پرسندگان را که بیافرید خدای ماه از بهر منفعت مردمان را مر  
 ۵ وقت روزه گرفتن و گشادن را ، وعدت زنان را . وَالْحَجَّ . و بگوی  
 وقت است مرحج را ، بدو بشناسند ایام حج را . وَلَيْسَ الْبِرُّ بِاَنْ تَأْتُوا  
 الْبَيْتَ مِنْ ظُهُورِهَا . [۵۹]

ابن عباس گفت : مردمان اندر جاهلیت و به اول مسلمانی چو  
 ۱۰ حرم گرفتندی پیش از ایام حج ، هر که از اهل خانه ی کلوخین بودی ،  
 از ره در اندر نیامدی به سرای ، سوی پشت خانه سوراخی بکردی و  
 بدان ره اندر آمدی و بیرون شدی ؛ و اگر از اهل خیمه بودی ، از  
 پس پشت خیمه اندر آمدی ، مگر آن کسی که حرم گرفته بودی  
 از قریش وز کنانه وز خزاعه بودی ، تا يك روز پیغامبر علیه السلم  
 ۱۵ از در بوستانی اندر آمد و محرم بود . مردی بدید مرو را که نه از  
 قریش بود ، او را قطبة بن عامر خواندندی ، از راه در اندر آمد  
 از پس پیغامبر . اوی محرم بود بدیدش پیغامبر مرو را گفت :  
 از من دور باش که ته از ره در اندر آمدی ، و ته اندر حرم بودی  
 و نه از قریش بودی . و قریش را حمس خواندندی . قطبه پیغامبر را  
 ۲۰ گفت : اگر ته حمسی من حمسم ، دین ترا پسندیدستم و فرست نه  
 همی روم . این آیت بیامد و مران حال را منسوخ کرد و گفت :

وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا. طاعت اندر حرم نه آن است  
 کاندلر خانه هاتان از ره پشت اندر آید<sup>۱</sup>. وَلَيْسَ الْبِرُّ مِنْ أَقْصَى. جز که  
 طاعت داشتن به وقت حرم گرفتن طاعت آن کس بود که پرهیزد  
 از جماع، وز دشنام، وز سبیدن<sup>۲</sup>؛ فَا يَارَ اَنْدَرِ طَرِيقِ حَجِّ. وَاَتُوا الْبُيُوتَ  
 مِنْ اَبْوَابِهَا. و از راه درها اندر آید به خانه هاتان. اکنون رخصت ۵  
 مر شما را. وَاَتَقُوا اللَّهَ فَعَلَّكُمْ كَفْلًا حُونَ. پرهیزید و صید مگیرید به  
 حرم اندر، تا رستگاری یابید به ثواب خدای عزوجل، و نجات یابید  
 از عذاب دردناک.

وَقَالُوا هِيَ سَبِيلُ اللَّهِ الدِّينِ يُفْقِلُونَكُمْ.

آیه ۱۹۰

ابن عباس گفت: چو پیغامبر علیه السلام فَا يَارَانَ [۶۰] عمره ۱۰  
 برد به مکه، چو به حدیبیه رسید، کافران فاز داشتند پیغامبر را از  
 عمره بردن به مکه، و صلح نامه نبشتند فَا پیغامبر علیه السلام فران که  
 امسال فاز گردد، و دیگر سال هم اندرین مه عمره آرد به مکه، و خالی  
 کنند مکه مرور را سه روز. دیگر سال پیغامبر فَا یاران بیامد تا آن عمره  
 را قضا کند؛ همی ترسید که کافران فَا او وفا نکنند. این آیت بیامد: ۱۵  
 وَقَالُوا هِيَ سَبِيلُ اللَّهِ الدِّينِ يُفْقِلُونَكُمْ. و کار زار کنید اندر  
 طاعت خدای به حرم اندر، و به حرم اندر فَا آن کسها که فاشما ابتدای  
 کار زار کنند: وَلَا تَقْعَتُوا.

و کلبی گفت: و شما ابتدای کار زار مکنید تا ایشان ابتدای نکنند.

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. که خدای دوست ندارد مران کسها را ۲۰

۱- متن: آید ۲- چنین است در متن = سبیدن؟

- کازحد بگذرند ، و بهری گفتند : وَ لَا تَعْتَدُوا . ای فی داد مکنید به  
کشتن زنان و کودکان و پیران که خدای نپسندد فی داد فی دادگران .  
وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ . و بکشید شان هر کجا بیابیدشان . ۱۹۱ ۴۲  
وَ اخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ اخْرَجُوْكُمْ . و برون کنید شان از آنجا که برون  
کرده بودند تان ، ای از مکه . وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ . و ان شرک ۵  
کایشان اندرواند بزرگ تر و هول ناک تر و سخت تر از کشتن شما مر  
ایشان را اندر حرم و اندر حرم . وَ لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ  
حَتَّى يُقَابِلُوْكُمْ هِبَهِ . و کارزار مکنید فا ایشان اندر حرم تا ایشان  
ابتدا نکنند به کارزار شما اندرو . فَإِنْ قَاتَلُوْكُمْ [ ۶۱ ]  
فَاقْتُلُوهُمْ . اگر ایشان کارزار کنند فا شما بکشیدشان . كَذَلِكَ جَزَاءُ ۱۰  
الْمُكَافِرِينَ . چنین است پاداش بت پرستان .  
فَإِنْ اِنْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ . و اگر فاز باشند از کارزار  
شما و توبه کنند ، خدای آمرزگارست و بخشاینده مر ایشان را .  
وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ . و کارزار کنید فا ایشان ۱۵  
اگر ابتدا کنند به کارزارتان ، تا نماند اندر زمین شرک . وَ يَكُونَ  
الدِّينُ لِلَّهِ . و تا دین مر خدای را بود اندر جزیره عرب . فَإِنْ اِنْتَهَوْا .  
اگر فاز باشند از کارزار شما . فَلَا عُذْرَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ .  
دستوری نی مر شما را به کارزار مگر فرستم گاران و ابتدا کنندگان  
به کارزار .  
الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ<sup>۱</sup> . ابن ماه حرم ماه ذوالقعدة که ۲۰  
۱۹۴ ۴۲

۱- در حاشیه آمده است : یعنی اگر شما ما [ه] حرام جنگ کنبه مانیز کنبم

اندر شدی اندرو به مکه بدل ماه حرم ماه ذوالقعدة پارینه که ترا فازداشته بودند از مزکت مکه، وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ. و حرم امسالینه بدل حرم پارینه، ای قصاص کردم مر ترا ازیشان امسال برون کردم ایشان را از مکه، چنانکه فاز داشته بودند پار مر ترا از عمره آوردن به مکه. فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ. و هر که فر شما فیداد کند به کارزار اندر ۵ مکه. فَمَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ. قصاص کنید مر ایشان را همچنان که فیداد کردند فر شما. وَ اتَّقُوا اللَّهَ. و پرهیزید از خدای به همه چیزی که بفرمود مر شما را اندرو، و به همه چیزی که نهی کرد ازو. [۶۲] وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ. و بدانید که خدای باری ده پرهیزگاران است به نصرت دادن مر ایشان را. ۱۰

آیه ۱۹۵

وَ اتَّقُوا اللَّهَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ.

ضحاک گفت: نفقه کنید شما که توانگران اید فر درویشان اندر

طریق غزو به حدیبیه.

و ابن عباس گفت: چو پیغامبر یاران را بفرمود که فاو بروند به حج، کسهایی از درویشان گفتند چگونه کنیم ما را زاد نیست. این آیت بیامد و بفرمود مر توانگران را تا هزینه کنند فر درویشان اندر راه حج. و به دست خویش خویشان را هلاک نکنید. حسن بصری و جماعتی از مفسران گفتند: گرفتی مکنید که نفقه از درویشان فاز دارید، که هلاک شوند. ۱۵

و بوابوب انصاری گفت: این آیت به شأن ما آمد، خویشان را هلاک کردن، تخلف کردن بود از غزو کردن فا پیغامبر علیه السلام، ۲۰



و نشستن بود به مدینه فاعیال و فرزند .

وبراء ابن عازب گفت : *وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ* .

تفسیرش آن بود که بنده گنه کند ، از رحمت خدای عزوجل نومید شود و گوید مرا توبه نیست . *وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ* . سفیان ثوری گفت : گمان نیکو برید به خدای که ما را بیمارزد که خدای نیکو گمانان را دوست دارد .

۵

و مقاتل گفت : نفقه‌ی نیکو کنید اندر طاعت خدای و به حسب

کنید که خدای مر نیکو کاران را دوست دارد . [۶۳]

*وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ* . و تمام کنید حج را و عمره را از بهر

۱۹۶ ب۶

خدای را عزوجل ، چنانکه ابتدا کرده باشید .

۱۰

مفسران گفتند : تمامی حج آن بود کاندرا راه حج زنا

نکنید ، و دشنام ندهید ، و معصیت نکنید ، و فایساران خویش

نستبیهید .

و بهری گفتند : کافران حج کردند به تلبیه اندرون مرخدای

را عزوجل همباز گرفتندی . خدای مومنان را بفرمود ، *چو حج* ۱۵

بکنید ، خالص مرا کنید ، و مرتلبیه‌ی شما را *فاشرك* مبامیزید .

*فَإِنْ أَخْضِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَنْدِ* . و اگر شما را به راه حج اندرون

فاز دارد از حج بیماری یا دشمن یا علتی که شد نتوانید ، فر شما

آنچه آسان آید از قربان با اشتر یا گاو یا گوسپند ، بفرستید به مکه .

*وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَنْدُ مَجْلَهُ* . و شما کاندرا حرمید از ۲۰

حاجیان ، مویها مستربد وز حرم بیرون مایید تا قربانها تان به مکه

نرسد ؛ چو قربان به مکه رسد ، فران میعادى که نهاده باشید ، سر  
 بسترید ، و آن هنگام دگر سال آن حج را قضا کنید . فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ  
 مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ . و هر آن کسی کاز شما بیمار بود ، یا  
 اندر سر او گزنده بود که مرو را برنجانند ، و شکیبایی کرد نتواند ،  
 تا قربان او به مکه برسد سر بستر د . فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ  
 أَذًى مِنْ رَأْسِهِ . فرو واجب بود کفارت آن را که روزه دارد سه روز ، یا  
 صدقه دهد گندم مرشش درویش را سه صاع ، هر درویشی دو من ، یا  
 هر درویشی را [۶۴] چهار من جو ، یا چهار من خرما ، یا چهار من  
 میویز ، یا قربانی بفرستد به مکه ، یا آنجا قربان کنند و گوشت او به  
 درویشان مکه بدهند ، و زانجا نخورد ازین سه کفارت ، هر کدام  
 خواهد بکند اختیار او را . فَإِذَا أَهْمْتُمْ . چو بیم دشمن از شما بشود ،  
 و ز بیماری عاقبت یابید و هنوز ایام حج مانده باشد ، بگزارید مران  
 را که مه قصد کرده باشید به حج یا عمره . فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى  
 الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ .

۱۵ کلبی گفت : و هر که او حرم کرد به عمره ی اندر ماه شوال و  
 ذوالقعدة ، و بیاید به مکه مر حج را هم اندران سال ، این کس متمتع  
 بود فرو آنچه آسان شود از قربان اشتر یا گاو یا گوسپند ، قربان  
 کندش به مکه ، و گوشت او به درویشان دهد .

و بوسهل گفت : و هر آن کسی که منفعت گیرد به زنان و به  
 بوی خوش به مکه به بیرون آمدن از عمره که گرفته اندر ماه حج یا  
 ۲۰ وقت حرم گرفتن حج فرو آنچه آسان آید از قربان . فَمَنْ لَمْ يَجِدْ

فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ . و هر که او قربان نیابد یا بهای قربان که بکندی به مکه ، واجب شود فرو که روزه دارد سه روز اندر ایام حج ، پیش از روزه عرفه . وَ سَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ . و فرو هفت روز دیگر که روزه بدارد چو فاز خانه فاز آید ؛ و اگر خواهد به راه اندر بدارد . بِئِنَّكَ عَشْرَةَ ثَمَانِيَةَ . آن ده روز باشد تمام کفارت آن را که ۵ نیافت قربان .

ابن عباس گفت : آن ده روز تمامی مر حج او را و تمام نباشد حج و عمره جز بدو . ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَتَنُ أَهْلَهُ خَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ . این حکم مران کسی را که نه مقیم باشد به مکه ، و ز مسافران باشد ؛ و هر که اهل او اندر حرم باشد ، فرو قربان واجب نشود و نه روزه . ۱۰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ . [۶۵] بترسید از خدای ، و حلال مدارید اندر حج و عمره آنچه نشاید مر شما را . وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ . و بدانید که عقوبت خدای سخت است مران کس را که عقوبت کندش .

أَلْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ . عبدالله بن مسعود گفت و ابن عباس و ۱۹۷  
ابن عمر : وقت حرم گرفتن مر حج را ماه شوال است و ذوالقعدة و ۱۵  
ده روز ذوالحجه . هران کسی که برون این ماهها حرم گیرد ، سنت را خطا کرده باشد . فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ . و هر که حرم گیرد و فر  
خویشتن واجب کند اندرین ایام حجی . فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ . فضول نی و دشنام نی و ستهیدن نی فا بار ، ای نام زنا مبراد . ۲۰

و بهری گفتند : زنا مکناد و دشنام مدهاد و فا عدیل به راه

مستبها<sup>۱</sup>. وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ. وهر نیکوی که کنید اندر راه حج خدای آن را بداند و فران ثواب دهد اندران جهان. وَتَزُودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى. ضحاک گفت: اهل یمن چو مسلمان شدند، به حج آمدندی فی زاد، وگفتندی که خدای مان روزی بدهد. این آیت بیامد، گفت: زاد فر دارید مر راه حج را، و فر مردمان<sup>۵</sup> نکهه مکنید.

. ابن عباس گفت: زاد فر دارید بدان مقداری که خویشتن را از روی خلق فی نیاز دارید؛ وار نی فر خدای تو کل کنید، که بهترین راههای زاد این جهان پرهیز است. وَاتَّقُوا يَا أُولِي الْأَلْبَابِ. وز من بترسید یا خردمندان، و به کسی میل مکنید جز به من.<sup>۱۰</sup> و مکحول گفت: معنی آنکه زاد فر دارید، ای یار نیک طلب کنید مر سفر را.

نَیْسَ عَلَیْكُمْ جُنَاحُ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ. کلبی گفت: چو<sup>۱۸۸۹۱</sup> دهی گوسپند کشان اندر آمدی، دست از بیع وز شری فاز گرفتندی، و پیش از روز ترویبه به يك روز، و روز ترویبه و روز عرفه [۶۶] بازارها فرداشتندی، این آیت بیامد: نَیْسَ عَلَیْكُمْ جُنَاحُ. فر شما مومنان اید بزه نی. أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ. کاز خدای طلب کنید روزی اندر روزگار حج. فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ. پس چو فاز گشتید روز عرفه از کوه عرفات از پس فرو شدن آفتاب. فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ. یاد کنید خدای<sup>۲۰</sup>

را به تسبیح و تهلیل آن شب اندران مکان کان مشعر الحرام خوانند ،  
و آن جایگاه کوهی است مردمان فرو بیستند به دعا . وَ اذْكُرُوهُ كَمَا  
هَدَيْكُمْ . و چو بامداد فرخیزید به مزدلفه یاد کنید مر خدای را  
چنانکه ره نمودن آن به مسلمانی ، و توفیق تان داد مر حج و عمره را .  
وَ اِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ . و شما پیش ازان کتان ره نمود ۵  
از گمبوردگان بودید .

۱۹۹ ۴۲ ثُمَّ أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ . کلبی گفت : همه عرب که  
حج کردند به عرفات ایستادندی و ز آنجا فاز گشتندی جز خمس ،  
و خمس قریش بودی ، و کنانه و خزاعه و فرزندان عامر بن صعصعه .  
ابشان تا به مزدلفه پیش نشدندی و ز آنجا فاز گشتندی ، این آیت ۱۰  
بیامد : ثُمَّ أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ . از آنجا فاز گردید از حج  
که مردمان فاز کردند .

مفسران گفتند : بدین ناس اهل یمن خواست . وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ  
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ . و آمرزش خواهید از خدای مر گناهان تان را به  
موقف ، که خدای آمرزگار گناهان استغفار کنندگان است از  
مومنان ، و بخشاینده ی تابیان است . ۱۵

ابن عباس گفت : پیرمیدند پیغامبر را علیه السلم از همه اهل  
عرفات گناه که بزرگ تر ؟ گفتا : گناه آن کس که حج نکند و از  
عرفات فاز گردد . و چنان گمان [برد] خدای مرو را نیامرزدست .  
۲۰۰ ۴۲ فَاِذَا قَضَيْتُمْ مِنْهَا [۶۷] سَبَّحْتُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ . ابن  
عباس گفت : عرب چو حج بکردندی اندر جاهلیت به نزدیک مزکت

- خیف به منا بیستادندی و پدران را به نیکو کاری یاد کردند، پس از خدای خواسته خواستندی و زان جهان یاد نکردندی، از ابراک بدان جهان نگرویدندی. چو خدای مر مسلمانان را به دین خویش کرامت کرد، مومنان هم این جهان خواستندی و هم آن جهان، این آیت بیامد: **فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَتَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ**. ۵
- چو فارغ شدید از سنتهای حج، یاد کنید مر خدای را عزوجل به منا اندر مسلمانی به نیکو کاری، چنانکه یاد کردیدی پدران تان را اندر جاهلی پیش از مسلمانی. **أَوْ أَتَمَذُّ ذِكْرًا**. و بیش از آن یاد کنید مر خدای را اندر مسلمانی که پدران تان را یاد کردیدی اندر جاهلی. پس بگفت که کافران سپس حج کردن چه خواستندی، و مومنان چه خواهند می. **فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا**. گفتا از آدمیان کسهایی اند که گویند بار خدایا، بده مان اندرین جهان. ازین اشتر خواستندی و گاو و گوسپند و زن و فرزند؛ و آن جهان نخواستندی. **وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ**. و مر ایشان را اندران جهان نصیب نیست از دهشت او ۱۵ کرامت خدای.

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً. وز مردمان ۲۰۱ ۴۲

کسهانند بدل ایشان دعا کنند و گویند: بار خدایا، بده مان اندرین جهان نیکوی. **وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً**. و اندران [جهان] نیکوی.

- حسن بصری گفت: حسنه‌ی این جهان علم است و عبادت؛ [۶۸] ۲۰ و حسنه‌ی آن جهان بهشت است.

و ضحاک گفت: حسنه‌ی این جهان روزی حلال است و کار  
نیکوست، و حسنه‌ی آن جهان رستگاری از آتش است.

و قتاده گفت: حسنه‌ی این جهان عاقبت است، و حسنه‌ی آن  
جهان عاقبت است؛ و سدی گفت: حسنه‌ی این جهان خواسته است،  
و حسنه‌ی آن جهان بهشت است.

۵

و سهل تستری گفت: حسنه‌ی این جهان علم و عبادت است مر  
خدای را عزوجل به اخلاص، و حسنه‌ی آن جهان خشنودی خدای است.  
و قَبْنَا عَذَابَ النَّارِ. برهان ما را از آتش دوزخ. این دعای  
مومنان است، خدای گفت عزوجل.

اولئِكَ لَهُمْ فَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا. ایشان که اهل این صفت‌اند مر  
ایشان را اندران جهان نصیبی بود تمام بدانچه بکردند از طاعت و از  
حج و ز دعا. وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ. و خدای عز و جل زود رساند مر  
ایشان را بدین پاداش از پس شمار.

۲۰۲ آ

انس بن مالک گفت که پیغامبر گفت: گروهی از امان من  
فرود آیند اندر مسکنهای خویش اندر بهشت، نرسد مر ایشان را از  
بلویهای این جهان چیزی بدان کار خدای عاقبت خواستند اندرین  
جهان و اندران جهان. بگفتندی: رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً  
[وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً] وَ قَبْنَا عَذَابَ النَّارِ.

وَاذْكُرُوا اللَّهَ [فِي] أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ. ابن عباس گفت و جماعتی  
از مفسران: ایام معدودات روزگار تشریق است از روز عرفه بامداد تا  
روز پنجم نماز دیگر؛ و ایام معلومات روزگارهای دهه است .. دهه‌ی

۲۰۳ آ

گوسپند کشان . خدای گفت عز و جل : یاد کنید مرا شما که  
 موحدان اید ، و مرا ثنا کنید اندرین روزگار<sup>۱</sup> شمرده سپس هر نمازی .  
 فَمَنْ قَعَلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ . پس هر آن کسی که شتاب کند  
 به فاز گشتن فاز اهل خویش از منا اندر روز دوم از روزگار تشریق ،  
 پیش از آفتاب فرو شدن ، [۶۹] فرو بزه نی به اشتافتن . وَ مَنْ قَاخَرَ ۵  
 فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنْ إِتَّقَى . و هر که بیاید تا روز سدیگر فاز گردد فرو  
 گنه نی به تا خیر کردن به قول بیشتر از مفسران ، و عبدالله بن عمر  
 گفت و ضحاک : اگر شتاب کند به فاز گشتن فی گنه باز گردد ،  
 گناهش آمرزیده ؛ و گر بیاید گناهش آمرزیده . لِمَنْ إِتَّقَى .

- ۱۰ ابراهیم نخعی گفت و مقاتل : این آیت براءت [است] به آمرزش  
 مران کسها را که بپرهیزند از صید کردن به حرم و حرم اندر .  
 وَ اتَّقُوا اللَّهَ . بترسید از خدای ای بندگان حلال مدارید صید  
 کردن به حرم اندر ، و دست فازدارید دشنام و جدال . وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ  
 تُحْشَرُونَ . و بدانید که شما را فرانگیزانند اندران جهان خدای ، و  
 پاداش تان دهد بدانچه کرده باشید .

۱۵

- وَمِنَ النَّاسِ مَن يَدْعُكَ قَوْلُهُ فِيهِ الْخِيَوَةُ الدُّنْيَا . از مردمان  
 ۲۰۴ ۴۱ کس است که مر ترا که محمدی سخن او خوشتر آید اندرین جهان .  
 ابن عباس گفت : این آیت به شأن مردی آمدست که مرورا  
 اخنس بن شریق گفتندی ، شیرین سخن بود و پیغامبر را دوستی  
 نمودی و بستودی به زبان ، و به دل فاجر بود و سوگند خوردی به  
 ۲۰



خدای که من ترا دوست دارم .

وَيُشْهِدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قُلُوبِهِ . و گفتی که خدای همی داند و  
گواست که نه اندر دل من همچنین است که به زبان همی گویم .  
وَهُوَ الَّذِي الْخَصَامُ . خدای گفت تبارك و تعالی : او خصومت‌گرنر  
همه خصمان است به باطل . و بهری گفتند : او سخت ۵  
خصومت‌کن است .

وَاِذَا قَوَّيْتُمْ سَعْيَ فِي الْاَرْضِ لِيُقْبِلَ فِيْهَا . چو از پیش ته فاز گردد ۲۰۵ ۴۲  
ای محمد ، معصیت کند اندر زمین خدای . وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ  
النَّسْلَ . و خرمن بسوزد و نژاد را [۷۰] بریده کند .

۱۰ مفسران گفتند ، ازیشان مقاتل : و آن آن بود که خرمن مسلمانی  
را به ناحیت طایف بسوخته بود به شب ، و ماده خری را بکشته بود  
و نسل او ببریده بود .

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ . خدای مصیب دوست ندارد و تباهی  
نپسندد از کس .

وَاِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ . و چو بگفتندی مرو را بترس از خدای و ۱۵ ۲۰۶ ۴۲  
فساد مکن . اخْلَقْنَا الْعِزَّةَ بِالْاِثْمِ . بزرگی کردی و خشم گرفتی و حق  
نپذیرفتی . فَخَسِبَ جَهَنَّمُ . پس بود مرو را دوزخ اندران جهان  
مکافات فعل بد او . وَ لَيْسَ الْمِهَادُ . و بد آرام جایا که مرو را بود  
دوزخ .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ . این آیت به ۲۰ ۲۰۷ ۴۲  
شان صهیب بن سنان آمدست ، چو پیغامبر هجرت کرد به مدینه ، کافران

بگرفتند مرو را به مکه و گفتند که : فیزار شو از دین محمد . مر  
ایشان را گفت : من مردی پیرم ، شمارا زیان ندارد اگر فاشما باشم  
یا فامحمد . و من پیمان کردستم فامحمد ، نخواهم کان را بشکنم ؛  
و من آن خواسته‌ای که دارم شما را دهم ، مرا فادین من یله کنید .  
خواستہ مر ایشان را داد ، و چنگک ازو فاز داشتند . روی سوی مدینه ۵  
نهاد ، پیش از آنکه به مدینه اندر آمد ، این آیت آمده بود فر پیغامبر  
علیه‌السلام . بوبکر پیش آمدش فر در مدینه ، [و گفت] سودمند بازرگانیا  
که ته کردی یا صهیب ! صهیب گفت : و بازرگانی ته سودمند باشد  
یا بابکر ، چه خبرست ؟ بوبکر خبر دادش بدین آیت که پیامده بود  
به شأن او . وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ . گفت از ۱۰  
مردمان کس است و گویند کسهایی اند که بخرند [۷۱] مرتنهای  
خویش را از کافران بدان خواسته‌ای که داشتند از بهر جستار  
خشنودی خدای را عزوجل . محمد بن اسحق گفت : از مردمان  
کسهایی اند که خویشان را بفروشد به جهاد کردن اندر طاعت خدای  
و ایستادن به حقهای خدای و طلب کردن رضای خدای . وَ اللَّهُ رَؤُفٌ ۱۵  
بِالْعَبَادِ . خدای مهربان است فرین گروه از بندگان ، خشنود شود  
ازیشان و ببخشدشان .

۲۰۸۴۱ یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً . ابن عباس گفت :  
این آیت به شأن مومنان اهل توریث آمده است .

۲۰ عبدالله بن سلام و یاران او دستوری خواسته بودند از پیغامبر  
علیه‌السلام روز بدان که روز شنبه کار نکنند بدو ، و گوشت اشتر

فرخوشتن حرام کنند ، و بهری از شریعت اهل توریت کار بندند .  
این آیت بیامد ، گفت : یا آن کسها که بگرویدید به پیغامبر علیه السلام ،  
کسار کنید به شرایع مسلمانی همه . *وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ* .  
و متابع فرمان دیو باشید و آرایش او ، به کسار بستن شریعت اهل  
توریت .

۵

و قتاده گفت : خطوات الشیطان همه آن چیزی بود که خدای  
از وی نهی کردست . *إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ* . که دیو مر شما را دشمن  
است پیدای .

فَبِأَن زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ . بوصول گفت : ۲۰۹ آیه

اگر بتابید از شریعت مسلمانی و کار کنید به شریعت پیشینیان ، از  
پس از آنکه آورده بود محمد به شما مسلمانی و قرآن .

و مقاتل گفت : بینات آن است که بفرستاد خدای عز وجل فر  
پیغامبر از حلال او حرام . *فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ* . بدانید و  
فی گمان باشید که خدای قوی است به عقوبت کردن آن کسی [۷۲]  
که مخالف شود فرمان او را ، و حکم کرد فر ایشان به عذاب .

۱۵

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ . ۲۱۰ آیه

نیابند همی ، او چه چشم دارند همی جهودان مدینه و کافران مکه  
اندر کافری و منکری مر نبوت پیغامبر را علیه السلام ، آمدن حکم  
خدای را عز وجل و مر فرمان او را به خاستن روز راستخیز ، و پاداش  
دادن ایشان فر کفرشان . ای همی نگروند تا فر کافری بمرند ، و مر  
عقوبت خدای را مستوجب شوند . *وَالْمَلَائِكَةُ* .

۲۰

فتاده گفت: و نیابند همی مگر آمدن ملك الموت را به  
جان سندن ایشان.

و بهری گفتند: اندر آیت تقدیم و تأخیرست. هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا  
أَنْ يَأْتِيَهُمُ [الله] الْمَلَأُتَةُ فِي ظُلُلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَيَأْتِيَهُمُ اللهُ كَيْفَ يَشَاءُ.  
همی نیابند اندر کافری مگر آمدن فریشتگان را از آسمان اندر میان ۵  
غمام روز راستخیز.

مفسران گویند: کاین غمام ابری بود سپید فراز هفت آسمان.  
فریشتگان اندر میان او به زمین آیند. چنانکه باد کرد به جای دیگر:  
وَيَوْمَ تَشْقُقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزُلِ الْمَلَأُتَةِ قَنَزِيلاً.<sup>۱</sup>  
وَقَضَى الْأَمْرُ. و بگزارند کار را، ای که فارغ شوند از شمار، ۱۰  
و رانده شود حکم خدای فر ایشان به ثواب و عقاب و به بهشت و  
دو رخ. وَإِلَى اللهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ. و حکم و قضا مر خدای راست روز  
راستخیز.

زجاج گفت: اگر کسی گوید نه فاز گشت کارها فاز خدای  
است اندرین جهان؛ گوییم معنی این آیت آن است فاز گشت بندگان ۱۵  
سوی اوست به حکم کردن فر ایشان، [۷۳] عذاب کند مران را کاو  
خواهد و ببخشد مران را کاو خواهد.

سَلِّ بْنِ إِسْرَافِيلَ تَمَّ أَكْبِنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيْنَةٍ. مجاهد گفت: ۲۱۱ ۴۲  
بگوی مر جهودان را یا محمد چند نشانیها پیدا کردیم مر ایشان را  
اندر قرآن، و ایشان همی نگروند. ۲۰

و قتاده گفت، و ربیع بن انس: پیرس مر فرزندان یعقوب را از جهودان اهل مدینه چند علامتهایی که ما بداده بودیم مر موسی را از عصا و زدست و جزان. از پس ازان ایشان گسوساله را پرستیدند. وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ. و هر که او منت خدای را نپذیرد سپس از آنکه بدو رسد و این نعمت پیغامبر بود ۵ علیه السلام که خدای بفرستاد مرو را به خلق، و هر که مرین نعمت را بدل گیرد به کافری. فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. مستوجب شد مر عقوبت سخت خدای را عزوجل.

- ۲۱۲ ۴۷ زَيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا. کلبی گفت: این آیت به شأن مهتران مکه فرود آمد، بوجهل و یاران او. گفت که دوست کردند ۱۰ اندر دل کافران مکه دوستی کامها و نعمتهای این جهان.
- بهری گفتند: که دیو شیرین کرد اندر دل ایشان. و بهری گفتند: خدای دوست کرد نزد ایشان، و به طاعت داشتن بفرمودشان از پس از آن. وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا. و ایشان فسوس همی کنند فر درویشان مومنان، عبدالله بن مسعود و عمار و صهیب و خباب. ۱۵ و مقاتل گفت: این آیت به شأن منافقان آمد عبدالله بن ابی و یاران او. فسوس کردند فر درویشان مومنان. [۷۴] وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. و آن کسها کایشان موحدان اند و پرهیزگاران و فرمان برداران پیغامبر علیه السلام از درویشان فراز شرکان و منافقان باشند روز راستحیز، ای مومنان اندر بهشت باشند، و ۲۰ کافران و منافقان اندر دوزخ باشند و نو کام. وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ

جَنَابِ . و خدای عزوجل روزی کند مران را که خواهد از بندگان بهشت جاودان فی شماری که باشد فر ایشان .

و کلبی گفت : روزی کند مران را که خواهد بسیار فی اندازه .

و مقال گفت : خدای گفت روزی دهم مران را که من خواهم فی آنکه

از کسی بترسم که فامن شمار کند . و زجاج گفت : معنی بَغِيرَ ۵

جَنَابِ . آن بود مومن را نه فر مقدار ایمان او روزی دهد ، و کافر

را نه فر مقدار کفرش روزی دهد .

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً . اختلاف کردند مفسران اندر معنی

۲۱۳ و ۲۱۴

این آیت . ابی بن کعب گفت : خلق همه يك امت بودند ، چو عرضه

کردندشان فر آدم علیه السلام بدان وقت کایشان را بسرون آورد از ۱۰

پشت آدم چو ذره‌ی آفتاب بیافریدشان آن روز خدای ، فر مسلمانی

مقرآمدند مرو را به بندگی ، پس مختلف شدند اسپس مرگ آدم .

بهری کافر گشتند پس بفرستاد خدای عزوجل پیغامبران را به خلق ،

اسپس اختلاف .

۱۵ محمد بن کعب گفت ، و مجاهد و عطا از ابن عباس : خلق

همه فر دین گمبودگی بودند ، بفرستاد خدای عزوجل سه ایشان

پیغامبران را ره نمایان و معلمان . و سدی گفت : خلق همه فر ملت

مسلمانی بودند به اول ؛ و بوروق گفت : اهل کشتی نوح آنکه بگرویده

بودند فر ملت مسلمانی بودند . فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ

مُنذِرِينَ . بفرستاد خدای عزوجل پیغامبران به خلق اسپس اختلاف ، ۲۰

مژده دهندگان به بهشت سرمومنان را ، و ترسانندگان از آتش

مر کافران را . وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ [۷۵] بِالْحَقِّ . و فرو فرستاد فر  
پیغامبران کتابهایی به راستی ، و بداد از بهره یافتن خلق را و به  
پای کردن حجت قس خلق . لِيُخَيِّمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ .  
تا داور باشد کتاب میان خلق اندران اختلافی که بکنند ، ای پیدا کند  
میان ایشان مر ایشان را حق از باطل . وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ  
أَوَّلُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ . و اختلاف بکردند جهودان اندر  
کتاب خدای عز وجل ، توریت ؛ و اندر بیان نعت پیغامبر علیه السلام ،  
مگر آن کسها که داده بودندشان علم توریت سپس از آنکه آمد به  
ایشان علامتهای پیدای از خدای عز وجل ، و ز نبوت پیغامبر علیه  
السلام . يَفِيًا بِحَبَّتِهِمْ . حسد مر پیغامبران را که بکردند میان ایشان .  
فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ . ره نمود خدای  
عز وجل مر مومنان را به هر زمانی و وقتی ، تا پای داشتند فرانچه  
بیاوردند به ایشان پیغامبران از اخلاص به شناخت خدای عز وجل و  
پرستش او از ان اختلافی و دو گروهی که بکردند اندر حق کافران .  
بِإِذْنِهِ . به قضای خدای و اختیار او . وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ  
مُسْتَقِيمٍ . و خدای عز وجل ره نماید و توفیق دهد به دین و طاعت  
خوبش مران کس را کاو خواهد از بندگان خوبش راه راست ، راه  
مسلمانی . پس تعزیت کرد مر مومنان را ، و خرسندی داد مر ایشان  
را بدان مصیبتهایی که برسدشان اندرین جهان ، گفت :

۲۱۴:۱ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا  
مِنْ قَبْلِكُمْ . و گمان بردید کامرزیدگان و گزیدگان باشید ، [۷۶] از

اهل بهشت باشید فی آنکه مبتلا کنند مر شما را به مصیبتها و بیماریها،  
و پنداشتید که بنرسد به شما همچنان حالهایی که بگذشت فر پیشینیان.  
پس بگفت که چه رسید به ایشان . مَسْتَهُمُ الْبَاسَاءُ وَالضَّرَاءُ . برسید  
به ایشان درویشی و بیماری . وَ زُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ  
آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ .

۵

مقاتل گفت : بنرسانیدشان خدای عز وجل از دشمنان ، تا گفت  
آن پیغامبر که نام او بود الیسع علیه السلام ، و آن مومنان که فا ار  
بودند اندر کارزار دشمنان کی بود ما را ظفر خدای عز وجل فر  
دشمنان .

ضحاک گفت : این آیت روز خندق آمد که کنده کنده بود  
پیغامبر علیه السلام به ناحیت مدینه بگفت یاران را که چه رسید به  
پیغامبران و امتان ایشان پیش از پیغامبر ما علیه السلام ، حتی يقول  
الرسول نا نوح گفت ، و آن مومنان که فا او بودند ، و ابراهیم و  
موسی علیهم السلام متی نصرا همی کسی رسد به ما ظفر خدای فر  
دشمنان آن هنگام بگفت مر یاران را . أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ . بدانید  
شما که مومنان اید که ظفر من به شما نزدیک است . ظفر دهمتان فر  
دشمنان ، چنانکه ظفر دادیم مر پیغامبران را پیش از محمد علیه السلام .  
يَسْتَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ . کلبی و مقاتل گفتند : این آیت به

۲۱۵ ی ۱

شان عمرو پسر جموح انصاری آمد، چو خدای عز وجل بفرمود به نفقه  
کردن پیش از آیت صدقات اندر سوره ی براءت. ابن عمرو بن الجموح  
گفت: یا رسول الله ، چند نفقه کنیم و فر که نفقه کنیم؟ این آیت بیامد :

۲۰



يَسْتَلُونَكَ مَا ذِي يُنْفِقُونَ . ترا همی پرسند یا محمد چه مقدار صدقه دهند و اهل صدقه که اند ؟ قُلْ مَا أَتَقَفْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلْيَلْزُوا الَّذِينَ وَالْأَقْرَبِينَ . بگویی مر ایشان را آن صدقه‌ای که بدهید از خواسته و آن نفقه‌ای [۷۷] که بکنید فر مادر و پدر کنید ، و فر خویشان نزدیک‌تر .  
وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ . پس فر فی پسران و درویشان نفقه کنید . ۵  
وَابْنِ الْحَبِيل . و فر غریبان از مسافران که زاد اسپری شده باشندشان .  
وَمَا قَعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ . و هر هزینه‌ای که بکنید فرین کسها ، خدای عزوجل بدان هزینه‌های شما داناست .

۲۱۶ ۴۱

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَكُمْ . سعيد بن جبیر گفت :

این آیت به شأن سعد بن ابی وقاص آمد و مقدار اسود و یاران‌شان . ۱۰  
گفت : فریضه کردند فر شما کارزار فادشمنان از بهر دین خدای را ؛  
و کارزار همی دشوار آید فر شما . وَغْنَى أَنْ تَقْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ . و بود وقتی که نوکام دارید چیزی را ، و آن به بود مر شما را .  
وَغْنَى أَنْ تَحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ . و بود که دوست دارید چیزی را ، و آن بتر بود مر شما را . وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ . و ۱۵  
خدای بداند که کارزار کردن اندر طریق او بهتر مر شما را ، و شما بدانید که کارزار نا کردن فادشمنان به مر شما را .

۲۱۷ ۴۱

يَسْتَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ . زهری گفت : پیغامبر

علیه‌السلام از پس هجرت چهارده مه کارزار نکرد فادشمنان ، پس  
بفرستاد پسر عم خویش را ، عبدالله بن جحش را فامقدار دوازده ۲۰  
تن از یاران ، و نامه‌ای بنیشت او را و مهر کرد و بگفتش : برو به

نام خدای عزوجل، و کاروان قریش را بگیر کاز شام آیند همی،  
مگر چیزی بود ما را اندر آن، و به جبر مبر یاران را فاخویشتن به  
کارزار، مگر آن کسی که به خوش منشی بیاید.

چون از مدینه بیرون شد، نامه پیغامبر علیه السلام بخواند.

- ۵ اندرو نبشته بیافت آنچه فرموده بود. گفت: فرمان بردارم [۷۸]  
خدای را عزوجل و پیغامبر او را و یاران را. گفت هر که را نشاط  
آید فامن بروید، و آنکه نخواهد فاز گردید. دو تن فاز گشتند:  
یکی سعد بن مالك و دیگر عتبة بن غزوان. و دیگران برفتند فاو.  
کاروانی همی آمد از طایف، و ادیم داشتند و میویز. وین کارزار  
پیش از حرب بدر بود به دو ماه.

۱۰

چون کاروانیان را بدیدند از دور، یک تن از یاران او، که  
نامش بود عکاشه پسر محصن، سر بسترد و فر سر کوهی آمد. چو  
اهل کاروان او را بدیدند از دور، گفتند: کایشان مردمانی اند همی  
به عمره شوند به مکه، ما را نیازارند. چو ایمن گشتند ازیشان،

- ۱۵ يك تن از یاران او که نامش واقد بن عبدالله بسود تیری بینداخت،

بدان تیر یکی کافری را بکشت که نامش بود عمرو بن الحضرمی؛  
و دو تن را اسیر گرفتند: نام یکی عثمان بن عبدالله بن مغیره بود،  
و آن دیگر حکم بن کیسان نام بود. حکم مسلمان شد، و عثمان بن  
عبدالله را فاز خریدند، به مکه فاز شد. و آن کاروان بشکستند. و آن

- ۲۰ آخر روزی بود از جمادی الاخره به گمان یاران، و مه یکی کم آمده  
بود. نخستین روز بود از رجب این کارزار به ماه حرم اندر اوفتاد.

و خدای حلال نکرده بود هنوز کارزار اندر ماه حرم . و يك تن ازیشان بگریخت . نام او نوفل بن عبدالله بود ، و به مکه شد و خبر داد مکیان را . و مکیان ملامت کردند پیغامبر را و یاران را ؛ گفتند : محمد غدر کرد اندر ماه حرم ما را بکشت و خواسته‌ی ما ببرد .

- ۵ آن کسهایی که مسلمان بودند پنهان به مکه نامه کردند سوی عبدالله بن جحش . ایشان نپرسیدند پیغامبر را تا چه گوید . و پیغامبر علیه‌السلام آن غنیمت را فاز داشته بود و یاران را ملامت کرده بود که چرا کارزار کردید اندر ماه حرم . و چشم همی داشت [۷۹] تا چه فرمان آید از خدای عزوجل . این آیت بیامد : يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ . گفت : ترا همی پرسند یا محمد بارانت از کارزار کردن اندر ماه حرم روا هست یا نی ؟ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ . بگوی مر ایشان را که کارزار اندر ماه حرم بزه‌ای بزرگ است . وَ صَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ كُفْرٌ بِهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ إِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ . و فاز داشت کافران مر مومنان را اندر دین خدای عزوجل و ز طواف کردن به خانه‌ی کعبه ، و کافر شدن به خدای ، و بیرون کردن اهل خانه از خانه‌ی خدای ، یعنی بیرون کردن یاران از مکه ، بزه‌ی آن بزرگ تر نزد خدای عزوجل از کشتن پسر حضرمی اندر ماه حرم . وَ الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ . و آن کفر کایشان اندرواند نزد خدای بزرگ تر از کشتن شما مر کافران را اندر ماه حرم . پس بیگاهانید که مراد دل کافران چیست . گفت : وَلَا يَزَالُونَ يَقْتَابِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَغْلَاوْا . و همیشه همی کارزار کنند فا شما
- ۱۰
- ۱۵
- ۲۰

کافران مکه ، تا شما را مگر مرتد کنند از مسلمانی ار بتوانند . وَمَنْ  
 يَرْقُدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ . و هر کس از شما بگردد از  
 مسلمانی از پس مقر آمدن به یگانگی خدای عزوجل ، و بمبرد فسر  
 کفر . فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . ایشانند آن کسها  
 که ناچیز شود ثواب گروش ایشان اندرین جهان و اندران جهان . ۵  
 وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ . و ایشان اند اهل دوزخ [۸۰]  
 اندرو جاودان .

ابن عباس گفت : چون قرآن فرود آمد به رخصت مر ایشان را  
 به کارزار کافران اندر ماه حرم ، پیغامبر علیه السلام این غنیمت را  
 پذیرفت . و این نخستین غنیمتی بود ، و نخستین پنجیکی بود ، و ۱۰  
 نخستین کشتنی بود از کافران ، و نخستین اسیریی بود که بگرفتند  
 مسلمانان از کافران . آن هنگام فر پسای ایستادند پیش پیغامبر علیه  
 السلام ، عبدالله بن جحش و یاران او ، و گفتند که یا رسول الله ، اومید  
 داری مر ما را کاین غزو بپذیرد از ما خدای عزوجل ؟ این آیت  
 بیامد : ۱۵

إِنَّ الدِّينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ . آن  
 کسهایی که بگرویدند به یگانگی خدای عزوجل و هجرت کردند از مکه  
 به مدینه و کارزار کردند فا کافران اندر طاعت خدای عزوجل . أُولَٰئِكَ  
 يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ . آن مردمان همی امید دارند آمرزش خدای و  
 بهشت او . وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ . و خدای عزوجل آمرزگارست مر ایشان ۲۰  
 را بدان کارزار که کردند فا کافران اندر ماه حرم . و مهربان است

- فرایشان بدان که رخصت داد مر ایشان را به قسمت غنیمت ایشان.
- نخستین غزوی این بود مر مومنان را اندر مسلمانی . و از پس او غزو بدر بود. مهتر کافران به حرب بدر عتبة بن ربیعہ بود. و سپس او غزو بنی نضیر بود اسپس حرب بدر به يك سال . و مهتر کافران آنروز بوسفیان بود . و اسپس از آن بدر صغری بود ، وز پس از آن ۵ حرب احزاب بود ، و اسپس از آن حرب احد به دو سال، کنده کنده بود پیغامبر علیه السلام گرد مدینه ، و مهتر کافران بوسفیان بود . وز پس از آن حرب حدیبیه بود فا اهل مکه صلح کرد پیغامبر علیه السلام . پس غزو خیبر بود ، سپس از آن پس پیغامبر علیه السلام دیگر سال عمره برد به مکه اندر ماه ذی القعدة ؛ آن را عمره القضا خواندند. ۱۰ و سپس از آن فتح مکه بود [۸۱] اسپس هجرت به هشت سال و نیم فا پیغامبر ده هزار مرد بود. وز پس از او غزو طایف بود پس غزو تبوک بود. پس پیغامبر علیه السلام حج کرد ، و آن حج را حجة الوداع خواندند. و سپس از آن فاز گشت به مدینه آمد و دو ماه بزیست. پس مرو را وفات آمد علیه السلام اندر حجره ی عایشه ، روز دوشنبد ماه ۱۵ ربیع الاول . و هم اندران مکان فرو نماز کردند و هم آنجا مرو را به گور کردند ، صلی الله علیه .

آیه ۲۱۹

- يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْخَيْرِ وَالْمَنِيِّ . این آیت به شأن عمر آمد رضی الله عنه . می خوردن اندران وقت حلال بود . عمر دعا کرد و گفت : یارب ، مراد خویش بنمای مر ما را اندر می . ۲۰ و مردی بیامد به سوی پیغامبر علیه السلام و گفت : یا رسول الله،

می هلاك كنده است مر خواسته و برنده است مر عقل را . دعا كن تا خدای بیان كند مراد خویش اندرو ما را . ابن آیت بیامد ، گفت : ترا همی پرسند ای محمد از می خوردن و از مقامری كردن . قُلْ فَبِهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ . بگویی مر ایشان را كاندرو می خوردن و مقامری كردن بزه‌ی بزرگ است.

۵

ابن عباس گفت : بزه می دست فاز داشتن نمازست از مستی و بزه می حلال داشتن آن است كه بیافتندی فر مقامری . وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ . و اندر می و مقامری منفعت است مر مردمان را . منفعت می و مقامری آن بودی كه لذت یافتندی به می خوردن و سود كردندی به فروختن می و مقامری كردن پیش از حرامی می و مقامری . وَ إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا . ۱۰

مقاتل سلیم گفت : بزه می خوردن و مقامری كردن سپس حرامی بیش از منفعتی كه بودی پیش از حرامی .

و بوسهل انماری گفت : بزه می خوردن و مقامری كردن بدان وقت كه حرام بود بیش از آن منفعت كشان بود [۸۰] به وقت حلالی ، ابن آیت بیامد . اندرین آیت خدای عیب می یاد كرد و ۱۵

حرامیش پیدا نكرد . و یاران دو گروه شدند : یكى گروه گفتند : خیر نیست اندر چیزی كه ما را از نماز خدای فاز دارد . و دیگر گروه گفتند : بخوریم از بهر آن منفعتی را كاندروى است . تا آن هنگام شبی مهمان بودند بهری از یاران پیغامبر علیه السلام به خانه‌ی عبدالرحمن بن عوف ، و می همی خوردند تا وقت نماز شام فراز آمد . و می مر ۲۰

ایشان را اندر بافته بود . یكى از ایشان امامی كرد مر ایشان را . وَ قُلْ

- يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ<sup>۱</sup> . بخوانند . فر زبانش چنان رفت : قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ اعْبُدُوا مَا تَعْبُدُونَ<sup>۲</sup> . آن آیت بیامد : يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَانْتُمْ سُكَارَى<sup>۳</sup> . ای مومنان ، به نماز میایید و شما مست باشید . حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ<sup>۴</sup> . تا بدانید که چه خوانید . یاران دو گروه شدند . گروهی گفتند: بخوریم و اندر خانه بنشینیم و به جماعت ناییم ؛ و بهری گفتند: هیچ خبری نیست اندران چیزی که ما را از جماعت فاز دارد . اندرین آیت مستی حرام بود . پس بیامد اسپس حرب احزاب : يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَفْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ<sup>۵</sup> . آن هنگام خدای حرام کرد می را ، اندکی و بسیاری او را ، و آنچه مست کند و آنچه نکند ازو . وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُحْفَقُونَ قُلِ الْعَفْوَ .
- ابن عباس گفت : چو خدای عزوجل حربص کرد مر مومنان را فر صدقه دادن پیش از آیت زکات پرسیدند یاران پیغامبر علیه السلم و گفتند : یا رسول الله ، چه مقدار نفقه کنیم فر درویشان ؟ قُلِ الْعَفْوَ . بگسوی مر ایشان را نفقه کنید آنچه بیشی آبد از قوت شما .

مفسران گفتند : چو مردی بودی که مرو را خواسته بودی از زر و سیم یا گندم یا جو یا خرما فاز داشتی بدان مقدار که بسنده بودی

۱ - سورة کافرون ، آیه ۱      ۲ - سورة کافرون ، آیه ۲

۳ - سورة نسا ، آیه ۴۶      ۴ - سورة نسا ، آیه ۴۶      ۵ - سورة مائده ،

او را ، اوعیال او را سالی ، و بیشی صدقه کردی فر درویشان . [۸۳]  
 پس منسوخ است این آیت به آیت زکات . كَذٰلِكَ يَجْنِي ۤ اللهُ لَكُمْ الْاٰیٰتِ  
 لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُوْنَ .

۲۲۰ ۴۶

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . چنین پیدا کند خدای عزوجل مر شما را

۵ امرها و نهیهای خویش ، و از حلال این جهان و آن جهان ، تا شما  
 ببندیشید اندر کار این جهان و آن جهان، تا بدانید کاین جهان سرای  
 بلاست و سرای فناست ؛ و آن جهان سرای بقاست و سرای لقاست .  
 تا کار کنید اندر سرای فنا مر سرای بقا را . وَ يَسْتَلُوْۤنَكَ عَنِ الْيَتٰمٰی  
 قُلْ اِصْلَاحٌ لِّهٖمْ خَيْرٌ .

۱۰ مقاتل گفت : چو آن آیت بیامد : اَلْیَتٰمٰی یَاۤكُلُوْنَ اَمْ۫وَالِ الْیَتٰمٰی  
 ظُلْمًا ' . مسلمانان خویشتن از نگاه داشت خواسته ی یتیمان بکشیدند .  
 یتیمان را اندران زیان افناد . ثابت بن رفاعه بیامد سوی پیغامبر  
 علیه السلام . مرو را پرسید یا پیغامبر خدای ، روا بود ما را فا یتیمان  
 به یك جای آمیختن به طعام و به مسکن ، و ما هیچیزی نقصان نکنیم از  
 آن ایشان که نه بیش از آن نفقه کنیم فر ایشان . این آیت بیامد ،  
 ۱۵ گفت : ترا همی پرسند از حال یتیمان و از آمیختن به طعام و شراب  
 و به مسکن فا ایشان . قُلْ اِصْلَاحٌ لِّهٖمْ خَيْرٌ . بگوی مر ایشان را آنچه  
 اندرو زیادت بود مر خواسته ی یتیم را آن به بود ایشان [را] . وَ اِنْ  
 تَخَالَطُوْهُمۡ فَاِخْوَانُكُمْ . و اگر بیامیزید فا ایشان به طعام و به شراب  
 ایشان بدادران شما اند به مسلمانی . فَاللهُ یَعْلَمُ الْمَقْصِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ .  
 ۲۰



و خدای بداند مران را که تبه کند خواسته‌ی یتیم را به سبب آمیختن  
 فا او از آن کسی کاو به صلاح آرنده‌ی خواسته‌ی او بود . وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ  
 لَأَعْنَتَكُمْ . و ر خدای بخواستی عز وجل که مر شما را بزه کار کندی  
 به آمیختن فا یتیمان ، [۸۴] حرام گردی فر شما آمیختن فا ایشان .  
 ۵ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ . و خدای قوی است به عقوبت آن کس که تبه کند  
 خواسته‌ی یتیم را . و حکم کرد به نگه داشت خواسته‌ی یتیم .

۲۲۱ ۴۷

وَلَا تَنْجَحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يَدُوبُوا . ابن عباس گفت : این آیت  
 به شأن مردی آمد که نام او مرثد پسر بو مرثد بود از یاران پیغامبر  
 علیه السلام . دستوری خواست از پیغامبر به زنی کردن زنی از کافران  
 مکه . این آیت بیامد و گفت : به زنی مکنید مر زنان کافران را تا  
 ۱۰ نگروند به خدای . وَلَآئِمَّةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ . و نکاح پرسناری  
 که زشت باشد و مسلمان باشد به مر شما را از به زنی کردن کافری  
 کان آزاد باشد . وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ . و ر چند شما را خوش آید زن کافر .  
 وَلَا تَنْجَحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يَدُوبُوا . و زنان شما که مومنان اید کس  
 را به مردان کافران مدهید تا مفر نایند به یگانگی خدای . وَلَعَبْدٌ  
 ۱۵ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ . و نکاح بنده‌ای که مومن بود از مسلمانان او  
 را به زنی دهید به زنی به از کافری . وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ . و ر چند مر  
 شما را خوش آید آزادی از کسافران . أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ .  
 ایشان ای کافران از مردان و زنان شما را به آتش همی خوانند ، ای  
 شما را به کفر همی فرمایند ، و کفر مر شما را به آتش برد . وَاللَّهُ  
 ۲۰ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ . و خدای مر شما را همی به

توحید خواند تا مستوجب شوید مر آمرزش او را به فرمان او و به حکم او .

و زجاج گفت : خدای مر شما را همی فرماید به آمیختن فامومنان و جدا بودن [۸۵] از کافران و ز نکاح ایشان. کان مر شما را برساند به بهشت اندران جهان . وَ يَبَيِّنُ آيَاتِهِ لِبَنَاتِهِ لَعَلَّهُنَّ ۵يَتَذَكَّرْنَ . و پیدا کند همی خدای عزوجل مر مومنان را امر خویش و نهی خویش تا پند گیرند و رغبت کنند به اهل دیانت نه به اهل خیانت از کافران .

- وَيَسْتَلْزِمُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ . مقاتل گفت : به شأن مردی آمد ۲۲۲ ۴۱
- این آیت ، نام او بود عمرو بن الدحداح الانصاری. سوی پیغامبر آمد ۱۰ و گفت : یا رسول الله ، چه حکم کنیم فامومنان چو حیض شوند . دست فراز ایشان کنیم یا نی؟ این آیت بیامد . گفت : ترا همی پرسند با محمد از دست فراز کردن به زنان اندر حال حیض . قُلْ هُوَ أَذَى .
- کلبی گفت : بگوی آن خون است و جزو گفت : بگوی شان ۱۵ آن ناخوشی است و حرام است گرد آمدن فامومنان به وقت حیضی .
- فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ . جدا شوید از مجامعت کردن زنان به حال حیض . وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ . فراز ایشان مشوید تا خون از ایشان بریده نشود، چو سبک خوانی یطهرن ؛ و چو یطهرن خوانی دست فراز ایشان مکنید تا سر نشویند . فَإِذَا قَطَطْنَ فَأَكُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ ۲۰ أَمَرَكُمُ اللَّهُ . چو سر بشویند فراز ایشان شوید بدان جایگه که بفرمود خدای تان . إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ . که خدای

دوست دارد تایید از گناهان، و دوست دارد مر پاکان را .

۲۲۳ ب۱

نِسَاءُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَذُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ نِسْتُمْ . ابن عباس گفت:

جهودان مر مومنان را گفتند : ما اندر توریت چنین یافتیم کسه هر که

دست فراز زن کند جز فر يك، حال ، آن همه حرام است [۸۶] نزد

۵ خدای ، وزو باشد کلیکی و مخبلی . یاد کردند مومنان ابن خبر

پیغامبر را علیه السلام . این آیت بیامد . نِسَاءُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ . ای فرجهای

زنان تان کشت زارهای شماست . فَأَذُوا حَرْثَكُمْ أَنْتُمْ نِسْتُمْ . فسر از

کشت زار شوید هر گونه ای که خواهید . خواهید ایستاده و خواهید

نشسته و خواهید به پهلوی و خواهید ستان خفته از پس ازان که گرد

آمدن اندر فرج بود . وَقَدْ مَوَا لَأَنْفُسِكُمْ .

۱۰

ابن عباس گفت و مجاهد : نام خدای برید به وقت مجامعت .

و مقاتل گفت : اوستا می کنید مرتن خویش را از فرزند . و بوسهل

گفت : نیت نیکو کنید به وقت مجامعت که اگر خدای قضا کند ما

را فرزندی ، تا او را بپرستد .

۱۵ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ . و بترسید از خدای تان و

حذر کنید از عقوبت او ، و دور باشید از ادبار زفان ، و بدانید که

شما را زنده شدن بود اندران جهان ، و پاداشن کارهاتان بدهد

خدای . وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ . و مرزده ده مر استوار دارندگان مر خدای

را بدان امری که بفرمود و نهی که بکرد ؛ و بدان که استوار داشتند

۲۰ مر خدای را به زنده شدن اسپس مرگی به بهشت جاودان .

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِإِيمَانِكُمْ . ابن عباس گفت : به شأن

۲۲۴ آ

عبدالله بن رواحه آمد این آیت . سوگند خورده بود که سوی داماد خویش اندر شود بشیر پسر نعمان ، و فا او سخن نگوید . این آیت بیامد ، گفت : سوگند به خدای را بهانه مسازید . اَنْ قَبَرُوا وَ تَحْتَقُوا . که خویشی نبیوندید و از خویشی بریدن نپرهیزید . وَ قَصَلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ . و آشتی ندهید مردمان را میان يك دیگر . ۵

و خواجه بوسهل گفت : معنی این آیت آن است سبك مدارید سوگند خوردن را به خدای عز وجل تا به هر کاری سوگند خورید . وَ اِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ . و خدای شنواست مر سوگندان شما را ، و داناست به مرادهای دلها تان .

۱۰ ۲۲۵۴۱ لَا يُوَاخِذُكُمُ [۸۷] اَللّٰهُ بِاللِّغْوِ فِي اَيْمَانِكُمْ . نگیرد تان خدای بدان سوگندانی که برود فر زبانهای شما فی عقد دل شما . عایشه گفت : سوگند لغو آن بود که مرد گوید : لا والله و بلی والله اندر میان سخن برود .

ابن عباس و شعبی و قتاده گفتند : سوگند لغو آن بود که کسی فر چیزی سوگند [خورد] و چنان پندارد کان چنان است ، و آن نه چنان بود . وَ لَنْ يُوَاخِذَكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ قُلُوبِكُمْ . جز که تان خدای بدان سوگندانی گیرد و عقوبت کند که عقد دل فران ببسته باشید و قصد آن کرده باشید . وَ اَللّٰهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ . و خدای آمرزگارست مران کسی را که توبه کند از سوگند دروغ ، و حلیم است که شتاب نکند به عقوبت او . ۲۰

۲۲۶۴۲ لَيْلَتَيْنِ يُوْتُونَ مِنْ بَيْنَانِهِمْ قَرْبُصَ اَرْبَعَةِ اَشْهُرٍ . آن کسهایی

کایشان سوگند خورند که فراز زنان نشوند، ای که فا ایشان گرد نیابند  
 مر ایشان را و سوگند ایشان را مدت چهار مه ازان روز که  
 سوگند خورده باشند تا تمامی چهار مه ؛ و هر که سوگند کمتر از  
 از چهار مه خورده باشد او مولی نباشد . فَإِنْ فَأَوْ فَإِنْ اللَّهُ غَفُورٌ  
 رَحِيمٌ . اگر ازان سوگند فاز گردند و دست فراز زنان کنند پیش از ۵  
 چهار مه ، خدای آمرزگارست مرین سوگند خواره را کاین سوگند  
 را دروغ کرد ، و بخشاینده است مرو را کاورا بفرمود به کفارت  
 این سوگند ، اگر این سوگند به خدای بود ؛ و اگر این سوگند به  
 آزادی بنده باشد ، یا به طلاق زن بود یا به حج باشد وفای آن فرو  
 همی واجب بود . ۱۰

وَأِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ . وَاَنْ فَرَّانِ سَوَكَنْد بَرُونْد تَا آن مدت ۲۲۷۴۱  
 بگذرد يك طلاق باین میان زن و آن او بیوفتد . [۸۸] فَإِنْ اللَّهُ سَمِيعٌ  
 عَلِيمٌ . و اگر فران سوگند برونند تا آن مدت بگذرد ، او خدای  
 شنواست مر سوگند این مولی را ، و دانااست به مراد .

وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ . ابن عباس گفت ۲۲۸۴۶  
 و مجاهد و قتاده : و آن زنان دست فاز داشتگان شویان شان فاز دارند  
 تنهای خود را اندر عدت آن شویان نگه دارند سه حیض ، اگر از  
 اهل آن باشند که حیض شوند . وَلَا يَجِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَتَعَتَّمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ  
 فِي أَرْحَامِهِنَّ . و شاید مران زنان را که طلاق او فتاده شان که پنهان  
 کنند ازان شویان آنچه خدای عزوجل بیافریده باشد اندر رحمهاشان از ۲۰  
 فرزند و از حیض . إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ . اگر ایشان

گرویده باشند به یگانگی خدای عز و جل و به روز راستخیز .  
وَبَعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ . و شویان ایشان حقمندتر باشند به  
فاز گردانیدن ایشان که به عدت اندرون باشند . پس منسوخ گشت این  
آیت بدان آیت : الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ<sup>۱</sup> .

مقابل گفت : این آیت به شأن مردی آمده بود کاو را اسمعیل ه  
غفاری گفتندی . طلاق داده بود زنش را سه طلاق ، و آگه نبود که  
بار دارد . چو پیدا آمد او را که بار دارد ، فاز گردانیدش ، آن وقت  
روا بودی . إِنَّ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ .  
و مر زنان را فر شویان از حق و حرمت ، همچنان که مر شویان را  
فر زنان . وَلِلرِّجَالِ عَلَى نِسَائِهِمْ دَرَجَةٌ . و مر شویان را فر زنان مرتبتی ۱۰  
است و پایگهی به نفقه کردن و کابین دادن ، و بدان [۸۹] که عقل  
ایشان و میراث ایشان و گواهی ایشان بیش است . وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ .  
و خدای تبارک و تعالی قوی است اندر مملکت خویش به عقوبت آن  
کسی که عاصی شود اندرو ، و حکیم است او . حکم کرد فر شویان  
به نیکو داشت زنان .

۱۵

و بهری گفتند : حکیم است ، حکم کرد فضیلت مردان فر زنان .  
و بهری گفتند : حکیم است ، حکم کرد فر زنان که شوی نکنند مگر از  
پس گذشت عدت .

و عکرمه گفت اندر تفسیر این آیت : وَبَعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ

فِي ذَلِكَ<sup>۱</sup> . آن باشد که زنی را طلاق دهد شویش یکی یا دو پس ۲۰

این زن پنهان کند بار خویش از شوی، تا ازو برهد .

۲۲۹ ب۶

الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمَّا تَرَاكَ بِمَعْرِوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ . دست فاز

داشتی که بتواند شوی که فاز گرداند اندرو مر زن را دو طلاق است،

دو بار. يك بار دست فاز دارد پس فاز گرداند ، و دیگر بار دست فاز

دارد پس فاز دارد از پس ازان نگه داشت ، او مران زن را واجب ۵

بود به نیکوی فی زبانی که بنماید مران زن را ، یا دست فاز دارد

سدیگر بار به نیکوی . وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَاخُلُوا بِمَا آتَيْتُمُوهُ

نَيْتًا . و نشاید مر شما را که مردانید که چیزی بستانید ازان کابین

که بداده باشید مر زنان تان را . إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ .

مگر که بترسند این زنان و این شویان که پای کرد نتوانند میان يك دیگر ۱۰

فریضه های [۹۰] خدای را عزوجل . فَإِنْ خِفْتُمْ أَنْ لَا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ .

پس اگر شما که حاکمانید بترسید یا بدانید کایشان حق يك

دیگر گزارد نتوانند . فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ . فر

ایشان بزه نه اندر آنچه فدا دهد زن از بهر تن خویش مر شوی را ،

و خویشتن ازو بخرد . قِيلَ لَكَ حُدُودُ اللَّهِ . این فریضه های خدای است ۱۵

عزوجل، بیان کرد مر زنان را و شویان را . فَلَا تَعْتَدُوا . مگذرید

ازین حدها . وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ . و هر کسی

کاز حد خدای بگذرد و فرمان خدای دست فاز دارد ، ایشان اند

زبان کاران تن خویش .

۲۳۰ ب۶

فَإِنْ طَلَّقَهَا . اگر دست فاز داردش شوی سدیگر بار. فَلَا تَجِلُّ

۲۰

لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْبَحَ زَوْجًا غَيْرَهُ . حلال نباشد مران شوی را تا

شوی دیگر نکند و فا او گرد نیاید. فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا . اگر طلاقش دهد شوی دوم فر ایشان بزه‌ای نی ، ای فر این زن که فاز شوی اول فاز گردد . إِنْ ظَنَّا أَنْ يَعْصِمَا حُدُودَ اللَّهِ . اگر بدانید که احکام خدای را به پای توانید داشتن میان يك دیگر و انصاف بتوانید دادن مر يك دیگر را . وَ قَبْلَكَ حُدُودُ اللَّهِ يَمْلِكُنَّ لِغُيُومٍ يَعْلَمُونَ . و این احکامهای خدای است عزوجل از نکاح و از طلاق وز عدت و از مراجعت پیدا کندش همی مران کسها را [۹۱] که امر او را ندانند و فرمان او را نگه دارند .

و إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ . و چون دست فاز دارید زنان را به يك طلاق یا به دو طلاق . فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ . و نزدیک آید که عدت‌شان به پایان شود . فَامْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ . فاز گردانید مر ایشان را به نیکو صحبت کردن فا ایشان . أَوْ سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ . یا دست فاز دارید‌شان تا سر از عدت بشویند وز عدت بیرون آیند . وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا . و عدت را فر زنان دراز مگر دانید تا فر ایشان بدان ستم کنید .

حسن بصری و مجاهد و قتاده گفتند : آن زیان بود که مردی زن را طلاق دهد ، یکی تا سه حیض فرو بگذرد پیش از آن که سر از حیض سدبگر بشوید فازش گرداند ، فازش طلاق دوم بدهد ، پس بله کندش تا عدتش به پایان آید ، پیش از آن که سر از عدت دوم بشوید فازش گرداند ، پیش از آن کار حیض سدبگر سر بشوید تا سه حیض را نه گرداند . وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ . او هر که او چنان کند ، فر خویشتن ستم کند بدان مستوجب عذاب خدای گردد . وَ لَا





فَتَخَلَّوْا آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا . و امر خدای را دست‌فاز مدارید و بدانچه  
بفرمود کار کنید .

ابن جریر [گوید] مردی سوی پیغامبر آمد علیه السلام ، و گفت :  
یا رسول الله ، من زن را طلاق دادم به مزاح . این آیت بیامد : و لَا  
فَتَخَلَّوْا آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا . پیغامبر گفت علیه السلام : سه کار راستی او ۵  
راست است و مزاح او راست است : نکاح و طلاق و آزادی . و اذْكُرُوا  
نِعْمَةَ اللَّهِ [۹۲] عَلَيْكُمْ . و یاد دارید نعمت و منت خدای بر شما .  
وَمَا أَنزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ بِعَظَمَتِهِ . و بدانچه فرو  
فرستاد خدای عزوجل از قرآن ، و بدانچه بیان کرد انبیا از حلال  
و زجر حرام و امر و نهی ، پند همی دهدتان بدو . و اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا ۱۰  
أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ . و بترسید از خدای عزوجل و بدانید که خدای  
به همه چیزی از کارهای شما که بکنید ، او نیکی و بدی ، داناست ،  
پاداش آن بدهدتان .

و إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْتَحِبْنَ ۲۳۲  
أَزْوَاجَهُنَّ . مقاتل گفت : این آیت به شان مردی آمده است که کنیت او ۱۵  
بود خداح ، و نام زنش حمل دختر یسار . به يك طلاقش دست‌فاز  
داشته بود ، پس خواستش فاز گرداند . بدادرش معقل بن یسار فاز  
داشتش و بله نکرد تا فاز آن شوی فاز گرددی : این آیت بیامد گفت :  
چون زنان را طلاق دهید یکی با دو تا علت شان نگذرد ، فَلَا  
تَعْضُلُوهُنَّ ۱۰ الايه . شما که اولیاید فاز مدارید شان از فاز گشتن فاز شویان ۲۰  
شان به نکاح نو . إِذَا قَرَأْتُمْ بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ . چون به خشنودی

زن بود و آن مرد به کابین او به گوا . ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ  
يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ . آنچه یاد کند خدای عزوجل از نهی، پند  
همی دهد [۹۳] ...<sup>۱</sup>

... فَإِذَا بَلَغَ الْإِنْسَانُ جُلُوسَهُ . چون علت شان بگذرد . فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ

فِيمَا فَعَلْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ بِالْمَعْرُوفِ . فر شما که اولیاء مرده اید بزه  
نی بدانچه زنان خویش را بیاراید و شویان طلب کنید . وَاللَّهُ بِمَا  
تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ . و خدای عزوجل بدانچه بکنید از نیکی و بدی داناست  
پاداشن بدهد .

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَضْتُمْ بِهِ مِنَ خِطَابِ النِّسَاءِ . و

فر شما بزه نی بدانچه به کنایت بگویید مر زنان را اندر علت  
شویان شان .

مفسران گفتند : تعریض آن بود که مردی را مراد بود که زنی

را که به علت شوی اندرون بود ، مرو را گوید : نه مرا خوش آیی<sup>۲</sup> و

۱- در متن ظاهراً يك دو برگ افتاده است :

(۲۳۲) ذَلِكُمْ أَزْكَى لَكُمْ وَ اطْهَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ... (۲۳۳) وَالْوَالِدَاتُ  
يَرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْصَبَ الرِّضَاعَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ  
وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تَكْلَفُ نَفْسٌ إِلَّا أَوْسَعَهَا لِنَصَارِ وَالِدَةٍ يُولَدُهَا وَلَا مَوْلُودٌ  
لَهُ يُولَدُ وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَ الْفَصْلُ مِنْ تَرَاخُصٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ  
عَلَيْهِمَا وَ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تُنْصَبُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا اتَّيَمُّنَ  
بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ... (۲۳۴) وَالَّذِينَ يَتُوفُونَ  
مَنْكُم وَ يَنْدُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِمْ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا... [۹۴]

۲- متن : آیی

کس دیگر را فر ته نگزینم . و اگر میان ما خدای عز و جل حکمی  
 کردست ترا از من نیکوی بود ، این روا باشد . و گر گوید عدت ته  
 بگذرد ترا به زنی کنم ، نه روا بود . **أَوْ أَكُنْتُمْ فِي أَفْئِسَتِكُمْ** . و فر  
 شما بزه نی اگر مر آن حدیث را به دل اندر بدارید ، و مر ایشان را  
 تا عدت نگذرد نگوئید . **عَلِمَ اللَّهُ أَفْعَمَ سَتَذَكَّرُوْنَهُنَّ** . خدای بدانست  
 ۵ عز و جل که شمار زنان را این سخنان اندر عدت شویان شان بگوئید .  
**وَلَعِنَ لَأَكْوَاعِدُوْنَهُنَّ سِرًّا** . و لکن فا ایشان ميعاد منهد به پنهان که  
 عدت تان بگذرد به زنی کنیم . **إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا** . مگر  
 که بگوئید مر ایشان را اندر عدت شان گفتاری به کنایت نه به ایضاح  
 که ته نیکوی و مرا به ته رغبت است . [۹۵] **وَلَا تَقْرَبُوا عَقْدَةَ النِّكَاحِ**  
 ۱۰ **حَتَّى يَبْلُغَ الْعِتَابُ أَجَلَهُ** . قصد نکاح تان مکنید اندر عدت شان تا  
 عدت شان نگذرد . **وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَفْئِسَتِكُمْ فَاحْذَرُوهُ** .  
 و بدانید که خدای عز و جل همی داند آنچه اندر دلها تان است از وفا  
 وز غدر فا زنان حذر کنید و مخالف مشوید<sup>۱</sup> مر امر خدای را عز و جل .  
**وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ** . و بدانید که خداوند تعالی آمرزگارست  
 ۱۵ مران وعده ها را که شما نهادید مر زنانی را اندر عدت شویان شان که  
 عقوبت نکنند تان اگر توبه کنید ، حلیم است به شتاب نا کردن عقوبت  
 شما بدانچه چنگ<sup>۲</sup> فاز دارید از ادب .

۲۳۶ ۴۱ **لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ قَسَمُوهُنَّ** . اگر طلاق

۲۰ دهید مر زنانی را پیش از آن که فا ایشان گرد آمده باشید . **أَوْ**

تَفْرِضُوا لِهِنَّ فَرِيضَةً . و پیدا نکرده باشید کابین هاشان . وَ مَتَّعُوهُنَّ .  
 نفقه عدت بدهید مر زنان را . عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ وَعَلَى الْمُقْتَبِرِ  
 قَدْرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ . فر توانگر به مقدار  
 توانگری و فر درویش به مقدار درویشی .

۵ ابن عباس گفت : هر کسی کاو زنی به زنی کند و کابین نکرده  
 باشد و نادیده دست فاز دارد ، فرو متعه طلاق واجب شود . متعه  
 طلاق چهار جامه باشد : شبی بود و مقنه بود و چادر بود و ازار  
 بود به مقدار طاقت مرد .

وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ [۹۶] وَكَلَفَرَضْتُمْ لِهِنَّ ۲۳۷ ۴۲

۱۰ فَرِيضَةً . و گر دست فاز دارید زنان را پیش ازان که فایشان گرد  
 آید ، و کابین واجب کرده باشید مر ایشان را . فَتُصَفُّ مَا فَرَضْتُمْ .  
 فر شما [ست] نیمی از آنچه پیدا کرده باشید مر ایشان را از کابین . إِلَّا أَنْ  
 يَغْفُوْنَ . مگر که ایشان خود آن حق را دست فاز دارند . أَوْ يَغْفُوا  
 الَّذِي بَيْنَهُ عَقْدَةُ النِّسَاجِ . و یا همه کابین فرو دست فاز دارد شوی  
 ازو چی<sup>۱</sup> فاز نستاند به قول ابن عباس و مجاهد . وَ أَنْ تَغْفُوا أَقْرَبَ  
 لِلتَّقْوَى . و اگر بهری از شما دست فاز دارد فر بهری ، مرد فر زن  
 و زن فر مرد ، آن اولی تر باشد و نزدیک تر باشد به عدل . وَلَا تَنْتَوُوا  
 الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ . و دست فاز مدارید نیکو کاری میان يك دیگر . إِنَّ اللَّهَ  
 بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ . که خدای عز وجل بدانچه بکنید از نیکو کاری  
 وز استد و داد داناست .

۲۰

۱- در متن چنین است .

۲۳۸ ۴۶

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ خَانِقِينَ. وَ

نگه دار باشید مر پنج نماز را که بگزارید به وقت ، و به خاصه  
مر نماز میانگی را.

ابن مسعود و ابن عباس گفتند : صلاة وسطی نماز دیگرست ؛

و زید بن ثابت گفت : صلاة وسطی نماز پیشین است ؛ و ابن عمر ۵  
و عطا و مجاهد گفتند : نماز بامدادین است ؛ و مختار قول ابن  
مسعودست .

پیغامبر گفت : مشغول کردند ما را کافران ، روزی که کنده

کنده بود گرد مدینه ؛ از نماز وسطی . خدای تبارک و تعالی گورهاشان

بر آتش کناد و دلهاشان بر آتش کناد . و آن نماز دیگر بود . ۱۰

۲۳۹ ۴۶

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا . إِنْ كُنْتُمْ فِي كَافِرَاتٍ فَمِمَّا يَخْرِجُ

غلبه کنند فر شما وقت شمشیر زخم نماز کنید ایستاده یا فر پشت

ستوران هر سوی که رویهاتان باشد . فَإِذَا أَمِنْتُمْ . چون دشمن غایب

شود و بیم از شما بشود . فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ . نماز کنید مر خدای

را چنان که پیاموختان به حضر چهار و به سفر دو . مَا لَكُمْ تَقْوَنُوا ۱۵

تَقْلَمُونَ . آنچه شما ندانسته بودید پیش از آمدن قرآن .

۲۴۰ ۴۶

وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنكُمُ الْوَحْشَ وَالْجُنَّ وَالْأَنْفُسَ الْوَحْشَ وَالْجُنَّ وَالْأَنْفُسَ الْوَحْشَ

مرگ آیدشان و زنان دست فاز دارند اسپس مرگ . وَصِيَّتُهُ لَأَزْوَاجِهِمْ .

وصیت کنید امر زنان را . مَتَاعًا إِلَى الْخَوَلِ . نفقه عدت تا سر سال

از آن روز که بمرده باشد شوی . غَيْرَ إِخْرَاجٍ . فی آنکه بیرون کنیدشان ۲۰

از مسکن شویان . فَإِنْ خَرَجْنِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْنَا . اگر به خودی خویش

- بیرون شوند از خانه‌ی شویان شان ، با شوی کنند پیش از تمامی  
 سال . فَلَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ فِیْهَا فَعَلْنَ فِیْ أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ . فر  
 شما بزه نی بدانچه خویشانن بیارایید مر شوی کردن [را] . وَ اللَّهُ عَزِیزٌ  
 حَكِیمٌ . و خدای قوی است به عقوبت آنکه مخالف شود امر او را و  
 حکیم است . حکم کرد فر شویان نفقه‌ی زنان تا سالی ، پس منسوخ  
 گشت این حرف بدان آیت : یَتَرَبَّصْنَ بِلأنفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا .  
 وَ لِمُطَلَّغَاتٍ بِمَنَاعٍ بِالْمَعْرُوفِ حَتَّىٰ عَلَى الْمُتَّقِینَ . واجب است  
 فر پرهیزگاران از مومنان این فریضه بیست فر مومنان .  
 كَذَٰلِكَ یُبَیِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آیَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ . چنین پیدا کند  
 خدای عزوجل مر شما را [۹۸] امر و نهی خویش و احکام و حدود  
 خویش . لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ . تا شما اندر یابید آنچه نفرموده باشد تان .  
 أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِینَ خَرَجُوا مِنْ دِیارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ .  
 قصه‌ی این آن بود نژادی از بنی اسرایل حریص کردشان پیغامبری از  
 پیغامبران شان به کار زار دشمنان ، که نام او حزقایل بود . فرمان  
 نکردند مرو را و بهانه کردند که بدان زمین که ما را آنجا فرستی  
 ۱۵ همی طاعون است . خدای عزوجل مرگ فر ایشان فر افگند . ازان شهر  
 همی گریختند از بیم مرگ .  
 چو حزقایل بدید آن حال ، دعا کرد که : یارب یعقوب و  
 موسی ، همی بینی معصیت بندگان ته نشانی بنمای اندر تنها شان  
 تا بدانند که مر ایشان را طاقت گریختن نیست از ته . خدای دعای او  
 ۲۰ را مستجاب کرد . هشت هزار مرد بودند به یک ساعت به یک جای

بمیرانید و ستوران‌شان را نیز ، هشت روز مرده بودند . زنان و فرزندان‌شان بگریستند فر ایشان و عاجز شدند از به‌گور کردن ایشان . حصیره‌ای بکردند گرد ایشان تا گنده شد کالبدهای ایشان . پس این پیغامبر بگریست و دعا کرد که : یا خدای یعقوب و موسی ، فای ایشان به سزای ایشان کار مکن . خدای دعای او را مستجاب کرد از پس ۵ مرگی‌شان زنده کرد از پس هشت روز .

و ضحاک گوید : نام آن پیغامبر شمعون بود . معنی آیت چنان بود که عجب نباید ترا یا محمد ازان کسها کایشان برون آمدند از مسکنهایشان . وَهُمْ أَلَوْفُ حَذَرَ الْمَوْتِ . و ایشان هزاران بودند . ۱۰

سدی گوید : سی و اند هزار بودند . و ضحاک گوید : هفت هزار بودند ، از بیم مرگ گریخته بودند . فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ . خدای‌شان بمیرانید ، پس به دعای پیغامبرشان زنده کرد . [۹۹] إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ . خدای عز و جل خداوند منت است فر بندگان خویش ، فر بنی‌اسرائیل و جز از ایشان که زنده کردشان از پس ۱۵ مرگ . وَلَئِنْ أَكْثَرَ النَّاسُ لَا يَشْكُرُونَ . و جز بیشتر از خلق شکر نکنند نعمتهای خدای را .

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ . خدای گفت مر ایشان را از پس از آن ۲۴۴  
که زنده کردشان ، کارزار کنید اندر طاعت من خدای فادشمنان  
خدای . ۲۰

و بهری گویند : مر یاران پیغامبر را گفت شما کارزار کنید

اندر طاعت خدای ، ای چنان مکنید که بنی اسرائیل کردند . وَاعْلَمُوا  
أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ . و بدانید که خدای شنواست مر گفتار هانسان را  
وداناست به نیتها نان .

۴۷ ۲۴۵ مِّنْ ذَٰلِكُمْ يَنْقُضُ اللَّهُ فَرْعًا حَسَنًا فَيُضَاعِفُهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً . هر که  
او قام دهد قام نیکو مر خدای را ، هر که او صدقه دهد مر درویشان ۵  
را به منش خوش ، و فر درویش بدان سپاس نهد و مرو را نرنجاند و  
سخره نگیرد ، وز حلال القغه باشد وان را فر خدای عزوجل بام  
گیرد . فَيُضَاعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً . خدای بیفزاید مران نفقه و صدقه  
او را فزودن بسیار .

۱۰ بو عثمان نهدی گفت : بو هریره دو انگشت خویش را به دو  
گوش خویش اندر کرد ، پس گفت کسر بادا هر دو گوش من اگر  
نشودم از پیغامبر که گفت خدای بیفزاید نیکی مومن را ، هر یکی را  
دو هزار هزار نیکی گرداند . وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ .

ابن عباس گفت : خدای تنگ کند فر آنکه بخواهد و فراخ  
کند فر آنکه بخواهد از خلق خویش . ۱۵

و زجاج گفت : خدای بپذیرد صدقات مومنان و هم او خلف دهد  
شان . و بهری گفتند که خدای توفیق دهد مران را [۱۰۰] که خواهد تا  
قام دهد از خواستهی خویش مر خداوند را ، و محروم کند آن را که  
خواهد . وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ . و فازگشت شمازی خدای بود اندران جهان  
و پاداش کار هاتان بدهد . ۲۰



۲۴۶ ۴۱

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأَةِ مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا  
لِبَنِي نَبِيِّهِمْ أَجْعَلْ لَنَا مَلِكًا فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . خبر نیافتی ازان  
جماعتی از فرزندان یعقوب علیه السلام از پس مرگ موسی چو گفتند  
مران پیغامبر شان را ، که نام او بود اسمعیل بن هلقانا ، بفرست فا ما  
پادشایی به کارزار دشمنان . فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . تا کارزار کنیم فا  
ایشان اندر طاعت خدای عزوجل . قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ . گفت مر ایشان را  
پیغامبر شان بود که اگر . إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَا تُقَاتِلُوا . فریضه  
کند خدای فر شما کارزار دشمنان ، شما کارزار نکنید . قَالُوا وَمَا لَنَا  
أَلَا نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . گفتند مران پیغامبر را چه بود ما را که ما  
کارزار نکنیم اندر طاعت خدای . وَقَدْ أَخْرَجَنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا .  
و ما را بیرون کردند دشمنان مان از سرایهامان ، و جدا کردندمان  
از فرزندان ما . فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ . پس چو فریضه کردند فر  
ایشان کارزار . قُولُوا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ . فاز ایستادند از کارزار مگر  
اندکی از ایشان ، وان میصد و سیزده تن بودند فاجالوت کافر حرب  
کردند . وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ . و خدای داناست به عقوبت  
فیدادگران که نوکام داشتند کارزار کافران را . [۱۰۱]

۲۴۷ ۴۱

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ . و گفت مر ایشان را پیغامبر شان . إِنْ اللَّهَ هَدَى  
بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا .

قتاده گوید : پیغامبر شان یوشع بن نون بود ، مر ایشان را گفت  
خدای پادشا کرد فر شما طالسوت را . قَالُوا أَتَى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ

عَلَيْنَا . گفتند مرو را چون بود مرو را پادشایی فرما ، و او نه از نژاد نبوت است و نه از نژاد مملکت است . و نبوت اندر نژاد لاوی بن یعقوب بود . وَ فَخَنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنِّي . و ما حقمند تریم به پادشایی ازو که ما از نژاد مملکتیم . وَ لَمْ يَأْتِ سَعَةَ مِنَ الْمَالِ . و نیز سر طالوت را توانگری نیست که نفقه کند فرما . قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ ۝ ۵ عَلَيْنَا . جواب کردشان که خدای بگزید مرو را فرما به پادشایی . وَ زَادَهُ بِنِطَةِ فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ . و خدای زیادت داد مسرو را نیز فرما به دانش و به تن ، به دانش بیش از شما و به تن قسوی تر از شما ؛ دراز ترین مردی اندر بنی اسرائیل به بر او رسیدی . وَ اللَّهُ يُؤْتِي مَلْعَهُ مَنْ يَشَاءُ . و خدای پادشایی خویش مران [را] دهد کاه خواهد از ۱۰ بندگان خویش . وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ . و خدای فراخ کننده ی روزی است فر آن که خواهد ، و داناست بدان کسی کاه را پادشایی دهد و بداند که سزاوارتر آن است .

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ . گفت ۲۴۸ ۱۱  
مر ابشان [را] اسمعیل ، و گویند [۱۰۲] بوشع ، نشانی پادشایی او که آن ۱۵  
از خدای است ، آن بود که بیارد فاز شما تابوت موسی که بسته بودند از شما دشمنان خدای . فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ .

ضحاك گفت : اندرو رحمت است از خدای فرما . و مقاتل گفت سکینه جنبنده ای بود اندران تابوت سراو چون سر گربه بود ، و مرو را دو پر بود . چون بانگ کردی بدانستندی بنو اسرائیل که ۲۰  
ظفر ابشان را خواهد بودن .

- و هب بن منبه گفت: سکینه بادی بود از خدای عزوجل، اندرو سخن گفتی، چو اختلاف کردند اندر چیزی، خبر دادی مر ایشان را به صواب<sup>۱</sup> آنچه بخواستندی. وَ بَقِیَّةُ مِمَّا كَرِهَ آلُ مُوسَىٰ وَ آلُ هَارُونَ. و اندران تابوت باقی بود از ترک موسی و هرون.
- ۵ ابن عباس گفت: يك پیمانه از آن ترنگبین بود که فر ایشان باریده بود، او کتاب سنت بود، موسی بدان کار کردی پس از نوریت، و عصای موسی بود، و عمامه‌ی هارون بود، و ردای او. و تابوت از چوب شمشاد بود، چو به کارزار دشمنان حاضر شدند، تابوت را پیش لشکر داشتندی. چو سکینه بانگ کردی اندر تابوت، تابوت سوی دشمن همی رفتی، و ایشان از پس همی رفتندی. چو ۱۰ قرار گرفتی فر مکانی، اسپس او بیستادندی. چو بنی اسرائیل بی فرمان شدند پیغامبران شان را، فر گماشت فر ایشان دشمنان شان را تا آن تابوت بستند از ایشان و اندر سرگین دانی پنهان کردند مران را. خدای عزوجل مبتلا کرد مر ایشان را به باسور. تدبیر کردند میان ۱۵ يك دیگر که چه کنیم تا این تابوت فاز ایشان فاز رسانیم، و از این علت عاقبت باییم. دو ماده گاو<sup>۲</sup> را بیاوردند، او گردون فر ایشان فر نهادند و گوسالگان شان را فاز داشتند، او تابوت را فرین گردون فر بیستند، پس گاوان را [۱۰۳] بزدند تا روی سوی بنی اسرائیلیان کردند و برفتند. خدای عزوجل فر یشتگان بگماشت تا آن گاوان را همی آوردند تا زمین اسرائیلیان. و مر ایشان [را] گفته بود پیغامبران علامت ۲۰

۱- متن: به صوابی      ۲- متن: ماد گاو

مملکت طالوت آن باشد کان تابوت فاز شما فاز رساند . این آن است که خدای گفت : فَنَحْمِلُهُ الْمَلِكَةَ . چو بدیدند مر تابوت را ، مقرر آمدند مر پادشایی طالوت را . اِنْ هِيَ ذَلِكْ نُؤْتِيْكَ نَعْمَ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ . اندر فاز آوردن تابوت زی شما نشانی است مر شما را که مملکت طالوت بر شما از خدای است ، اگر شما استوار دارید .

د

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ . چون طالوت ملک لشکر بکشید آیه ۲۴۹

اندر بیابان به گرمای گرم ، هفتاد هزار مرد بودند تشنه شدند اندران بیابان . قَالَ اِنَّ اللّٰهَ مُبْتَلِيْكُمْ بِنَهَرٍ . طالوت مر ایشان را گفت : خدای آزمایش کرد خواهد همی تان که میان اردن و فلسطین است به آبی روان . فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّيْ . هر که ازان جوی آب خورد نه ازان کسهاست که یاری ده من بود به کارزار دشمن من بد دل گردد . وَ مَنْ لَّمْ يَغْلُظْ مِنْهُ فَآلِهٖ مِنِّيْ . و هر که ازو نخورد او از من باشد، ای ازان کسها بود که مرا یاری ده بود . اِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهٖ . مگر آن کسی که او يك کف از آن آب به دست فر دارد ، آن مرورا و مر ستور او را بسنده بود . چو غرغه خوانی به نصب غبن ، و چو ۱۵ غرغه خوانی به رفع غبن ، مگر آن کسی کاو به کف دست فر دارد بدان مقداری که خواهد . تشنه گشتند سخت چو آب را بدیدند . خویشن اندرو فگنندند و ازو فر داشتند [۱۰۴] و نخوردند . همه بد دل گشتند . خدای گفت عزوجل : فَشَرِبُوْا مِنْهُ اِلَّا قَلِيْلًا مِّنْهُمْ . همه بخوردند ازان آب مگر اندکی ازیشان ، و آن سیصد و سیزده تن ۲۰ بودند . فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِيْنَ آمَنُوْا بِعَهْدِ . چو از آن جوی

بگذشتند طالوت و مومنان فا او .

مقاتل گفت : همه به جملگی از جوی بگذشتند آن هنگام فی فرمانان ، گفتند : قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ . امروز ما را طاقت نیست به کارزار جالوت و لشکر او .

و کلبی گفت : مر عاصیان را طالوت فاز گردانید میبصد و ۵ سیزده تن . گفتند : امروز ما را طاقت نیست به کارزار جالوت و قوم او . قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ . گفتند : آن کسها کایشان فی گمان بودند به شمار و به روز پاداش از مومنان قوم طالوت . ثُمَّ مِنْ فِئْتِهِ قَلِيلٌ غَلِبَتْ فِئْتُهُ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ . بسا لشکر اندکی که بودند از مومنان ، غلبه کردند سر جماعتی بسیار را از ۱۰ کافران به خواست خدای عزوجل . وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ . ای ما صبر کنیم تا ظفر یابیم ، خدای عزوجل بار صابران است .

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ . و چون به کارزار جالوت و ۲۵۰ ۴۶ لشکر او برون شدند . قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا . دعا کردند و گفتند : ای بار خدای ما ، ما را شکیبایی اندر حرب به ارزانی دار . ۱۵ وَتَجَبَّتْ أَعْدَاؤُنَا . و پایهای ما را فر جایگاه [۱۰۵] کارزار نگاه دار ، تا هزیمت نشویم . وَانْصَرَفْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ . و ما را ظفرده فر گروه کافران جالوت و قوم اوی .

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ . خدای عزوجل دعایهاشان مستجاب کرد ، ۲۵۱ ۴۶ و بشکستندشان به فضل و خواست خدای . وَكَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ . و بکشت داود پیغامبر علیه السلام جالوت کافر را . وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَ

الْحِكْمَةِ . و خدای عزوجل داود را پادشایی داد از پس ازان فر همه  
بنی اسرایل . وَ عَلَّمَهُ بِمَا يَشَاءُ . و پیاموخت مرو را ازان علمی که  
خدای خواست .

مفسران گویند : آهن را نرم گردانید خدای عزوجل اندر دست  
داود پیغامبر علیه السلام تا فی آتش ازو درعها کردی مر کارزار را . ۵  
وَ لَوْ لَا دَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ . و گر فاز داشت خدای نیستی  
مر بهری را از کافران به بهری از غازیان ، چونانکه فاز داشت سر  
جالوت از مومنان به داود پیغامبر علیه السلام . لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ . ورنی  
خراب کردند کافران مزکتهای مومنان را و کنشت های جهودان و  
کلیساهای ترسا آن و صومعههای رهبانان را . وَ لَئِنْ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَيَّ  
الْعَالَمِينَ . جز که خدای عز و جل خداوند منت است و سپاس فر  
مومنان .

و بهری گفتند: فر طالوت و فر لشکر او از مومنان بدانکه ظفر  
داد مرو را فر جالوت کافر و لشکر او .

۱۵ قِيلَ لَكَ آيَاتُ اللَّهِ فَتَلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ . این آیت های قرآن است ۲۸۲  
و دلایل خدای است عزوجل ، [۱۰۶] جبریل بخواند همی فر ته به  
راستی . وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ . و ته پیغامبری امی از پیغامبران  
گذشتگان .

۲۰ قِيلَ لَكَ الرُّسُلُ فَضَلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ . آن پیغامبران که خبر ۲۸۲  
ایشان بدادیم مر ترا ، فزونی دادیم بهری را ازیشان فر بهری به مناقب  
اندر این جهان ، و به درجات اندران جهان . مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ .

- از ایشان کس بود که خدای فا او سخن گفت از پس حجاب آدم و  
 موسی علیهما السلام . وَ رَفَعَ بَعْضُهُمْ دَرَجَاتٍ . و بهری را از ایشان  
 مرتبت بلند داد . چو ابراهیم ، خلیلش گرفت ؛ و چو موسی فا او  
 مناجات کرد ؛ و چو سلیمان باد را و دیو را مسخر او کرد و زبان  
 مرغانش پیاموخت ؛ و چون محمد علیه السلام مرو را حبیب گرفت . ۵  
 وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيْنَاتِ . و بدادیم مر عیسی پسر مریم را  
 نشانیهای پیغامبری ، از مرده زنده کردن وز نابینا بینا کردن وز پس  
 پسی بردن . وَ آتَيْنَاهُ بُرُوحَ الْقُدُسِ . و قوی کردیم مر عیسی را  
 علیه السلام به جبریل پاک ، آن هنگام که خواستند جهودان که بکشند  
 مرو را تا به آسمان بردش . وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَفْتَنَّا الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۱۰  
 مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا . و اگر بخواستی خدای  
 عزوجل که يك مر دیگر را بکشتندی ، آن کسها که از پس پیغامبران  
 بماندند از پس از آنکه نشانیها آمده بود نزد ایشان [۱۰۷] نکشتندی  
 جز که به خواست خدای عزوجل که کارزار کنند تا کارزار سبب  
 اختلاف ایشان بود . فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ . از ایشان کس ۱۵  
 بود که بگروید به همه کتابها و به همه پیغامبران ، و ایشان کس بود  
 که نگروید به بهری از کتابها و به بهری از پیغامبران . وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا  
 أَفْتَنَّاكُمْ . و اگر خدای خواستی که کارزار نکنندی ، نکردندی .  
 وَلَكِنْ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ . جز که خدای عزوجل آن کند که خواهد  
 بر موافقت بندگان وز اختلاف ایشان . ۲۰

۲۴۶۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ رِزْقَنَاكُمْ . یا گرویدگان

به خدای نفقه کنید فر درویشان از آنچه روزی کردستیم‌تان از خواسته.  
 مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ. پیش از آن که بیاید روزی. لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا يَخْلَعُ.  
 کاندران روز خرید و فروخت نبود و دوستیها بریده باشد. وَلَا  
 شَفَاعَةَ. و اندران روز شفیع نباشد مر کافران را چنانکه بیاشد مر  
 مومنان را. وَ التَّكَافُرُونَ هُمُ الْغَالِبُونَ.

۵

ضحاک گوید: معنی این کافران جهودان خواسته‌است، ای آن  
 کسها که نوسپاس شدند مر نعمتهای خدای را عزوجل، و منکر شدند  
 مر نبوت پیغامبر را علیه‌السلام؛ ایشانند فیدادگران فر تنهای خویش.  
 پس خود را بستود خدای عزوجل به صفات بزرگ، پس گفت:

۱۰. اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ. خدای آن خداست که جز او خدای دیگر

آیه ۲۵۵

نیست مر بندگان را که حاجت بدو فردارند، یا امید به رحمت او  
 دارند. الْخَيُّ الْيَوْمُ. زنده است که مرگ فرو کار نکند، که  
 ملکش را زوال آیدی؛ و نگاه دارندهی مملکت خویش است  
 فی‌باری کس.

و بهری گفتند: دایم است به روزی دادن بندگان و پاداش دادن  
 ایشان [۱۰۸]... آجال ایشان. لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ. [نه غنودنی]  
 مرو را و نه خواب.

۱۵

زجاج گفت رحمه‌الله: ای غافل نباشد از نگه داشت مملکت  
 خویش چنانکه غافل شوند مملکت داران. لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا  
 فِي الْأَرْضِ. مرو راست همه آفریدگان کاندرا آسمانها و زمیهااند.  
 مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ. کیست آن کس که ازو

۲۰



شفاعت خواست تواند مر کسی را اندران جهان از فریشتگان یا از پیغامبران ، مگر آن کسی که دستوری بود مر او را از خدای به شفاعت خواستن .

- این جواب گفتار کافران است ، کایشان گفتند: ما بتان را از بهر آن پرستیم تا ما را شفاعت خواهند از خدای عزوجل ، تا ما را ۵ بیمارزد. *يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ* . مقاتل گفت: بداند خدای همه چیزی را که پیش از آفرینش فریشتگان بود ، و هر چه آفرید خواهد از پس آفرینش ایشان . *وَلَا يَحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ* . و ندانند فریشتگان چیزی از علم خدای و نه از غیب او مگر آن مقداری که بخواهد که بدانند . *وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ* . ۱۰
- و ابن عباس گفت : علم خدای بزرگتر از هفت آسمان و هفت زمین است . و *ضحاك* و مقاتل گفتند : کرسی است خدای را عزوجل فرود عرش ، بزرگتر از هفت آسمان و هفت زمین است . هر پایه ای ازو به درازی هفت آسمان است و هفت زمی است ، و هفت آسمان و هفت زمی اندر زیر کرسی به خردی چنان است چو حلقه ای ۱۵ اندر بیابانی . *وَلَا يُوَدُّهُ حِفْظُهُمَا* . و گران ناید فر خدای عزوجل نگه داشت آسمانها و زمیها ، و نه نگه داشت کرسی او عرش . [۱۰۹] *وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ* . فرتری و بزرگتری و بسیاری پادشایی و قادری و توانایی مر خدای راست عزوجل .
- ۲۰ *لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ* . جبر نکند مریکی را از جهودان و ترسا آن

و مغان فر مسلمانی اسپس ازان که مسلمان شد عرب . قَدْ تَقَبَّلْنَا  
الرُّشْدَ مِنَ الْغَىِّ . و به هم پیدا آمد صواب از خطا ، او حق از باطل ،  
او توحید از کفر . فَمَنْ يَتَّقِ بِالْطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ . او هر که او  
فرمان دیو نکند و به یگانگی خدای بگردد . فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ  
الْوُثْقَى .

۵

مجاهد و ضحاک گفتند : عروۃ وثقی گنار لا اله الا الله است .  
و انس گفت : عروۃ وثقی قرآن است . ای چنگ اندر گوشه‌ی  
استوارتر زده باشد آن بنده . لَا انْقِصَامَ لَهَا . مران گوشه را بریدن  
نباشد تا آن کس به بهشت نرسد . وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ . و خدای  
شنواست مر توحید موحدان را و کفر کافران را ، و داناست به  
ثواب موحدان و به عقوبت کافران .

۱۰

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ . این  
آیت به شأن مومنان اهل توریت آمدست . گفت : خدای عز و جل  
حافظ و ناصر مومنان است ، برون آورد مر ایشان را از تاریکیهای  
کافری و جهودی به نور مسلمانی . وَالَّذِينَ كَفَرُوا . و آن کسهایی  
که جهود گشتند و نعت پیغامبر را منکر شدند . أُولَئِكَ هُمُ الظَّاغُوتُ .  
فرینان ایشان دیوانند . يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ . مر  
ایشان را همی فریبند و فاز آموزند [۱۱۰] ...<sup>۱</sup>

rev 41

۱- از متن ظاهراً بك دو برگ افتاده است:

اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون... (۲۵۸) الم نر الى الذي حاج  
ابراهيم في ربه ان اتبه الله الملك الا قال ابراهيم ربي الذي يحيى ويميت قال-

... قَالَ نَمُوتُ . گفت: یا عزیز، چندورنگ بود اندرین مکان.  
 جواب کرد عزیر . قَالَ نَمُوتُ يَوْمًا . گفت: درنگ کردم، خفته  
 بودم يك روز . پس به آفتاب نگریست، هنوز فرو نشده بود، به  
 شك شد گفت: أَوْ بَعْضُ يَوْمٍ . یا بهری از روز . ندا آمد مرو را  
 قَالَ بَلْ نَمُوتُ مِائَةَ عَامٍ . بلکه مرده بودی صد سال فرین مکان .  
 فَأَنْظِرْ إِلَي طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّه . بنگر یا عزیز اندرین انجیر  
 تو و میوه‌ی تو و شراب تو مزه نگردانیدست از پس صد سال .  
 وَأَنْظِرْ إِلَي جَمَارِكَ . و بنگر اندرین استخوانهای خرت . همی تابد .  
 وَ لَنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ . زنده کردیم مر ترا تا نشانی نماییم مر بنی  
 اسرایل را اندر ته . و آن آن بود که چو زنده شد عزیر ، سرو  
 ریشش سبه بود ، و ریش فرزندان فرزندان او سپید بود . وَأَنْظِرْ إِلَي  
 الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا . و بنگر به استخوانهای خر تو که چگونه شان  
 به يك جای فراز آریم و زنده کنیم . ثُمَّ نَتَكُونُهَا لَحْمًا . پس به  
 گوشت مران استخوانها را بپوشیم .

مقاتل گوید: خدای عزوجل بادی بفرستاد تا آن استخوانها را  
 گرد کرد و به يك جای فراز آورد تا خری گشت از استخوان ، فرو  
 گوشت نی . پس خدای عزوجل گوشت فرو بیا فرید . پس خدای عزوجل  
 فرشته‌ای را بفرستاد تا بدمید اندر بینی چپ خر عزیر . و عزیر همی

— انا احیی وامیت قال ابرهیم فان الله بانى بالشمس من المشرق فأت بهامن المغرب  
 فبهت الذى كفروا الله لا يهدى القوم الظالمين.... (۲۵۹) او كالذى مرعلى قرية  
 و هى خاوية على عروشها قال انى يحيى هذه الله بعد موتها فاماته الله مائة عام ثم  
 بعثه [۱۱۱]

نگریست چو به بانگ افتاد . فَلَمَّا قَبَّيْنَهُ . چو معاینه شد مرو  
را . قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . گفت : بدان یا عزیر [۱۱۲]  
که خدای عزوجل فر همه چیزی قادرست .

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُنْزِلُ النُّجُومَ . وچو ابراهیم  
گفت علیه السلام : ای بار خدای من ، بنمای مرا که مردگان را  
چگونه زنده کنی . قَالَ أُولَئِكَ قَوْمٌ

سعيد بن جبیر گفت : به یقین نیستی یا ابراهیم ، بدان که من  
مرده را زنده کنم . قَالَ بَلَىٰ وَلَئِنْ لَيُطْمَنِّنَنَّ قُلُوبِي . گفت ابراهیم :  
بلی ای بار خدای من ، من فسی گمانم بدان خر تا دلم بیارامد چو به  
چشم خویش ببینم .

۱۰ و مجاهد گفت : و قناده : تا یقین فر یقین بفزایم . ابن عباس  
گفت و سعید بن جبیر : تا دلم بیارامد که مرا خلیل خویش گرفتستی  
و دعای مرا اجابت کردی .

حسن بصری گفت : ابراهیم علیه السلام بگذشت فر کناره‌ی  
دریایی . مرداری دید فر لب دریا . چو دریا موج زد ، ماهیان  
۱۵ دریا ازو شکم پر کردند ، فاز فاز دریا شدند ؛ و چو دریا فاز  
گشتی ، مرغان بیابان و سباع بیابان پیامدندی و شکم پر کردند و  
فاز بیابان شدند ؛ و مرغان هوا فرود آمدندی و زاغرها ازوی پر  
کردندی و به هوا باز شدند . عجب آمد ابراهیم را از آن حال . آن  
هنگام سؤال کرد از خدای عزوجل . خدای بدو وحی کرد . قَالَ فَتَخَذَ  
۲۰ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصَرَّهُنَّ إِلَيْكَ . گفت : چهار مرغ را بگیر یا ابراهیم .

- مجاهد گفت: خروسی و بطی و طاووسی و زاغی. و حسن  
 بصری گفت: ابراهیم مرغایی بگرفت سبز و زاغی سیاه و کبوتری  
 سپید و مرغی سرخ. فَصَرُّهُنَّ إِلَيْكَ. فراز خویش آر مرغان را. او  
 بوبکر هدلی گفت: سرهاشان را ببرید و خونهاشان به يك جای  
 بیامیخت و گوشتهاشان و پرهاشان؛ پس چهار بهر کردشان. [۱۱۳] ۵  
 و فرسر چهار کوه بنهادشان. و ابراهیم میان کوهها بیستاد. پس  
 وحی کرد خدای بدیشان: ای استخوانهای شکسته و گوشتهای پاره  
 شده و رگهای بریده، فاز گردید بدانکه خدای جانهاشان فاز  
 کالبدهاشان فاز فرستد. استخوان فاز استخوان همی آمد، او گوشت  
 فاز گوشت، او خون فاز خون، و پر فاز پر، تا خدای عز و جل ۱۰  
 کالبدها بیافرید، و سرهاشان به دست ابراهیم بود علیه السلام. مرغان  
 فی سر همی آمدند و سرهاشان به کالبدهاشان همی پیوست. خدای  
 وحی کرد به ابراهیم: من این زمی را بیافریدم، و خانه‌ی کعبه را  
 اندر میان زمین بنهادم، و مر زمین را چهار بیغوله بیافریدم هر رگی  
 از وی سوی بیغوله‌ای از بیغوله‌های زمین. و چهار باد بفرستادم از ۱۵  
 آسمان: باد شمال و جنوب، او دبور او صبا. چو روز راستخیز  
 بیاشد، کالبدهای کشتگان و مردگان از چهار کناره‌ی جهان گرد  
 آیند به چهار کناره‌ی خانه، چنانکه گرد آمدند این چهار مرغ پراکنده  
 از چهار کناره‌ی کوه. این آن است که خدای گفت عز و جل.  
 ۲۰ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْأً. پس بنه فر هر کوهی ازین چهار  
 کوه ازین چهار مرغ بهری. ثُمَّ ادْعُهُنَّ بِاتِّبَانِكَ سَعْبًا. پس

بخوانشان تا بیابند زی ته پویان . وَ اعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ . و بدان  
یا ابراهیم که خدای عز و جل قوی است اندر پادشایی خویش ،  
و تواناست فر هر چه خواهد از حکم خویش . و عقوبت کننده است  
مران کسها را که مرو را استوار ندارند به یگانگی او ، و حکیم  
است ، حکم کرد زنده کردن خلق سپس مرگی و الله اعلم . [۱۱۴] ۵  
مَثَلُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ آمَالَهُمُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ  
۳۶۱ ۴۲ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ .

ابن عباس [گفت] : این آیت به شأن عثمان آمد و عبدالرحمن بن  
عوف . عثمان گفت : به غزو تبوک هر که را ساز و نفقه‌ی جهاد نیست  
آن همه فر من . و عبدالرحمن بن عوف چهار هزار درم بیاورد سوی  
۱۰ پیغامبر علیه السلام و گفت : یا رسول الله ، مرا هشت هزار درم بود .  
چهار از وی فاز داشتم مر خویشان را و عیالان را ، و چهار هزار  
خدای را قام دادم . پیغامبر گفت مرو را : خدای عزوجل برکت کناد  
فر آنچه بدادی و فر آنچه بماند . این آیت بیامد ، گفت : صفت آن  
کسهایی کایشان خواسته ی خویش را به کار بردند فر درویشان از  
۱۵ بهر جستار خشنودی خدای را عزوجل و جستن ثواب او را ، چو  
صفت دانه‌ها که بکاشته باشند اندر زمین ، برو پاند از خویشان هفت  
خوشه ، اندر هر خوشه‌ای از آن هفت خوشه صد دانه . همچنین خدای  
عزوجل بفرزاید ثواب آن کسی که او نفقه بهروی او کند ، مر هریکی  
۲۰ را هفتصد مکافات دهد . وَ اللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ . و خدای بفرزاید نفقه  
آن را کاو خواهد تا به دو هزار هزار و افزونی مران کسی را که

صدقه‌ی او بپذیرد . وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ . و خدای عزوجل تواناست به افزودن آن او داناست به نفقات بندگان او به نیت‌هایشان ، پس به شأن ایشان بیامد نیز .

- ۴۷ ۲۶۲ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ . آن کسها که هزینه کنند خواسته هایشان به طاعت خدای عزوجل . ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا [۱۱۵] وَ لَا أَذًى . پس بدان نفقات که بکرده باشند فر درویشان سپاس نهند و سخره شان نگیرند . لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ . مر ایشان را [است] ثواب نفقات شان اندر بهشت نزد خدای شان . وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ . و بیم نی فر ایشان از عذاب آن جهان ، و نه اندوه خورند ایشان از مرگ .

- ۴۸ ۲۶۳ قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى . مقاتل گفت : دعای آن توانگر مر درویش را چو ازو سؤال کند ، بگوید خدایت بدهاد و خدایت بیامرزاد . و اگر آذایی نماید مرو را ، سایل عفو کند فاضل‌تر نزد خدای عزوجل از صدقه‌ای که بدهد درویش را ، پس مرو را برنجاند بدان که فرو سپاس [نهد] و یا سرزنش کند ۱۵ یا سخره گیردش . وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ . و خدای فی نیازست از صدقه‌ی سپاس نهنده فر درویش ، و حلیم است ، شتاب نکند به عقوبت او .

- ۴۹ ۲۶۴ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى . گفت : یا آن کسهایی که بگرویدید به یگانگی من خدای ، ثواب آن نفقاتی که بکرده باشید فر درویشان ، مران را باطل مکنید به سپاس نهادن ۲۰

- فر ایشان و سخره گرفتن مر ایشان را . كَالَّذِي يَنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ .  
 چو باطلی صدقه‌ی آن کسی کاو به روی مردمان داده باشند . وَلَا يُؤْمِنُ  
 بِاللَّهِ . و به خدای نگرویده باشد . وَالْيَوْمِ الْآخِرِ . و به روز فازپسین .  
 پس مثلی بزد سران را و گفت : فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ [۱۱۶] صَفْوَانٍ  
 عَلَيْهِ قُرَابٌ . مثل نفقه‌ی منافق و مرایی چو مثل سنگی فرو خاک و ۵  
 گرد بود . فَاصَابَهَا وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا . بارانی به نیرو بیابد سران  
 سنگ را و خاک از وی ببرد . لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَتَبُوا . که  
 کسی فر سنگ خاره کشت کرده باشد ، ازو چیزی ندرود ، و  
 باران به نیرو مرو را اندر جهان ببرد ، همچنین آن کسی کاو نفقه  
 به‌ریا کند و فر درویشان سپاس نهد و اذا نماید مرو را اندران جهان فر ۱۰  
 ثواب آن قادری نباشد . وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ . و خدای  
 ره نماید مر منافقان را و مر ائیان<sup>۱</sup> را به اندر یافتن مثل قرآن .

۹۲۵۴۱

- وَمَثَلُ الْفَاحِشِ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ . پس مثل  
 نفقه‌ی مومن مخلص را باد کرد و گفت : مانند نفقه‌ی آن کسهایی که  
 نفقه کنند مر جستار خشنودی خدای را . وَتَقْبَلُهَا مِنْ أَفْئِدِهِمْ . ۱۵  
 به اخلاص از یقین دل . كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ . چون مانده‌ی بوستانی  
 که بود فر مکانی بلند . أَصَابَهَا وَابِلٌ . بیابد مرو را باران سخت .  
 فَانْتَأَتْ أَكْثُهَا ضَعْفَيْنِ . بردوچندان دهد که زمینی دهد کاندرا پستی بود .  
 فَإِنْ لَمْ يَصِبْهَا وَابِلٌ فَتَقَلُّ . پس اگر مرین بوستان را باران سخت  
 نیابد ، باران خردش بیابد ، وز بر هیچ کم نکند به باران خرد ۲۰



چنانکه به باران بزرگ.

این مثل است. همچنین نفقه‌ی آن کسی کاو نه به ریا کند و نه به سپاس کند، [۱۱۷] و ر چند اندکی باشد، خدای مران را بیفزاید، چنانکه نفقه‌ی بسیار را افزاید. وَ اللَّهُ بِمَا قَعَمَلُونَ بَصِيرٌ. و خدای بدان نفقات شما که به اخلاص باشد یا به ریا پاداشن تان بدهد. ۵ پس مثل زد دیگر مران کسی را که سست کاری کرده باشد اندر کار آن جهان، گفت:

آيُودُ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّجِيلٍ وَأَعْنَابٍ. ار خواهد یکی از شما که مرو را باشدی بوستانی از خرماستان و رزان. قَجْرِي مِّنْ قَحْتَبِهَا الْأَذْهَارُ. به زیر درختان او آبهای روان. لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ. مرو را اندران بوستان از همه میوه‌های زمستانی و تابستانی. وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ. و پیر گردد و خرف شود، و مرو را فرزندان خرد باشند. فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ. بیابد مران بوستان او را اندر حال پیری و خردی فرزندان بادی سوزان، و بسوزاند مران بوستان را و خشک گرداند مران درختان او را، ۱۵ و فرو شود آب او به زمین و فی چاره بماند، مرو را قوت جوانی نباشد که نهال دیگر نشاند. و فرزندان قوی نباشند که مرو را یاری دهند. این چنین حال دوست ندارد. همچنین کافر و منافق و مرایی پیش خدای شوند. سر ایشان را منفعت نکند نیکی‌هاشان، چنانکه منفعت نکند مر خداوند بوستان را فرزندان خرد. و همچنان [۱۱۸] ۲۰ که مر خداوند این بوستان را قوت نباشد و جوانی نباشد تا بوستانی

دیگر نشاند ، همچنین دستوری نباشد مر کافر را به فاز آمدن فاز این جهان، تا توبه کند و طاعت کند و عذر خواهد. كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ الْآيَاتِ . چنین پیدا کند خدای مر شما را نشانیها و عبرتها . لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ . تا شما بیندیشید اندر مثلهای قرآن ، و عبرت گیرید به گفتار خدای عز و جل.

۵

ابن عباس گفت : عمر پرسید مر مرا از تفسیر این آیت :

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ . یا آن ۲۶۷ ب۲

کسهایی که بگرویدید به یگانگی خدای ، نفقه کنید فر درویشان از حلالهایی که الفغده باشید .

۱۰ ابن عباس گفت : یعنی زکات خواسته به درویشان دهید .

وضحاك گفت : صدقه دهید مر درویشان را از حلالهایی که گرد

آورده باشید .

وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ . و ده یک آنچه برون آورده

باشیم از زمی ، از گندم وز جو وز گاورس و جز از او ، و چو عدد

۱۵ او به پنج و سق برسد ، و هر وسقی ازو شست صاع بود ، به درویشان

دهید . وَلَا تَقْبَلُوا الْخَبِيثَاتِ مِنْهُ تَنْفِقُونَ . و قصد مکنید به درم بتر و

به طعام نفایه تر کازو نفقه کنید فر درویشان . وَ لَسْتُمْ بِأَخِلَّيِّهِ إِلَّا أَنْ

تَقْمِضُوا فِيهِ .

ضحاك گفت : و اگر آن شما را فایدی شدن از مخلوقی همه

۲۰ چو شما آن حق نستاندی مگر به شرم . و مقاتل گفت : [۱۱۹]

وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ غَنِیٌّ حَمِيدٌ ...

- ۲۶۸ ۴۱ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً  
مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ...
- ۲۶۹ ۴۱ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا  
كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ...
- ۲۷۰ ۴۱ وَمَا أَفْقَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ أَوْ فَتَّرْتُمْ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا  
يُلْغِي لِبَيْنٍ مِنْ أَفْصَارٍ ...
- ۲۷۱ ۴۱ إِنْ كُنْتُمْ تَحِبُّونَ الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْوِيهَا الْفُقَرَاءَ  
فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيَغْفِرْ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ...<sup>۱</sup>  
[۱۲۱] و خدای عز و جل بدان نفقه ای که شما کنید به پنهان و  
آشکاره ، و نینهای شما داناست .
- ۲۷۲ ۴۱ لَيْسَ عَلَيْكَ هُدْيُهُمْ . ای ته که محمدی ره نمود نتوانی به حق  
سر کافران را . وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُخْفُوا مِنْ خَيْرٍ  
فَلْيَأْفِكُمْ . جز که خدای ره نماید و توفیق دهد به مسلمانی مران را  
که سزاوار تر مسلمانی بود .
- ۱۵ ضحاک گفت: پیش پیغامبر علیه السلام صدقه بود آن درویشان .  
جهودی بیامد و گفت : یا با القسم ، مرا از این صدقه بده . پیغامبر  
گفت : یا جهود ، سرا از صدقه ی مسلمانان چیزی نیست تا اندر دین  
مسلمانی نابی ، غایب شو . جهود روی بگردانید . این آیت بیامد فر  
پیغامبر علیه السلام . پیغامبر گفتا جهود را بیارید . از ان صدقه اش  
بسداد ، تا این آیت فاز بیامد : إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ<sup>۲</sup> . این آیت
- ۲۰ ۱- ظاهراً بین برگهای ۱۱۹ و ۱۲۱ يك دو برگ افتاده است .  
۲- سورة توبه ، آیه ۶۰

بدان منسوخ شد : وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلْيَأْتِفِكُمْ . و هر صدقه‌ای که بدهید سر درویشان را ، ثواب آن مر شما راست . وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ . و شما که باران پیغامبرید صدقه بدهید مر درویشان را ، مگر از بهر روی خدای را و جستار خشنودی او را . وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ . و هر نفقه‌ای که بکنید از ۵ خواسته ، ثواب آن بدهد مر شما را تمام . و فر شما فیداد نکنید .

۴۱ ۲۷۳ لِّلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْبَبُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ . پس پیدا کرد که اهل صدقه [۱۲۲] که اند . گفت : صدقات مر ان درویشان دهید کاندر طاعت خدای فاز داشته‌اند از اهل صغه از مهاجریان .

۱۰ و ضحاک گفت : آن کسهایی کایشان فاز مانده‌اند اندر مزکت مدینه از کار زار کافران . نزد پیغامبر مال نبود که مر ایشان را دادی ، تا فا او غزو کردند ؛ و ایشان به مقدار چهار صد تن بودند . لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ . مایه ندارند که بازرگانی کنند و برونندی اندر زمین . يَحْتَبِهِمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ . آن که شناسد مر ایشان را توانگر پنداردشان از نهفتگی شان . ۱۵ قَعْرِفَهُمْ بِجِيمِهِمْ . ته که محمد [ی] بشناسی شان به خشوع . لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا . از مردمان صدقه نخواهند به الحاح . وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ . و هر چه نفقه کنید از خواسته فر اهل صغه . فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ . خدای عزوجل بدو دانا است .

۲۰ ۲۷۴ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً . آن کسها کایشان هزینه کنند فر درویشان خواسته هاشان به شب و به روز

و نهان و آشکاره. فَلَنَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ. مر ایشان را [است] ثواب  
ایشان نزد خدای شان. وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. و نه بیم  
فرایشان و نه انده خورند ایشان.

ابن عباس و ضحاک و مقاتل گفتند: این آیت به شان  
امیرالمؤمنین علی آمدست. چهار درم داشت، درمی نفقه کرد به  
روز. و درمی به شب، و درمی به نهان، و درمی به آشکاره. [۱۲۳]



-۲-

بخشی از ترجمه‌ای کهن

از

آیه‌های قرآنی





۷۸- و از ایشان نا نویسندگانند ندانند کتاب مگر سوگندها و باطلها ، و نیستند ایشان مگر به گمانان .

۷۹- وای باد آن کسانی را که همی نویسند کتاب را به دستهایشان ، پس گویند این از نزدیک خدای است تا بخرند بدان بهای اندك . وبل باد ایشان را از آنچه بنوشت دستهای ایشان ، و وبل باد ایشان را از آنچه سازند کسب .

۸۰- و گفتند که هر گز [نرسد] ما را آتش مگر روزهای

شمرده ...

۱۰ . . . . . ۱۰

۸۳- و چون بگرفتیم عهد فرزندان یعقوب که نپرسید مگر خدای را ، و به مادر و پدر نیکویی کردن و با خداوند خویشی و با یتیمان و با درویشان ، و گوید با مردمان نیکو ، و بیای دارید نماز را و بدهید زکوة را ؛ پس برگشتید مگر اندکی از شما ، و شما بید ۱ - برگی افتاده است و ترجمه قسمتی از آیه ۸۰ و آیه های ۸۱ و ۸۲ نیامده است .

روی گردانندگان .

۸۴- و چون بگرفتیم پیمان شما که نه ریزید خون یکدیگر ،  
ونه بیرون کنید یکدیگر را از سراهای شما ، پس مقرر شدید . و شما  
بودید حاضران .

۵ ۸۵- پس شما بودید ایشان همی کشته اید یکدیگر را ، و  
بیرون همی کردید گروهی را از شما از سراهاشان . غلبه همی کردید  
بر ایشان به بزه و از حد در گذشتن ؛ و اگر بیامدندی شما اسیران ،  
فدا خواستی ایشان ، و آن حرام است بر شما بیرون کردن ایشان .  
ای می بگروید به برخی از کتاب و کافر شوید به برخی . چه باشد  
۱۰ پاداش آن کس که کند آن چنان از شما مگر خواری اندر زندگانی  
این جهان ؛ و روز رستخیز باز برنندشان سوی سختترین عذاب . و  
نیست خدای بی آگاهی از آنچه شما همی کنید .

۸۶- ایشانند آن کسانی که بخریدند زندگانی این جهان  
بدان جهان ، نشود سبک از ایشان عذاب و نه ایشان را یاری دهند .

۱۵ ۸۷- و به درستی که بدادیم موسی را کتاب و بیاوردیم از پس  
او پیغامبران، و بدادیم عیسی پسر مریم [را] حجتها ، و نیرومند کردیم  
او را به جبر ایل پاك . ای هران وقت که بیاید به شما پیغامبری بدانچه  
ندارد دوست تنهای شما ، بزرگی جستید شما . گروهی را به دروغ  
گرفتید و گروهی را بکشتید .

۲۰ ۸۸- و گفتند دلهای ما به غلاف اندرست نه که<sup>۱</sup> نفرین

۱- ترجمه تفسیر طبری : بل که

کردشان خدای به کفر ایشان ، و اندکی اند آنچه می‌گروند .

۸۹- و چون پیامد به ایشان کتاب از نزد خدای ، راست دازنده

آنچه به ایشان است ؛ و بودند از پیش همی عرضه کردند بر آن کسانی که کافر شدند . چون پیامد بدیشان آنچه بشناختند ، کافر

شدند بدان . پس نفرین خدای بر کافران . ۵

۹۰- بد است آنچه خریدند بدو تنهای خود را که کافر شوند

بدانچه فرو فرستاد خدای افزون جستن که فرو فرستاد خدای از فضل او بر آنکه خواهد از بندگان خود . سزاوار آمد خشمی را بر خشمی . و مر کافران راست<sup>۱</sup> عذابی خوار کننده<sup>۲</sup> .

۹۱- و چون گویند ایشانرا بگروید بدانچه فرو فرستاد خدای ، ۱۰

گویند : بگرویم بدانچه فرو فرستادید بر ما ؛ و کافر می شوند بدانچه از پس آن است . و آن محمد و کتاب حق است و راست دارنده است آنچه به ایشان است . بگو : پس چرا همی کشدید پیغامبران خدای را از پیش ، اگر هستید گرویدگان ؟

۹۲- و به درستی که آورد به شما موسی به حجتها ؛ پس ۱۵

بگرفتید گوساله را از پس او . و شما بودید ستمگاران .

۹۳- و چون بگرفتیم پیمان شما ، و برداشتیم از زیر شما<sup>۳</sup> کوه

را ، بگیریید آنچه بدادیم شما را به نیرو و بشنوید . گفتند : شنیدیم و فرمان نبردیم . و اندر کردند اندر دلهایشان گوساله به کافری شان .

۲۰ بگو : بد [است] آنکه می فرماید شما را بدان گرویدن ، اگر هستید

۱- متن : کافرانست ۲- متن : خورکننده ۳- متن : + از بر شما

## گرویدگان .

- ۹۴- بگوی: اگر هست شما را سرای باز پسین نزدخدای یکتا کرده از بیرون مردمان، آرزو کنید مرگ را اگر هستید راست گویان.
- ۹۵- و هرگز آرزو نکنند آن را هرگز بدانچه پیش فرستاد دستهایشان ؛ و خدای داننده است به ستمگاران . ۵
- ۹۶- و بیابی ایشان را حریصی تر مردمان بر زندگانی؛ و از آن کسانی [که] انباز گرفتند دوست دارد یکی از ایشان اگر بزید هزار سال ، و نباشد او رسته شده از عذاب که بسیار زید. و خدای بیناست بدانچه همی کنند .
- ۹۷- بگوی هر که باشد دشمنی جبرایل را که او فرود آرد او را بر دل تو به فرمان خدای راست دارنده بدانچه پیش ازان بود و راه نمای و مژده ده مومنان را . ۱۰
- ۹۸- هر که باشد دشمن خدای را و فرشتگان او و پیغامبران او را و جبرایل را و میکایل را ، به درستی [که] خدای دشمن است کافران را . ۱۵
- ۹۹- و به درستی که فرو فرستادیم سوی تو حجت‌های پیدا ، و نشود کافر بدان مگر فاسقان .
- ۱۰۰- هران وقت که عهد کردند پیمانی ، بینداخت آن را گروهی از ایشان ، بلکه بیشترشان نگریدند .
- ۱۰۱- و چون پیامدشان پیغامبر از نزد خدای راست دارنده بدانچه به ایشان است ، بینداخت گروهی ازان کسانی [که] بدادندشان ۲۰

نامه ، نامهٔ خدای را از پس پشتشان ؛ چنانکه ایشان ندانند .

- ۱۰۲ - و متابعت کردند آنچه برخوانند دیوان بر پادشاهی  
 سلیمان ، و نه بود که کافر شد سلیمان ولیکن دیوان کافر شدند .  
 می‌آموزانند مردمان را جادوی و آنچه فرو فرستادند بر دو فرشته به بابل ،  
 هاروت و ماروت . و نیاموزند آن دو از هیچ کس تا گویند آن دو ۵  
 فرشته به درستی که ما آزموده‌ایم ، نه کافر شو . و همی آموزند از آن دو  
 آنچه جدا کنند بدان میان مرد و زن او ، و نیستند ایشان گزند کنندگان  
 بدان کس را مگر به فرمان خدای ؛ و همی آموزند آنچه زیان است  
 ایشان را و نه سود کند ایشان را . و به درستی دانستند که آن کس بخرند  
 آن را ، نباشد او را اندران جهان از نصیب ، و چون بد است آنچه ۱۰  
 بخریدند بدان تنهای شان ؛ اگر ایشان دانند .

۱۰۳ - و اگر ایشان بگرویدند [ی] و بپرهیزندی ، پاداش باشد  
 از نزد خدای ، بهتر بود اگر باشند بدانند .

- ۱۰۴ - ای شما که بگرویدید ، مگویید لفظ را عنا ، و بگویید  
 بنگر به ما ، و بشنوید مرنا گرویدگان را [است] عذاب سخت دردناک . ۱۵  
 ۱۰۵ - نه دوست دارید و نه خواهید آن کسانی که نگرویدند  
 از اهل کتاب ، و نه کافران مکه ، که فرود آید بر شما از نیکی از  
 خداوند شما ، و خدای خاصه کند به رحمت او آن را که خواهد . و  
 خدای خداوند فضل بزرگ است .

- ۱۰۶ - ما منسوخ نکنیم از آبتی یا فراموش دهیم کردن آن را ۲۰  
 بیاریم بهتر از آن یا مانند آن . همی ندانی تو که خدای بر هر چیزی

تواناست .

۱۰۷ - همی ندانی تو که خدای او راست پادشاهی آسمانها و

زمین، و نیست شمارا از بیرون خدای هیچ دوستی و نه یاری کننده [ای].

۱۰۸ - یا همی خواهید که بخواهید از پیغامبر شما چنانکه

۵ خواسته شد موسی از پیش . و هر که بدل کند کفر را به ایمان ،

به درستی که گم شد از راه راست .

۱۰۹ - دوست داشت و آرزو کرد بسیاری از اهل کتاب و نامه

که باز گردانید شما را از پس ایمان شما کافران. حسدی است از نزد

تنهای ایشان از پس آنکه پدیدشان شد راستی. اندر گذرید و عفو کنید

۱۰ تا بیارد خدای به فرمان خود ، که خدای بر هر چیزی تواناست .

۱۱۰ - و به پای دارید نماز را و بد [هید] زکوة را ، و آنچه

پیش فرستید تنهای شما را از نیکی بیابید آن را نزد خدای ، به درستی

که خدای بدانچه همی کنید بیناست .

۱۱۱ - و گفتند اندر نشود به بهشت مگر آنکه باشد جهود یا

۱۵ ترسا . این است آرزوهایشان . بگو بیارید حجت شما را ، اگر هستید

از راست گویان .

۱۱۲ - آری ، هر که سپارد رویش را خدای را . و او

نیکو کارست، او را بود مزد او نزد خدای او، و نیست ترس برایشان و

نباشند <sup>۱</sup> [تیمار دار] .

۱۱۳ - و گفتند جهودان : نیستند ترسایان بر چیزی . و گفتند ۲۰

ترسایان : نیستند جهودان بر چیزی . و ایشان همی خوانند کتاب .  
همچنین گفتند کسانی که ندانند مانند قولشان . و خدای داوری کند  
میان‌شان روز رسنخیز اندر آنچه بودند اندر او خلاف می کردند .

۱۱۴ - و هر که ستمگارتر از آنچه بازداشت مزکتهای خدای

که یاد کردند اندران نام او ، و بشتافت اندر خراب کردن آن .  
ایشانند که نباشد ایشان را که اندر شوند [بدان] مگر ترسکاران .  
ایشان را [است] اندر جهان خواری ، و ایشان راست در آخرت  
عذابی بزرگ .

۱۱۵ - و خدای راست مشرق و مغرب ، هر کجا روی گیرند ،

آنجاست خشنود خدای . به درستی که خدای فراخ عطا و داناست .

۱۱۶ - و گفتند : بگرفت خدای فرزندی . پاکا خدا یا ابل که

او راست آنچه در آسمانهاست و زمین همه او را فرمان برداران .

۱۱۷ - فریدگار آسمانها و زمین ، و چون باز آرد فرمان ،

آن بود که گوید او را : بپاش ، بپاشد .

۱۱۸ - و گفت آن کسانی که ندانند اگر نه سخون نگوید ما

را خدای ، یا بیاری تو به ما حجتی . همچنین گفت آن کسانی که پیش

از ایشان بودند مانند قول ایشان مانده شد دلهای ایشان ، به درستی

پدید کردیم حجتها گروهی را که یقین دارند .

۱۱۹ - ما فرستادیم ترا به راستی بشارت دهنده و بیم کننده ، و

نه پرسند ترا از باران دوزخ .

۱۲۰ - و نه خشنود باشند از تو جهودان و نه ترسایان ، تا

متابعت نکنی ملت ایشان . بگویی به درستی راه خدای ، آن است راه راست . و اگر پیروی کنی آرزوهایشان ، پس آنکه آمد به تو از دانش ، نباشد ترا از خدای از دوستی و نه باری کننده [ای] .

۱۲۱ - آن کسانی که فرستادیم ایشان را نامه همی خوانند او را سزای خواندن آن ، ایشانند که می گروند بدان ؛ و هر که نگرود بدان ، ایشان باشند که ایشان از زیان کارانند .

۱۲۲ - ای فرزندان یعقوب ، یاد کنید نعمت من آنکه منت نهادم بر شما و من فضل دادم شما را بر جهانیان .

۱۲۳ - و بترسید از روزی که نه جزا دهند تنی را از تنی چیزی ، و نه پذیرند از آن داوری ، و نه سود کند آن را شفاعتی ، و نه ایشان را باری دهند .

۱۲۴ - و چون آزمون کرد ابراهیم را خدای او به سخنانی ، تمام کرد آن را . گفت که : من کردم ترا مردمان را پیش رو . گفت : و از فرزندان من . گفت : نه رسید امامی دادن ستمگاران را .

۱۲۵ - و چون بکردیم خانه کعبه را ثواب گاهی مردمان را و ایمنگاهی ؛ و بگیری از جایگاه ایستادن ابراهیم نماز گاهی ؛ و عهد گرفتیم با ابراهیم و اسماعیل [که] پاک کنید شما دو خانه من طواف کنندگان را و پرستندگان را و رکوع و سجود کنندگان را .

۱۲۶ - و چون گفت ابراهیم : یارب ، بکن این مکه را شهری ایمن ، و روزی ده اهل او را از میوه ها ، هر که آن را بگروید از ایشان به خدای و به روز آخرت . گفت خدای : و هر که کافر شود ،



بر خورداری دهم او را اندک . پس بیچاره کنم او را سوی عذاب آتش  
و بد جای باز شدن است .

۱۲۷ - و چون برداشت ابراهیم بنیانها از خانه ، و اسماعیل ،  
خدای ما پذیر از ما که توی تو شنوای و دانای .

۱۲۸ - خدای ما ، بکن ما را دو گرویده ترا ، و از فرزندان ما  
گروهانی گرویده ترا ، و بنمای به [ما] عبادتگاه ما ، و توبه ده  
بر ما ، که توی تو توبه دهنده بخشاینده .

۱۲۹ - خدای ما ، بفرست اندر ایشان پیغامبری از ایشان .  
برخواند برایشان حجت‌های تو ، و اندر آموزد ایشان را کتاب و  
حکمت ، و پاکیزه کند ایشان را . به درستی که تو ، توی بی همتا  
و دانا .

۱۳۰ - و که باشد که برگردد از دین ابراهیم ، مگر آنکه نادان  
شود تن او . و به درستی که بگزیدیم او را اندرین جهان ، و به  
درستی که او [است] اندر آخرت از نیکان .

۱۳۱ - چون گفت او را خدای او که : گردن نه . گفت : گردن  
نهادم به خدای جهانیان .

۱۳۲ - اندرز کرد بدان ابراهیم فرزندان خود را و یعقوب :  
ای فرزندان من که خدای بگزید شما را مسلمانی ، مه میرید مگر که  
باشید شما را گرویدگان .

۱۳۳ - یا بودید شما حاضران ، چون حاضر شد یعقوب را  
مرگ ، چون گفت فرزندان را : چه پرستید از پس من ؟ گفتند :

می پرستیم خدای ترا و خدای پدران ترا ، ابراهیم و اسماعیل [و اسحق] ، خدای یکتا ، و ما او را گردن نهادیم .

۱۳۴ - این است گروهی که بگنشت او را آنچه [کسب] کرد ، و شمارا آنچه کسب کردید . و نه پرسند شما را از آنچه بودند می کردند . ۵

۱۳۵ - و گفتند بیاشید جهودان با ترسایان ، راه یابید . بگوی دین ابراهیم پاکیزه تر و نه بود ابراهیم از مشرکان .

۱۳۶ - بگویید بگرویدیم به خدای و آنچه فرو فرستاده شد سوی ما و آنچه فرو فرستاده شد سوی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان او ، و آنچه داده شد موسی را و عیسی ، و آنچه داده شد پیغامبران را از خدای ایشان . نکنیم جدا میان یکی از ایشان ، و ما او را گردن نهادند گانیم . ۱۰

۱۳۷ - اگر بگروند چنانکه بگرویدید شما بدان ، به درستی راه یافتند ؛ و اگر برگردند ، ایشانند اندر بد بختی . بسنده است به جزایشان خدای ، و اوست شنوا و دانا . ۱۵

۱۳۸ - دین خدای ، و کی نبکوتر از خدای به دین ؟ و ما او را پرستند گانیم .

۱۳۹ - بگو : همی حجت آرید به ما اندر خدای ، و اوست خدای ما [و خدای شما] ؛ و ما راست کردارهای ما ، و شماراست کردارهای شما . و ما او را پرستند گانیم خالص . ۲۰

۱۴۰ - یا همی گویند: به درستی که ابراهیم و اسماعیل و اسحق

و یعقوب و فرزندان او بودند جهودان یا ترسایان ؛ بگوی آبا شما  
 داناترید یا خدای ؟ و کیست ستمگارتر از آن کس که بپوشاند گواایی  
 که نزد او بود از خدای. و نیست خدای بی آگاهی از آنچه همی کنید.  
 ۱۴۱ - اینست گروهی که به درستی بگذشت . او راست آنچه

کسب کرد ، و شما راست آنچه کسب کردید . و نی پرسند شما را ۵  
 از آنچه بودند عمل کردند .

۱۴۲ - زود بود که گویند نادانان از مردمان چه بگردانید ایشان  
 را از ان قبله شان ، آنکه بودند بر ان قبله . بگو : خدای راست مشرق  
 و مغرب ، راه نماید آن را که خواهد سوی راه راست .

۱۴۳ - و همچنانکه کردیم شما را گروهی عدل، تاباشید گواهان ۱۰  
 بر مردمان<sup>۱</sup> ، و باشد پیغامبر بر شما گواه به تزکیت . و نه کردیم قبله  
 آنکه بودی تو برش الا تا ظاهر شود آن کس که منابع رسول باشد  
 از آن کس که بر گردد بر وی . و اگر تحویل قبله بزرگ آمد و  
 دشوار مگر بر آنها که هدایت داده است خدای ایشان را ، و نه سزد  
 که خدای ضایع کند ایماننان و به قول نمازتان . به درستی که خدای ۱۵  
 به مردمان<sup>۲</sup> مهربان رحمت کننده است .

۱۴۴ - به درستی که می بینیم گردانیدن روی تو وز جانب  
 آسمان. باز گردانیم ترا با قبله که ساکن شوی. بگردان رویت را جانب  
 مزکت شکمند ، و آنجا که باشید بگردانید روهایتان به جانب آن .

۱ - در حاشیه : یعنی در قیامت گواهی دهد که پیغامبران رسالت گزارند

۲ - در حاشیه : مومنان

به درستی آنها که داده‌اند ایشان را کتاب ، دانند که آن حق است از خداوند شان ؛ و نیست خدای غافل از آنچه ایشان می کنند .

- ۱۴۵ - واگر بیاری بدین جهودان داده شد کتاب و حجت ، ایمه آیت و نشان ، بران که کعبه قبله حق است آیت ، پس روی نکنند و متابعت نکنند قبله ترا ، و نه تو پس رو قبله ایشان ، و نه بهره‌ای ایشان تابع باشند قبله بهری را . و اگر پس روی کنی هواهای ایشان را از پس آن که آمد به تو از دانش ، تو آنگه نه کار حکیمان کرده باشی .
- ۱۴۶ - آنها را که [فرستادیم] مرایشان را کتاب توریت ، می‌شناسند کعبه را محراب ابراهیم ، هم‌چنانکه می‌شناسند پسران خود را . و به درستی گروهی از ایشان می بپوشند حق را ، و ایشان دانند که می بپوشند .

۱۴۷ - روی به کعبه آوردن حق است از خدای تو ، مباش از گمان مندان .

- ۱۴۸ - و هر کسی را قبله‌ای باشد که او بپذیرد آن را ، بشتابید به نیکی هر جا که باشید ، بیاورد شما را خدای همه را یعنی به قیامت ، به درستی خدای بر همه چیز تواناست .

۱۴۹ - و از هر جانب بیرون شوی بگردان رویت را به جانب مزکت شکمهند . که او قبله حق است از خدای تو . و نیست خدای بی آگاهی از آنچه می کنند .

- ۱۵۰ - و از هر جانب بیرون شوی بگردان رویت را به جانب مزکت شکوه‌مند ؛ و هر جا که باشید بگردانید رویهای شما سوی او

یعنی قبله، تا نباشد مردمان را بر شما حجتی، مگر آنها را که ستمگارانند از ایشان. مه ترسید از ایشان و بترسید از من، تا تمام کنم نعمت من بر شما، و باشد شما بر راه راست باشید.

۱۵۱ - چنانکه فرستادیم در [میان] شما پیغامبری از شما، بخواند بر شما حجت‌های ما، و بستاید شما را، و در آموزد شمارا قرآن<sup>۵</sup> را و علم شریعت، و بیاموزاند شما را، آنچه نبودید بدان دانایان.

۱۵۲ - یاد کنید مرا به دعا، یاد کنم شما را<sup>۱</sup>؛ و شکر کنید مرا و ناشکری مکنید.

۱۵۳ - ای آنها که بگرویده‌اید، باری خواهید بر شکیبایی و نماز، که خدای با شکیبا [آن]<sup>۲</sup> است.

۱۵۴ - و مگویید آن را که کشته شود در راه خدای مردگان، بل که زندگانند، ولیکن نمی‌دانید شما.

۱۵۵ - و می‌آزمائیم شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاستن از خواسته‌ها و تنها و میوه‌ها، و مژده ده شکیبایان را.

۱۵۶ - آنان که چون برسد به ایشان فرا رسیده‌ای، گفتند ما خدای راییم و ما سوی او گردند گانیم.

۱۵۷ - ایشانند که برایشان است ثنا از خدای ایشان و رحمتی، و ایشان‌اند که ایشان راه یافتگانند.

۱۵۸ - به درستی که کوه صفا و کوه مروه از نشانه‌های خدا<sup>۳</sup> اند. هر که حج کند و زیارت کند خانه را یا عمره کند، نیست.

۱ - در حاشیه آمده است: یعنی اجابت کنم ۲ - متن: شکیبان

بزه بر او که طواف کند به صفا و مروه . و هر که نافله کند و تقرب کند به نیکی، به درستی خدا اندر پذیرد بسیار ده است و دانا .

۱۵۹ - به درستی آنانکه می‌پوشند آنچه فرو فرستادیم ما از حجتها و راه راست از پس آنکه بیان کردیم بر مردمان اندر کتاب ،  
۵ یعنی توریة ، ایشانند [که] نفرین کند ایشان را خدای ، و نفرین کند ایشان را نفرین کنندگان .

۱۶۰ - مگر آنانکه توبه کردند و به صلاح شدند و بیان کردند، ایشانند که توبه دهم مرایشان را، و من توبه دهنده‌ام و رحمت کننده .  
۱۶۱ - به درستی آنها که کافر شدند و بمردند ، و ایشان  
۱۰ کافراند، ایشانند. برایشان است نفرین خدای و فرشتگان و مردمان همه.  
۱۶۲ - جاوید باشند در آن لعنت و دوزخ ، سبک نکنند ازیشان عذاب ، و نه ایشان را مهلت دهند .

۱۶۳ - و خدای شما خدایی است یکی ، نیست خدای مگر او ، روزی دهنده و رحمت کننده .

۱۶۴ - به درستی اندر آفریدن آسمانها و زمین ، و اختلاف  
۱۵ شب و روز ، و آفریدن کشتی ، آنکه می‌برود اندر دریا ، بدانچه منفعت کند مردمان را ، و آنچه فرو فرستاد خدای از آسمان از آب، زنده کرد بدان آب زمین را پس مرگش و بپراگند در آن زمین از هر گونه جنبده‌ای ، و گردانیدن بادها ، و ابر روان کرده میان آسمان  
۲۰ و زمین ، حجتها و نشانه هاست قومی را که عقل دارند .

۱۶۵ - و از مردمان که بگیرد از جز خدای انباز خدا، و دوست

- دارند ایشان را چون دوستی خدا ، و آنانکه بگرویدند سخت دوست دارند خدای را ، و اگر بدانند آنانکه ستمکارند که چون ببینند عذاب را که قوت خدای راست همه و به درستی خدای است سخت عذاب .
- ۱۶۶ - چون بیزار شدند آنانکه متابعت کردند از آنانکه متابعت کردند و ببینند عذاب را ، و بریده شود به ایشان پیوستگی [ها] . ۵
- ۱۶۷ - و گفتند آنانکه متابعت کردند اگر ما را باز گشت باشد به دنیا ، بیزار شویم از ایشان چنانکه بیزار شدند از ما همچنان بنماید ایشان را خدای عملهای ایشان ، حسرتها باشد برایشان ، و نباشند ایشان بیرون آبنده از آتش .
- ۱۶۸ - ای مردمان بخورید از آنچه اندر زمین است حلالی پاک ، و پس روی مکنید گامهای دبو را که اوست شما را دشمن آشکارا .
- ۱۶۹ - به درستی می فرماید شما را به بدی و زشتی <sup>۱</sup> ؛ و آنکه گوید بر خدای آنچه نمی دانید .
- ۱۷۰ - و چون گویند ایشان را متابعت کنید آنچه فرو فرستاد خدای ، گفتند بل که پس روی کنیم آنچه یافتیم بروی پدران ما را ، ۱۵ اگر چه بود پدران شان نه دانستند چیزی و نه راه راست یافتند .
- ۱۷۱ - و مثال آنانکه منکر شدند چون مثل آنانکه بانگ کنند به آنکه نشنود مگر خواندنی و آوازی . کر اند ، گنگ اند ، کورند ؛ ایشان بی خردانند .
- ۱۷۲ - ای آنانکه بگرویده اید بخورید از پاکیزه ها ، آنچه ۲۰

روزی کردیم شما [را] ، و شکر کنید خدای را ، اگر هستید او را  
پرستندگان .

۱۷۳ - به درستی حرام کرد بر شما مردار و خون و گوشت<sup>۱</sup>  
خوك و آنچه که ذبح کنند به غیر نام خدای، هر کرا ضرورت باشد بی  
آنکه [افزونی جوید] ، و نه از حد درگذرد ؛ نیست بزه بر وی ، که  
خدای آمرزگارست و رحمت کننده .

۱۷۴ - به درستی آنانکه که می پوشند آنچه فرو فرستاد خدای  
از کتاب و نامه ، و می خرنند به آن بهای اندك ، ایشان نمی خورند  
اندر شکمهای شان مگر آتش<sup>۲</sup> ، و نه سخون گوید ایشان را خدای روز  
رستخیز، و نه عفو کند ایشان را، و ایشان را [است] عذابی دردناك .  
۱۷۵ - ایشان اند آنانکه بخریدند گمراهی را به راه راست و  
عذاب را به آمرزش ، چه دلیر کرد ایشان را بر آتش .

۱۷۶ - آن ، بدان است که خدای فرو فرستاد کتاب ، یعنی  
قرآن به حق، به درستی آنانکه خلاف کردند اندر کتاب، در منازعت اند  
دور و دراز .

۱۷۷ - نیست نیکی که تا کنید رویهای شما را سوی مشرق و  
مغرب ، ولیکن نیکی آن [است] که ایمان آورد به خدای و روز آخر،  
یعنی قیامت و فرشتگان و کتاب و پیغامبران ، و بداد خواسته بر دوستی  
خدای او به خوبشاوندان نزديك و بی پدران و درویشان و مسکینان

۱ - متن : گشت      ۲ - در حاشیه آمده است : یعنی رشوت

می ستانند و صفت محمد در کتاب می پوشانند .



و راه گذریان و خواهندگان و اندر بندگان ، که خود را باز خریده باشند ؛ و به پای داشت نماز را و بداد زکوة را ؛ و به جای آرندگان عهده‌های ایشان ، چون عهد کردند ؛ و شکیبایان اندر درویشی و بیماری و گاه سختیها و محنتها ؛ ایشان اند آنانکه راست گفتند ، و ایشان اند که ایشان پرهیزگاران اند .

۵

۱۷۸- ای آنانکه بگرویدید، نوشته شد، یعنی واجب شد بر شما برابری اندر کشتگان، آزاد به آزاد ؛ و بنده با بنده ؛ و ماده به ماده ؛ هر که عفو کرده شد او را از خون برادرش چیزی ، پس روی کند به معروف، یعنی تقاضا کند به مسامحه، به آهستگی، و به يك بار نخواهد، و ادا کند سوی او به نیکوتر وجهی، آن سبکی است از پروردگار شما و آمرزشی و رحمتی . هر که ظلم کند و از حد در گذراند ، پس از آن او را بود عذابى درد ناك .

۱۷۹- و شما راست اندر قصاص و برابری زندگانی ای خداوندان عقل ، تا بو که شما پرهیز کنید از کشتن .

۱۸۰- نوشته شد ، یعنی فریضه شد بر شما چون نزدیک آید یکی شمارا مرگ، اگر بگذارد مالی که وصیت کند از بهر مادر و پدر و خویشاوندان به قدر انصاف، حق است بر ترسکاران و پرهیزگاران .

۱۸۱- هر که بدل کند آن را ، یعنی فرمان خدا را ، پس آنکه شنیده باشد آن را ، به درستی که بزه آن بر آنها باشد که بدل کند آن را ؛ به درستی خدای شنواست به گفته‌ی وی ، و داناست به نیت وی .

۱۸۲- هر که ترسد از وصیت کننده که مبل کند یا گناه ،

۲۰

اصلاح کند میان ایشان ، یعنی ورثه ، و نیست گناه بر او ، به درستی  
خدای آمرزگارست رحمت کننده .

۱۸۳- ای آنانکه بگرویده‌اید ، نوشته شد ، فریضه شد بر شما  
روزه ، چنانکه نوشته شد بر آنها که از پیش شما بودند ، تا مگر  
۵ شما رستگار باشید .

۱۸۴- روزهای شمرده هر که باشد از شما بیمار یا بر سفر ،  
باز داشتن باید از روزهای دیگر ، و بر ایشان که توانند فدا و نتوانند  
روزه ، فدا کنند به هر روزی طعام درویشی ، هر که زیادت فدا دهد از  
خواسته ، آن به باشد او را ، و اگر روزه دارید به باشد شما را ،  
۱۰ اگر هستید دانا یان .

۱۸۵- ماه رمضان آنکه فرو فرستاده شد اندرو قرآن ، راه  
راست است مردمان را ، و حجتها از راه راست ، و جدا کننده میان  
حق و باطل ، هر که در یافت و حاضر شد از شما ماه رمضان ، روزه  
دارد او را ؛ و هر که باشد بیمار یا بر سفر ، باز داشتن باید از روزهای  
۱۵ دیگر . می خواهد خدای به شما آسانی ، و نه خواهد به شما دشواری ؛  
و تمام گردانید روزها آن را ؛ و تکبیر گوید خدای را بر آنچه راه  
راست نمود شما را ؛ و تا مگر شما شکر بکنید و از شاکران باشید .

۱۸۶- و چون پرسند ترا یا محمد بندگان من از من ، من  
نزدیکم ، اجابت کنم دعای خوانندگان چون خواند مرا ، تا پاسخ  
۲۰ کنند مرا ، و ایمان آرند به من ، تا مگر ایشان راه راست یابند .

۱۸۷- حلال کرده شد شما را شب روزه صحبت سوی زنان

شما . ایشان پوشش‌اند شما [را] ، و شما پوشش‌ابد ایشان را از حرام .  
 داند خدای که شما باشید خیانت کنان تنهای شما را . توبه داد بر شما  
 و در گذشت از شما . اکنون مباشرت کنید به ایشان ، و بجوید آنچه  
 نبشت خدای شما را . و بخورید و بیاشامید تا آنگاه که پیدا شود شما  
 را رشته سپید از رشته سیاه ، یعنی روز از شب ، از بامداد ، پس تمام ۵  
 کنید روزه را تا شب ، و نه کنید مباشرت زنان را و شما معتکف باشید  
 اندر مزکتها . آن همه حدهای خداست ، مشوید نزدیک آن حدها .  
 همچنین پدید می‌کند خدای احکام خود و حجت‌های خود مردمان را ،  
 مگر که ایشان پرهیزگار باشند .

۱۸۸ - و نه خورید خواسته‌های شما را میان شما به باطل ، [و]  
 اندر آویزید بدان [سوی حاکمان ، تا بخورید گروهی از مالهای مردمان  
 به بزه ، و شما می‌دانید .

۱۸۹ - می‌پرسند ترا از هلالها<sup>۱</sup> . بگو آن وقتهاست مردمان را  
 و حج را ، و نه نیکی در آن است که بیاید خانه‌ها را از پس پشت آن ،  
 یعنی خانه‌ها . ولیکن نیکی [آنست] هر که بترسد و پرهیز کند؛ و بیاید ۱۵  
 خانه‌ها را از درهای آن، و بترسید از خدای، تا مگر شما رستگار باشید.  
 ۱۹۰ - و کار زار کنید اندر راه خدای ، آنانکه کار زار کنند  
 با شما، و ستم مکنید. به درستی که خدای ندارد دوست ستمگاران را .

۱۹۱ - و بکشید ایشان را یعنی کافران را، آنجا که یابید ایشان را،  
 و بیرون کنید ایشان را از آنجا [که] بیرون کردند شما را. و کفر و فتنه ۲۰  
 بدتر باشد از کشتن ، و مه کنید<sup>۲</sup> کارزار به ایشان نزد مزکت حرام ،

۱- متن : مالها ؟      ۲- متن : می‌کشد

یعنی کعبه ، تا کارزار کنند به شما اندرو . اگر کارزار کنند به شما ، بکشید ایشان را . چنین باشد جزای کافران .

۱۹۲- اگر باز ایستند از جنگ، به درستی خدای آمرزگارست رحمت کننده .

۵ ۱۹۳- و کارزار کنید به ایشان تا نباشد کفر فتنه ، و باشد دین خدای اگر باز ایستند نیست ستمی مگر بر ستمگاران ، یعنی مکافات .  
۱۹۴- ماه حرام به بدل ماه حرام است<sup>۱</sup> ، و حرمتها را برابر است . هر که ستم کرد بر شما ، مکافات کنید بر او مانند آنکه ظلم کردند بر شما ، و برسید از خدای ، و بدانید که خدای با پرهیزگاران ۱۰ است .

۱۹۵- و هزینه کنید اندر راه خدای و میفکنید<sup>۲</sup> با دستهای خود را سوی هلاکت ، و نیکویی کنید ؛ به درستی که خدای دوست می دارد نیکو کاران را .

۱۹۶- و تمام کنید حج را و عمره را ، خدای را . اگر در راه باز داشته شوید شما آنچه آسان شود از هدی بفرستید ، و بمستربد سرهای ۱۵ شمارا تا برسد هدی جایگاهش را . هر که باشد از شما بیمار یا بود او را رنجوری از سرش ، فدیهای [باید] ، یعنی کفارت از روزه سهروز ، یا صدقه شش درویش ، یا گوسفندی که بکشد ، چون ایمن شدید ، هر که تمتع گرفت به عمره از بهر حج ، آنچه آسان شود از هدی بکشد . هر که نیابد ،

۱- در حاشیه آمده است : یعنی اگر شما ما [ه] حرام جنگ کنید ما

نیز کنیم . ۲- متن : میکشد

روزه دارد سه روز در حج ، یعنی روزهای حج . و هفت روز ، چون باز گردید شما . آن ده روز باشد تمام . آن آن را لازم شود ، که نه باشد اهل آن حاضر مزکت حرام<sup>۱</sup> ، و بترسید از خدای ، و بدانید به درستی خدای سخت عقوبت است .

۱۹۷ - وقت حج ماههای معلوم است . هر که واجب کند بر خویشان اندران ماهها حج ، نیست صحبت کردن با زن ، و نکند فسق<sup>۲</sup> و نه خصومت با کسی اندر حج ، یعنی چون احرام بندد . و آنچه می کنید از نیکی ، می داند آن را خدای . و توشه بردارید که به درستی بهترین توشه ها پرهیزگاری و ترسکاری [است] ، و بترسید از من ای خداوندان عقل .

۱۰ ۱۹۸ - نیست بر شما بزه که بجوید افزونی از پروردگار شما . چون باز گردید شما [از] عرفات به مزدلفه آید ، یاد کنید خدای را نزد شعار کان<sup>۳</sup> (؟) حرام ؛ و یاد کنید او را چنانکه راه راست نمود شما را . و اگر بودید از پیش او از گمراهان .

۱۹۹ - پس باز گردید از آنجا که باز گشت ابراهیم پیغامبر ، و آمرزیش خواهید از خدای ، به درستی خدای آمرزگارست رحمت کننده .

۲۰۰ - چون بگذارید شما نسکهای شما ، یعنی حج ، یاد کنید خدای را چنانکه ذکر می کنید شما پدران شما را ، یا سختتر ، یعنی

۱ - در حاشیه چنین آمده : یعنی از اهل مکه نباشد ۲ - در حاشیه :

یعنی صید نکند و بقول دشنام ندهد ۳ - در متن چنین است . در ترجمه

تفسیر طبری : مشعر حرام ، المسجد الحرام ؛ و در ترجمه و قصه های قرآن : شینگاه شکمند .

نیکوتر یاد کردن . از مردمان کس هست می گوید : خداوند ما بده  
ما را اندر این جهان ، و نبود او را در آن جهان از نصیب .

۲۰۱ - و از ایشان کس می گوید خداوند ما ، بده ما را در این  
جهان نیکی طاعت ، و در آن جهان نیکی ثواب . و نگاه دار ما را از  
عذاب آتش .

۵

۲۰۲ - آنانکه ایشان را [است] نصیب و بخش از آنچه کسب  
کردند خیرات ، و خدای زود کننده شمار است .

۲۰۳ - و یاد کنید خدای را روزهای شمرده ، یعنی ایام تشریق .  
هر که زود باز گردد در دو روز تشریق نیست بزه برو ؛ و هر که تأخیر  
کند تا سوم روز ، نیست بزه بر او ، هر که ترسکار بود . و بترسید از  
خدای ، و بدانید که به درستی شما سوی او حشر کرده شوید .

۱۰

۲۰۴ - و کسی است از مردمان که عجب می دارد ترا گفت او  
اندر زندگانی این جهان ، و گواهی می دهد خدای بر آنچه اندر دل  
او ، [است]<sup>۱</sup> و او سخت خصومت است .

۲۰۵ - و چون باز گردد ، برود اندر زمین تا فساد کند در آن ،  
و هلاک کند کشت را و نسل حیوان را ، و خدای ندارد دوست فساد را .

۱۵

۲۰۶ - و چون گفته شود او را بترس از خدای ، بگیرد او را  
تکبرش به بزه ، بسنده است او را دوزخ ، و بد است او را آرام گاه .

۲۰۷ - و از مردمان کسی است که بدل کند تن خود را جستن

۲ . رضای خدای . و خدای مهربان است به بندگان .

- ۲۰۸ - ای آنانکه ایمان آورده‌اید ، در آید در آشتی همه ، و  
مکنید پس روی گامهای دیو را که او [است] شما را دشمن هویدا .
- ۲۰۹ - اگر بلغزد از پس آنچه آمد به شما حجتها ، بدانید به  
درستی خدای ارجمند است حکیم .
- ۲۱۰ - چه چشم دارند ، مگر آنکه بیاید ایشان را خدای در  
پاره‌هایی از میخ سهمناک و فرشتگان ؟ و گزارده شد کار دنیا ، و سوی  
خدای باز گردیده شود کارها .
- ۲۱۱ - پیرس فرزندان یعقوب را چند دادیم ایشان را حجتهای  
روشن . و هر که بدل کند نعمت خدای را از پس آنکه آمد به او . به  
درستی خدای سخت عقوبت است .
- ۲۱۲ - آراسته شد آنان را که کافر شدند ، زندگانی دنیا . و  
تسخر می‌کنند از آنانکه ایمان آورده‌اند ، و آنانکه پرهیزگاران اند ،  
بالای ایشان روز رستخیز . و خدای روزی بدهد هر که را که خواهد  
بی حساب .
- ۲۱۳ - بودند مردمان گروهی يك ملت. فرستاد خدای پیغامبران  
مژده دهنده و ترسانندگان ، و فرو فرستاد به ایشان کتاب به راستی ،  
تا حکم کند در میان مردمان بدانچه اختلاف کردند اندر او . و نه کردند  
خلاف اندرو مگر آنانکه داده بودند ایشان را پس آنکه آمد ایشان  
را حجتها ، حسد میان ایشان . راه نمود خدای آنان را که ایمان  
آوردند بدانچه اختلاف کردند اندرو از حق به فرمان خدای . و  
خدای راه نماید هر که را که خواهد سوی راه راست .

۲۱۴ - یا می‌پندارید که درآیید [اندر] بهشت چون بیاید مثل آن کسان که گذشتند پیش شما . رسید ایشان را درویشی و بیماری و رنج و محنت ، و زلزله کرده شد تا بگویند رسول و آنانکه ایمان آوردند به او ، کی باشد نصرت خدای . بدان به درستی نصرت خدای نزدیک است .

۵

۲۱۵ - می‌پرسند ترا که چه نفقه می‌کنند ؟ بگو : آنچه هزینه کردید از نیکی ، مادر و پدر [راست] و خویشاوندان و بی‌پدران را و درویشان را و ره‌گذریان را ؛ و آنچه می‌کنید از نیکی به درستی خدای به آن دانا است .

۲۱۶ - نوشته شد بر شما کارزار کردن ، و آن کراهیت است شما را . و بود که کراهیت دارید چیزی را ، و آن خود نیکی باشد شما را ، و بود که دوست دارید شما [چیزی] را ، و آن خود بد باشد شما را . و خدای می‌داند و شما نمی‌دانید .

۱۰

۲۱۷ - می‌پرسند ترا از ماه حرام ، کارزار کردن اندرو . [بگو] : کارزار اندرو بزرگ گناهی است . و برگشت است از راه خدای و کفرست خدای را ، و باز داشتن مردم از مزکت حرام و بیرون کردن اهل او را از او بزرگ تراست نزد خدای . و کفر و فتنه بزرگتر است از کشتن . و همیشه زایل نباشند کارزار کنند با شما ، بازدارند شما را از دین شما اگر توانند ایشان . و هر که برگردد از شما از دین خویش و بمیرد و او کافر باشد ، ایشان را که نیست شد کردارهای ایشان اندر این جهان و آن جهان . و ایشان اند اهل

۱۵

۲۰



آتش، ایشان [اند] اندر آنجا جاویدان .

۲۱۸ - به درستی آنانکه ایمان آوردند و آنانکه هجرت کردند و جهاد و غزا کردند اندر راه خدای ، ایشان اند که امید دارند رحمت خدای را ، و خدای آمرزنده<sup>۱</sup> است و رحمت کننده .

۲۱۹ - می‌پرسند ترا از سبکی<sup>۲</sup> و قمار . بگو : اندران مردو  
 ۵ بزه‌ای است بزرگ تراست و منفعتها ست مردمان را ؛ و بزه‌ی ایشان دو بزرگ‌تر است از منفعت ایشان دو . و می‌پرسند ترا چه نفقه کنند ؟ بگو : آنچه از قدر حاجت زیادت بود ، همچنان بیان می‌کند خدای شما را حجتها و احکام شرع ، باشد که شما اندیشه کنید .

۲۲۰ - اندر این جهان و آن جهان، و می‌پرسند ترا از بی‌پدران،  
 ۱۰ بگو : به صلاح آوردن ایشان را به، و اگر بیامیزید مال ایشان، برادران شما اند ، روا باشد . و خدای می‌داند مفسد را از صلاح آرنده . و اگر خواهد خدای ، تنگ و دشوار گرفتی شما را . به درستی خدای قادر است به عقوبت خاینان . حکم کننده است به اصلاح حال یتیمان .

۲۲۱ - و مکنید به زنی زنان بت پرست را تا ایمان آرند . و  
 ۱۵ پرستار گرویده بهتر از بت پرست ، و اگر چه خوش آید شما را . و به زنی مدهید به بت پرستان تا ایمان آرند . و بنده گرویده به از بت پرست ، و اگر چه خوش آید شما را . ایشان اند باز می‌خوانند به سوی آتش . و خدای می‌خواند سوی بهشت و آمرزش به فرمان او ، و بیان می‌کند حجتهای خود مردمان را ، مگر ایشان پند گیرند .  
 ۲۰

۲۲۲ - و می‌پرسند ترا از حیض زنان . بگو : آن والا بش

رنج است . جدا شوید از صحبت زنان اندر حالت حیض ، و نه نزدیکی کنید ایشان را ، تا پاک شوند . چون پاک شوند بیاید به ایشان از آنجا که فرمود شما را خدای ؛ که خدای دوست دارد توبه کاران را و دوست دارد پاکیزگان را .

۵

۲۲۳ - زنان شما کشتزار است شما را ، بیاید به کشتزارتان چنانکه خواهید ، و پیش فرستید طاعت مرتنهای شما را ، و برسید از خدای ، و بدانید به درستی که شما خواهید رسیدن و دیدن او را ، و مشده ده مومنان را .

۲۲۴ - و مه کنید<sup>۱</sup> خدای را بهانه سوگندان شما را که نیکی بکنید و پرهیزگار[ی] کنید ، و اصلاح کنید میان مردمان . و خدای شنواست ، داناست .

۱۰

۲۲۵ - نه گیرد شما را خدای به لغو در سوگندان شما ، ولیکن بگیرد شما را به آنچه کسب کند دلهای شما . و خدای آمرزگارست با پس دارنده عقوبت .

۱۵

۲۲۶ - آن کسان را که سوگند خورند که با زن نزدیکی نکنند چهار ماه از زنان ایشان ، روا باشد اما کفارت واجب شود . انتظار کنید چهار ماه ، اگر باز گردند پیش از چهار ماه ، که خدای آمرزگارست و رحمت کننده است .

۲۲۷ - و اگر قصد طلاق کنند<sup>۲</sup> ، به درستی خدای شنواست

و داناست .

۲۰

۱- در متن: می کنید ۲- در حاشیه: سستی بگذارند ناچار ماه بگذرد طلاق را

۲۲۸- و زنان طلاق داده درنگ کنند باتنهای ایشان سه‌حبض،

و نیست حلال ایشان را که بپوشند آنچه آفرید خدای اندر رحمهای

حبض با فرزندشان، اگر هستند ایمان آورنده به خدای و روز قیامت.

و شوهران ایشان اولترند به آن رد کردن ایشان در آن، اگر خواهند

که صلح باشد. و زنان راست بر شوهران مثل آنکه شوهران راست ۵

برایشان به وجه نیکو. و مردان راست بر زنان درجه‌ای، و خدای

ارجمندست و حکیم.

۲۲۹- پای گشادگی دوبارست، پس از آن با نگاه داشتن و

گرفتن به نیکی، یا رها کردن به نیکویی. و نباشد حلال شما را که

بگیرید از آنچه داده باشد ایشان را چیزی، مگر که ترسند هر دو که ۱۰

ندارند به پای حکم‌ها و فرمانهای خدای. اگر ترسید شما که ندارید

به پای حکمهای و حدهای خدای. نیست بزه‌ای بر هر دو در آنچه

فداکندن خویشان را بخرد به آن. آن است حکمها و اندازه‌ها و امرهای

خدای. و مگذرید ازان، و هر که درگذرد از حکمهای خدای،

ایشان اند که ایشان ستمگاران اند.

۱۵

۲۳۰- پس اگر طلاق دهد سوم بار، نباشد حلال مرور آن

زن از پس آن تا نکاح کند شوهری دیگر غیر او. اگر طلاق دهد وی

را شوهر دوم، نباشد بزه بر ایشان دو که رجوع کنند به نکاح. اگر

یقین‌دانند که بایستند بر حکمها و امرهای خدای، و آن است حکمهای

خدای. بیان می‌کند آن را گروهی را که می‌دانند که حق است. ۲۰

۲۳۱- و چون طلاق دهد زنان را، برسند عدت ایشان را،

پس نگاهشان دارید به وجهی نیکو ، یا رهاشان کنید به نیکی ، و  
 بگیرید ایشان را به رنج زحمت تا ستمگار باشید . و هر که بکند آن  
 را ، یعنی رنج ، به درستی ظلم کرده باشد تن خود را . و بگیرید  
 حجتها و فرمانهای خدای افسوس ، و یاد کنید نعمت خدای را بر  
 شما ، و آنچه فرو فرستاد بر شما از کتاب و قرآن و بیان شریعت ،  
 ۵ پند می دهد شما را به آن ، یعنی قرآن . و برسید از خدای ، و بدانید که  
 خدای به همه چیز داناست .

۲۳۲ - و چون طلاق دادید زنان را و برسند به مهلنشان یعنی  
 عدت ، باز مدارید ایشان را که نکاح کنند به شوهران دیگر . چون راضی  
 ۱۰ شوند میان ایشان به کابینی موافق . این فران پند دهنده به آن فران هر  
 که باشد از شما بگرونده به خدای و روز قیامت . . . ۱۰

۲۳۴ - ... پس چون برسیدند به مهلنشان ، نیست بزه بر شما  
 در آنچه کردند در تنهای خویشتن از زینت به وجهی نیکو ، و خدای  
 به آنچه می کنید شما آگاه است .

۲۳۵ - و نه بزه بر شما در آنچه تعریض کنید به آن از  
 ۱۵ خواستن زنان ، یا پوشیده دارید در خویشتن . می داند خدای به درستی  
 شما ایشان را باد می کنید در دل ، ولیکن نکنید وعده با یکدیگر در  
 نهان ، مگر که بگویید گفتار نیکو . و آهنگ مکنید عقد نکاح را  
 تا برسد عدت نوشته . و بدانید به درستی خدای می داند آنچه در  
 ۲۰ تنهای شماست ، بر حذر باشید از او . و بدانید که خدای آمرزگارست ،

تاخیر کننده عقوبت .

- ۲۳۶ - نیست بزه بر شما اگر طلاق بدهید زنان را که نرسیده باشید به ایشان ، یا کابین فریضه نکرده باشید ایشان را تسمیه ، منعه دهید ایشان را ، بر توانگر به قدرش ، و بردرویش به قدرش . متاعی و برخورداری به وجه معروف ، حق است بر نیکو کاران . ۵
- ۲۳۷ - و اگر طلاق دهید ایشان را از پیش که کنید ایشان را ، و به درستی مسمی کرده باشید ایشان را مهری ، نیمی آنچه تسمیه کرده باشید ، مگر که مسامحت کنید و عفو . یا مسامحت کند آنکه او به دست او باشد بستن نکاح . و اگر مسامحت کنید نزدیک تر بود به پرهیزگاری . و مکنید فراموش فضل کردن را میان شما ، که ۱۰ خدای به آنچه می کنید بیناست .
- ۲۳۸ - نگاه دارید و باشید بر نمازها جمله ، و خاصه نماز میانگین ، یعنی نماز دیگر ، و بایستید شما خدای را مطیعان .
- ۲۳۹ - پس اگر ترسید از دشمن پیاده روید یا برنشسته نماز کنید ؛ پس چون ایمن شدید یاد کنید خدای را چنانکه پیاموخت شما ۱۵ را ، نبودید شما دانایان .
- ۲۴۰ - و آنانکه بمیرند از شما و بگذرند زنان ، وصیت کنید زنان شان را برخورداری تا يك سال بی آنکه به در کنیدشان از خانه . اگر بیرون شوند زنان ، نیست بزه بر شما در آنچه کردند در خوبستن آن زنان از معروف ، زینت با شوهر ، و خدای ارجمند است ۲۰ کارکننده به حکمت .

۲۴۱- و زنان هشته را بر خور داری به وجه نیکو یعنی نفقه و سکنی در حال عدت حق است بر ترسکاران و پرهیزگاران .

۲۴۲- همچنین بیان می کند خدای شما را نشانه ها و حجتهاش ، مگر شما به عقل کار کنید .

۵- ۲۴۳- آیا نه دیدی آنان را که بیرون شدند از سراهاشان ، و ایشان هزاران بودند ، پرهیز از مرگ . پس گفت ایشان را خدای بمیرید ، پس زنده کردشان . به درستی که خدای خداوند فضل است بر مردمان ، و لیکن بیشتر مردمان شکر نمی کنند .

۲۴۴- و کارزار کنید در راه خدای ، و بدانید به درستی خدای شنواست دانا . ۱۰

۲۴۵- کیست آنکه وام دهد به خدای وامی نیکو تا دو چندان باز دهد او را و همچنینهای بسیار . و خدای تنگ کند روزی و فراخ کند ؛ و سوی او گردانند شما را به قیامت .

۲۴۶- آیا نمی بینی خبر آن از فرزندان یعقوب از پس موسی ، ۱۵ چون گفتند پیغامبری را ایشان را بفرست و بر انگیز ما را ملکی تا کارزار کنیم در راه خدای . گفت هیچ باشد اگر نوشته شود بر شما کارزار که نکنید کارزار . گفتند : و چه بودست ما را که نکنیم کارزار در راه خدای ، به درستی بیرون کرده شدیم از سراهای ما و فرزندان ما . پس چون نوشته شد بر ایشان کارزار ، برگشتند مگر اندکی از ایشان . ۲۰ و خدای دانا است به حال ظالمان .

۲۴۷- و گفت ایشان را پیغامبرشان که خدای به درستی بفرستاد

شما را طالوت به پادشاهی . گفتند از کجا باشد مرورا پادشاهی بر ما ،  
و ما اولتریم به پادشاهی از او . و نه دادند او را فراخ دستی از مال .  
گفت که خدای بر گزید او را بر شما و بیفزود او را گشودگی و فضل  
در علم و بدن ؛ و خدای بدهد ملکوت خویش هر که را خواهد ؛ و  
خدای فراخ عطاست دانا .

۵

۲۴۸ - و گفت ایشان را پیغامبر ایشان به درستی نشان پادشاهی  
او که بیاید به شما تابوت ، اندرو باشد آرامشی از خداوند شما ؛ و  
باقی از آنچه بگذاشت قوم موسی و قوم هرون ، بردارند او را  
فرشتگان . به درستی که در آن تابوت نشانی است و حجتی شما را ،  
اگر هستید باور دارندگان .

۱۰

۲۴۹ - پس چون جدا شد طالوت با لشکر ، گفت به درستی که  
خدای آزمون می کند شما را به جویی ، هر که بیاشامد ازو ، نیست  
از من ؛ و هر که نخورد ازو که او از من است ، مگر آنکه بردارد کفی  
آب برداشتنی به دستش آب ، بخوردند از آن جوی مگر اندکی از ایشان .  
پس چون بگذشت او<sup>۱</sup> و آنانکه ایمان آوردند با او ، گفتند نیست طاقت ما  
۱۵ را امروز به جالوت و لشکر او . گفت : آنانکه<sup>۲</sup> به یقین بودند که  
ایشان باز رسند به خدای به قیامت . چند از گروه اندک غلبه کرد گروه  
بسیار را به دستوری و نصرت خدای . و خدای با شکیبایان است .

۱۵

۲۵۰ - و چون بیرون آمدند برای جالوت و لشکر او ، گفتند :

خداوند ما ، برریز بر ما شکیبایی ، و به جای دار قدمهای ما . و

۲۰

۱ - متن : + و او      ۲ - متن : + که

نصرت ده ما را بر گروه ناگرویدگان .

۲۵۱ - بشکستند ایشان را به دستوری خدای ، و بکشت داود  
پیغامبر جالوت را ، و بداد او را خدای پادشاهی و نبوت ، و در آموخت  
او را از آنچه خواست<sup>۱</sup> . و اگر نه بازداشتن خدای بودی مردمان را ،  
۵ برخی ایشان به برخی ، تباه شدی زمین ؛ ولیکن خدای ، خداوند  
فضل است بر جهانیان .

۲۵۲ - آنکه رفت نشانه‌های خداست ، می خوانیم آن را بر تو  
به سزا و راستی ، و تو از پیغامبرانی .

۲۵۳ - آن پیغامبران که افزونی دادیم برخی ایشان بر برخی ،  
۱۰ از ایشان کسی بود که سخن گفت خدای با او ، و برداشت بهر [ی]  
از ایشان [را] منزلتها ؛ و دادیم عیسی پسر مریم را حجتها ، و به نیرومند  
کردیم او را به جبرایل پاک . و اگر خواستی خدای ، و نه کارزار  
کردندی آنانکه از پس ایشان بودند از پس آنچه آمد بدیشان حجتها ،  
و لیکن اختلاف کردند ، و از ایشان کس بگروید ، و از ایشان کس  
۱۵ نگروید . و اگر خواستی خدای ، نکردندی کارزار ؛ و لیکن خدای  
می کند آنچه می خواهد .

۲۵۴ - ای آنانکه بگرویده‌اید ، هزینه کنید آنچه روزی  
کرده‌ایم شما را از پیش از آنکه<sup>۲</sup> آید روزی ، که نیست خرید و فروخت  
درو ، و نیست دوستی و نه شفاعت . و ناگرویدگان اند که ایشان  
۲۰ ستمگاران اند .

۱ - متن : خوست      ۲ - متن : + که



۲۵۵ - خدای نیست خدای مگر او ، زنده پابنده ، نه گیرد او  
 را خواب آسایش و نه خواب بازن. مر آنچه اندر آسمانهاست و آنچه  
 اندر زمین ، کیست آنکه شفاعت کند نزد او مگر به دستوری او ،  
 به می داند آنچه پیش ایشان است ، و آنچه پس ایشان است . و نرسند  
 به چیزی از علم او مگر بدانچه خواهد . فراخ شد کرسی او آسمانها و  
 زمین ؛ و گران و دشوار نیابد برو نگاه داشت ایشان دو ، و اوست  
 بلندتر [و بزرگوارتر]<sup>۱</sup>.

۲۵۶ - نیست اکراه در دین ، به درستی پیدا کند راه راست از  
 گمراه. هر که ناسپاسی کند و کافر شود بدون خدای ، طاغوت نام بتی  
 است ، و بگروود خدای را ، به درستی که دست در زد به گوشه محکم  
 یعنی ایمان، که نباشد بریدنش ثواب آن را . و خدای شنواست گفتارها  
 را و داناست کردارها را .

۲۵۷ - خدای یار و دوست آنان است که بگرویدند ، بیرون  
 آرد ایشان را از تاریکیهای ضلالت سوی روشنایی هدایت، و آنانکه  
 نگرویدند ، دوست و یار ایشان بت است و شیطان ؛ بیرون آرند ایشان  
 را از روشنایی سوی تاریکیها<sup>۲</sup>.

۲۵۹ - . . . گفت : چند درنگ کردی ، گفت : درنگ کردم  
 روزی یا بهره‌ای [از] روز . گفت : بلکه درنگ کردی صد سال .  
 نگه کن سوی طعام تو و شراب تو به گردیده است ، و نگه کن  
 سوی خرتو ، و تا کنیم ترا نشانی مردمان را . و نگه کن سوی استخوانها  
 ۲۰

۱ - از طبری است . ۲ - برگی افتاده است .

چگونه با هم بریم آن را . پس ببوشیم بران گوشت ، چون پیدا شد او را ، گفت : می دانم که خدای بر همه چیزی تواناست .

۲۶۰ - و چون گفت ابراهیم : خداوند من ، بنمای چگونه زنده

می کنی مردگان را ؟ گفت : انگروید [ی] ، ایمان نداری ؟ گفت :

آری ، ولیکن تا آرام گیرد دل من . گفت : پس بگیر چهار از مرغ و ۵

پاره پاره کن به نزد خود ، پس بکن بر هر کوهی ازیشان بهره ای ،

پس بخوانشان تا بیایند به تو دوان دوان ؛ و بدان به درستی خدای

قادرست ، هر چه کند به حکمت کند .

۲۶۱ - مثل است آنانکه هزینه کنند خواسته های ایشان در راه

خدای ، چون آنکس که دانه افکند ، برویاند هفت خوشه ، اندر هر ۱۰

خوشه صد دانه ؛ و خدای مضاعف و زیاده گرداند هر کرا خواهد . و

خدای فراخ عطااست ، داناست .

۲۶۲ - آنانکه هزینه کنند خواسته های ایشان در راه خدای ،

پس نکنند پیروی آنچه هزینه کردند منتی و نه رنجی . ایشان را

[است] مزد شان نزد خدای شان ، و نیست ترسی برایشان ، و نیست ۱۵

ایشان را اندوهگین شدن .

۲۶۳ - سخن نیکو به درویش و آمرزش بهتر از صدقه که

[باشد] در پی آن رنجشی ، و خدای بی نیازست تأخیر کننده عقوبت .

۲۶۴ - ای آن کسان که ایمان آورده اید ، باطل مکنید صدقه های

شما را به منت نهادن و نه به رنجانیدن ، چنانکه کسی هزینه کند ۲۰

خواسته خود را به نمایش مردمان ، و ایمان نیاورد به خدای و روز

قیامت، مثل او چون مثل سنگی است برو خاك بود، پس رسد به او بارانی تیز، بگذارد او را خشك. نتوانند ایشان بر چیزی از آنچه کرده باشند، و خدای ننماید راه گروه نا گرویدگان را.

۲۶۵- و مثل آنانکه هزینه کنند خواسته‌های ایشان را بهتر

جستن خشنودی خدای و ثابت گردانیدن، یعنی به اعتقاد و نیت ۵ درست از خویشتن شان، چون مثل بوستانی است بر بالایی که برسد آن را باران بزرگ قطره، بدهد برش را دو چندان که بوستانهای دیگر. پس اگر نه رسد او را باران تیز و بزرگ قطره، برسد خرد قطره. و خدای بدانچه می‌کنید شما بیناست.

۲۶۶- ای دوست دارد یکی از شما که باشد او را بوستانی از

خرماستان و انگورها. می‌رود از زیر آن جویهای آب، و او را بود در آنجا از همه میوه‌ها. و برسد او را پیری، و او را باشد فرزندان ضعیف و خرد<sup>۱</sup>. پس برسد آن باغ را بادی که اندرو باشد آتش، پس سوخته شود بوستان، همچنان بیان می‌کند خدای شما را نشانه‌ها و حجتها، تا مگر شما اندیشه کنید در صلاح کار خویش. ۱۵

۲۶۷- ای آنانکه بگرویده‌اید، زکوة دهید و نفقه کنید از

حلالهای از آنچه کسب کرده باشید، و از آنچه بیرون آوردیم ما شما را از زمین. و قصد مکنید بدترین، و حرام ندهید از [که] هزینه می‌کنید. و نیستید شما گیرنده مال رذاله، مگر که چشم بر هم

نهد اندر او ۲۰۰۲

۲۰

۱- من: خورد. ۲- ترجمه چند آیه افتاده است.

۲۷۲- نیست بر تو هدایت ایشان ، ولیکن خدای راه نماید هر کرا  
 که خواهد ، و آنچه هزینه کنید از نیکی تن شما راست . و نکنید  
 نفقه مگر جستن رضای خدای ؛ و آنچه نفقه کنید از نیکی ، داده شود  
 تمام سوی شما ، و شما نباشید ظلم کردگان ، یعنی بر شما ظلم  
 نکنید . ۵

۲۷۳- مر درویشان ، آنانکه باز داشته شده‌اند اندر راه خدای<sup>۱</sup> ،  
 نتوانند رفتن اندر زمین ، پندارند ایشان را نادان ، توانگران اند از  
 خویشتن‌داری ، بشناسی ایشان را به سیمای روی ایشان . نمی‌خواهند  
 ایشان از مردمان به‌الحاح ؛ و آنچه هزینه کنید شما از نیکی ، پس به  
 درستی که خدای داناست . ۱۰

۲۷۴- آنانکه هزینه می‌کنند خواسته‌هاشان به شب و روز پنهان  
 و آشکارا ، پس ایشان راست مزد ایشان نزد خداوندشان . و نه ترسی  
 بر ایشان و نه ایشان انده گین شوند .

۲۷۵ - ۲۰۰۰

۱- در حاشیه : + یعنی به طاعت مشغول باشید و گوشه گرفته و کسب

و تجارت گذاشته . ۲ - متن در اینجا ناتمام می‌ماند .

# فهرست ها



## پاره‌ای از لغات و ترکیبات فارسی متن

آ،	آرادی : ۹۹
آب روان : ۱۱۰	آزمایش کردن : ۲۷، ۴۳
آبادان کردن : ۲۳	آسان آمدن : ۶۷
آب به بینی فرکشیدن : ۲۸	آسان کردن : ۷
آبهای روان : ۱۲۳	آسانی : ۱۹، ۵۵
آتش جاودانه : ۲۴	آسانی خواستن : ۵۸
آتش دوزخ : ۳۰	آسمان نخستین : ۵۸، ۵۹
آجال : ۱۱۴	آسمانها : ۱۹، ۲۶
آخر زمان : ۱۵	آسودن : ۲۶
آخرالزمان : ۸	آشتی دادن : ۹۴
آدمیان : ۱۶، ۲۷، ۷۲	آشکاره : ۱۲۲، ۱۲۷
آذا نمودن : ۲۱، ۱۲۱	آفتاب فرآمدن : ۲۲، ۷۲
آرام : ۶۱	آفریدگار : ۱۱، ۲۶
آرام‌جا : ۷۵	آفریدگار خلایق : ۳۲
آرامیدن دل : ۱۱۸	آفریدگان : ۱۱۴
آرایش : ۷۷	آفرینش : ۲۶، ۱۵۵
آرزو کردن : ۱۲، ۲۲۰	آگاهانیدن : ۲۴، ۴۰، ۸۵
آرزوها : ۲۱	آگه : ۹۶
آزاد : ۹۱	آمد شد : ۴۷
آزاد کردن : ۶	آمرزش : ۴۲، ۹۲

آمزش خدای : ۸۶  
 آمرزگار : ۱۰۱، ۷۱، ۵۲  
 آمرزیدگان : ۸۱  
 آمزش خواستن : ۷۱  
 آموزنده : ۱۶  
 آن : ۱۲  
 آن جهان : ۱۲۱، ۷۲، ۹  
 آواز بلند : ۵۹  
 آیت آمدن : ۹۲، ۶۲، ۲۰  
 آیت برامت : ۷۴  
 آیت شمیر : ۲۱  
 آینه‌ها : ۱۱۲، ۱۴، ۸

### «الف»

۱ (بدجای فازگشتا) : ۳۰  
 (بدگروشا) : ۱۱  
 (بدآرام جابا) : ۷۵  
 (سودمند بازرگانیا) : ۷۶  
 گشتا : ۷۱  
 ابتدا کردن : ۶۷، ۶۴  
 ایرناك : ۲۴  
 اجابت کردن : ۱۱۸  
 احکامهای خدای : ۹۸  
 اختلاف کردن : ۱۰۹، ۸۰، ۱۱  
 اختیار کردن : ۲۰  
 ادبارزفان : ۹۳  
 ادیم : ۸۴  
 ار : ۱۲۳، ۷۰  
 ازار : ۱۰۲



انده خوردن : ۱۲۱، ۲۲	الفندن : ۱۲۴، ۱۰۶
انده خوردن : ۱۲۷، ۱۲۲	الفنجیلدن (بلفنجد) : ۲
انده گین : ۱۲۲	امامان : ۲۹
انصاف دادن : ۹۸	امام خلق : ۲۹
انگشت : ۱۰۶	امامی کردن : ۸۸
انگورستان : ۲۰	امانتها : ۳۲
آو : ۱۱۹، ۴۶، ۳۶	امت : ۸۰، ۵۵، ۱۹
اوفتادن : ۶۰	امتان : ۸۲، ۴۱، ۲۹
اوفتادن زیان : ۹۰	امر خدای : ۱۰۱
اوفتادن کارزار : ۸۲	امر معروف فرمودن : ۵
اول مسلمانی : ۶۰	امرها : ۹۰، ۱۴
اولی تر : ۱۰۲	امسال : ۶۴
اومید : ۳۸	امسالینه : ۶۶
اومید داشتن : ۸۶	امی : ۱۱۲
اهل (= زن) : ۷۲	امید داشتن : ۱۱۴، ۸۶
اهل آسمان و زمین : ۱۹	انبازان : ۴۷
اهل انجیل : ۵۷، ۵۵	اندر آملدن : ۷۶، ۶۳، ۴
اهل بهشت : ۸۲، ۴	اندر آملدن روز : ۱۳
اهل تفسیر : ۱۹	اندر بند : ۶
اهل توریت : ۱۱۶، ۷۶، ۲۷	اندر خورده شدن : ۱۱
اهل خانه : ۸۵	اندرز کردن : ۳۲
اهل خیانت : ۹۲	اندرز مرده : ۵۶
اهل دوزخ : ۸۶	اندر شدن : ۶۶
اهل زمی : ۲۵	اندر کردن : ۱۰۶
اهل شریعت : ۴۰	اندر گشتن : ۱۳
اهل صفة : ۱۲۶، ۱۲۲	اندرون : ۲۹، ۱۴، ۷
اهل کتاب : ۳۹	اندر یافتن : ۱۰۲، ۵۰، ۱۵
اهل لغت : ۴۸	اندك : ۱۲۳، ۵۲
ای (تفسیری) : ۷۹، ۶۵	اندکی (مصدری) : ۸۹

ای (ندا) : ۲۳، ۹  
ایام حج : ۶۸، ۲۵  
ایام معدودات : ۷۳  
ایام معلومات : ۷۳  
ایستاده : ۱۰۳، ۹۳  
ایمان آوردن : ۱۹  
ایمن گشتن : ۸۲  
ایمنی : ۳۰  
این جهان : ۱۲۲، ۷۲، ۶

«ب»

باد (فعل) : ۱۳  
بادا : ۱۰۶  
باد سوزان : ۱۲۳  
باران : ۲۷، ۱۹  
باران بزرگ : ۱۲۳  
باران بنیرو : ۱۲۲  
باران خرد : ۱۲۲  
باران سخت : ۱۲۲  
بار خدای : ۱۱۸، ۳۱  
بار خدایا : ۷۲، ۳۰  
بار داشتن : ۹۶  
باریکی ماه : ۶۳  
بازار فرداشتن : ۷۰  
بازرگانی کردن : ۱۲۶، ۱۲۲  
باز شدن : ۱۱۸  
باسور : ۱۰۹  
باشاد (فعل) : ۷۶  
باشدی (فعل) : ۱۲۳، ۱۰  
باطل کردن : ۱۲۱، ۳۸

بریده کردن نژاد : ۷۵	به آسمان بردن : ۷
برینه گشتن : ۴۸	به آشکار : ۳
بزرگ تری : ۱۱۵	به آشکاره : ۱۲۷
بزرگی کردن : ۷۵	به اخلاص : ۱۲۲، ۷۳، ۴۸
بزه : ۹۷، ۵۶، ۶	به ارزانی داشتن : ۱۱۱
بزه بزرگ : ۸۸	به الحاح : ۱۲۲
بزه کار : ۹۱	بهانه ساختن : ۹۲
بزیانند (زیستن) : ۱۳	بهانه کردن : ۱۰۴، ۸
بسمل کردن : ۵۱	بهانه یافتن : ۱۸
بسنده : ۱۱۰، ۸۹	به باطل : ۶۲
بسدیدن : ۵۵	به بانگ افتادن : ۱۱۸
بسیاری : ۱۱۵، ۸۹، ۲۰	به بندی فرمودن : ۲۹
بلاها : ۲۰	به پایان آمدن : ۹۸
بلوی ها : ۷۳، ۲۸	به پایان شدن : ۹۸
بناکردن نماز : ۳۹	به پای داشتن احکام خدای : ۹۸
بندگان : ۱۱۴، ۷۲، ۹	به پای کردن حجت : ۸۱
بندگان روزمداران : ۵۹	به پنهان : ۱۲۵، ۲۳، ۱۷
بندگی : ۸۰	به پهلوی : ۹۳
بندگی کردن : ۳۵، ۲	به تمامی : ۲۱
بنده : ۱۱۶، ۵۲، ۱۱	به جای : ۲۷
بنگاه : ۵۲	به جملگی : ۴۸
بنگاهها : ۵۲	به چیزی گرفتن : ۹۲
بن یاد : ۳۰	به حسد : ۲۰
بودمین : ۲۵	به حقیقت : ۱۰
بودبلی ( فعل ) : ۱۱	به خاصه : ۱۰۳
بوستان : ۱۲۲، ۲۰	به خودی خویش : ۱۰۳
بوی خوش : ۶۸	به دل : ۷۴
به آتش افگندن : ۲۸	به دل اندر داشتن : ۱۰۱
به آتش ... خواندن : ۹۱	به دوستی گرفتن : ۳۲

- به راستی : ۵  
 به رحمت : ۲۶  
 به رغم : ۱۲  
 به روز : ۱۲۲  
 به زنی کردن : ۱۰۱ ، ۹۱  
 به سبب آن را : ۲۱  
 به سر : ۳  
 بهشت جاودان : ۸۰ ، ۹۳  
 بهشت جاودانه : ۱۱  
 بهشت خالص : ۱۱  
 به شك افگندن : ۲۰  
 به شك شدن : ۱۱۷  
 به شمیر برون آمدن : ۵۱  
 به صلاح آرنده : ۹۱  
 به عمدا : ۵۲  
 به کار بردن : ۱۲۰  
 به کام : ۲۵  
 به گاه : ۲۳ ، ۳۲  
 به گمان : ۳  
 به گور کردن : ۴۵ ، ۱۰۵  
 به نقصان افشادن : ۶۲  
 به نماز آمدن : ۸۹  
 به نهان : ۱۲۷  
 به نیرو : ۱۱ ، ۱۲۲  
 به وقت : ۱۰ ، ۲۸ ، ۱۰۳  
 بیان کردن : ۵ ، ۴۲ ، ۹۷  
 بیان گشتن : ۱۶  
 بی جایگاه : ۱۲  
 بیرون آمدن از حرم : ۶۷

پیش دستی کردن : ۲۰	پندرفتن : ۸۶، ۴۱
پیشبینان : ۸۲، ۷۷، ۵	پذیرنده : ۲۵، ۳۱
پیغامبر : ۶۶، ۱۷، ۳	بر آتش : ۱۰۳
پیغامبران گنشتگان : ۱۱۲	بر اگنده : ۱۱۹
پیغامبر خدای : ۱۸، ۱۶	بر ستار : ۹۱
پیغامبری : ۳۷، ۷	بر ستنش : ۸۱
پیمان کردن : ۷۶، ۲۹	بر ستدگان : ۱۵
پیمان گرفتن : ۱۵، ۲	بر سندگان : ۶۳
پیمانانه : ۱۰۹، ۱۰۳	بر کردن شکم : ۱۱۸
پیوستگی ها : ۲۹	برهیز گاران : ۱۰۲، ۵۲
پیوستن خویشی : ۲	برهیز گاری : ۵۳
پیوسته کردن : ۷	بری (ماه) : ۶۳
«ت»	بریان : ۲۵
نار یکپها : ۱۱۶	بس پشت : ۶۳
ناقتن از چیزی : ۷۷	سر خدا : ۲۴
تایان : ۷۱، ۴۶	بشت آدم : ۸۰
تباهی : ۷۵	بشیمانها : ۲۹
تبه کردن : ۹۱، ۱۵	پلبلی کفر : ۲۲
تجاوزکننده : ۴۶	پنج نماز : ۱۰۳، ۴۰
تحریر کردن : ۲۴	پنج يك : ۸۶
تحويل قبله : ۲۵	پوشش : ۸
نحبت مغان : ۱۲	پوشیده : ۳۶، ۶
نخت سلیمان : ۱۵	پویان : ۱۲۰
ترسا : ۲۱، ۵	پیدا آمدن : ۱۱۶، ۹۶، ۲۱
ترسا آن : ۱۱۵، ۳۲، ۲۱	پیدا کرده : ۱۴
ترسانندگان : ۸۰	پیس : ۱۱۳، ۷
ترساننده : ۲۶	پیی بردن : ۱۱۳
ترسایی : ۲۲	پیش آمدن : ۷۶، ۸
ترکت : ۱۰۹	پیش دست : ۴۱

ترنگین : ۱۰۹

تشریق : ۷۳

تعزیت کردن : ۸۱

تقدیر کردن : ۱۷

تمامی : ۱۹، ۶۷، ۱۰۲

تن درست : ۱۳

تنگ کردن : ۱۰۶

تنگ گرفتن : ۲۴

تنگی : ۲۷

توانایی : ۵۷، ۱۱۵

توانگر : ۱۰۲، ۱۲۶

توانگران : ۶۶

توانگری : ۱۰۲، ۱۰۸

ته (= تو) : ۱۲، ۲۵، ۱۱۷

ته خدای : ۳۰

تهلیل : ۷۱

#### «ث»

ثنا کردن : ۳۲، ۷۲

ثواب یافتن : ۲۱

#### «ج»

جادوان : ۱۵، ۱۷۰

جادوی : ۱۶، ۱۷۰

جادو بها : ۱۵، ۱۶

جامه : ۱۰۲

جان سندن : ۷۸

جانوران : ۴۵

جاودان : ۴، ۱۷، ۹۳

جاودانه : ۴۶

جاهلی : ۷۲

حاجت به کسی فرداشتن : ۱۱۴	حقهای خدای : ۷۶
حاجتها : ۳۰	حکایت کردن : ۲۴
حاجیان : ۶۷	حکم خدای : ۷۷
حاکمان : ۹۷، ۶۲	حکم راندن فر کسی : ۲۹
حالتها : ۸۲	حکم کردن فر کسی : ۷۸
حایض شدن : ۹۲	حکما : ۶
حایضی : ۹۲	حکیمی : ۳۱
حجتها : ۲۲	حلال خدای : ۵۰
حج کردن : ۸۷، ۴۴	حلال داشتن : ۷۴، ۶
حج گزاران : ۷۱	حلالها : ۱۲۴، ۵۱
حدود : ۱۰۴	«خ»
حذر کردن : ۱۰۱، ۹۳	خارجی گشتن : ۵۱
حرام خدای : ۵۰	خاره (سنگ) : ۱۲۲
حرام داشتن : ۲۹، ۲۷	خاستن روز راستخیز : ۷۷
حرام کردن : ۷۷، ۲۹	خاک از چیزی بردن : ۱۲۲
حرامی : ۸۸	خاک و گرد : ۱۲۲
حرب اوفتادن : ۸	خالص کردن دین : ۲۲
حرب کردن : ۱۰۷	خالی کردن : ۶۴
حرم : ۷۴، ۶۷	خامش شدن : ۸
حرم کردن : ۶۸	خانمان : ۲۱، ۶
حرم گرفتن : ۶۸، ۶۳	خانهی خزینه : ۱۵
حربص کردن : ۱۰۴، ۸۹	خانهی کلوخین : ۶۳
حربصی : ۱۳، ۱۲	خبر آمدن : ۴
حمد کنندگان : ۲۰	خبر یافتن : ۱۰۶
حق دین : ۱۰	خخته کردن : ۲۸
حق ستاندن : ۱۲۲	خداوند بوستان : ۱۲۳
حق کسی شناختن : ۴	خداوند منت : ۱۱۲، ۱۹
حقومند : ۱۰۸	خدای آسمان : ۱۴، ۷
حقومندتر : ۹۶	

- خدای منت : ۱۰۵  
 خدایی : ۲۵  
 خردکار بستن : ۵۱  
 خرد و مندان : ۷۰ ، ۵۵  
 خردی : ۱۲۳ ، ۱۱۵  
 خرسندی دادن : ۸۱  
 خرف : ۱۲۳  
 خرماستان : ۱۲۳ ، ۶۰ ، ۲۰  
 خرمن موختن : ۷۵  
 خروس : ۱۱۹  
 خروش : ۴۵  
 خربد و فروخت : ۱۱۴  
 خزاین آسمان : ۱۹  
 خزاین زمی : ۱۰  
 خزی : ۶  
 خزینه : ۱۵  
 خشک گردانیدن : ۱۲۳  
 خشم گرفتن : ۷۵ ، ۱۳  
 خشلودی خدای : ۱۲۰ ، ۷۳  
 خشوع : ۱۲۶ ، ۱۲۲  
 خصمان : ۷۵  
 خصومت کردن : ۶۲ ، ۳۵  
 خصومت کن : ۷۵  
 خصومت گرتر : ۷۵  
 خطا کردن : ۶۹  
 خطاها : ۳۱  
 خفته : ۱۱۷ ، ۹۳  
 خلیل گرفتن : ۱۱۸  
 خواب : ۱۱۴ ، ۴۴



دشمناذگی : ۱۷	داد : ۴۱
دشمن دار : ۳۴	داد و استد : ۱۰۲
دشمن داران : ۱۴	داماد : ۹۴
دشمن داری : ۵۳	دانا آن : ۳۹ ، ۳
دشنام : ۶۴ ، ۷۲	دانش : ۵۰ ، ۱۰۸
دشنام داین : ۶۷ ، ۶۹	دانگ : ۵۴
دشوار : ۳۸ ، ۸۳	دانمها : ۱۲۰
دشوار آملن : ۳۶ ، ۸۳	داور : ۲۲ ، ۸۱
دشواری : ۵۸	دبور : ۱۱۹
دعاها : ۲۸ ، ۵۹	دراز : ۱۰۸
دعوت کردن : ۵۰	دراز گرداندن : ۹۸
دعوی کردن : ۱۲ ، ۶۲	درازی : ۱۱۵
دگر : ۶۸	درازی عمر : ۱۳
دل : ۷۵ ، ۱۲۲	دردناک : ۵۲ ، ۶۴
دل شاد شدن : ۱۳	درعها : ۱۱۲
دل کسی آرمیدن : ۱۱۸	درنگ کردن : ۱۱۷
دلها : ۴۹ ، ۱۰۳	دروغ زن : ۷
دلیر : ۵۲	دروغ زن تر : ۳۶
دووخ : ۷ ، ۲۶ ، ۷۵	دروغ کردن سوگند : ۹۴
دووخ جاودان : ۴۸ ، ۷۳	درویش : ۵۸ ، ۱۲۱
دوست تر داشتن : ۴۸	درویشی : ۸۲ ، ۱۰۲
دوست دارنده تر : ۴۷	درویشها : ۵۳
دوست کردن : ۷۹	دریابها : ۷۷
دوستی گامها : ۷۹	دریفها : ۴۹
دوستی نمودن : ۷۴	دست فازداشت (طلاق) : ۹۷
دوستیها : ۴۹ ، ۱۱۴	دست فازداشتن : ۲۱ ، ۷۴ ، ۹۷
دوگرومی : ۵۳ ، ۸۱	دست فراز کسی کردن : ۹۲
دولاب کشیدن : ۶۰	دستوری : ۲۷ ، ۱۱۵ ، ۱۲۴
دهشت : ۷۲	دشمن : ۴۹ ، ۷۷

ده بك : ۱۲۲

دهه‌ی گوسپندكشان : ۷۰، ۷۳

دبت گزاردن : ۵۴

دیدار خدای : ۲۰

دین خدای : ۲۱، ۸۳

دینها : ۳۲

دیو : ۴۹، ۷۷، ۱۱۶

دیوان : ۱۵، ۱۷

## «ذ»

ذبح کردن : ۲۸

ذره‌ی آفتاب : ۸۰

## «ر»

رئسان : ۲۰

راز گفتن : ۵۹

راستخیز : ۳۷، ۷۷، ۱۱۹

راست‌دراه : ۲۱

راه راست : ۳۷، ۸۱

راه سپردن : ۳۲

راه مسلمانی : ۸۱

راه یافتن : ۶۰

رحمها : ۹۵

رخصت دادن : ۵۲، ۸۷

ردای هارون : ۱۰۹

رد کردن : ۸، ۲۴

رزان : ۱۲۳

رستگاران : ۳۲

رستگاری یافتن : ۶۴

زمین خدای : ۷۵	روی نهادن : ۷۶
زنان دست فازداشتگان : ۹۵	روی‌ها : ۱۰۳، ۴۱
زنان کافران : ۹۱	ره : ۶۳
زندگان : ۴۳	ره‌بانان : ۱۲۲
زندگانی : ۵۵	ره‌نمای : ۵۸، ۱۴
زنده : ۱۱۴	ره‌نمایان : ۸۰
زنده کردن : ۱۲۰، ۱۱۷، ۴۷	ره نمود : ۱۲۵
زهرگیا : ۵۰	ره نمودن : ۱۲۲، ۷۱، ۴۱
زی : ۱۲۰، ۱۰۶، ۱۱	ره یافتگان : ۴۱
زیادت دادن : ۱۰۸	ره یافتن : ۸۱، ۳۲
زیادت کردن : ۵۶	ریا : ۱۲۲
زبان : ۹۷	ریختن خون : ۵۵
زبان اوقاتن : ۹۰	«ز»
زبان داشتن : ۷۶	زاد اسپری شدن : ۸۳
زبان‌کاران : ۹۷، ۲۷	زاد فرداشتن : ۷۰
زبان کردن : ۳۱، ۱۷	زاغ : ۱۱۹
زبسن (بزبانند) : ۱۳	زبان آموختن : ۱۱۳
«ژ»	زجه : ۵۸
ژاغر : ۱۱۸	زخم زدن : ۴۵
«س»	زر : ۸۹
ساز : ۱۲۰	زشت کاری : ۷
سایل : ۱۲۱	زفان : ۹۳
سبك خواندن : ۹۲	زکلت دادن : ۲۱
سبك داشتن : ۹۴	زلفتها : ۳۱
سبك کردن : ۴۶	زمان دادن : ۴۶
سبک پیراستن : ۲۸	زمانه : ۲۷
سپاس‌دار : ۴۲	زمستانی : ۱۲۳
سپاس‌داری کردن : ۵۱	زمی : ۱۲۲، ۱۱۵، ۴۶
	زمین : ۱۲۲، ۴۷

سیاس نهادن فر کسی : ۱۰۶، ۱۲۱

سیاس نهنده : ۱۲۱

سپس : ۷، ۲۷، ۱۲۰

سپس از : ۹

سپس پشت افگندن : ۱۵

سپیده دم نخستین : ۶۱

شان : ۹۳

شم کردن : ۵۵، ۹۸

شمگزار : ۵۱، ۶۲

شودن به زبان : ۷۲

شور : ۱۱۰

شیلن (ستیهیلن) : ۶۴

ستیهیلن : ۶۷، ۷۰

سجود کردن : ۲۲

سجود کنندگان : ۲۹

سخت خصومت کن : ۷۵

سخر : ۶، ۶۵

سخره کرده : ۲۷

سخره گرفتن : ۱۰۶، ۱۲۱

سخن : ۱۷، ۹۲

سخنها : ۲۹

سدیگر : ۲۸، ۷۲، ۹۷

سراز علت شستن : ۹۸

سرای فازپسین : ۱۱

سرای بقا : ۹۰

سرای بلا : ۹۰

سرای دنیا : ۲۵

سرای فنا : ۹۰

سرای لقا : ۹۰

شکر کردن : ۱۰۵	سوی : ۷۶، ۷، ۱۲۰
شکر گزاردن : ۵۹	سبری : ۵۱
شکستن پیمان : ۷۶	سیک : ۵۶
شکستن کاروان : ۸۲	سیکی : ۵۲
شکسته : ۱۱۹	سیم : ۸۹
شکندگان عهد : ۱۲	سپه : ۱۱۷
شکیا : ۵۳	«ش»
شکیایی کرد : ۶۸	شارستان : ۲۳
شکیایی کردن : ۵۳، ۲۳	شان : ۷۵، ۲۳، ۱۲۰
شکیائی کنندگان : ۲۳	شب : ۷۱، ۴۷
شمار : ۱۱۱، ۷۳	شبان : ۵۰
شمار کردن : ۸۰، ۴۱	شبانگاه : ۶۰
شمشاد : ۱۰۹	شبانگاهان : ۶۰
شمشیر زخم : ۱۰۳	شب و روز : ۱۲۲
شناسا کردن : ۵۸	شبهنها : ۵۸
شنبه : ۷۶	شیی : ۱۰۲
شنا : ۱۱۷، ۹۲، ۳۰	شتاب کردن : ۱۲۱، ۷۲
شوی : ۹۷	شتاب ناکردن : ۱۰۱
شویان : ۹۷، ۹۵	شد : ۶۷
شوی کردن : ۱۰۲، ۹۶	شدن : ۸۵، ۶۸
شهادت یافتن : ۲۳	شراب : ۱۱۷، ۵۲
شیرین سخن : ۷۲	شرابطها : ۵
شیرین کردن : ۷۹	شرابع دین : ۲۲
«ص»	شرابع مسلمانی : ۷۷
صابران : ۱۱۱	شرطهای خدا : ۶۱
صاع : ۱۲۲، ۵۷	شرك : ۶۷، ۶۵
صبا : ۱۱۹	شرم : ۱۲۲
صبر کردن : ۱۱۱	شست : ۱۲۲
صدقات : ۸۲	شفاعت خواستن : ۱۱۵

صدقه : ۲۱ ، ۱۲۱

صدقه خواستن : ۱۲۲

صدقه دادن : ۶۸ ، ۱۰۶ ، ۱۲۲

صفات بزرگ : ۱۱۲

صفت کردن : ۱۶ ، ۲۳

صفت گردانیده : ۳

صفت : ۱۲۲

صلوة وسطی : ۱۰۳

صلح کردن : ۵۲ ، ۸۷

صلح نامه : ۶۴

صومعهما : ۱۱۲

صید کردن : ۷۲

صید گرفتن : ۶۴

### «ض»

ضایع کردن : ۳۸

ضعیف گشته : ۶۰

### «ط»

طاعت خدای : ۲۳

طاعت داشت : ۲۲

طاعت داشتن : ۲۵ ، ۷۹

طاعت کردن : ۱۲۲

طاعتها : ۳۳ ، ۴۱

طاعون : ۱۰۴

طاقت بودن : ۱۱۱

طاووس : ۱۱۹

طریق : ۶۶ ، ۸۳

طریق حج : ۶۲

طعام خوردن : ۶۰

طلاق اوفتادن : ۹۵

غزو کردن : ۱۲۶،۶۶	عرضه کردن : ۸۰
غلبه کردن : ۱۱۱،۱۰۳	عرفات : ۷۰
غنودن : ۱۱۲	عصای موسی : ۱۰۹
غنیمت : ۸۶،۸۵	عفو خواستن : ۱۲
« ف »	عفو کردن : ۱۲۱،۵۲
فا (با) : ۱۱۳،۲۰،۸	عقد دل فرجیزی بستن : ۹۲
فارغ شدن : ۷۸	عقوبت : ۱۱۶،۹۶،۲۹
فاز ... : ۱۱۹،۹۸،۲۵	عقوبت خدای : ۷۷
فاز آمدن : ۱۲۲،۶۱،۳۷	عقوبت کردن : ۱۰۱،۷۷
فاز آموختن : ۱۱۶	عقوبت کننده : ۱۲۰
فازایستادن : ۱۰۷،۵۵	علامت کننده تر : ۳۵
فازپسین : ۶۱،۵۳	علامتها : ۷۹،۴۴
فازجایی شدن : ۱۱۸	علامتهای پیدا : ۸۱
فازخریدن : ۸۲،۵	علم خدای : ۱۱۵
فازدادن : ۳۲	عمامه هارون : ۱۰۹
فازدارنده : ۲۶،۷	عمره آوردن : ۶۶،۶۲
فازداشت : ۱۱۲،۱۷	عمره بردن : ۶۲
فازداشتن تن : ۹۵	عهد گرفتن : ۶
فازداشتن چنگ از کسی : ۷۶	عهدها : ۵
فازداشتن دست : ۱۰۲	عبال : ۹۰،۶۱
فازداشته : ۱۲۲	عبالان : ۱۲۰
فازرساندن : ۱۱۰،۱۰۹	
فازستدن : ۱۰۲	« غ »
فاز شدن : ۸۲	غازیان : ۱۱۲
فازفرستادن : ۱۱۹	غایب : ۱۲۵
فازگرداندن : ۹۸،۲۷	غایب شدن : ۱۰۳
فازگرفتن : ۷۰،۳۰	غدر کردن : ۸۵
فازگشت : ۱۰۶،۷۸،۴۲	غریبان : ۸۳،۵۳

فازگشتن : ۱۱۸، ۷۰، ۳۸

فازگشتن ازسوگند : ۹۵

فازماندن : ۱۲۲

فازمانده : ۱۲۲

فازیافتن : ۲۱

فاضل تر : ۱۲۱

فاکسی گردآبلن : ۹۵

فام (وام) : ۱۰۶

فام دادن : ۱۲۰، ۱۰۶

فام‌نبکو : ۱۰۶

فایدی ستلن : ۱۲۲

فدا دادن : ۹۷، ۶

فر (بر) : ۱۱۴، ۷۷، ۱۲

فراخ کتنه روزی : ۱۰۸

فراخی : ۲۸، ۲۷

فراز : ۹۳، ۷۹

فراز آمدن : ۸۸، ۲۲

فراز آوردن : ۱۱۷

فراز جایی شدن : ۹۳

فراز زنان شدن : ۹۵

فراز شدن : ۶۱

فراز کسی آوردن : ۱۱۹

فراز کسی شدن : ۹۲

فرا گرفتن کسی را : ۲۱

فرامشت کار : ۳۹

فرامشت کردن : ۲۱

فران (بران) : ۷، ۵

فرانگیختن : ۲۱



فرمان کسی نگه داشتن: ۹۸	فلک: ۱۳
فرمانها: ۲۸، ۲۷	فنا: ۹۰
فرمودن: ۲۹، ۱۱	فهمها: ۸
فر نهادن سرگزید بر کسی: ۶	فی (بی): ۱۱۹، ۱۰۳، ۸۰
فرو (برو): ۱۱۷، ۱۱	فی آمیز: ۳۵
فروود: ۱۱۵، ۴۷	فی آنکه: ۲۰
فروود آمدن: ۱۱۸، ۷۳، ۹	فی اسراف: ۵۵
فرو شدن: ۱۱۷، ۴	فی اندازه: ۸۰
فرو شدن آب: ۱۲۳	فی پدران: ۸۳، ۵۳
فرو شدن آفتاب: ۷۰	فی تقاضا: ۵۵
فرو فرستادن: ۹۹، ۴۵، ۹	فی تقصیر: ۲۸
فریاد رسید: ۲۷	فیچاره: ۵۱
فریشتگان: ۱۱۵، ۲۵، ۱۳	فی چاره ماندن: ۱۲۳
فریشته: ۱۱۷، ۱۳	فی خردان: ۵۰
فریضگی: ۵۷	فبداد: ۶۵، ۶
فریضه: ۱۰۴، ۵	فبداد کردن: ۶۵
فریضه کردن: ۱۰۷، ۵۲	فبداد گران: ۱۲۶، ۴۸، ۱۲
فریضهها: ۹۷، ۴۳، ۳۲	فی راهان: ۵۰
فرین (براین): ۱۱۷	فی زاد: ۷۰
فروتن: ۱۱۸، ۱۰۶	فیزار: ۷۸
فرونی دادن: ۲۷	فیزار شدن: ۷۶، ۴۹، ۴۸
فساد کردن: ۷۵	فیزار گشتن: ۲۹
فسوس کردن: ۷۹	فی سر: ۱۱۹
فضل: ۱۱۱، ۵۲	فی عیبی: ۱۶
فضول: ۶۹	فی فرمان: ۱۱
فضیلت: ۹۶	فی فرمانان: ۱۱۱
فعل بد: ۷۵، ۲۳	فی فرمانی کردن: ۵۹
فلان: ۲۳	فیگانگان: ۲۰

فی گمان : ۷۷، ۱۱۱، ۱۱۸

فی گمانان : ۲۶

فی گنه : ۷۴

فی نیاز : ۷۰، ۱۲۱

## «ق»

قادری : ۱۹، ۱۱۵، ۱۲۲

قبله‌ی خدای : ۲۴، ۲۶

قرار گرفتن : ۱۰۹

قربان کردن : ۶۸

قربانها : ۶۷

قربانی فرستادن : ۶۸

قربنان : ۱۱۶

قصاص کردن : ۵۲، ۶۶

قصه کردن : ۶۸، ۱۲۲

قصه فرداشتن : ۵۲

قصه کردن : ۵۹

قضا کردن : ۶۱، ۹۳

قضای خدای : ۲۸، ۲۲

قول خدای : ۲۱

قوی : ۷۷، ۱۲۰

قوی کردن : ۱۱۳

قیامت : ۲۳، ۲۸

قیام کردن : ۱۹

## «ک»

کابین : ۹۷، ۱۰۰

گردون : ۱۰۹	کشندگان : ۵۲، ۱۰
گرفت کردن : ۶۶	کشنده : ۵۵
گرفتن به چیزی : ۹۲	کفارت : ۹۵، ۲۳
گرمای گرم : ۱۱۰	کفایت کردن : ۳۵
گروش : ۸۶	کفر : ۱۱۶، ۷۷
گرویدگان : ۱۱۳، ۵۲، ۱۸	کفرجویندگان : ۸
گزارد : ۹۷، ۳۷	کفرها : ۲۹
گزاردن دبت : ۵۲	کلمت اخلاص : ۳۲
گزاردن شکر : ۵۹	کلوخین : ۶۳
گزنده : ۶۸	کلیسا : ۱۱۲
گزیدگان : ۸۱	کلیکی : ۹۳
گزیده : ۳۷	کناره دریا : ۱۱۸
گشتن از مسلمانی : ۸۶	کنده : ۱۰۳، ۸۷
گفتار خدای : ۱۲۲، ۲۰	کنشت : ۱۱۲
گمان بردن : ۸۱، ۷۱، ۱۷	کبیت : ۹۹، ۶۰
گمان نیکو : ۶۷	کوه : ۱۱۹، ۷۱، ۱۰
گم بودگان : ۷۱، ۵۰	کهتران : ۴۸، ۳
گم بودگی : ۸۰	
گم بودگیها : ۵۸	«ک»
گناه از کسی نهادن : ۵۲	گاوردس : ۱۲۴
گناهان : ۹۳، ۶۱، ۱۲	گذشت : ۹۶
گندم : ۱۲۲، ۵۷	گذشتگان : ۱۱۲
گنده شدن : ۱۰۵	گردآمدن فازنان : ۹۲، ۶۱
گنگان : ۵۰	گردآمدن فاکسی : ۹۵، ۶۱
گنه : ۷۲، ۳۳	گردآوردن : ۱۲۲
گنه کردن : ۶۷	گرد ایستادن : ۶۲
گوا : ۱۰۰	گرد کردن : ۱۱۷
گوا آوردن : ۲۰	گردن برده تر : ۲۳

- گوا داشتن : ۶۲  
 گواهی : ۳۶، ۹۶  
 گواهی دادن : ۳۱، ۳۳  
 گور کردن : ۸۷  
 گورها : ۱۰۳  
 گوسالگان : ۱۰۹  
 گوساله پرستیدن : ۱۰، ۷۹  
 گوسپند : ۵۰، ۷۲  
 گوسپند کشان : ۷۰، ۷۲  
 گوش داشتن : ۱۷، ۱۸  
 گوش کردن : ۵۰  
 گوشه استوار : ۱۱۶  
 گونه : ۹۳  
 گجا : ۵۰

## «ل»

- لبدریا : ۱۱۸  
 لنت یافتن : ۸۸  
 لشکر : ۱۰۹، ۱۱۱  
 لشکر کشیدن : ۱۱۰  
 لعنت از کسی فرخاستن : ۲۶  
 لعنت کنندگان : ۲۵  
 لقا : ۹۰  
 لوح المحفوظ : ۵۸

## «م»

- ماد (ه) خر : ۷۵  
 ماد (ه) گاو : ۱۰۹

مردار : ۱۱۸، ۵۱	معتکف نشستن : ۶۱
مردان کافران : ۹۱	معصبت کردن : ۷۵، ۱۰
مردگان : ۱۱۹، ۴۳	معصبتها : ۶۲
مرده : ۱۱۷، ۵۶	معلمان : ۸۰
مرغان هوا : ۱۱۸	مغان : ۱۱۶، ۳۷، ۱۲
مرگ آمدن کسی را : ۱۰۳، ۳۳	مفسران : ۱۰۰، ۴۷، ۱۱
مرگ بر کسی فرافگندن : ۱۰۴	مقامری کردن : ۸۸
مرگی : ۱۲۰، ۱۰۵، ۹۳	مقرآمدن : ۱۱۰، ۸۰، ۳
مزکت : ۱۲۶، ۷۱، ۲۳	مقرشدن : ۱۳
مزکتها : ۱۱۲	مقیمان : ۲۹
مزکد : ۳۹، ۳۲	مکاتبان : ۵۳
مزه گردانیدن : ۱۱۷	مکافات رسانیدن : ۳۶
مژده دادن : ۹۳، ۴۳	مگر : ۱۰۷، ۹۶، ۳
مژده دهندگان : ۸۰	ملامت کردن : ۸۵
مژده دهنده : ۲۶، ۱۲	مملکت داران : ۱۱۴
مسافران : ۸۳، ۶۹	من (وزن) : ۶۸، ۵۷
مستجاب کردن دعا : ۱۰۴	مناجات کردن : ۱۱۳
مست کردن : ۸۹	منازلها : ۲۹
مستوجب شدن : ۹۲، ۷۷، ۹	مناقان : ۱۲۲، ۷۹، ۳۸
مسکنها : ۱۰۵، ۷۳	مناقب : ۱۱۲
مسلمانان : ۵۱، ۱۶	منت پذیرفتن : ۷۹
مسلمانی : ۱۱۶، ۷۷، ۲۰	منت خدای : ۹۹
مشرکن : ۷۹، ۳۶، ۷۱	منت نهادن : ۱۹
مصدق داشتن : ۲۷	من خدای : ۱۲۱، ۱۰۵، ۷
مصیبتها : ۸۱، ۴۳	منسوخ شدن : ۱۲۶، ۵۸
مضمضه کردن : ۲۸	منسوخ کردن : ۶۳، ۱۹
مطیعان : ۲	منسوخ گشتن : ۱۰۴
معاینه شدن مرکسی را : ۱۱۸، ۴۸	منش خوش : ۱۰۶

منفعت کردن : ۱۲۳، ۲۷

منفعت گرفتن : ۶۸

منفعت ناک تر : ۱۹

منکر شدن : ۳۳، ۱۲، ۸

منکری : ۷۷

مواعظ : ۴۲

موج زدن : ۱۱۸

موحدان : ۱۱۶، ۷۴، ۱۸

مومنان : ۱۱۶، ۴۵، ۸

مومنی : ۲۰

موی استردن : ۲۸

موی ستردن : ۶۷

موی زهار : ۲۸

موی زیر کش : ۲۸

مه (کفیه) : ۸۲، ۸۳

مهاجریان : ۱۲۶، ۱۲۲

مهران : ۷۹، ۳۷، ۳

مهربان : ۷۶، ۴

مهر کردن : ۸۳

مهرگان : ۱۲

مهمان : ۸۸

می : ۸۸

میان : ۹۸، ۴۰، ۱۲

میانگی (نماز) : ۱۰۳

میراث خواران : ۵۶

میراث خواره : ۵۶

میراندن : ۱۰۵

مبعاد نهادن : ۱۰۱

نفته کردن : ۱۱۲، ۶۶	نبشته : ۸۲
نقصان کردن : ۹۰	نسی : ۵۰، ۳۱
نگاه دارنده : ۱۱۴	نجات یافتن : ۶۴
نگاه داشت : ۹۰	نخستین : ۸۲، ۶۱
نگرستن : ۳۸	ندا آمدن : ۱۱۷
نگوسار : ۴	نردبان نهادن : ۲۰
نگه داشت : ۱۱۴، ۹۱	نرم گردانیدن : ۱۱۲
نگه داشتن : ۹۵، ۲۶	نزد : ۳۶، ۸
نگه داشتن فرمان : ۹۸	نزدیک : ۷۱، ۵
نماز : ۱۰۳، ۷۴، ۲۲	نزدیک آمدن : ۹۸، ۵۵
نماز بامدادین : ۱۰۳	نزدیک کردن : ۲۶
نماز پیشین : ۱۰۳	نژاد : ۱۰۴، ۷۵، ۱۵
نماز خدای : ۸۸	نژاد مملکت : ۱۰۸
نماز خفتن : ۶۰	نژاد نبوت : ۱۰۸
نماز دیگر : ۱۰۳، ۷۳	نسل : ۷۵
نماز شام : ۸۸	نشاط آمدن : ۸۲
نماز شب کردن : ۳۹	نشانیدن بوستان : ۱۲۴
نماز کردن : ۱۰۳، ۴۱، ۲۲	نشانیدن گرسنگی : ۵۱
نماز کنندگان : ۲۹	نشانی نمودن : ۱۱۷
نمازگزاردن : ۵۳، ۲۱	نشانیها : ۱۲۲، ۴۷، ۷
نمازبانگی : ۱۰۳	نشسته : ۹۳
نور : ۱۱۶	نصرت دادن : ۶۶
نوروز : ۱۲	نصیب دادن : ۳۹
نوروز خوردن : ۱۲	نعمتها : ۱۱۴، ۵۱
نوسپاس : ۱۱۴، ۴۳	نقابه : ۱۲۴
نوشدن (ماه) : ۶۳	نققات : ۱۲۱
نوکام : ۷۹، ۲۵	نفته : ۱۲۰، ۶۶
نوکام داشتن : ۱۰۷، ۸۳	نفته دادن : ۱۰۲

نیرکنده : ۲۵

نومبد شلن : ۶۷

نومبد کردن : ۴۶

نون : ۴۰

نهننگی : ۱۲۶

نهی کردن : ۷۷، ۱۸

نهیها : ۹۰، ۵۱، ۱۲

نی : ۱۲۱، ۹۲، ۲۲

نیت کردن : ۹۳، ۶۱

نیتها : ۱۲۵، ۱۰۶، ۲۲

نیرنجهها : ۱۵، ۱۶

نیکو : ۹۳، ۶۷

نیکوتر نام نهنده تر : ۳۵

نیکوداشت : ۹۶

نیکوکلزان : ۶۷

نیکوکاری : ۱۰۲، ۷۲

نیکوگمانان : ۶۷

نیکوی کردن : ۷۰، ۴

نیکویی : ۱۰۱

نیکی : ۱۰۶، ۲۱

نیکی کردن : ۲۵

نیکبها : ۲۱

## « و »

وا (با) : ۲۰

واپسین : ۱۲۱

واجب شلن : ۲۹

واجب کردن : ۱۰۲، ۶۹، ۵۰



باد کرد : ۶۱، ۲۲	هلاک شدن : ۶۶
باد کردن : ۹۳، ۷۰، ۴	هلاک کردن : ۶۶
باران پیغامبر : ۲۳	هلاکت کننده : ۸۸
باری خواستن : ۲۳	هلال : ۶۳
باری دادن : ۱۲۳، ۶	همباز گرفتن : ۶۷
باری ده : ۱۱۰، ۲۶	همتا گرفتن : ۲۷
بتمان : ۹۰، ۴	هنوز : ۸۵
بتمان فی پدران : ۲	هولناک : ۶۵
بفین دل : ۱۲۲	هیچیز : ۹۰، ۲۲
بکی بودن : ۴۰	هیچیزی : ۲۱
بگانیگی خدای : ۱۱۶، ۹۱، ۳۲	«ی»
بله کردن : ۹۸، ۷۶، ۵۲	یادداشتن : ۹۲، ۲۲

## لفات و ترکیات

### «آ»

الآخرة - آن جهان : ۷، ۹۰

آمن - بگروید : ۱۱۳

آمنوا - استوار دارید : ۹

آمنوا - بگرویدید : ۵۱، ۷۷، ۱۲۱

الآیات - امرها و نهیها : ۹۰

الآیات - نشانیها و عبرتها : ۶۲، ۱۲۲

آیات بینات - آیتهای پیدا کرده : ۱۴

آیه - نشانی : ۱۱۰، ۱۱۷

### «ا»

ابتغاء - جستار : ۱۲۶

ابتغوا - بجوید : ۶۱

ابتلی - آزمایش کرد : ۲۷

ابعث - بفرست : ۳۱

ابناء - فرزندان : ۱۰۷

ابن السیل - غریبان : ۵۳، ۸۳

ابواب - درها : ۶۴

اتبعوا - فرمان بردار باشید : ۵۰

انقوا - بترسید : ۲۷، ۶۹

الیم - دردناک : ۵۲، ۱۸	اذن - دستوری : ۱۱۵
امانی : آرزوها : ۲۱	اذی - ناخوشی : ۹۲
امتم - بیم از شما بشود : ۱۰۳	ارزق - روزی ده : ۳۰
الاموال - خواستهما : ۱۲۶، ۱۲۱، ۴۳	الارض - زمی : ۱۲۴، ۷۵، ۴۶
امیون - نادانان : ۳	ارنی - بنمای مرمر : ۱۱۸
انالله - ما مرخدای راییم : ۲۲	ازواجهن - شویان شان : ۹۹
انتم لباس لهن - شما آرام ایشان (اید) : ۶۱	اساری - اسیران اندربند : ۶
انداد - همتا : ۲۷	الاسباب - پیوستگیها : ۲۹
انزل - فرود آمد : ۳۴	استعینوا - یاری خواهید : ۴۳
انزل - فروفرستاد : ۹۹	استمسک - چنگ اندر... زده باشد : ۱۱۶
انقصام - بریدن : ۱۱۶	اشد - سخت : ۶۵، ۶
الانهار - آبهای روان : ۱۲۳	اشکروا - سپاس دار باشید : ۲۲
اولی الالباب - خردمندان : ۵۵	اشکرو - سپاس داری کنید : ۵۱
ایام معدودات - روزگارهای شمرده : ۵۷	اصابه الکبر - پیر گردد و خرف شود : ۱۲۳
ایام معلومات - روزگارهای دمه : ۷۳	اصحاب النار - اهل دوزخ : ۸۶
ایمان - گروهش : ۳۸، ۲۰	اصطفیاه - مامرو را بگزیدیم : ۳۲
ایمان - سوگندان : ۹۴	اصطفیه - بگزید مرو را : ۱۰۸
	اصفحوا - دست فاز دارید : ۲۱
«ب»	اظلم - ستمگاران و گردن برده تر : ۲۳
الباسا - درویشها : ۵۳	اعجبتمکم - شما را خوش آید : ۹۱
بئس المصیر - بدجای فاز گشتا : ۳۰	اعصار - بادسوزان : ۱۲۳
بئس المهاد - بد آرام جایا : ۷۵	اعتاب - رزان : ۱۲۳
باشروهن - گرد آید فازنان : ۶۱	افرخ - به ارزانی دار : ۱۱۱
بدیع السموات والارض - نوکندهی آسمانها و	اقدامنا - پایهای ما : ۱۱۱
زمیها : ۲۵	اقرب - اولی تر، نزدیکتر : ۱۰۲
برزوا - برون شدند : ۱۱۱	الاقربین - خوبشان : ۵۵
بشر - مژده ده : ۹۳، ۴۳	الاقربین - خوبشان نزدیکتر : ۸۳
بشری - مژده دهنده : ۱۴	اقیموا الصلوة - نماز... بگزارید : ۵، ۲۱
	الوف - هزاران : ۱۰۵

- بشیر - مژده دهنده : ۲۶  
 بعید - دور از راه راست : ۵۳  
 بغیر حساب - فی شمار، فی اندازه : ۸۰  
 بلد آتنا - جایگاه ایمنی : ۳۰  
 بیع : خرید و فروخت : ۱۱۴  
 الیئات - نشانیها و برهانها : ۱۱۳، ۱۰  
 الیوت - خانه‌ها : ۶۴

### «ت»

- تبروا - فیزار گشتند : ۴۹  
 تبین - پیدا آمد : ۱۱۶  
 تخفیف - آسانی : ۵۵  
 تراب - خاك و گرد : ۱۲۲  
 نشابهت - مانده گشت : ۲۵  
 تعفف : نهفتگی : ۱۲۶  
 تعفوا - دست فازدارد : ۱۰۲  
 تعقلون - اندر باید : ۱۰۴  
 تفلحون - رستگاری باید : ۶۴  
 نقطعت - برینه گردد : ۴۸  
 نهتدون - ره یافتگان باشید : ۴۲

### «ث»

- ثبت - نگاه‌دار : ۱۱۱  
 الثمرات - میوه‌ها و برها : ۳۰، ۲۳

### «ج»

- جزاه - پاداش ، پاداشن : ۶۵  
 جناح - یزه : ۴۲، ۹۷  
 جنود - لشکر، قوم : ۱۱۰، ۱۱۱  
 جنة - بوستان : ۱۲۲

دیار - سرای‌ها : ۱۰۷

## «ذ»

ذریه - فرزندان : ۱۲۳، ۲۹

ذو فضل - خداوندمنت : ۱۱۲

ذوی القربی - خویشان : ۵۳

## «ر»

رب - خدای ، بارخدای : ۱۱۸، ۱۱۱، ۴۲

رحمت - آمرزش و بخشایش : ۵۵، ۴۲

ر.ه - بخشاینده : ۴۶

الرحیم - بخشاینده : ۵۲، ۳۱

الرحیم - مهربان : ۴۶

رزقناکم - روزی کرد ستیمان : ۱۱۲

الرفث - گرد آمدن : ۶۰

رکبان - فرشت ستوران : ۱۰۳

الریاح - باده‌ها : ۴۷

## «ز»

زوج - شوی : ۹۷

## «س»

السائلین - خواهندگان : ۵۳

السحر - جادوی : ۱۶

سرا - به‌پنهان، نهان : ۱۲۷، ۱۰۱

سعة - توانگری : ۱۰۸

السمیع - شنوای : ۹۴، ۳۰

## «ش»

شقاق - دشمن داری : ۵۳

الشیاطین - دیوان : ۱۵

## «ص»

الصابرین - شکیبایی کنندگان : ۴۳

الصالحین - نیکان : ۳۲

الصبر - شکیبائی کردن : ۴۳

صبر - شکیبائی : ۱۱۱

صراط مستقیم - راه راست، راه مسلمانی : ۸۱

صفوان - سنگ : ۱۶۵

صلاة وسطی - نماز پیشین : ۱۰۳

الصلوات - پنج نماز : ۱۰۳

الصلوة - نماز کردن : ۴۳

الصلوة الوسطی - نماز بامدادین ، نماز دیگر

نماز میانگی : ۱۰۳

صم - کر : ۵۰

الصیام - روزه : ۵۷

## «ض»

الضالین - گم بودگان : ۷۱

الضرا - بیمارها : ۵۳

ضل - گم کرد : ۲۰

## «ط»

طاغوت - دبو : ۱۱۶

طل - باران خرد : ۱۲۲

الطلاق - دست فزداشت : ۹۷

طلقمومن - دست فاز داربد زنان را : ۱۰۲

## «ظ»

ظالمون - ستمگاران : ۱۰  
الظالمون - زیان کاران : ۹۷  
الظالمین - فدادگران : ۲۹، ۱۲  
الظلمات - تاریکی : ۱۱۶

### «ع»

الماالمین - اهل زمانه : ۲۷  
عدو - دشمن دار، دشمن : ۷۷، ۱۲  
عدومیین - دشمن پیدای : ۲۹  
العروة الوثقی - گوشه‌ی استوار : ۱۱۶  
المر - دشواری : ۵۸  
عصینا - عاصی شدیم ، فی فرمان شدیم : ۱۱  
العظام - استخوانها : ۱۱۷  
علائیه - آشکاره : ۱۲۷  
علی - فا : ۵۳  
علی - فر (بر) : ۱۱۹، ۱۱۲  
علیک - فرته : ۱۱۲  
علیم - دانا : ۳۰، ۱۲  
عند - زی : ۲۱

### «غ»

غضب - خشم : ۹  
غفور - آمرزگار : ۵۲ - ۸۶  
غلف - پوشش : ۸  
غمام - ابرسپید : ۷۸  
غنی - فی نیاز : ۱۲۱

### «ف»

کلم الله - خدای فا اوسخن گفت : ۱۱۳

## « ل »

لأنحلقوا - مسترید : ۶۷

لأنظلمون - فیداد مکنید : ۱۲۶

لأنعتدوا - فی داد مکنید : ۶۵

لأنقربوهن - فرازایشان مشوید : ۹۲

لأنكفرون - نوسپاس مشوید : ۲۳

لأنصوا - دست فاز مدارید : ۱۰۲

لأنكحوا - به زنی مکنید : ۹۱

لأمة - پرستار : ۹۱

لأبجل - نشاید : ۹۷، ۸۹

لأیستطیعون - مایه ندارند : ۱۲۶

لباس لكم - آرام شما اند : ۶۱

لیطمئن قلبی - نادلم پیار آمد : ۱۱۸

اللیل - شب : ۲۷

المال - خواسته : ۵۳

## « م »

مبشرین - مرزده دهندگان : ۸۰

مبین - پیدای : ۷۷، ۲۹

المتطهرین - پاکان : ۹۳

المتقون - پرهیزگاران : ۵۲، ۶۶

مثابة - جایگاه : ۲۹

المحسنین - نیکوکاران، نیکوگمانان : ۶۷

مخلصون - فی آمیز : ۳۵

المساجد - مزکتهها : ۶۱

مساکین - درویشان : ۴، ۵۳

المسجد - مزکد : ۳۹

المشرق - آفتاب فرآمدن : ۵۳

المشرق - جایگاه آفتاب فرآمدن : ۲۲

مصدق - استوار دارنده : ۱۵

مصلی - جایگاه نماز : ۲۹

المطلقات - زنان دست فازداشتگان : ۹۵

المعتدین - فی دادگران : ۶۵

المعروف - کابین : ۱۰۰

المعروف - مقدار فی اسراف : ۵۵

المغرب - (جایگاه) آفتاب فروشدن : ۲۲

المغفرة - آمرزش : ۵۲، ۹۲

مقام - جایگاه : ۲۹

المقتر - درویش : ۱۰۲

ملئكة - فریشتگان : ۱۴

ملة - هر راهی را که سپرند : ۳۲

الملك - پادشایی : ۱۰۸، ۱۱۲

منذرين - ترسانندگان : ۸۰

منع - فازداشتن : ۲۳

الموت - مرگ : ۱۲، ۵۵

الموتی - مردگان : ۱۱۸

الموسع - توانگر : ۱۰۲

المومنین - استوار دارندگان مرخدای را : ۹۳

مهاد - آرام جا : ۷۵

المینه - مردار : ۵۱

میثاق - پیمان : ۲

## « ن »

النار - دوزخ جاودان، آتش : ۲۹، ۵۲

وابع - فراخ کتندی روزی : ۱۰۸	نتبع - ما فرمان بردار باشیم : ۵۰
الوالدین - مادر و پدر : ۵۵، ۲	نخبل - خرماستان : ۱۲۳
وجه الله - روی خدای : ۱۲۶	نذیر - ترساننده : ۲۶
وصی - اندرز کرد : ۳۲	نزل - فرو فرستاد : ۵۲
« ی »	نصیر - یاری ده : ۲۶
یابنک - یابند زی نه : ۱۲۰	نکسوها - یوشیم (مرآن استخوانهارا) : ۱۱۷
یدلونه - کش بگردانند : ۵۶	نومن - ما استوار داریم : ۹
یصط - فراخ کند : ۱۰۶	« ه »
البنامی - فی پندان : ۸۳، ۵۳	هدی - ره نمای : ۱۲
بسخرون - فسوس همی کنند : ۷۹	هدیکم - شناسا کرد مر شمارا : ۵۸
الیر - آسانی : ۵۸	هزموهم - بشکستندشان : ۱۱۱
یوم الآخر - روز قاز پسین : ۱۲۲، ۵۳	« و »
اليوم الآخر - روز راستخیز : ۹۶	وابل - باران سخت : ۱۲۲
یوم القيامة - آن جهان : ۵۲	وابل - بارانی بنبرو : ۱۲۲
یوم القيامة - روز راستخیز : ۶، ۲۲، ۷۹	



## لغات و ترکیبات فارسی بخش دوم

### « آ »

آب : ۱۶۱، ۱۶۵

آتش : ۱۳۹، ۱۶۵

آراسته : ۱۵۳

آرامش : ۱۶۱

آرام‌گاه : ۱۵۲

آرزو کردن : ۱۳۲

آرزوها : ۱۳۶

آزمون کردن : ۱۳۸، ۱۶۱

آسانی : ۱۴۸

آسایش : ۱۶۳

آسمانها : ۱۶۳

آشتی : ۱۵۳

آشکارا : ۱۴۵

آفریدگار : ۱۳۷

آگاه : ۱۵۸

آمزش : ۱۴۶

آمرزگار : ۱۴۶، ۱۴۸

آمرزنده : ۱۵۵

آمزش : ۱۶۲

آموزاندن : ۱۳۵، ۱۴۳

آنجهان : ۱۳۵، ۱۵۵

آهنگ کردن : ۱۵۸

### « ا »

ابر روان کرده : ۱۴۲

احرام بستن : ۱۵۱

اختلاف : ۱۴۲

اختلاف کردن : ۱۶۲

ادا کردن : ۱۴۷

ارجمند : ۱۵۳، ۱۵۷

از بیرون خدای : ۱۳۶

از پس : ۱۳۳، ۱۳۹

از پس پشت : ۱۳۵، ۱۴۹

از پیش : ۱۶۲

از حد در گذشتن : ۱۳۲، ۱۴۶

از دون : ۱۳۲

- استخوانها : ۱۶۳  
 اسیران : ۱۳۲  
 اصلاح کردن : ۱۵۶  
 افزون جستن : ۱۳۳، ۱۴۶  
 افزونی دادن : ۱۶۲  
 افسوس : ۱۵۸  
 امامی دادن : ۱۴۸  
 امروز : ۱۶۱  
 امرها : ۱۵۷  
 امیدداشتن : ۱۵۵  
 انباز گرفتن : ۱۳۲، ۱۴۴  
 انتظار کردن : ۱۵۶  
 انداختن : ۱۳۴  
 اندازها : ۱۵۷  
 اندر آموختن : ۱۳۹  
 اندر بندگان : ۱۴۷  
 اندر پذیرفتن : ۱۴۴  
 اندرز کردن : ۱۳۹  
 اندر شدن : ۱۳۶، ۱۳۷  
 اندر کردن : ۱۳۳  
 اندر گذشتن : ۱۳۶  
 انك : ۱۳۱، ۱۳۹  
 اندمگین شدن : ۱۶۴، ۱۶۶  
 اندیشه کردن : ۱۵۵، ۱۶۵  
 اولتر : ۱۶۱  
 اهل آتش : ۱۵۴  
 اهل کتاب : ۱۳۵  
 ایام تشریق : ۱۵۲

بالا : ۱۵۳	بزرگی جستن : ۱۳۲
بالایی : ۱۶۵	بزه : ۱۵۲، ۱۴۶، ۱۳۲
بامداد : ۱۴۹	بژه : ۱۵۵
بانگ کردن : ۱۴۵	بستن نکاح : ۱۵۹
باور دارندگان : ۱۶۱	ببزا : ۱۶۲
باهم بردن : ۱۶۴	ببسته : ۱۵۲
بت : ۱۶۳	ببیار ده : ۱۴۴
بت پرست : ۱۵۵	ببشارت دهنده : ۱۳۷
بخش : ۱۵۲	ببگردیدن : ۱۶۳
بخشاینده : ۱۳۹	ببگرونده : ۱۵۸
بدل کردن : ۱۵۲، ۱۴۷، ۱۳۶	بلکه : ۱۶۳
بدن : ۱۶۱	بلند : ۱۶۳
برابری : ۱۴۷	ببندگان : ۱۳۳
برانگیختن : ۱۶۰	ببنده : ۱۵۵
برخند بودن : ۱۵۸	ببنیان برداشتن : ۱۳۹
برخواندن : ۱۳۹	ببنبرو : ۱۳۳
برخورداري : ۱۵۹	بوستان : ۱۶۵
برخورداري دادن : ۱۳۹	بوکه : ۱۴۷
برخی : ۱۶۲	بهانه : ۱۵۶
برداشتن : ۱۳۳	بهای : ۱۳۱
برداشتن منزلت : ۱۶۲	بهای اندك : ۱۴۶
بردیختن : ۱۶۱	به پای داشتن حکما و حلما : ۱۵۷
برگزیدن : ۱۶۱	به پای داشتن نماز : ۱۳۶، ۱۳۱
برگشت : ۱۵۴	به جای آرندگان : ۱۴۷
برگشتن : ۱۵۴	به جای داشتن : ۱۶۱
برنشته : ۱۵۹	بهحق : ۱۴۶
بزرگ فطره : ۱۶۵	به در کردن : ۱۵۹
بزرگ گناه : ۱۵۴	به دروغ گفتن : ۱۳۲

بهر: ۱۶۲

به‌درستی: ۱۶۰، ۱۳۵

به‌راستی: ۱۵۳

به‌زنی دادن: ۱۵۵

به‌زنی کردن: ۱۵۵

بهشت: ۱۵۵

به‌صلاح آوردن: ۱۵۵

به‌صلاح شدن: ۱۴۴

به‌گمانان: ۱۳۱

به‌لفو: ۱۵۶

به‌نیرومند کردن: ۱۶۲

به‌یقین بودن: ۱۶۱

بی‌آگاهی: ۱۴۱، ۱۳۲

بیان: ۱۵۸

بیان کردن: ۱۵۷، ۱۴۴

بی‌پندان: ۱۵۴، ۱۴۶

بیچاره کردن: ۱۳۹

بی‌حساب: ۱۵۳

بی‌خردان: ۱۴۵

بیرون آمدن: ۱۶۱

بیرون آوردن: ۱۶۵، ۱۶۳

بیرون آینده: ۱۴۵

بیرون شدن: ۱۴۲

بیرون کردن: ۱۳۲

بیشتر: ۱۶۰

بیماری: ۱۵۴

بیم‌کننده: ۱۳۷

پس روی کردن : ۱۲۵، ۱۲۱	تشریق : ۱۵۲
پند دهنده : ۱۵۸	تعریض کردن : ۱۵۸
پند گرفتن : ۱۵۵	تقاضا کردن : ۱۲۷
پنهان : ۱۶۶	تقرب کردن : ۱۲۲
پوشش : ۱۲۸	تکبیر گفتن : ۱۲۸
پوشیدن حق : ۱۲۲	تمام کردن : ۱۲۳، ۱۲۹
پیاده : ۱۵۹	تن : ۱۳۸
پیدا : ۱۶۲، ۱۳۲	تنگ کردن روزی : ۱۶۰
پیدا کردن : ۱۶۳	تنگ و دشوار گرفتن : ۱۵۵
پیروی کردن : ۱۳۸	توانا : ۱۶۲
پیری : ۱۶۵	توانگر : ۱۵۹
پیشرو : ۱۳۸	توبه دادن : ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۹
پیغامبر : ۱۶۰	توبه دهنده : ۳۹، ۱۲۲
پیمان گرفتن : ۱۳۲	توبه کاران : ۱۵۶
پیوستگی : ۱۲۵	توبه کردن : ۱۲۲
	تیز : ۱۶۵
«ت»	
تاخیر کردن :	«ث»
تاخیر کننده عقوبت : ۱۶۲، ۱۵۸	ثابت گردانیدن : ۱۶۵
تاریکیهای ضلالت : ۱۶۳	ثواب گاه : ۱۳۸
تباه شدن : ۱۶۲	
ترس : ۱۶۲	«ج»
ترسانندگان : ۱۵۳	جادوی : ۱۳۵
ترسایان : ۱۳۶	جاوید : ۱۲۲
ترسکار : ۱۵۲	جاویدان : ۱۵۵
ترسکاران : ۱۶۰، ۱۳۷، ۱۲۷	جای باز شدن : ۱۳۹
تزکیت : ۱۴۱	جایگاه : ۱۳۸، ۱۴۹
تسخیر کردن : ۱۵۳	

- جدا کردن : ۱۳۵  
 جدا کننده : ۱۴۸  
 جزا دادن : ۱۳۸  
 جستن خشتودی : ۱۶۵  
 جستن رضا : ۱۶۶  
 جمله : ۱۵۹  
 جنبه : ۱۴۴  
 جوی : ۱۶۱  
 جویهای آب : ۱۶۵  
 جهاد : ۱۵۵  
 جهانیان : ۱۶۲، ۱۳۹، ۱۳۸  
 جهودان : ۱۳۶  
 چشم برهم نهادن : ۱۶۵  
 چشم داشتن : ۱۵۳

### «ح»

- حاضران : ۱۳۹، ۱۳۲  
 حاضر شدن مرگ : ۱۳۹  
 حجت آوردن : ۱۴۰، ۱۳۶  
 حجتها : ۱۶۰، ۱۴۴، ۱۳۲  
 حجتهای پیدا : ۱۳۲  
 حجتهای روشن : ۱۵۳  
 حج کردن : ۱۴۳  
 حرام کردن : ۱۴۶  
 حسرتها : ۱۴۵  
 حشر کرده : ۱۵۲  
 حکمت : ۱۳۹  
 حکم کردن : ۱۵۳

دست در زدن : ۱۶۳	خون ریختن : ۱۳۲
دستوری : ۱۶۱	خوبش : ۱۶۱، ۱۵۴
دشمن : ۱۵۳، ۱۵۹	خوبشاونندان : ۱۵۴
دشوار : ۱۴۱	خوبشاونندان نزدیک : ۱۴۶
دشوارآملن : ۱۶۳	خوبشتن : ۱۵۷، ۱۵۹
دشوارگرفتن : ۱۵۵	خوبشتن داری : ۱۶۶
دشواری : ۱۴۸	خیانت کان : ۱۴۹
دل : ۱۵۲، ۱۵۸	
دلبر کردن : ۱۴۶	« د »
دنیا : ۱۵۳	دانا : ۱۵۴، ۱۵۶
دوان دوان : ۱۶۴	دانش : ۱۳۸
دوچندان : ۱۶۰، ۱۶۵	داننده : ۱۳۴
دوزخ : ۱۲۷، ۱۴۲	دانه افگندن : ۱۶۴
دوست : ۱۶۳	داوری : ۱۳۸
دوست داشتن : ۱۳۲، ۱۳۴	داوری کردن : ۱۳۷
دوستی خدا : ۱۴۵	درآملن : ۱۵۳
دون : ۱۳۴	درآموختن : ۱۴۳، ۱۶۲
دیو : ۱۵۳	درحال : ۱۶۰
دیوان : ۱۳۵	دردناك : ۱۳۵
« ذ »	درست : ۱۶۵
ذبح کردن : ۱۴۶	درگذشتن از کسی : ۱۴۹
ذکر کردن : ۱۵۱	درنگ کردن : ۱۵۷، ۱۶۳
« ر »	درنهان : ۱۵۸
راست دارنده : ۱۳۳، ۱۳۴	درویش : ۱۵۹، ۱۶۲
راست گویان : ۱۳۴	درویشان : ۱۳۱، ۱۴۶، ۱۵۲
راستی : ۱۶۲	درویشی : ۱۴۷
رامخدای : ۱۳۸	دریا : ۱۴۴

راه راست : ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۵  
راه گندیان : ۱۴۷  
راه‌نمای : ۱۳۴  
راه نمودن : ۱۴۱، ۱۵۳  
راه یافتگان : ۱۴۳  
راه یافتن : ۱۴۰  
رجوع کردن : ۱۵۷  
رحمت کتله : ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۶  
رذاله : ۱۶۵  
رستخیز : ۱۳۷، ۱۴۶  
رسته شده : ۱۳۴  
رشته سپید : ۱۴۹  
رشته سیاه : ۱۴۹  
رضای خدا : ۱۵۲، ۱۶۶  
رنج : ۱۵۸، ۱۶۴  
رنجش : ۱۶۴  
رنجوری : ۱۵۰  
روا : ۱۵۵  
روان کرده : ۱۴۴  
روز آخرت : ۱۳۸  
روز رستخیز : ۱۳۲، ۱۳۷، ۱۴۶  
روز قیامت : ۱۵۸، ۱۶۴  
روزه : ۱۴۸  
روزهای شمرده : ۱۳۱، ۱۴۸، ۱۵۲  
روزه داشتن : ۱۴۸  
روزی : ۱۶۰  
روزی دادن : ۱۳۸  
روزی دهنده : ۱۴۴



«س»

ساکن : ۱۲۱  
 سال : ۱۵۹  
 سبک کردن عذاب : ۱۲۲  
 سبکی : ۱۴۷  
 ستردن سر : ۱۵۰  
 ستمگار : ۱۲۵، ۱۳۷  
 ستمگاران : ۱۶۲، ۱۳۸، ۱۳۳  
 سجود کنندگان : ۱۳۸  
 سخر : ۱۲۵  
 سخرین : ۱۳۲  
 سخت خصومت : ۱۵۲  
 سخت عذاب : ۱۴۵  
 سخت عقوبت : ۱۵۳، ۱۵۱  
 سختیها : ۱۲۷  
 سخن : ۱۳۸  
 سخن گفتن : ۱۶۲  
 سخون : ۱۲۷  
 سخون گفتن : ۱۴۶  
 سرای بازپسین : ۱۳۲  
 سرایها : ۱۶۰، ۱۳۲  
 سزاوار آمدن : ۱۳۳  
 سنت گذاشتن : ۱۵۶  
 سنگ : ۱۶۵  
 سود کردن : ۱۳۸، ۱۳۵  
 سوگندان : ۱۵۶  
 سوگندما : ۱۳۱

سوی : ۱۵۳، ۱۶۰  
 سهمناک : ۱۵۳  
 سبکی : ۱۵۵  
 سیمای روی : ۱۶۶

«ش»

شا کران : ۱۲۸  
 شب و روز : ۱۶۶  
 شراب : ۱۶۳  
 شرع : ۱۵۵  
 شریعت : ۱۵۸  
 شفاعت : ۱۶۲  
 شفاعت کردن : ۱۶۳  
 شکر کردن : ۱۴۶، ۱۲۳  
 شکستن کسی را : ۱۶۲  
 شکوه مند : ۱۲۲  
 شکمند : ۱۴۱  
 شکیا آن : ۱۲۳  
 شکیابان : ۱۶۱، ۱۲۷، ۱۲۳  
 شکیایی : ۱۲۳  
 شمار : ۱۵۲  
 شمرده : ۱۲۸، ۱۳۱  
 شنوا : ۱۶۳، ۱۳۹  
 شوهر : ۱۵۸، ۱۵۷  
 شیطان : ۱۶۳

«ض»

صحبت زنان : ۱۵۶

صحبت کردن با زن : ۱۵۱

صدقه : ۱۶۲

صلاح : ۱۶۵

صلاح آرنده : ۱۵۵

صلح : ۱۵۷

### « ض »

ضایع کردن : ۱۲۱

ضعیف : ۱۶۵

ضلالت : ۱۶۳

### « ط »

طاعت : ۱۵۲، ۱۶۶

طاقت بودن : ۱۶۱

طعام : ۱۶۳

طلاق : ۱۵۶

طلاق دادن : ۱۵۷

طلاق داده : ۱۵۷

طواف کردن : ۱۲۲

طواف کنندگان : ۱۳۸

### « ظ »

ظالمان : ۱۶۰

ظلم کردگان : ۱۶۶

ظلم کردن : ۱۵۸

### « ع »

فدا دادن : ۱۴۸	قبالة حق : ۱۴۱
فدا کردن : ۱۴۸	قدر : ۱۵۵، ۱۵۹
فدیه : ۱۵۰	قصد کردن : ۱۵۶
فراخ : ۱۶۳	قطره : ۱۶۵
فراخ دستی : ۱۶۱	قمار : ۱۵۵
فراخ شدن : ۱۶۳	قول : ۱۳۷
فراخ عطا : ۱۶۱، ۱۳۷	قوم موسی : ۱۶۱
فراخ کردن : ۱۶۰	قیامت : ۱۵۸، ۱۶۵
فرار سبده : ۱۴۳	
فراموش کردن : ۱۵۹	«ك»
فرزند : ۱۵۷، ۱۶۵	کاین : ۱۵۸، ۱۵۹
فرشتگان : ۱۳۴، ۱۴۴، ۱۵۳، ۱۶۱	کار : ۱۶۵
فرمان : ۱۵۵	کاردنیا : ۱۵۳
فرمان برداران : ۱۳۷	کارزار : ۱۶۰
فرمان بردن : ۱۳۳	کارزار کردن : ۱۶۲
فرمان خدای : ۱۳۴، ۱۳۵	کار کردن به عقل : ۱۶۰
فرمانها : ۱۵۷	کارکنندهی به حکمت : ۱۵۹
فروود آوردن : ۱۳۲	کافران : ۱۳۳
فروفرستان : ۱۳۳، ۱۴۵	کتاب : ۱۵۳، ۱۵۸
فریضه کردن : ۱۵۹	کراهیت : ۱۵۲
فساد کردن : ۱۵۲	کردارها : ۱۴۰، ۱۶۳
فضل دادن : ۱۳۸	کرسی : ۱۶۳
	کسب کردن : ۱۴۰
	کشت : ۱۵۲
	کشتزار : ۱۵۶
	کشتگان : ۱۴۷
	کشتی : ۱۴۲
قادر : ۱۶۲	
قادر به عقوبت : ۱۵۵	

## «ق»

کف : ۱۶۱

کفارت : ۱۵۶

کفر : ۱۵۲

کوه : ۱۶۲

### « گ »

گامهای دیو : ۱۲۵

گاه : ۱۲۷

گذشتن از چیزی : ۱۵۷

گران و دشوار آمدن : ۱۶۳

گردانیدن بادها : ۱۲۲

گردانیدن روی : ۱۲۱

گردندگان : ۱۲۳

گردن نهادن : ۱۳۹

گردن نهادندگان : ۱۲۰

گردبدگان : ۱۳۹

گرسنگی : ۱۲۳

گرفتن به چیزی : ۱۵۶

گروه : ۱۶۱، ۱۳۷

گروهان : ۱۳۹

گرویدگان : ۱۳۳

گرویده : ۱۵۵، ۱۳۹

گزند کنندگان : ۱۳۵

گشودگی : ۱۶۱

گفتار : ۱۵۸

گفتارها : ۱۶۳

گمان‌مندان : ۱۲۲

گمراه : ۱۶۳

مومنان : ۱۵۶	محنت : ۱۵۲
مه (= نه) : ۱۳۹	مرغ : ۱۶۲
مهر : ۱۵۹	مردگان : ۱۲۳
مهربان : ۱۵۲	مردم : ۱۵۲
مهلت دادن : ۱۲۲	مردمان : ۱۶۶، ۱۵۲
میانگین : ۱۵۹	مرگ : ۱۲۲
مبغ : ۱۵۳	مزگت : ۱۳۷
میل کردن : ۱۲۷	مزگت حرام : ۱۲۹
میوه‌ها : ۱۳۸	مزگت شکمند : ۱۲۲، ۱۲۱
	مزگتها : ۱۲۹
« ن »	مژده دادن : ۱۲۳
نادانان : ۱۲۱	مژده ده : ۱۳۴
ناسپاسی کردن : ۱۶۳	مژده دهنده : ۱۵۳
ناشکری : ۱۲۳	مسامحت کردن : ۱۵۹
نافله کردن : ۱۲۲	مسکینان : ۱۲۶
ناگرویدگان : ۱۶۱، ۱۳۵	مسمی کردن : ۱۵۹
نامه : ۱۲۶	مشده دادن : ۱۵۶
نامه خدای : ۱۳۵	مشركان : ۱۲۰
نانویستندگان : ۱۳۱	مفسد : ۱۵۵
نبوت : ۱۶۲	مقرشلن : ۱۳۲
نزدیکی کردن : ۱۵۶	ملت : ۱۳۸
نسکها : ۱۵۱	ملك : ۱۶۰
نشان : ۱۲۱	ملکت : ۱۶۱
نشانه‌ها : ۱۶۰	منت نهادن : ۱۳۸
نشانه‌های خدا : ۱۲۳	منسوخ کردن : ۱۳۵
نصرت : ۱۶۱، ۱۵۲	منفعت کردن : ۱۲۲
نصرت دادن : ۱۶۲	منفعتها : ۱۵۵
نصب : ۱۵۲	موافق : ۱۵۸

نعمت خدای: ۱۵۳، ۱۵۸

نفرین: ۱۳۳

نفرین خدای: ۱۴۲

نفرین کردن: ۱۳۲، ۱۴۲

نفرین کنندگان: ۱۴۲

نفقه: ۱۶۰

نفقه کردن: ۱۶۵

نکاح: ۱۵۹

نکاح کردن: ۱۵۷

نگاه داشت: ۱۶۳

نگاه داشتن: ۱۵۷

نگه کردن: ۱۶۳

نماز: ۱۵۹

نماز دیگر: ۱۵۹

نماز کردن: ۱۵۹

نمازگاه: ۱۳۸

نماز میانگین: ۱۵۹

نمازها: ۱۵۹

نمایش مردمان: ۱۶۴

نوشته: ۱۵۸

نهاد: ۱۵۸

نیرومند کردن: ۱۳۲

نیست: ۱۶۵

نیست شدن: ۱۵۲

نیکان: ۱۳۹

نیکو: ۱۵۸

نیکوکار: ۱۳۶، ۱۵۹

نیکویی: ۱۵۷

نیکویی: ۱۵۲، ۱۶۶

## لغات و ترکیبات عربی به فارسی بخش دوم

### «۱»

آباه - پلidan : ۱۲۵	اثم - بزه : ۱۵۵
الآخرة - آنجهان : ۱۵۲، ۱۳۲	اجر - مزد : ۱۶۲، ۱۳۶
آمنوا - بگرویده‌اید : ۱۴۵	اجعل - بکن : ۱۳۸
آیات ینات - حجت‌های پیدا : ۱۳۲	احق - اولیتر : ۱۶۱، ۱۵۷
آیه - نشانی : ۱۶۳	اذکروا - یاد کنید : ۱۵۸
	اذن - دستوری : ۱۶۳

### «۲»

ابتغوا - بجوید : ۱۴۹	اذن - فرمان : ۱۳۲
ابتغوا - جستن : ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۵۲	اذی - رنج : ۱۶۲، ۱۵۶
ابتلی - آزمون کرد : ۱۳۸	الاذی - رنجوری : ۱۵۰
ابدا - هرگز : ۱۳۴	الاذی - رنجانیدن : ۱۶۲
ابناء - فرزندان : ۱۶۰	ارزق - روزی ده : ۱۳۸
ابن السبیل - راه‌گندیان : ۱۵۴، ۱۴۷	ارنی - بنمای : ۱۶۴
ابواب - درها : ۱۴۹	اساری - اسیران : ۱۳۲
اتباع - پس‌روی : ۱۴۷	الاسباب - پیوستگیها : ۱۴۵
اتقوا - بترسید : ۱۵۱	اسباط - فرزندان : ۱۴۱
اثم - بزه، گناه : ۱۴۸، ۱۴۶، ۱۳۲	استعینوا - باری خواهید : ۱۴۳
	استغفروا - آمرزیش خواهید : ۱۵۱

- استکبر نم - بزرگی جسید : ۱۳۲  
استمسك - دست درزد : ۱۶۳  
اسلم - سپارد : ۱۳۶  
اسلم - گردن نه : ۱۳۹  
اشد - سخت ترین، سخت : ۱۴۲، ۱۴۵  
اشركوا - انباز گرفتند : ۱۳۴  
اصابه الكبر - بزد او را پیری : ۱۶۵  
اصحاب الجحيم - باران دوزخ : ۱۳۷  
اصحاب النار - اهل آتش : ۱۵۴  
امطقی - بگزید : ۱۳۹  
اصطفیه - برگزید او را : ۱۶۱  
اظلم - سنگار تر : ۱۳۷  
اعتزلوا - جدا شوید : ۱۵۶  
اعجبکم - خوش آید شمارا : ۱۵۵  
اعصار - باد : ۱۶۵  
اعناب - انگورها : ۱۶۵  
اغنيا - توانگران : ۱۶۶  
افرع - بر ریز : ۱۶۱  
اقام الصلوة - به پای داشت نماز را : ۱۳۷  
اقرب - نزدیکتر : ۱۵۹  
الاقربین - خویشاوندان : ۱۴۷، ۱۵۴  
اقبموا - به پای دارید : ۱۳۱، ۱۳۶  
الوف - هزاران : ۱۶۰  
اليم - سخت دردناك : ۱۳۵  
امام - پیش رو : ۱۳۸  
امانيهم - آرزوهایشان : ۱۳۶  
امة - گروهان، گروه : ۱۳۹، ۱۴۰  
الامر - کار دنیا : ۱۵۳



زمین : ۱۳۷

البر - نیکی : ۱۴۶، ۱۴۹

برزوا - بیرون آمدن : ۱۶۱

بسطة فی العلم - گشودگی و فضل در علم : ۱۶۱

بشر - مشلعه : ۱۵۶

بشری - مزده ده : ۱۳۴

بعض - برخی : ۱۳۲

بعض - بهر : ۱۴۲، ۱۶۳

بعید - دور و دراز : ۱۴۶

بنی - افزون جستن : ۱۳۳

بغیر حساب - بی حساب : ۱۵۳

بکم - گنگ : ۱۴۵

بیع - خرید و فروخت : ۱۶۲

البیوت - خانهها : ۱۴۹

## « ت »

تابع - پس رو : ۱۴۲

تبر - بیزار شدند : ۱۴۵

تبین لهم - پدیدشان شد : ۱۳۶

تخفیف - سبکی : ۱۴۷

تسریع - رها کردن : ۱۵۷

تشابهت - مانده شد : ۱۴۷

تصرف الریاح - گردانیدن بادها : ۱۴۴

التعفف - خوبشنداری : ۱۶۶

تقبل - پذیر : ۱۳۹

التواہن - توبه کاران : ۱۵۶

## « ث »

ثبت - به جای دار : ۱۶۱

الثمرات - میوهها : ۱۳۸، ۱۴۳

## « ج »

جزاء - پاداش : ۱۳۲

جناح - بزه : ۱۵۷، ۱۵۹

جنة - بوستان : ۱۶۵

الجنود - لشکر : ۱۶۱

الجوع - گرسنگی : ۱۴۳

جهنم - دوزخ : ۱۵۲

## « ح »

حب - دوستی : ۱۴۶

حبة - دانه : ۱۶۲

حذر - پرهیز : ۱۶۰

الحر - آزاد : ۱۴۷

الحرث - کشت : ۱۵۲

حرث - کشتزار : ۱۵۶

الحساب - شمار : ۱۵۲

حمرات - حمرنها : ۱۴۵

حفظهما - نگاهداشت ایشان دو : ۱۶۳

حق - سزا : ۱۳۸

حلبم - بایس دارنده عقوبت : ۱۵۶

حلبم - تأخیر کننده عقوبت : ۱۵۹، ۱۶۲

الحی القیوم - زنده پاینده : ۱۶۳

حبوة - زندگانی : ۱۳۲

## « خ »

- خائفین - ترسکاران : ۱۳۷  
 خارجین - بیرون آیدگان : ۱۴۵  
 خاسرون - زیانکاران : ۱۳۸  
 خالصة - بکثا کرده : ۱۳۴  
 الخیث - بدترین : ۱۶۵  
 خیر - آگاه : ۱۵۸  
 خزی - خواری : ۱۳۲، ۱۳۷  
 الخصام - سخت خصومت : ۱۵۲  
 خطبة النساء - خواستن زنان : ۱۵۸  
 خطوات الشیطان - گامهای دیو : ۱۵۳، ۱۴۵  
 خلق - آفریدن : ۱۴۴  
 خلة - دوستی : ۱۶۲  
 الخمر - سکی (ظ: سبکی) : ۱۵۵  
 الخوف - ترس : ۱۳۶  
 الخط الابيض - رشتی سپید : ۱۴۹  
 الخط الاسود - رشتی سیاه : ۱۴۹  
 الدار الاخرة - سرای بازپسین : ۱۳۴  
 الداع - خوانندگان : ۱۴۸  
 دعا - خواندن : ۱۴۵  
 دفع - بازداشتن : ۱۶۲  
 الدنيا - این جهان : ۱۳۲، ۱۵۲  
 دون الله - بیرون خدای : ۱۳۶  
 دون الناس - بیرون مردمان : ۱۳۴  
 دبار - سرایها : ۱۳۲، ۱۶۰

### « ذ »

- ذرية - فرزندان : ۱۶۵  
 ذو فضل - خداوند فضل : ۱۳۵

صراط مستقیم - راه راست : ۱۵۳	السائلین - خواهندگان : ۱۴۷
صفوان - سنگ : ۱۶۵	سبیل الله - راه خدای : ۱۶۶
صلد - خشک : ۱۶۵	سحر - جادوی : ۱۳۵
الصلوات - نمازها : ۱۵۹	سرا - درنهان ، پنهان : ۱۶۶، ۱۵۸
الصلوة - نماز : ۱۴۳	سعة - فراخ دستی : ۱۶۱
الصلوة الوسطی - نماز میانگین ، نماز دیگر :	سعی - بشافت : ۱۳۷
۱۵۹	سعبا - دوان دوان : ۱۶۴
صم - کر : ۱۴۵	السفها - نادانان : ۱۴۱
« ض »	سکینه - آرامش : ۱۶۱
ضارین - گزند کنندگان : ۱۳۵	السلم - آشتی : ۱۵۳
الضالین - گمراهان : ۱۵۱	السمیع - شنوا : ۱۵۶، ۱۳۹
الضرا - بیماری ، رنج و محنت : ۱۵۲، ۱۴۷	سنبلة - خوشه : ۱۶۴
ضل - گم شد : ۱۳۶	سنه - خواب آسایش : ۱۶۳
الضلالة - گمراهی : ۱۴۶	سواء السبیل - راه راست : ۱۳۶
« ط »	« ش »
طل - باران خرد قطره : ۱۶۵	شدید العقاب - سخت عقوبت : ۱۵۱
الطلاق - پای گشادگی : ۱۵۷	شفاق - بدبختی : ۱۴۰
طیب - پاک : ۱۴۵	شهادة - گواهی : ۱۴۱
طیات - پاکیزه ها : ۱۴۵	شهدا - گمراهان : ۱۴۱
« ظ »	الشباطین - دیوان : ۱۳۵
ظالمون - ستمگاران : ۱۵۷، ۱۳۳	الشیطان - دبو : ۱۵۳، ۱۴۵
الظالمین - ستمگاران : ۱۳۸، ۱۳۴	« ص »
الظلمات - تاریکیها : ۱۶۳	الصابرین - شکیبایان : ۱۶۱، ۱۴۷، ۱۴۳
« ع »	صادقین - راست گویان : ۱۳۶، ۱۳۴
	الصالحین - نیکن : ۱۳۹
	الصبر - شکیبایی : ۱۴۳

- عابدون - پرستندگان : ۱۳۰  
 العاكفين - پرستندگان : ۱۳۸  
 العالمين - جهان‌نیا : ۱۳۸ ، ۱۶۲  
 عدل - داورى : ۱۳۸  
 عدوان - از حد در گذشتن : ۱۳۲  
 عدوان - ستم : ۱۵۰  
 عدوميين - دشمن آشکارا : ۱۴۵  
 عدوميين - دشمن هويدا : ۱۵۳  
 العروۃ الوثقى - گوشه‌ی محکم : ۱۶۳  
 العزيز - بی‌همتا : ۱۳۹  
 عزيز - ارجمند : ۱۵۳ ، ۱۵۷  
 العسر - دشواری - ۱۴۸  
 عصينا - فرمان نبردیم : ۱۳۳  
 العظام - استخوانها : ۱۶۳  
 عقلة - بستن : ۱۵۹  
 علانية - آشکارا : ۱۶۶  
 علیم - داننده ، دانا : ۱۳۲ ، ۱۳۹

### « غ »

- غافل - بی‌آگاهی : ۱۳۲ ، ۱۴۱  
 غضب - خشم : ۱۳۳  
 غفور - آمرزگار : ۱۴۶ ، ۱۵۶  
 الغمام - مبع : ۱۵۳  
 غنى - بی‌نیاز : ۱۶۴  
 الغنى - گمراه : ۱۶۳

### « ف »

- فئة قلبه - گروه اندك : ۱۶۱

- الکبر - پیری : ۱۶۵  
 کتاب - نامه : ۱۳۸، ۱۳۵  
 کذبتم - به دروغ گرفتم : ۱۳۲  
 کلم الله - سخن گفت خدای با او : ۱۶۲
- « ل »  
 لا تتبعوا - پس روی مکنید : ۱۴۵  
 تحلفوا - بمسئرتید : ۱۵۰  
 لا تعندوا - ستم مکنید : ۱۴۹  
 لا تعزموا : آهنگ مکنید : ۱۵۸  
 لا تنكحوا - مکنید به زنی : ۱۵۵  
 اللاعنون - نفرین کنندگان : ۱۴۴  
 لامة - پرستار : ۱۵۵  
 لباس - پوشش : ۱۴۸  
 لبث - درنگ کردی : ۱۶۳  
 لعنت - نفرین : ۱۳۳  
 لن يدخل - اندر نشود : ۱۳۶  
 لو يعمر - اگر بزید : ۱۳۴  
 الليل - شب : ۱۴۴
- « م »  
 المال - خواسته : ۵۳  
 مشرین - مؤده دهنده : ۱۵۳  
 مبین - آشکارا : ۱۴۵  
 مبین - هویدا : ۱۵۳  
 المتطهرین - پاکیزگان : ۱۵۶  
 المنفون - برهیز گاران : ۱۴۷  
 المتقین - نرسکاران و برهیز گاران : ۱۶۰  
 منابة - ثواب گاه : ۱۳۸  
 مثوبة - پاداش : ۱۳۵
- المحسین - نیکوکاران : ۱۵۹، ۱۵۰  
 محل - جایگاه : ۱۵۰  
 مخلصون - پرستندگان خالص : ۱۴۰  
 مزحزحه - رسته شده : ۱۳۴  
 مساجد - مزگتها : ۱۴۷، ۱۴۹  
 المساكين - درویشان : ۱۳۱، ۱۴۶، ۱۵۲  
 المسجد - مزگت : ۱۴۱  
 المسجد الحرام - مزگت شکهمند : ۱۴۱  
 شکوه مند : ۱۴۲  
 مسلم - گرویده : ۱۳۹  
 مسلمون - گردن نهادندگان : ۱۴۰  
 المشركات - زنان بت پرست : ۱۵۵  
 المشركين - بت پرستان : ۱۵۵  
 مصلی - راست دارنده : ۱۳۳  
 مصلى - نمازگاه : ۱۳۸  
 مضیبة - فرا رسیده : ۱۴۳  
 المطلقات - زنان هشته : ۱۶۰  
 المعتدين - ستمگاران : ۱۴۹  
 معرضون - روی گردانندگان : ۱۳۲  
 المغفرة - آمرزش : ۱۴۶، ۱۵۵  
 المغفرة - آمرزش : ۱۶۴  
 مقام - جایگاه : ۱۳۸  
 المقر - درویش : ۱۵۹  
 الملكة - فرشتگان : ۱۳۴  
 ملة - دین : ۱۳۹  
 الملك - پادشاهی : ۱۳۶  
 معتربین - گمان مندان : ۱۴۲  
 مندرین - ترسانندگان : ۱۵۳  
 منع - بازداشتن : ۱۳۷  
 المهاد - آرام گاه : ۱۵۲

- المهندون - راه یافتگان : ۱۴۳  
 مهین - خوارکننده : ۱۳۳  
 الموت - مرگ : ۱۳۴  
 المونی - مردگان : ۱۶۴  
 الموسع - توانگر : ۱۵۹  
 الموفون - به جای آرندگان : ۱۴۷  
 مومن - گرویده : ۱۵۵  
 مومنه - گرویده : ۱۵۵  
 مومنین - گرویدگان : ۱۳۳  
 مومنین - باوردارندگان : ۱۶۱  
 المعینه - مردار : ۱۴۶  
 ميثاق - پیمان : ۱۳۲  
 المبسر - قمار : ۱۵۵

### « ن »

- نبيع - پس روی کنیم : ۱۴۵  
 نخيل - خرماستان : ۱۶۵  
 ندا - آواز : ۱۴۵  
 نذیر - بیم کننده : ۱۳۷  
 نزل - فرو فرستاد : ۱۴۶  
 نصاری - ترسایان : ۱۳۷  
 نصیب - بخش : ۱۵۲  
 نصیر - باری کننده : ۱۳۶  
 نقص - کاستن : ۱۴۳

«آ»

آدم (ع) : ۱۱۳

«ا»

ابراهيم (ع) : ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲

۳۳، ۳۴، ۳۶، ۴۲، ۸۲، ۱۱۳، ۱۱۸

۱۱۹، ۱۲۰، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲

۱۵۱، ۱۶۴

ابراهيم نخعی : ۷۴

ابن جریج : ۱۸، ۹۹

ابن حضرمی : ۲۰ : عمرو بن الحضرمی

ابن عباس : ۶، ۷، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۸، ۳۵

۳۷، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۹، ۵۲، ۵۶، ۵۸

۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۶، ۶۹، ۷۰، ۷۱

۷۳، ۷۴، ۷۶، ۸۰، ۸۶، ۸۸، ۸۹، ۹۱

ابو عثمان نهدي : ۱۰۶  
 ابوقيس : رك : صرمة بن انس  
 ابو مرثد : ۹۱  
 ابومنصور : ۵۷  
 ابوهريره : ۱۰۶  
 ابي بن كعب : ۸۰  
 اخنس بن شريق : ۷۲  
 اساف : ۲۲  
 اسحاق : ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۱۴۰  
 اسرائيليان : ۷  
 اسمعيل (ع) : ۱۵، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴  
 ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸، ۱۰۸، ۳۶  
 اسمعيل بن هلقانا : ۱۰۷  
 اسمعيل غفاري : ۹۶  
 البسج : ۸۲  
 امرؤ القيس بن عابس الكندي : ۶۲  
 انس بن مالك : ۱۱۶، ۷۳  
 ايوب : ۷

#### «ب»

بالقسم : رك : محمد(ص)  
 باقيس : رك : صرمة بن انس  
 بخت نصر : ۲۳  
 براء بن عازب : ۳۹، ۶۷  
 بشير بن نعمان : ۹۲  
 بنو اسرائيل : ۱۰۸  
 بني اسرائيل : ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹  
 ۱۱۲، ۱۱۷  
 بني اسرائيليان : ۱۰۹



## نام كسان و فرق و قبایل

جالوت : ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۶۱، ۱۶۲

جبرایل : رك : جبریل

جبریل : ۷، ۱۳، ۱۴، ۳۸، ۳۹، ۵۸، ۱۱۳

۱۳۲، ۱۳۲، ۱۶۲

جموح : ۸۲

جهود : ۳۶، ۵

جهودان : ۳، ۲، ۷، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴

۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۷، ۳۳، ۳۴

۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۵، ۴۶

۵۳، ۵۹، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۱۱۲

۱۱۵

## « ح »

حزقایل : ۱۰۴

حسن بصری : ۵، ۲۳، ۲۸، ۳۶، ۴۲، ۵۱

۶۲، ۶۶، ۷۲، ۹۸، ۱۱۸، ۱۱۹

حكيم بن كيسان : ۸۴

حمس : ۶۲، ۷۱

حمل : ۹۹

حیی بن اخطب : ۱۵

## « خ »

خباب : ۷۹

خزاعه : ۶۳، ۷۱

خواجه بوسهل انمارى : رك : ابوسهل انمارى

خواجه بومنصور : رك : ابومنصور

## « د »

شمعون : ١٠٥

## «ص»

صرمة بن انس : ٦٠، ٦١

صهيب بن سنان : ٧٥، ٧٦، ٧٩

## «ض»

ضحاك : ١٨، ٢٢، ٢٤، ٢٥، ٦١، ٦٦، ٧٠

٧٣، ٧٤، ٨٢، ١٠٥، ١٠٨، ١١٢، ١١٥

١١٦، ١٢٢، ١٢٥، ١٢٦، ١٢٧

## «ط»

طاغوت : ١٦٣

طالوت : ١٠٧، ١٠٨، ١١٠، ١١١، ١٦١

ططوس بن اسبيانوس : ٢٣

## «ع»

عامر بن صعصعة : ٧١

عايشة : ٨٧، ٩٢

عبدالله بن ابي امية المخزومي : ٢٠

عبدالله بن ابي : ٧٩

عبدالله بن ابي نجيع : ١٨

عبدالله بن جعثن : ٨٣، ٨٥، ٨٦

عبدالله بن رواحة : ٩٢

عبدالله بن سلام : ٥، ٢٧، ٧٦

عبدالله بن عمر : ٧٢

عبدالله بن مسعود : ٦٩، ٧٩

عبدالرحمن بن عوف : ٨٨، ١٢٠

عبدالله بن اشوع الحضرمي : ٦٢

کلبی : ۵، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۴  
۳۱، ۳۵، ۴۲، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۱  
۶۲، ۶۴، ۶۸، ۷۱، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۹۲

۱۱۱

کنانه : ۶۳، ۷۱

## « ل »

لاوی بن یعقوب : ۱۰۸

## « م »

ماروت : ۱۶، ۱۳۵

مالك بن الصیف : ۱۵

مجاهد : ۷، ۲۲، ۳۷، ۴۵، ۵۲، ۵۶، ۷۸، ۸۰  
۹۳، ۹۵، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۶، ۱۱۸

۱۱۹

محسن : ۸۴

محمد (ص) : ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳،

۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲

۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۲، ۳۷، ۳۹، ۴۰

۴۳، ۴۸، ۵۹، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۸۲، ۸۳

۸۵، ۸۸، ۸۹، ۹۲، ۱۱۳، ۱۲۵، ۱۲۶

۱۳۳، ۱۴۶

محمد بن اسحق : ۷۶

محمد بن کعب : ۸۰

مرشد بن بومرثد : ۹۱

مریم (ع) : ۷، ۱۱۳، ۱۳۲، ۱۶۲

معاذ بن جبل : ۶۲

معقل بن یسار : ۹۹

منغ : ۵

هرون : بك : هارون

«ی»

یحیی (ع) : ۸

یسار : ۹۹

یسع : بك : البسع

یعقوب (ع) : ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۷۹، ۱۰۲

۱۰۷، ۱۳۱، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱

۱۵۳، ۱۶۰

یوشع بن نون : ۱۰۷، ۱۰۸

## «الف»

احد : ٨٧، ٢٣

اردن : ١١٠

## «ب»

بابل : ١٣٥، ١٦

بلد : ٨٧، ٨٢، ٢٣

بيت المقدس : ٢٣، ٢٢، ٣٦، ٣٧، ٣٨، ٣٩،

٥٣، ٢١

## «ت»

تبوك : ١٢٠، ٨٧

## «ج»

جزيرة عرب : ٦٥

## «ح»

م	ع
مدینه : ۱۰، ۲۰، ۲۴، ۲۷، ۷۵، ۶	عرفات : ۷۰، ۷۱، ۱۵۱
۸۲، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۱۰۳، ۱۶	عموریه : ۲۲
مروه : ۳۴، ۱۳۳، ۱۴۲	
مزدلفه : ۷۱، ۱۵۱	ف
مکه : ۸، ۱۲، ۲۰، ۲۵، ۲۹، ۳۰، ۶	فلسطين : رك : فلسطين
۳۹، ۴۲، ۶۲، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۱	فلسطين : ۱۰، ۱۱۰
۷۶، ۷۹، ۸۲، ۸۵، ۸۶، ۱۳۸، ۱	
منا : ۷۲، ۷۴	ق
	قسنطنیه : ۲۳
ن	
نجران : ۲۴	ك
	کعبه : ۲۶، ۲۹، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۱
ی	کوله : ۱۶
يمن : ۷۱	

## نامهای کتابها

انجیل: ۹، ۲۱، ۲۲، ۳۲، ۳۶، ۴۰، ۵۳، ۵۵	د ص،
۵۷	
د ت،	صف: ۳۲
ترجمه تفسیر طبری: ۱۵۱	د ف،
ترجمه و قصصهای قرآن: ۱۵۱	فرقان: ۸
توریت: ۳، ۴، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۲۱	د ق،
۲۲، ۲۷، ۳۶، ۳۹، ۴۰، ۴۵، ۵۲، ۵۳	
۵۵، ۷۷، ۸۱، ۹۳، ۱۰۹، ۱۱۶، ۱۲۲	قرآن: ۵، ۹، ۱۲، ۱۵، ۱۹، ۲۲، ۲۴، ۲۵
۱۲۲	۱۵۸، ۱۲۸، ۱۵۸

1

1

1

1



## صوابنامه

ص ۵	ص ۱۸	آیه ۸۵ (مربوط به	ص ۸۸	س ۱۴	[۸۲]
		سطر ۲۰ است)	ص ۹۰	س ۲۰	والله
ص ۶	س ۴	ان یا نوکم	ص ۹۷	س ۱۱	الایقینما
ص ۱۱	س ۳	قالوا	ص ۹۸	س ۱۳	ضاررا التعتدوا
ص ۱۴	س ۱۱	مژده دهنده	ص ۱۰۱	س ۱۰	ولانعزموا
ص ۱۴	س ۱۹	ما یکفر	ص ۱۰۶	س ۴	من ذا الذی
ص ۲۷	س ۲	اندر کشتی ها	ص ۱۰۷	س ۲	لنی
ص ۵۶	س ۴	خواسته است	ص ۱۱۷	س ۱	لبن
ص ۵۹	س ۵	استجب لکم	ص ۱۲۲	س ۱۳	آیه ۲۶۵
ص ۶۶	س ۱۸	که زفتی مکتب	ص ۱۳۷	س ۱۳	آفریدگار
ص ۷۵	س ۱۷	بس بود	ص ۱۴۴	س ۲	اندر پذیر و بسیارده
ص ۷۵	س ۱۸	و لبس	ص ۱۶۴	س ۱۶	اندوگین
ص ۸۳	س ۱	ماذا ینفقون			